

جغرافیا

۱۱۶

رشد آموزش

دوره سی و یکم، شماره ۲، زمستان ۱۳۹۵، ۸۰ صفحه

فصلنامه آموزشی، تحلیلی و اطلاع رسانی

مدیر مسئول: محمد ناصری
سر دبیر: دکتر سیاوش شایان
مدیر داخلی: دکتر مهدی چوبینه
هیئت تحریریه: دکتر بهلول علیجانی، دکتر اصغر نظریان،
دکتر سیدمهدی موسی کاظمی، مرضیه سعیدی،
کوروش امیری نیا، حوری قاهری
ویراستار: جعفر ربانی
طراح گرافیک: مهدی کریم خانی

- ♦ سرمقاله/ حوضه آبریز، کتاب جغرافیا// دکتر سیاوش شایان/ ۲
- ♦ منشور بین المللی آموزش جغرافیا در سال ۲۰۱۶/ زری یجی/ ۴
- ♦ نظریه اتصال گرایی در جغرافیای انسانی و شهری معاصر/ دکتر زهره فنی/ ۹
- ♦ تدوین طرح درس در جغرافیا/ دکتر عطیه سادات صابری/ ۱۴
- ♦ مقر ژئومورفولوژیک شهر اصفهان/ مصطفی نوروزی/ ۱۸
- ♦ اکوسیستم مرتع شهرستان بانه/ امید مرادی/ ۲۶
- ♦ نجات جنگل های شمال/ محمدمهدی کاوه/ ۲۹
- ♦ هوای فرح بخش جو یا کنند.../ محمود جهان دیده/ ۳۲
- ♦ به خودم می بالم که عمرم را صرف معلمی کرده ام (گفت و گو با دکتر مطیعی لنگرودی)/ محمد دشتی/ ۳۳
- ♦ تحقق توسعه پایدار/ سوران منوچهری، حسین فراهانی/ ۳۷
- ♦ محرومیت، طرد اجتماعی و توسعه نیافتگی؛ تفاوت ها و تشابهات/ ناهیده محمدی، آیت کریمی/ ۴۴
- ♦ نقش بازارچه های مرزی در امنیت و توسعه/ محمدجعفر آجلو، علی آقامحمدی/ ۵۱
- ♦ آغاز و خاتمه یخبندان در خراسان شمالی/ غلامعباس فلاح قاهری، رقیه امینی، فهیمه شاکری/ ۶۰
- ♦ سمپوزیوم ژئومورفولوژی بینهایتون: تاریخچه، روند شکل گیری و فعالیت ها/ دکتر رضا خوش رفتار/ ۶۹
- ♦ منابع جغرافیایی/ دکتر سیدمهدی موسی کاظمی/ ۷۳
- ♦ اخبار جغرافیایی/ ۷۶
- ♦ کشورهای جهان؛ جمهوری عربی سوریه/ سعید بختیاری/ ۷۷

نشانی پستی دفتر مجله: تهران، صندوق پستی ۱۵۸۷۵/۶۵۸۵ تلفن: ۰۲۱-۸۸۸۳۱۱۶۱-۹ داخلی ۳۸۰ تلفن پیام گیر نشریات رشد: ۰۲۱-۸۸۳۰۱۴۸۲ کد مدیر مسئول: ۱۰۲ کد دفتر مجله: ۱۱۲ کد امور مشترکین: ۱۱۴ نشانی پستی امور مشترکین: تهران، صندوق پستی ۱۶۵۹۵/۱۱۱ تلفن امور مشترکین:

۰۲۱-۸۸۸۶۷۳۰۸ و ۶ پیامک: ۰۲۱-۸۹۹۵۹۹۰۳۰۰۰ roshdmag: وبگاه: www.roshdmag.ir

پیام نگار: geography@roshdmag.ir شمارگان: ۴۰۰۰ چاپ: شرکت افست (سهامی عام)

قابل توجه نویسندگان و مترجمان محترم

مقاله هایی را که برای درج در مجله رشد آموزش جغرافیا می فرستید، باید با موضوع مجله مرتبط باشد و قبلاً در جای دیگری چاپ نشده باشد. *مقاله های ترجمه شده باید با متن اصلی همخوانی داشته باشد و متن اصلی نیز همراه آن باشد. چنانچه مقاله را خلاصه می کنید، این موضوع را قید بفرمایید. *مقاله یک خط در میان بر یک رو کاغذ و با خط خوانا نوشته یا ماشین شود. *فایل word و pdf مقالات ضمیمه شده و صفحات مقاله حتما شماره گذاری شوند *اصل نقشه، جداول و تصاویر ضمیمه شود. *نثر مقاله باید روان و از نظر دستور زبان فارسی درست باشد و در انتخاب واژه های علمی و فنی دقت لازم مبذول شود. *مجله در رد، قبول، ویرایش و تلخیص مقاله های رسیده مختار است. *آرای مندرج در مقاله ضرورتاً مبین رأی و نظر مسئولان رشد، نیست. بنابراین مسئولیت پاسخ گویی به پرسش های خوانندگان با خود نویسنده یا مترجم است. *مجله از عودت مطالبی که برای چاپ مناسب تشخیص داده نمی شود، معذور است.

توجه: مجله رشد آموزش جغرافیا از پذیرش مقالات پر حجم (بیش از ۱۲ صفحه) معذور است. همچنین صرفاً مقالاتی که از طریق پیام نگار ارسال شود، داوری خواهند شد.

حوضه آبریز، کتاب جغرافیا!

دکتر سیاوش شایان

همه کسانی که جغرافیا تدریس می کنند یا این موضوع علمی را در تحقیقات دانشگاهی به پایان رسانده اند با مفهوم «حوضه آبریز» آشنا هستند. ما قصد نداریم در این سرمقاله حوضه آبریز را تعریف کنیم و در باب چگونگی آموزش آن سخن گوییم، بلکه می خواهیم چگونگی بهره گیری از حوضه آبریز را، به عنوان مثالی موردی در برنامه ریزی درسی جغرافیا در دوره های مختلف تحصیلی مورد بحث قرار دهیم.

کار حوضه آبریز چیست؟ آب های یک پهنه از یک منطقه را جمع می کند، متمرکز می کند، هدایت می کند و آن ها را به شکل سرشاخه ها و رودخانه ها از منطقه خارج می سازد و در نهایت به دریاچه یا دریا و شاید هم به یک پهنه پست (شوره زار، دشت و ...) می رساند. حوضه های آبریز معمولاً دارای سه قسمت اند: سرآب، میاناب و پایاب. در هر یک از این سه قسمت حرکت آب بر بستر رود و دره های مجاور تأثیر می گذارد و از آن ها تأثیر می پذیرد. گاه دامنه های پیرامون رود موادی را به داخل آن وارد می کنند و گاه رود آنچه را از دامنه ها بدان وارد شده است به مرور زمان برمی دارد و به اشکال مختلف به جای دیگری منتقل می کند.

گرچه در همه آبریزها سه قسمت اصلی وجود دارد اما آنچه در هر یک از آن ها می گذرد از سایر قسمت ها جدا نیست و پیوندی نزدیک بین این سه بخش در هر حوضه آبریز، برقرار است. رود، دامنه ها، بستر رود، مواد بستری و موادی که به وسیله رود حمل می شوند همگی یک کار انجام می دهند: انتقال آب و مواد از جایی به جای دیگر؛ یعنی رسیدن به یک هدفی غایی و آن رساندن آب است به جایی که در آن آرام گیرد (سطح پایه یا سطح اساس). کتاب های درسی جغرافیا، در دوره های مختلف تحصیلی از ابتدایی تا پایان متوسطه را می توان به یک حوضه آبریز تشبیه کرد. بدین معنا که این کتاب ها مفاهیم، مهارت ها و ارزش های جغرافیا و محیط را از سرچشمه (که خودشان باشند) به پایاب (یعنی فهم نهایی دانش آموز) می رسانند. در این راه پریشیب و فراز گاه از دامنه ها هم بر اثر لرزش زمین یا عوامل دیگر موادی اضافی وارد جریان آموزش می شوند اما رود کار خود را می کند و این عناصر اضافی را تخریب و حمل کرده آن ها را در نهایت رسوب می دهد یا به پایاب می رساند. همچنان که سه بخش یک حوضه آبریز را نمی توان از نظر پیوستگی، تداوم جریان آب و اشکال ژئومورفیک بستری از یکدیگر کاملاً جدا کرد و به شکل انتزاعی در نظر گرفت، درس های جغرافیا در پایه های مختلف درسی را هم نمی توان از جریان کلی آموزش جغرافیا، از دوره ابتدایی تا پایان متوسطه، جدا دانست. این مفاهیم، ارزش ها و مهارت ها با هم در دوره های مختلف در کتب درسی و به شکل پیاپی جریان می یابند تا در نهایت به هدف و مقصود خود برسند. در برنامه درسی، ارتباط بین مطالب در یک موضوع درسی را (در اینجا جغرافیا)، «پیوستگی عمودی» می گویند؛ یعنی بین پایه های مختلف از نظر موضوعی یک پیوستگی تفکیک ناپذیر وجود دارد. همچنان که نمی توان جریان آب در یک رود را فقط در یک بازه (مقطعی از رود با ویژگی های رفتاری و ژئومورفیک همگون) مورد مطالعه قرار داد و باید حتماً جایگاه آن را در حوضه آبریز و پیوست آن را با سرآب و پایاب دقیقاً تشخیص داد، کتاب درسی جغرافیای یک پایه تحصیلی را هم نمی توان جدای از جریان کامل این درس در مقاطع و پایه های تحصیلی تحلیل کرد و ارزشیابی نمود. تا زمانی که تمام حوضه آبریز را نشناسیم، توانایی تشخیص ویژگی های یک مقطع (بازه) از رود را هم نداریم.

چند سالی است که درس جغرافیا در دوره ابتدایی در ضمن درس مطالعات اجتماعی، همراه با تاریخ و علوم اجتماعی، عرضه شده و پس از آن نیز همین شیوه به دوره اول آموزش متوسطه تسری داده شده است. با توجه به مثال «حوضه آبریز» اگر جریان سیال آموزش جغرافیا از نظر تأثیر گذاری و پیوستگی مفاهیم، مهارت ها و نگرش ها

بخواهد به پایاب خود برسد، این امر مستلزم سیاستگذاری در کل آموزش جغرافیا در همه مقاطع تحصیلی و همه پایه‌هاست. بنابراین اگر کتابی باید برای یکی از همین پایه‌ها تألیف شود این امر نمی‌تواند بدون پیوستگی دقیق سرآب و پایاب انجام گیرد. این قصه از کجا آغاز شده و به کجا ختم می‌شود: ابتدای آموزش جغرافیا در آموزش عمومی کجا بوده و ما اکنون در کجا هستیم و نهایت جریان آب، جریان آموزش جغرافیا چیست؟ به کدام سطح اساس می‌رسیم: دریا؟ دریاچه؟ شوره‌زار یا تالاب؟

همان‌طور که در طبیعت، سازوکار پیدایش یک حوضه آبریز را آب و هوا، توپوگرافی زمین، شیب، جنس زمین، پوشش گیاهی، کاربری اراضی، دخل و تصرفات انسانی و برخی دیگر عوامل بر عهده دارند، تدوین برنامه درسی هم بر عهده افرادی چون معلمان با تجربه، برنامه‌ریزان درسی، کارشناسان فناوری آموزشی و کمک‌آموزشی و دیگر متخصصانی است که گرد هم می‌آیند و برای رسانیدن جریان آموزش از سرچشمه تا پایاب و گذر آن از سرآب و میاناب برای بازه‌های مختلف آموزش (مقاطع و پایه‌ها)، گام‌به‌گام برنامه می‌ریزند تا در نهایت دانش‌آموزان را از این جریان سیال سیراب کنند.

حال، اگر در بازه‌هایی از رود، دخالت انسان به شکل مستقیم یا غیرمستقیم سبب آشفتگی در جریان طبیعی آب شود، به دنبال آن رود واکنش نشان می‌دهد و اشکال و الگوی آن از حالت طبیعی اولیه خارج می‌شود. ساختن یک سد یا بند آب، یک پل یا کانال مصنوعی، یک بازه رود را آشفته و جریان آب و رسوب را از حالت طبیعی به حالت غیرطبیعی تغییر می‌دهد و در اینجا متخصص رودخانه است که می‌تواند با یک نگاه به شکل حرکت آب و محل‌های تجمع رسوب تشخیص دهد که چرا رفتار رود از حالت طبیعی خارج شده است. این امر در کتاب‌های درسی جغرافیا نیز مطرح است، اگر کتاب درسی یک پایه (یک بازه رود) از شرایط دقیق تدوین و تألیف برخوردار نباشد (بلافاصله یا با تأخیر زمانی در رود و جریان آموزش)، می‌توان با ارزیابی کتاب یا بازه رود به غیرطبیعی بودن رفتار رود پی برد یا فرضاً تکراری و غیر مؤثر بودن مفاهیم، ارزش‌ها و مهارت‌های جغرافیایی ارائه شده در یک پایه تحصیلی. البته گفتیم که متخصص رودخانه یا ژئومورفولوژیست رودخانه می‌تواند تشخیص دهد که کدام بازه رود رفتاری نامعمول از خود بروز می‌دهد؛ و چرا؟ در کتاب درسی نیز متخصص آموزش جغرافیاست که می‌تواند تشخیص دهد چرا دانش‌آموز با مطالب آن پایه دچار رفتاری نامعمول از نظر آموزش و یادگیری جغرافیا شده است. همان‌طور که متخصص رودخانه‌شناسی همه در یک سطح نیستند و برخی تجربیات میدانی بیشتری دارند و برخی کمتر، عده‌ای از آن‌ها با دانش و مهارت‌های روز رودخانه‌شناسی آشنا هستند و عده‌ای دیگر دانشی قدیمی‌تر دارند و ... باید در برنامه‌های درسی جغرافیا نیز، در دوره‌ها و پایه‌های مختلف تحصیلی، چنین شرایطی را داشته باشیم. اما آیا داریم؟ آیا به تعداد کافی متخصص آموزش یا برنامه‌ریزی درس جغرافیا یا دبیران باتجربه وجود دارد که بتوانند برنامه‌های درسی جغرافیا را نقد کنند و اشکالات آن را مشخص سازند و برای بهبود آن طرح و نقد بنویسند و راه را به سوی آموزش جغرافیای به‌روز، مؤثر و مورد نیاز دانش‌آموز امروز هموارتر سازند؟ به نظر می‌رسد در این نوشته حوضه آبریز به خوبی گویای جریان سیال و هدفمند آموزش جغرافیا بود. ما با استفاده از مفاهیم و عبارات و جزئیات حوضه آبریز و تمثیل آن با آموزش جغرافیا توانستیم مواردی را برای اندیشه بیشتر در باب آموزش جغرافیا و راه دشوار آن ارائه کنیم. حال اگر می‌خواهید بیشتر به موارد و مباحث حوضه آبریز و ارتباط آن با آموزش و برنامه‌ریزی درس جغرافیا وارد شوید از شما می‌خواهیم به منابع مربوطه مراجعه کنید:

کتاب‌ها و مقالات متعددی شما را به این امر رهنمون می‌سازند، از جمله مقاله «زمان و رودخانه‌ها» در شماره مجله رشد آموزش جغرافیا.

منتظر بررسی دقیق شما از کتاب جغرافیای پایه دهم (دوره دوم آموزش متوسطه) خواهیم ماند. رودخانه‌ها را با جریان آموزش جغرافیا و این دو را با هم مقایسه و این کتاب را بررسی کنید. ارتباط (پیوستگی) عمودی آن را با دیگر کتب پایه‌های مختلف و به‌ویژه جغرافیا در نظر بگیرید و برای ما مقالات و گزارش‌های تحقیقی خود را ارسال کنید. هیئت تحریریه رشد آموزش جغرافیا از مقالات نقد و بررسی کتب درسی جغرافیا استقبال و مثل همیشه، در صورت تأیید هیئت تحریریه، آن‌ها را خارج از نوبت چاپ می‌کند.

منشور بین‌المللی آموزش جغرافیا

در سال ۲۰۱۶

زری میانجی

کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی گردشگری،
دبیر شهرستان‌های استان تهران



اشاره

منشور بین‌المللی آموزش جغرافیا به‌عنوان یک برنامه عملیاتی توسط اتحادیه بین‌المللی جغرافیا در سال ۲۰۱۶ ارائه شده است. اصول و شیوه‌های این منشور، اساس و پایه آموزش شایسته جغرافیا در تمام کشورها تعیین و شناخته شده است.

کلیدواژه‌ها: اتحادیه بین‌المللی جغرافیا، کمیسیون آموزش، منشور آموزش جغرافیا

هدف منشور آموزش جغرافیا

مجمع عمومی اتحادیه بین‌المللی جغرافیا^۱ در بیست و هفتمین کنگره جغرافیا در واشنگتن دی.سی ایالات متحده آمریکا در سال ۱۹۹۲، منشور بین‌المللی جغرافیا^۲ را به تصویب رساند. (www.igu-cge.org)

این منشور، اصول کمیسیون آموزش جغرافیای اتحادیه

بین‌المللی جغرافیا را به شرح زیر اعلام نمود:

معتقد به اینکه آموزش جغرافیا برای توسعه شهروندان مسئول و فعال در جهان کنونی و آینده، ضروری و لازم‌الاجراست؛
هوشیار به اینکه جغرافیا می‌تواند یک موضوع آگاهی‌دهنده، توانایی‌ساز و تهییج‌کننده برای آموزش در تمامی سطوح باشد، و سبب لذت بردن از زندگی و درک ما از جهان شود؛

آگاه به نیاز دانش‌آموزان برای افزایش رقابت بین‌المللی به منظور همکاری مؤثر در زمینه‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و زیست‌محیطی در جهان رو به زوال؛

نگران در مورد نادیده گرفته شدن آموزش جغرافیا در برخی از نقاط جهان و نیز عدم وجود ساختار و به هم‌پیوستگی در سایر نقاط جهان؛

آماده برای کمک به همکاران در راستای مقابله با بی‌سوادی جغرافیایی در تمامی کشورهای جهان؛ و

حمایت از اصول مدنظر ذکر شده در:

- منشور سازمان ملل؛
- اعلامیه جهانی حقوق بشر؛
- اساسنامه یونسکو؛
- رهنمودهای یونسکو در زمینه آموزش تفاهم، همکاری و صلح

آموزش جغرافیا در برخی نقاط جهان نادیده گرفته شده و در سایر نقاط نیز فاقد ساختار و به هم پیوستگی است

بین‌المللی؛

مکان مشخص و یا بین چند مکان تغییر می‌کنند و از این‌روست که آموزش آن برای تمامی شهروندان در تمامی جوامع ضرورت پیدا می‌کند؛

• آموزش جغرافیا در برخی نقاط جهان نادیده گرفته شده و در سایر نقاط نیز فاقد ساختار و به هم پیوستگی است.

هدف منشور ۲۰۱۶ به‌طور ویژه کمک به سیاست‌گذاران، مدیران آموزشی، برنامه‌ریزان برنامه درسی و مربیان جغرافیا در همه کشورهای و حکومت‌هاست تا از آموزش مؤثر و درست جغرافیا به کلیه جوانان اطمینان حاصل کند و با کمک به مربیان جغرافیا در هر نقطه از جهان بی‌سوادی جغرافیایی را از بین ببرد.

سهام جغرافیا در آموزش

چنانچه جغرافیا به شکل مؤثری تدریس شود، مطالعه آن می‌تواند برای جوانان جذاب و الهام‌بخش باشد. حصول اطمینان از کیفیت آموزش جغرافیا در مدارس از وظایف ضروری سیاست‌گذاران و مدیران آموزشی بین‌المللی است. در کنار زیبایی مسحورکننده زمین، قدرت بی‌کران نیروهای شکل‌دهنده آن و راه‌های اغلب بدیعی که انسان‌ها به واسطه آن‌ها زندگی خود را در محیط‌ها و شرایط مختلف خلق می‌کنند، مطالعه جغرافیا به جوانان کمک می‌کند تا چگونگی شکل‌گیری مکان‌ها و مناظر، چگونگی ارتباط مردم با محیط اطراف، افزایش عواقب ناشی از تصمیمات مکانی هر روزه ما، و فرهنگ‌ها و جوامع گوناگون و به هم پیوسته زمین را درک کرده و از آن سپاسگزار باشند.

بنابراین آموزش جغرافیا یک مسئله حیاتی بوده و منبعی برای آگاهی شهروندان قرن بیست و یکم است که دارند در جهانی به شدت به هم پیوسته زندگی می‌کنند. علم جغرافیا ما را قادر می‌سازد تا با پرسش‌هایی که در رابطه با زندگی پایدار در این جهان است، روبه‌رو شویم. افرادی که جغرافیا را تحصیل کرده‌اند کمتر از دیگران قادر به درک روابط انسان‌ها در جهان و واکنش‌های آن‌ها در قبال محیط‌های طبیعی و سایر محیط‌ها هستند. آموزش جغرافیا به جوانان کمک می‌کند تا چگونگی زندگی مسالمت‌آمیز با دیگر گونه‌های حیات را یاد بگیرند.

تحقیقات جغرافیایی ارض‌کننده حس کنجکاو است. دیدگاه‌های جغرافیا به درک عمیق بسیاری از چالش‌های دوران معاصر نظیر تغییر اقلیم، امنیت غذایی، انتخاب انرژی، استخراج بیش از حد منابع طبیعی و شهرسازی کمک می‌کند. آموزش جغرافیا در خدمت چند هدف آموزشی مهم است. آموزش

• اعلامیه حقوق کودک؛

• اهداف توسعه پایدار سازمان ملل؛ و

• بسیاری از دوره‌ها و بیانیه‌های ملی در زمینه آموزش جغرافیا.

منشور بین‌المللی آموزش جغرافیا برای تمامی مردم جهان توصیه می‌شود.

کمیسیون آموزش جغرافیا در سال‌های بعد به نیابت از اتحادیه بین‌المللی جغرافیا چهار اعلامیه را به شرح زیر منتشر کرد:

• اعلامیه بین‌المللی آموزش جغرافیا در زمینه تنوع فرهنگی^۳ که در بیست و نهمین کنگره جغرافیا در سئول (کره جنوبی) در آگوست ۲۰۰۰ تصویب شد.

• اعلامیه آموزش جغرافیای لوسرن در زمینه توسعه پایدار^۴ که در نشست منطقه‌ای IGU - CGE در لوسرن (سوئیس) در جولای ۲۰۰۷ تصویب شد.

• اعلامیه بین‌المللی تحقیق در آموزش جغرافیا^۵ که در کنفرانس منطقه‌ای IGU در مسکو (روسیه) در آگوست ۲۰۱۵ تصویب شد.

توسعه مستمر رشته جغرافیا و آموزش جغرافیا با تغییر مستمر جهان از سال ۱۹۹۲ همگام بوده است. از این‌رو کمیسیون آموزش جغرافیای اتحادیه بین‌المللی جغرافیا منشور جدیدی را تدوین کرده است. منشور جدید در مقایسه با منشور سال ۱۹۹۲، پیچیده‌تر و دربردارنده برنامه عملیاتی است. توصیه می‌شود مربیان جغرافیایی که در پی جزئیات بیشتر هستند، با منشور ۱۹۹۲ و اعلامیه‌ها و ادبیات موجود در وبسایت کمیسیون آموزش جغرافیا مشورت و همفکری کنند (www.igu-cge.org).

منشور ۲۰۱۶ بر بیانیه‌های پیش از خود تأکید دارد و بیان می‌کند که:

• جغرافیا مطالعه زمین و محیط‌های طبیعی، فیزیکی و انسانی موجود در آن است. جغرافیا امکان مطالعه فعالیت‌های انسانی، روابط بین آن‌ها و تعاملاتشان را با محیط‌هایی از مقیاس محلی گرفته تا جهانی، فراهم می‌سازد.

• در حالی که جغرافیا اغلب پلی بین علوم طبیعی و علوم اجتماعی است، اما مشخصاً رشته‌ای است که با تغییرپذیری مکانی سر و کار دارد؛ مثلاً پدیده‌ها، رویدادها، و فرایندها در یک

آموزش جغرافیا برای تجهیز نسل بعد به دانش، مهارت‌ها، نگرش‌ها و شیوه‌هایی به منظور قدردانی، مراقبت و تصمیم‌گیری منطقی در مورد سیاره ما امری حیاتی است

- چه نوع جغرافیایی نیاز است تا دانش‌آموزان آن را آموزش ببینند؟ سوءبرداشت‌ها و تصورات آن‌ها چیست؟ چگونه می‌توان دانش، درک و مهارت‌های جغرافیایی آن‌ها را افزایش داد؟
- چگونه می‌توان به پیشرفت یادگیری دانش‌آموزان در جغرافیا پی برد؟ چگونه می‌توان این یادگیری را به بهترین شکل کالبره و ارزیابی کرد؟
- مشخصه‌های تدریس مؤثر و مواد و منابع آموزشی در بهبود کیفیت آموزش جغرافیا چیست؟
- چه روش‌های آموزشی در بهبود کیفیت آموزش جغرافیا مفید و مؤثر هستند؟
- چگونه می‌توان سبب بهبود وضعیت آموزش مربیان و معلمان جغرافیا شد تا در پی آن، کیفیت تدریس و سطوح موفقیت در جغرافیا در مدارس افزایش یابد؟
- نتیجه چنین تحقیقی آن خواهد بود که توسعه‌دهندگان دوره‌های آموزشی و مربیان جغرافیا در تمامی سطوح قادر خواهند بود به:
- تصحیح دوره آموزشی و ارزیابی شیوه‌های استفاده شده در تدریس و آموزش جغرافیا؛
- توسعه «جهت‌گیری پژوهشی» در میان معلمان و مربیان جغرافیا که آن‌ها را به تعامل اندیشمندانه و منتقدانه با شیوه‌های آموزشی قادر می‌سازد و نیز توسعه «عادات حرفه‌ای ذهن» که سبب بهبود کیفیت آموزش جغرافیا می‌شود؛ و
- مشخص نمودن اهداف و مقاصد آموزش جغرافیا، بدون توجه به اینکه برنامه درسی جغرافیا به صورت محلی بیان شود.

همکاری بین‌المللی

آموزش جغرافیا در بهترین حالت آن، سهم منحصر به فردی در پیدایش دیدگاه‌های جهانی مهم در نزد جوانان دارد. اگرچه وضعیت آموزش جغرافیا در کشورهای مختلف جهان با یکدیگر تفاوت دارد، اما برخی از جوانان دستیابی کمتری را به آموزش با کیفیت جغرافیا نسبت به سایرین دارند. یکی از روش‌های حمایت از توسعه جهانی و آگاهی از کیفیت آموزش جغرافیا، ترویج و تشویق همکاری بین‌المللی با استفاده از اشتراک‌گذاری منابع محدود و مربیان در کشورهای مختلف برای تدریس سایر مربیان است.

همکاری بین‌المللی در میان مربیان جغرافیا باید از طریق تبادلات دوجانبه و چندجانبه تجربه و تحقیق، ترویج و توسعه داده شود. این مورد می‌تواند دربردارنده تبادل دانش‌آموزان، معلمان، مربیان معلم، و جغرافی‌دان‌ها باشد. این تبادلات می‌تواند بر مواد تدریس، توسعه تحقیق محور در برنامه درسی،

جغرافیا، از طریق افزایش تجربیات جوانان، به آن‌ها کمک می‌کند تا سؤالات را فرمول‌بندی کنند، مهارت‌های ذهنی خود را توسعه دهند و به مسائل تأثیرگذار بر زندگی خود واکنش نشان دهند. آموزش جغرافیا نه تنها کلید مهارت‌های قرن بیست و یکم را به جوانان نشان می‌دهد، بلکه آن‌ها را با ابزارهای مشخص تحقیق نظیر نقشه‌ها، کارهای صحرایی و استفاده از فناوری‌های ارتباطی دیجیتال، نظیر سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS) آشنا می‌سازد.

تحقیق در آموزش جغرافیا

آموزش جغرافیا برای تجهیز نسل بعد به دانش، مهارت‌ها، نگرش‌ها و شیوه‌هایی به منظور قدردانی، مراقبت و تصمیم‌گیری منطقی در مورد سیاره ما امری حیاتی است. چگونگی آموزش جغرافیا به بهترین شکل به طیف وسیعی از فراگیران، یکی از نگرانی‌های عمده است و به تحقیق قابل توجه و مداومی نیازمند است. ما سیاست‌گذاران و مربیان جغرافیا را تشویق می‌کنیم تا ظرفیت لازم را برای تحقیق تئوریک و کاربردی جغرافیا را فراهم کنند. ما به طور خاص آن‌ها را در موارد زیر تشویق می‌کنیم:

- صرف زمان و منابع برای تحقیق و کاربرد آن در کلاس درس و فراتر از آن؛
 - ارزش نهادن به تحقیقات کنونی و تولید دانش در زمینه آموزش جغرافیا؛ و
 - جست‌وجوی مداوم برای شناسایی اولویت‌های تحقیقاتی مناسب و مرتبط در زمینه آموزش جغرافیا.
- کمیسیون آموزش جغرافیای IGU ترویج‌دهنده و حامی تحقیقات در زمینه آموزش جغرافیا چه در داخل کشورها و چه ما بین کشورهاست. این کمیسیون به دنبال توسعه فرهنگ بین‌المللی تحقیق در آموزش جغرافیاست تا در پی آن، سیاست‌ها و شیوه‌های افزایش کیفیت تدریس جغرافیا و آموزش آن در تمامی محیط‌های آموزشی را ممکن سازد.
- معلمان که جغرافیا را در مدارس ابتدایی و بالاتر تدریس می‌کنند باید از هوش تحقیقاتی برخوردار باشند. نیاز است که این افراد بهترین و منتقدانه‌ترین نگاه را نسبت به، برای مثال، استفاده از فناوری‌های جدید، استراتژی یادگیری مبتنی بر حل مسئله و روش‌های آموزش آینده داشته باشند. دلیل این کار آن است که معلمان و مربیان کلید بهبود و پیشرفت در آموزش و معلمان خوب بهترین ابزار برای این کار هستند.
- سؤالات مهم تحقیق عبارت‌اند از:

همکاری بین‌المللی در میان مربیان جغرافیا باید از طریق تبادلات دوجانبه و چندجانبه تجربه و تحقیق، ترویج و توسعه داده شود

آموزش و پرورش و ارزیابی آن‌ها تمرکز یابد.

مربیان و معلمان جغرافیا در تمامی کشورها مورد تشویق قرار می‌گیرند تا چنین تبادلاتی را از طریق کار کمیسیون آموزش جغرافیای اتحادیه بین‌المللی جغرافیا و بسیاری از مجامع و انجمن‌های جغرافیایی دیگر ترویج دهند. سیاست‌گذاران نیز برای شبیه‌سازی و تسهیل همکاری بین‌المللی مورد تشویق قرار می‌گیرند.

برنامه عملیاتی بین‌المللی

برای اینکه تمامی کودکان و جوانان بتوانند از آموزش با کیفیت جغرافیا، مطابق آنچه در بالا بیان شود، بهره‌مند شوند، اتحادیه بین‌المللی جغرافیا از طریق کمیسیون آموزش جغرافیا برنامه عملیاتی زیر را برای سیاست‌گذاران، توسعه‌دهندگان برنامه درسی، و معلمان جغرافیا پیشنهاد می‌دهد که هدف نهایی آن، بهبود کیفیت آموزش جغرافیا در سطح بین‌المللی است.

۱. سیاست‌گذاران آموزشی محلی و ملی، و نیز معلمان جغرافیا در تمامی سطوح، باید سهم آموزش جغرافیا را در جامعه صریح‌تر بیان کنند تا حمایت‌های بیشتری را در خصوص جایگاه آموزش جغرافیا در برنامه درسی به دست آورند.

استدلال‌های قوی برای آموزش جغرافیا عبارت‌اند از:

- همان‌طور که مکان، یک عامل مهم در زندگی، به‌ویژه در دوران جهانی‌سازی و اینترنت است، جغرافیا با تمرکز خود بر تغییرپذیری مکانی، دیدگاه بسیار عملی و مفیدی را در مورد زندگی روزمره فراهم می‌کند.

- جغرافیا رشته‌ای است که اساس آن آگاهی از مکان‌ها و مناطق است. آگاهی از ارزش شرایط و فضاهای منحصربه‌فرد در جهان به هم پیوسته به درک عمیق‌تر ما از تنوع انسانی کمک می‌کند.
- جغرافیا به هر دو مقیاس محلی و جهانی و نیز ارتباط بین این مقیاس‌ها در تجربه انسانی اهمیت می‌دهد.

- جغرافیا به تعاملات انسان با محیط پیرامونش در زمینه مکان‌ها و موقعیت‌های خاص و با مسائلی که ابعاد جغرافیایی قدرتمندی دارد، نظیر خطرات طبیعی، تغییر اقلیم، منابع انرژی، مهاجرت، کاربری اراضی، شهری‌سازی، فقر و هویت اهمیت می‌دهد. جغرافیا پلی بین دانش طبیعی و دانش اجتماعی است و مطالعه جامع این قبیل مسائل را تشویق می‌کند.

- جغرافیا به مردم کمک می‌کند تا چگونه تفکر منتقدانه‌ای در خصوص زندگی پایدار محلی و جهانی و در پی آن، عمل به این

تفکر داشته باشند. جغرافیا چیزی فراتر از یادگیری بسیاری از واقعیت‌ها و مفاهیم است. تمرکز آن بر الگوها و فرایندهایی است که به درک سیاره در حال تغییر ما کمک می‌کنند.

- دانش و مهارت‌های جغرافیایی، به‌ویژه هنگام به‌کارگیری فناوری‌های جغرافیایی، سبب ایجاد فرصت‌های منحصربه‌فردی می‌شود که حس جهان پیشرفته را القا می‌کند. همکاری آن‌ها با یکدیگر سبب شکل‌گیری مجموعه‌ای ارزشمند از مهارت‌های قرن بیست و یکم برای جهان امروز و فردا می‌شود.

۲. سیاست‌گذاران آموزشی ملی و محلی باید حداقل نیازمندی‌ها برای تدریس جغرافیا و سواد جغرافیایی را در اختیار معلمان جغرافیا قرار دهند.

این نیازمندی‌ها براساس اعتقادات زیر است:

- تمامی کودکان در تمامی سطوح درسی ابتدایی و بالاتر، نیازمند دسترسی به آموزش جغرافیای با کیفیت به‌عنوان بخش مهمی از برنامه درسی خود هستند.

- همان‌گونه که معلمان کلید نوآوری و کیفیت در آموزش هستند، معلمان جغرافیای شایسته‌تر باید در تمامی مدارس حاضر باشند تا از اجرا و مدیریت مؤثر برنامه درسی اطمینان حاصل شود. مقررات اولیه آموزش معلمان باید حداقل نیازمندی‌ها را برای معلمان جغرافیا در مدرسه‌های ابتدایی و بالاتر تعیین کند.

- معلمان جغرافیا باید در جنبه‌های فیزیکی و انسانی جغرافیا صلاحیت داشته باشند تا بتوانند هر دو جنبه این رشته را به شکل مناسبی برای سطوح ابتدایی و بالاتر با یکدیگر ادغام کنند.

۳. سیاست‌گذاری آموزشی ملی و محلی و انجمن‌های معلمان جغرافیا باید فرایندهایی را برای تشویق تبادلات شیوه‌های تدریس و یادگیری جغرافیا در سطح (بین) المللی تشویق کنند.

افزایش همکاری و تبادلات بین معلمان جغرافیا در سطح

محلی، ملی و بین‌المللی دارای پتانسیل‌های زیر است:

- تقویت موقعیت جغرافیا در مدارس و نهادهای آموزشی بالاتر؛
- روشن کردن هدف آموزش جغرافیا برای تمامی دانش‌آموزان؛ و
- توسعه شیوه‌های آموزشی مؤثر و نوآورانه در آموزش جغرافیا.

مقایسه استانداردهای جغرافیا و برنامه‌های درسی کشورهای مختلف و نیز ایجاد فرصت برای تبادل معلمان بین‌المللی در راستای گسترش دانش، مهارت‌ها و ارزش‌های اساسی آموزش جغرافیا باید مورد تشویق قرار گیرد.

معلمان باید مورد تشویق قرار گیرند تا تحقیق با کیفیت در آموزش جغرافیا را به عنوان بخشی از مطالعات فراتر از درس در نظر بگیرند

● چشم‌انداز رشته جغرافیا و آگاهی از اهمیت جغرافیا در آموزش، به نمایه رسانه‌ای بالاتری نیازمند است. شبکه‌های حرفه‌ای محلی، منطقه‌ای، ملی و بین‌المللی باید برای مشارکت دادن عموم مردم در کار خود، مورد تشویق قرار گیرند. آموزش جغرافیا برای همه جوانان باید با هدف پرداختن به اولویت‌های محلی و یا ملی و براساس ۵ بند برنامه عملیاتی ذکر شده در بالا طراحی شود. در حالی که برنامه‌های درسی مدارس در نقاط مختلف جهان با یکدیگر متفاوت است، باید به این نکته مهم توجه کرد که برنامه‌های درسی جغرافیا در سرتاسر جهان باید انعکاس‌دهنده دانش جغرافیای معاصر باشند.

کمیسیون آموزش جغرافیای اتحادیه بین‌المللی جغرافیا پیش‌نویس منشور بین‌المللی آموزش جغرافیا را تهیه کرده و مجمع عمومی اتحادیه بین‌المللی جغرافیا در کنگره خود در پکن در آگوست ۲۰۱۶ آن را مورد تأیید قرار داد.

اتحادیه بین‌المللی جغرافیا اصول و شیوه‌های ارائه شده در این منشور را به عنوان یک برنامه عملیاتی بین‌المللی مورد ستایش قرار می‌دهند که در ضمن آن، جوانان در تمامی کشورهای جهان می‌توانند جغرافیا را آنچنان که شایسته آن‌هاست، آموزش ببینند. اتحادیه بین‌المللی جغرافیا در کنگره خود در پکن در سال ۲۰۱۶، این منشور را برای تمامی دولت‌ها و حکومت‌ها و مردم جهان مورد تأیید و اعلان قرار داد و این اصول و شیوه‌ها را به عنوان اساس و پایه آموزش جغرافیا در تمام کشورها تعیین کرد.

پروفسور ولادیمیر کولوسوف^۶

رئیس اتحادیه بین‌المللی جغرافیا

پروفسور جوپ وان در شی^۷ و پروفسور جان لیدستون^۸

رؤسای کمیسیون آموزش جغرافیایی IGU

پکن، ۲۵ آگوست ۲۰۱۶

پی‌نوشت‌ها

۱. International Geographical Union
۲. International Charter on Geographical Education
۳. The International Declaration on Geographical Education for Cultural Diversity
۴. The Lucerne Declaration on Geography Education for Sustainable Development
۵. The International Declaration on Research in Geography Education
۶. Vladimir Kolossov
۷. Joop van der Schee
۸. Prof John Lidstone

۴. سیاست‌گذاران آموزشی ملی و محلی و انجمن‌های آموزش جغرافیا باید یک برنامه تحقیقاتی را برای آموزش جغرافیا توسعه دهند و تحقیقات را در راستای توسعه آموزش جغرافیا تسهیل نمایند.

آموزش جغرافیا در تمامی کشورها باید از طریق حصول اطمینان از هدایت تمامی جنبه‌های آموزش جغرافیا با شواهد محکم براساس یافته‌های تحقیقاتی مرتبط، افزایش یابد. به منظور دستیابی به این هدف:

● سیاست‌گذاران، توسعه‌دهندگان برنامه درسی و مربیان جغرافیا باید تحقیقات بین‌المللی منتشر شده در آموزش جغرافیا را بررسی کنند تا بهترین شیوه را شناسایی و نیز نقاط بیشترین کاربرد آن را تعیین کنند.

● سیاست‌گذاران و مربیان جغرافیا باید در محل‌هایی که با کمبود تحقیق در جغرافیا مواجه است، مکانیسم‌های حمایتی را توسعه دهند.

● سیاست‌گذاران، توسعه‌دهندگان برنامه درسی و مربیان جغرافیا باید مکانیسم‌هایی را توسعه دهند که به سبب آن معلمان در مدارس خود بتوانند به تحقیقات بین‌المللی در رابطه با آموزش جغرافیا به زبان خودشان دست یابند.

● معلمان باید مورد تشویق قرار گیرند تا تحقیق با کیفیت در آموزش جغرافیا را به عنوان بخشی از مطالعات فراتر از درس در نظر بگیرند و چنین تحقیقی را می‌توان از طریق کارگروه‌های تحقیقاتی بین‌المللی افزایش داد که محققان را قادر می‌سازد تا از منابع، هوشمندی و تخصص محلی به بهترین شکل استفاده کنند.

۵. سیاست‌گذاران ملی و محلی و انجمن‌های معلمان جغرافیا و نیز خود معلمان باید ساختار شبکه‌ای حرفه‌ای قدرتمندی را ایجاد و آن را حفظ کنند.

ساختار شبکه‌ای حرفه‌ای بین‌المللی و محلی برای ترسیم افق‌های جدید در آموزش جغرافیا ضروری است. این شبکه‌ها نیازمند حمایت طیف وسیعی از سیاست‌گذاران آموزشی، سازمان‌های جغرافیایی و دیگر ذی‌نفعان است، به‌ویژه:

● باید توسعه حرفه‌ای مستمر آموزش جغرافیا در داخل شبکه‌ها و بین آن‌ها توسط معلمان مورد تشویق قرار گیرد و تسهیل شود؛

نظریه اتصال‌گرایی در جغرافیای انسانی و شهری معاصر

دکتر زهره فنی

دانشیار گروه جغرافیای شهری، دانشگاه شهید بهشتی



تئوریک، تجربی و انتقادی مفهوم اتصال‌گرایی را، در مطالعات جغرافیایی و آنچه از این اصطلاح می‌تواند در اندیشه علمی و عملکرد تجربی ما تأثیرگذار باشد، مورد توجه و تحلیل قرار دهد؛ همان‌طور که در متون و منابع خارجی نیز هدف از تبیین دیدگاه‌ها در این زمینه، تعیین و تثبیت یک تعریف ویژه از «اتصال‌گرایی» یا اولویت دادن به روش متداول در تفکر اتصال‌گرایانه نیست، بلکه هدف بررسی و

مقدمه

در این نوشته کوتاه، در مورد نظریه دیگری در ادبیات علمی کشور بحث می‌شود که سابقه زیادی ندارد؛ و آن نظریه‌ای است که با اقتباس از علوم طبیعی و کامپیوتر و با تأکید بر تکمیل نظریه‌هایی مانند شبکه کنشگران و نظریه انتقادی شهر شکل گرفته و در حال تکامل است. این نظریه با تأکید بر پدیده یا مفهوم ویژه‌ای به نام «اتصال‌گرایی»^۱ یا ترکیب عناصر و عوامل^۲ در جغرافیای انسانی و از جمله در جغرافیای شهری و شهرگرایی معاصر مطرح شده است. این مفهوم طی دهه‌های اخیر، توجه اندیشمندان زیادی را در جغرافیای انسانی و جغرافیای شهری به خود جلب کرده است. اتصال‌گرایی مفهوم چالش‌برانگیزی است که از دیدگاه برخی اندیشمندان مانند مک فارلین، به طرح مجدد و تکامل تئوری شهری انتقادی و مباحث نظری بنیادی کمک کرده است. وی مفهوم اتصال‌گرایی را مفهومی متباین یا مغایر با پیچیدگی‌ها و مباحث شهرشناسی انتقادی مانند اقتصاد سیاسی شهر، انباشت سرمایه، نابرابری و نظایر آن نمی‌داند. همچنین اتصال‌گرایی با سنت اقتصاد سیاسی واقع‌گرا از شهرشناسی انتقادی با دیدگاه فراساختارگرایی تقابلی ندارد. نیکولاس تامپیو^۳ (۲۰۰۹) بحث کرده که مفهوم و بازمعنایی اتصال‌گرایی همیشه سیاسی بوده است برای نمونه ایده دلوز^۴ جناح چپ سیاسی خود را در مفهوم اتصال‌گرایی سازمان‌دهی می‌کند (McFarlane, C. 2011:205).

واژه اسمبلیج (اتصال‌گرایی) با ریشه تاریخی در زبان فرانسه، بر فرایند گردآوری، جمع‌آوری و اتصال اجزاء ماشین‌آلات و افراد انسانی به یکدیگر اطلاق می‌شود.^۵ این مفهوم، به‌طور کلی بر راه‌ها و روش‌های متفاوتی در تحلیل مسائل در دانش جغرافیای معاصر تأکید دارد که پیشتر در علوم ریاضی و سپس در کامپیوتر کاربرد زیادی داشته‌اند. هدف از گردآوری و تبیین دیدگاه‌ها در مورد این مفهوم و تئوری حاصل از آن در مقاله حاضر، معرفی و بررسی جنبه‌های گوناگون آن در حوزه جغرافیای انسانی و به‌ویژه مطالعات جغرافیای شهری و شهرنشینی است. از دیگر اهداف این بررسی، این است که تأثیرات

اتصال گرایی چه به عنوان یک ایده، یک تحلیل، یک لنز توصیفی یا گرایش، در پژوهش‌های علوم اجتماعی کاربرد گسترده‌ای پیدا کرده و به طور ضمنی بر عدم قطعیت، شکل‌گیری، پروسه‌های تبدیل، تلاطم‌ها و جسمانیت پدیده‌های اجتماعی دلالت دارد

(۱۰۸) می‌نویسد، وی به اتصال میان دگرگونی‌های سوخت و سازی و فعالیتی اشاره می‌کند که از طریق حرکت از طبیعت (ماده) و نیروی کار در کلیت تولید کالاها و خدمات شکل می‌گیرد.

اتصال گرایی و جغرافیای شهری

همان‌گونه که پیشتر اشاره شد، این مقاله، به اختصار، با مروری بر مفهوم و تئوری اتصال گرایی، به دنبال شناخت و تبیین واژه، مفهوم، تفکر و کارکردهای اتصال گرایی در جغرافیای انسانی به‌ویژه جغرافیای شهری منطقه‌ای است. به عبارت دیگر، آنچه تاکنون به عنوان تفکرات اتصال گرایی در ادبیات جغرافیای انسانی وارد شده، به برخی از سؤالات و مسائل با انواع ارتباطات و اتصالات بین عوامل و بازیگران در رابطه میان شرایط طبیعی (مادی)، اجتماع و شهر پاسخ داده است یا می‌دهد. کاربرد وسیع آن به عنوان یک مفهوم، مشخصه یا روند طبیعی و توصیف‌کننده شرایط یا وضعیت‌ها، توانسته است تفکر اتصال گرایی را در گرایش‌های عقلی و نسبی‌گرایانه در جغرافیای انسانی معاصر جای دهد. اتصال گرایی امروزه در مباحث زیادی از دانش جغرافیای انسانی به کار می‌رود و در کنار اصطلاحات و پدیدارهایی که دارای بار یا معنای اتصال‌دهی هستند مانند شبکه اینترنت، محیط اجتماعی و ماشین‌آلات، این مفهوم، به واژه‌ای رایج در دایره‌ی واژگان تئوری اجتماعی فضایی معاصر تبدیل شده است. کارهای اخیر اندیشمندان در حوزه‌های مختلف، پدیده واقعی و بنیادی متفاوتی را با عنوان اتصال گرایی نشان و توضیح می‌دهد؛ اتصال گرایی‌های سازگار (Head (2010)، ساخت به مثابه اتصال گرایی (Rose et al. 2010) اتصال گرایی‌های منطقه‌ای (Allen and Cochrane, 2007) و اتصال گرایی جغرافیای سیاسی و اجتماعی (Cowen and Smith (2009 نمونه‌هایی از این موارد می‌باشند. البته کاربرد این اصطلاح مختص به دانش جغرافیا نیست. این عبارت نه تنها به صورت تخصصی در باستان‌شناسی، اکولوژی و تاریخ هنر استفاده شده بلکه هم‌اکنون از واژگان مفهومی در سایر علوم اجتماعی و بشری محسوب می‌شود (ببینید: Marcus and Saka 2006; Philips 2006).

این نوشتار، به‌ویژه، به تفاوت‌های کاربردی آن در جغرافیای اجتماعی و شهری معاصر می‌پردازد. در این بررسی، هدف این است که تأثیرات تئوریک، تجربی و انتقادی مفهوم اتصال گرایی را در مطالعات جغرافیایی و آنچه از این اصطلاح می‌تواند در اندیشه علمی و عملکرد تجربی ما تأثیرگذار باشد مورد توجه و تحلیل قرار دهیم. نقطه شروع بحث در اینجا، تعریف، ویرایش یا تصویب معنای واژه اتصال گرایی نیست بلکه توجه به گوناگونی قابل توجه در کاربردهای آن است. در واقع، ما با مرور بر آثار کسانی که از این اصطلاح یا

معرفی روش‌های متنوعی است که در آن‌ها با اتصال گرایی مواجه‌اند و به عنوان یک توصیف‌کننده، ترسیم‌گر و مفهوم به کار می‌رود.

به هنگام بررسی انواع کاربردهای علمی اتصال گرایی، با طیفی از اختلافات و تفاوت‌ها در چگونگی استفاده از این مفهوم در تفاسیر و تعمیم‌دهی‌ها، روبه‌رو می‌شویم. این موضوع به تفاوت تفکر یا دیدگاه اتصال گرایی در اندیشه‌های نسبی‌گرایانه به‌ویژه در موضوع‌ها یا موقعیت‌هایی با ساختار اجتماعی فضایی بازمی‌گردد که بیشترین تنوع موضوعی را در جغرافیای شهری منطقه‌ای دارد.

کلیدواژه‌ها: اتصال گرایی، روابط اجتماعی فضایی، ناهمگنی، جغرافیای انسانی، شهر.

مفهوم‌سازی اتصال گرایی در شهرشناسی انتقادی

سابقه ورود و طرح مفهوم تفکربرانگیز و مباحثه‌ای اتصال گرایی به حوزه اندیشه‌پردازی‌های علوم انسانی و به‌ویژه جغرافیای شهری و شهرشناسی، به اواخر دهه ۱۹۹۰ میلادی بازمی‌گردد؛ یعنی زمانی که برخی از اندیشمندان جغرافیای سیاسی نظیر کوان و اسمیت (۲۰۰۹)^۵ و سپس آلن و کوچران (۲۰۱۰)^۶ از این مفهوم به عنوان بخشی از یک توصیف‌گر گسترده در تجمیع و به هم تنیدگی روابط تاریخی متفاوت استفاده کردند. از دیدگاه برخی اندیشمندان مانند مک فارلین، این مفهوم‌سازی به طرح مجدد تئوری شهری انتقادی و مباحث نظری بنیادی کمک کرده است. وی مفهوم اتصال گرایی را مفهومی مباین یا مغایر با پیچیدگی‌ها و مباحث شهرشناسی انتقادی مانند اقتصاد سیاسی شهر، انباشت سرمایه، نابرابری و نظایر آن نمی‌داند.

محورهای مهم در مفهوم‌سازی اتصال گرایی در حوزه مطالعات شهری انتقادی عبارت‌اند از: واقعی و ممکن. اولین عرصه ویژه‌ای که اتصال گرایی در شهرشناسی انتقادی ارائه می‌کند گرایش توصیفی به نابرابری‌های شهری به عنوان محصول روابط میان گذشته و عامل بالقوه است. این رابطه وسیله‌ای برای افشای جسمانیت یا فناپذیری یا عدم قطعیت‌های متعددی است که در آن‌ها نابرابری‌های شهری پدید می‌آیند و ممکن است به چالش کشیده و اصلاح بشوند. اتصال گرایی چه به عنوان یک ایده، یک تحلیل، یک لنز توصیفی یا گرایش، در پژوهش‌های علوم اجتماعی کاربرد گسترده‌ای پیدا کرده و به طور ضمنی بر عدم قطعیت، شکل‌گیری، پروسه‌های تبدیل، تلاطم‌ها و جسمانیت پدیده‌های اجتماعی دلالت دارد. بیش از تأکید و تمرکز بر شهرها به عنوان اشکال حاصل از فرایند اتصال گرایی، تفکر اتصال گرایی به پیدایش و روندها در عدم قطعیت‌ها و شرایط بالقوه گرایش و توجه دارد (Colin McFarlane; 2011:205-206). جغرافیای شهری انتقادی شاهد کار زیادی در زمینه رابطه میان طبیعت (مادی بی‌جان) و اجتماع شهری (انسانی)، شهرنشینی سایبری (ماشینی) یا دگرگونی‌های شهری بوده است که برخی از موارد، مفهوم اتصال گرایی را به عنوان یک توصیف تحولات اجتماعی مادی مطرح کرده‌اند. برای نمونه، فارلن به نقل از سوینگدو (Swyngedouw, 2006, p.

منتج می‌شود همان‌گونه که جین بنت (Jane Bennett, 2007) مورد بحث قرار داده است، اتصال‌گرایی به نوعی توپوگرافی نابرابر مسیرهایی نامیده شده که با گذشت زمان، یکدیگر را با مقیاس‌های متفاوت، قطع یا همراهی می‌کنند و به این ترتیب، خودشان از اتصال‌گرایی فراتر می‌روند. حال این سؤال پیش می‌آید که عاملیت، علیت و مسئولیت در کجای اتصال‌گرایی نهفته است و این مفاهیم چگونه تصور می‌شوند. مفاهیمی که جغرافی‌دانان انسانی به دنبال بررسی دقیق آن‌ها در این فرایند هستند.

- سوم اینکه در تقابل با موارد فوق‌گویی، مانند مفاهیم یا تکنولوژی دولتی، اتصال‌گرایی بر اهمیت و فوریت امور بیشتر از حصول نتیجه از آن‌ها تأکید می‌کند. قسمتی از جاذبه اتصال‌گرایی در خوانش یا برداشت آن از قدرت به‌عنوان تعدد همزیستی‌ها نهفته است. اتصال‌گرایی نه به قدرت حکومت مرکزی و نه به توزیع یکسان قدرت، بلکه به قدرت به‌عنوان حکومت ائتلافی و متکثر در حال تغییر اشاره و تأکید می‌کند.

- چهارم، به‌طور کلی و با توجه به برخی تفاسیر از مفهوم شبکه‌ها و روابط شبکه‌ای میان عوامل و اجزاء از دیگر تأکیدهای اتصال‌گرایی، تأکید بر ظرفیت یا شکنندگی و موقتی بودن روابط و اتصالات میان

**دلیل استفاده زیاد از مفهوم و فرایند
اتصال‌گرایی در طیف وسیعی از
موضوع‌های علمی، کارآمدی بسیار زیاد
این مفهوم است از جمله اینکه به‌طور
گسترده‌ای، در توصیف نحوه کنار هم
قرار گرفتن عناصر و اجزای مختلف از آن
استفاده شود؛ می‌تواند جایگزینی برای
شبکه‌ای از مفاهیم برخاسته از تئوری
شبکه باز یگران و عوامل باشد**

عناصر و عوامل است؛ همچنین مراحل جمعیت و پراکندگی اجزا یا عوامل، با شکاف‌ها و فواصلی همراه هستند.

گفته شده که گسترش عبارت یا مفهوم اتصال‌گرایی در جغرافیای انسانی و شهری، تنها در صورتی قابل درک است که آن را به‌صورت یک رابطه اجتماعی فضایی در نظر بگیریم. اتصال‌گرایی ریشه‌ها و دلایل زیادی دارد که پیدا کردن روش‌هایی برای کاربرد دقیق‌تر این عبارت را امکان‌پذیر می‌کند. بدیهی‌ترین مرجع برای درک مفهوم اتصال‌گرایی تئوری «شبکه باز یگران یا عاملان»^{۱۱} و تأکید دلوز و گواتاری^{۱۲} بر پدیده عاملیت^{۱۳} است (Thrift 2007; Anderson & Harrison 2010). با کنار گذاشتن تفاوت‌های میان شیوه تفکر و بحث‌های این دو دیدگاه، هر دو درباره چگونگی قرارگیری و اتصال عناصر با حفظ ناهمگنی‌های خود در کنار یکدیگر، جهت‌گیری اولیه یکسانی دارند. به این ترتیب کلیت‌ها یا سیستم‌های موجود و متداول، باید از عناصر کاملاً ناهمگون که هیچ‌وقت به یک جسم واحد تبدیل نمی‌شوند بلکه در بهترین شرایط، اجزای شکننده و قابل تجدید نظری هستند، ساخته شده

مفهوم به روش‌هایی متفاوتی استفاده کرده‌اند. سعی در حفظ این تنوع کاربردی داریم. این مرور نشان می‌دهد که تاکنون، حتی یک روش درست یا شیوه‌ای تئوریک برای گسترش و کاربرد ویژه این مفهوم تعریف نشده است.

البته روش‌های متداولی وجود دارد که مشخص می‌کند چگونه کاربرد اتصال‌گرایی می‌تواند انسان‌ها را در انجام کارها و فعالیت‌ها توانمند سازد. این مفهوم بیشتر بر فوریت، تعدد و عدم قطعیت امور انسانی تأکید می‌کند و به تعریف گسترده‌تری از مفهوم «اجتماعی فضایی»^{۱۴} مرتبط می‌شود که برحسب ترکیب عناصر گوناگون، گونه‌ای از ساختار اجتماعی فضایی موقت را شکل می‌دهد. با بررسی بیشتر متوجه می‌شویم که اتصال‌گرایی‌ها در واقع ترکیب عناصر ناهمگون انسانی یا غیرانسانی، آلی یا معدنی، تکنیکی یا طبیعی هستند. به عبارت دیگر، اتصال‌گرایی قسمتی از بازساخت اجتماعی کلی‌تری است که به دنبال کمرنگ یا محو کردن تقسیمات یا تفکیک‌هایی مانند مادی اجتماعی، دوری نزدیکی و ساختار عاملیت می‌باشد (Delanda 2006). در این کاربرد، گسترش عبارت اتصال‌گرایی ما را قادر می‌سازد که آزادانه به شکل یا طریقه وحدت‌یابی عوامل، تداوم آن، انواع ارتباطات و همه عناصر بشری و غیربشری درگیر در آن‌ها فکر کنیم. در واقع، می‌توانیم اشتیاق اندیشمندان معاصر به تئوری اتصال‌گرایی را به‌عنوان پاسخی به گرایش‌های دو سوپیه، یکی به تقلیل‌گرایی قیاسی از روابط اجتماعی فضایی و دیگری فرایندهای اشکال ثابت یا تنظیم اشکال ثابت، تلقی کنیم. بنابراین کاربرد این مفهوم توسط جغرافی‌دانان، به شناخت نحوه شکل‌یابی طیفی از «پدیده‌های فضایی»^{۱۵} مانند منطقه‌ها (Allen and Cochrane 2007)، مقیاس‌ها (Legg, 2009)، و سرزمین‌ها (Painter, 2010) کمک زیادی کرده است. اگر با دید تخصصی‌تری به موضوع اتصال‌گرایی نگاه کنیم، درمی‌یابیم که در استفاده از این مفهوم بیشتر بر چهار مرحله یا موضوع کلان تأکید شده است:

- نخست اینکه، اتصال‌گرایی بر سطوح یا ضرایبی از جمعیت، وابستگی و پراکندگی میان اجزا یا عناصر مادی و غیرمادی تأکید می‌کند. این موضوع به‌ویژه توجه ما را به نیروی اتصال‌گرایی و بازاتصال‌گرایی^{۱۶} در عوامل و عملکردهای اجتماعی (انسانی) مادی (غیرانسانی) که پراکنده، تصادفی و درهم‌تنیده شده‌اند، جلب می‌کند. با توجه به این مشخصه، اتصال‌گرایی بر «فضائیت و بی‌دوامی»^{۱۷} فرایندها تأکید دارد: عناصر تنها برای پراکنده شدن یا اتصال یافتن، در کنار هم قرار می‌گیرند و آن‌گونه که تانیا موری لی، انسان‌شناس (Tania Murray Li, 2007) می‌گوید، با توجه به مکان و زاویه دید، تغییر شکل می‌دهند. بنابراین اتصال‌گرایی شامل جمع کردن و باز کردن اجزا و عناصری است که مرتباً در حال شکل‌دهی روابط، انسجام و تداوم آن هستند در عین حال که ممکن است دچار تغییرات و از هم پاشیدگی نیز بشوند.

- دوم اینکه اتصال‌گرایی به گروه‌ها، جمعیت‌ها و بسط و انشعاب آن‌ها، بر عوامل یا عاملیت‌های توزیع کارکردها و آثار نیز اشاره ضمنی دارد. اتصال‌گرایی‌های میان پدیده‌ها، به‌طور کامل ارگانیک نیست چون تفاوت‌های میان بخش‌ها یا اجزا به وحدت یا یکپارچگی بالاتری

اتصال گرایی به گروه‌ها، جمعیت‌ها و بسط و انشعاب آن‌ها، بر عوامل یا عاملیت‌های توزیع کارکردها و اثرات نیز اشاره‌ای ضمنی دارد

مشروط از طریق همکاری بین کلمات، احساسات، عناصر مختلف و ... ایجاد می‌شود (Deleuze and Parnet 2006, 52). برخلاف دیگر اشکال نسبی، عوامل ناهمگون کاملاً به‌واسطه موقعیت‌شان در یک ساختار نسبی تعیین نمی‌شوند. محور دوم تمایز بین جابه‌جایی‌ها یا حرکت‌های سرزمین‌گزینی یا سرزمین‌زدایی است؛ زمانی که اجزای ناهمگون به هم می‌رسند و از هم جدا می‌شوند. اتصال‌گرایی‌ها همیشه فرایند کنار هم قرار گرفتن اجزای ناهمگون سرزمینی را دنبال می‌کنند. اما این می‌تواند فرایندی موقتی باشد و زمانی که ارتباطات تغییر می‌کنند، عناصر جدید وارد می‌شوند، اتحادها از بین می‌روند و ارتباطات جدید ایجاد می‌شود. دلوز به این نکته توجه داشت که این دو دسته از جابه‌جایی‌ها و تحرکات در یکدیگر نهفته‌اند و هر پدیده‌ای بین این دو جریان اتفاق می‌افتد. شاید هیجان‌انگیزترین کاری که در زمینه تفکرات بازساخت سرزمینی و سرزمین‌زدایی انجام گرفته در مورد تفاوت‌های اجتماعی مانند جنسیت و نژاد است (Lim 2010; Saldanha 2010). صرف‌نظر از چارچوب تفاوت‌ها بر حسب امتزاج‌ها و اشتراکات، این مطالعه اولیه و مقدماتی در زمینه مفهوم اتصال‌گرایی، تحلیلی برای شناخت سازمان‌یابی کلیت‌ها و نیروی تأثیرگذار تفاوت‌ها بوده است.

– سومین نکته در این رابطه که بر استفاده از اتصال‌گرایی به‌عنوان واصف و مفهوم تأثیر دارد، آن را رویکرد و روش خاصی برای مواجهه با جهانی پیشنهاد می‌کند که در آن به بررسی شیوه‌های تئوری و عملی رسیدن به جهان پویا و در حال‌گذاری از تفاوت‌ها می‌پردازند. به جای آزمون کردن یک فرضیه تکراری که از قبل وجود داشته، گسترش تجربه‌های اتصال‌گرایی، پژوهشگر را به ریسک کردن، پذیرفتن امور و پدیده‌های نامعلوم، نامعین و گوش دادن به صدای آینده، زمره اتصال‌ها یا در هم‌تنیدگی‌های نوینی از خواسته‌ها، ماشین‌آلات و بیانی‌ها و البته در درون اتصال‌های قدیمی، فرامی‌خواند.

به اختصار، دلیل استفاده زیاد از مفهوم و فرایند اتصال‌گرایی در طیف وسیعی از موضوع‌های علمی، کارامدی بسیار زیاد این مفهوم است از جمله اینکه به‌طور گسترده‌ای، در توصیف نحوه کنار هم قرار گرفتن عناصر و اجزای مختلف از آن استفاده شود؛ می‌تواند جایگزینی برای شبکه‌ای از مفاهیم برخاسته از تئوری شبکه‌بازیگران و عوامل باشد. با وجود این تنوع کاربرد، اختلاف نظرها و کنش‌هایی در زمینه رابطه این مفهوم و عبارت با تئوری‌ها، مسائل و مکان‌های متفاوت به وجود می‌آیند. این‌ها حول سؤالاتی که در مطالعات و مباحث مرتبط، بخش ویژه‌ای را تشکیل می‌دهند، تکرار می‌شوند:

۱. تفکر اتصال‌گرایی چه تفاوتی با اندیشه‌های نسبی‌گرا دارد؟ چه ادعاهایی در مورد ارتباط و اصطلاحات این اندیشه‌ها، در مقایسه با

باشند (Latour 2010:3,4). فراتر از این جریان‌ها، استفاده‌های گسترده‌ای از این مفهوم با تأکید بر ترکیب اجزا وجود دارد که اتصال‌گرایی را پدیده‌ای متفاوت و به‌عنوان وصف‌کننده شرایط، فرایندی طبیعی یا یک مفهوم گسترش می‌دهد. اگر به ترتیب این مفاهیم را مطالعه کنیم با تفاوت‌های موجود بین گستره‌های این مفهوم آشنا می‌شویم.

– اول اینکه اتصال‌گرایی به‌عنوان توصیف یا تفسیرکننده شرایط در بعضی از کلیت‌ها یا ترکیب‌های موقت به کار می‌رود. بیشترین موارد این نوع کاربرد، براساس تعاریف این مفهوم در دیکشنری بنا شده است (Sassen, 2006). به‌ویژه ارتباط بین اتصال‌گرایی و حالت جمع‌شدگی و گردآوری شده از یک طرف و تعداد عناصری که در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند از طرف دیگر. با این شیوه گسترش یافتن، اتصال‌گرایی به آرایه‌های نامحدودی از مفاهیم مرتبط شده و با تشکیلات ساختاری موقت در تبادل است. مشکل این قضیه آن است که از حیث واژگانی، هر پدیده‌ای به‌عنوان اتصال‌گرایی توصیف شود. تصور نمی‌شود که چنین کاربردی اشتباه است بلکه حامل این ریسک است که با تأکید بر شکل جایگزینی‌ها، اتصال‌گرایی به‌عنوان یک اسم، جایگزین اتصال‌گرایی به‌عنوان یک فعل شود. به عبارت دیگر این تفکر کار کلیدی تحلیل اتصال‌گرایانه روابط و ترکیب‌های اجتماعی فضایی را که فهم اتصال‌گرایی به‌عنوان فرایند عملکرد به هم تنیده عناصر نامتجانس در گروه‌های غیرهمگن است، نادیده می‌گیرد. درک این ریسک در کاربردهای دقیق‌تر این عبارت به‌عنوان یک توصیف‌کننده در شناخت شکل‌گیری پراکندگی‌های (جغرافیای) خاص به کار می‌رود. برای مثال در جغرافیای شهری این مفهوم هم برای توصیف تحولات اجتماعی کالبدی (Gandy 2005; Farias and Bender 2009) و هم برای توصیف ارتباط بین سیاست‌های جابه‌جایی و تحقق محلی مکانی آن‌ها استفاده شده است (Allen & Cochran 2007; McGuirk & Dowling 2009; McCann & Ward 2011).

– دوم اینکه اتصال‌گرایی بر پایه معنا و عملکردش در ارتباط با دیگر مفاهیم و مسائل مفهومی به‌عنوان یک مفهوم به کار رفته است. این کاربرد بیشتر ناشی از درک افرادی مانند دلوز و گواتاری از جزئیات این مفهوم بوده است. این کاربرد مفهومی، ارتباط زیادی با اتصال‌گرایی به‌عنوان وصف‌کننده دارد؛ به‌ویژه تأکید بر روی فرایند ترتیب و تنظیم مجموعه‌ای از عناصر ناهمگونی که نقش عاملیت دارند و این حس که اتصال‌گرایی‌ها کلیت‌های موقتی و تصادفی هستند (Braun 2008). با وجود این تفاوت‌هایی نیز وجود دارد. به‌جای کاربرد اتصال‌گرایی به‌عنوان مترادفی از شبکه یا عبارتی مرتبط با آن، معنی و کاربردهای بسیار مشخصی دارد. در تعریف دلوز و گواتاری (۱۹۸۷: ۴۰۶)، اتصال‌گرایی، مانند یک صورت فلکی از عناصری است که از یک محیط انتخاب، سازمان‌دهی و طبقه‌بندی شده‌اند. اتصال‌گرایی‌ها به دو محور تقسیم می‌شوند: محور نخست بین اتصال ماشین‌ها و خواسته‌ها و اتصال جمعی اعلام‌هاست. اولی به مجموعه‌ای از کیفیت‌ها، اشیا و ارتباطات اشاره می‌کند و دومی به مجموعه‌ای از زبان‌ها، کلمات و معانی برمی‌گردد. یک واحد موقت و

ریشه‌های بسیاری از مسائل و پدیده‌های شهری را روشن سازد.

پی‌نوشت‌ها

1. Assemblage Theory
 2. Nicholas Tampio
 3. Deleuze
 4. <http://www.collinsdictionary.com/dictionary/english/assemblage>
 5. Cowan & Smith
 6. Allen & Cochran
 7. Social-Spatial
 8. Spatial Phenomena or Forms
 9. Re-assembling
 10. Spatiality and Temporality
 11. actor-network
- برای مطالعه بیشتر به مقاله نویسنده در شماره ۱۰۳ نشریه رشد آموزش جغرافیا، رجوع شود.
12. Deleuze & Guattari
 13. agencement

منابع

۱. فنی، زهره، ۱۳۹۲، فضا، مقیاس و جهانی شدن، تهران: مجله رشد آموزش جغرافیا شماره ۱۰۳، ۱۸-۲۴.
2. Allen J and Cochrane A (2010) Assemblages of state power: Topological shifts in the organization of government and politics. *Antipode* 42(5): 1071-1089.
3. Eugene McCann (Geography Simon Fraser University) (2011), Veritable Inventions: Cities, Policies, and Assemblage; *Annals of the Association of American Geographers* 101 (1), 107-130.
4. Ben Anderson and Colin McFarlane (2011) Assemblage and Geography; (Department of Geography, Durham University, UK.) *Area Journal*:(43.2) 124-127; doi: 10.1111/j.1475-4762.2011.01004.x
5. Ben Anderson, Matthew Kearns, Colin McFarlane, Dan Swanton (2012); On Assemblages and Geography' *Dialogues; Human Geography*, Vol. 2, 171-189.
6. McFarlane C., (2011), Assemblage and critical urbanism *City: analysis of urban trends, culture, theory, policy, action*, 15:2, 204-22; To link to this article: <http://dx.doi.org/10.1080/13604813.2011.568715>.

مرجع

Assemblage and Geography; by: Ben Anderson and Colin McFarlane (Department of Geography, Durham University, UK.) *Area Journal*: 2011(43.2) 124-127 doi: 10.1111/j.1475-4762.2011.01004.x

دیگر افکار نسبی که بر ترکیب اجزا تأکید می‌کنند، وجود دارد؟
۲. چگونه می‌توان روش‌های مشخصی را شناخت که در آن‌ها عناصر ناهمگون با در کنار هم قرار گرفتن به یک کلیت موقت تبدیل می‌شوند؟

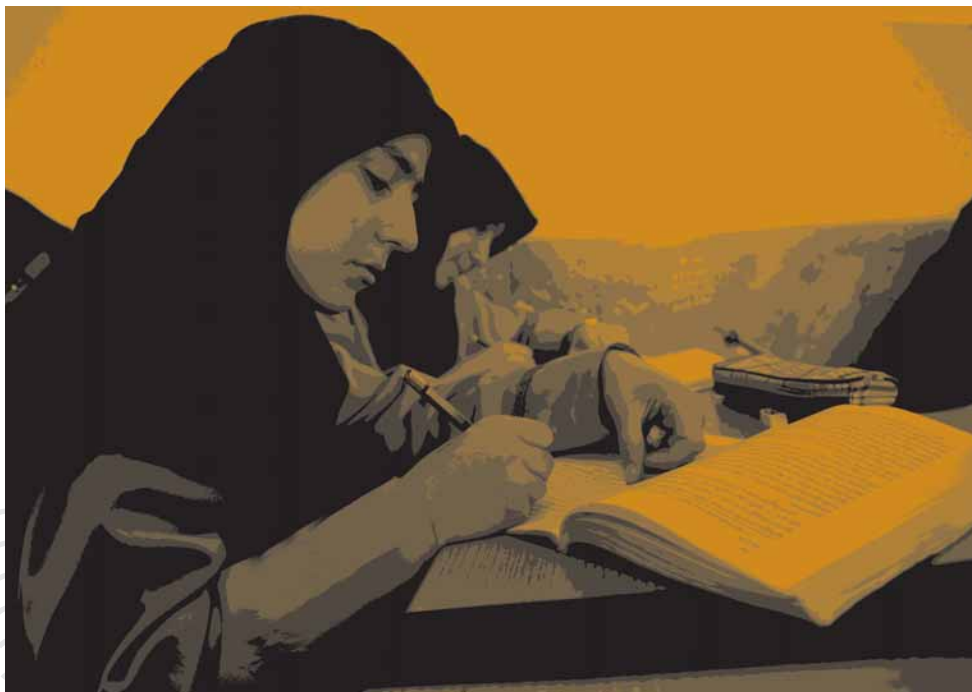
۳. اگر اتصال‌گرایی‌ها، کلیت‌های ارگانیک نباشند، چگونه یکپارچگی یک اتصال‌گرایی مفهوم‌سازی می‌شود؟ چگونه اتصال‌گرایی با دیگر روش‌های نامگذاری یا عبارت‌پردازی‌های اجتماعی فضایی ارتباط پیدا می‌کند؟

۴. چگونه مجموعه‌های منظم، بادوام و نسبی تکرار می‌شوند و باقی می‌مانند؟ همین‌طور، چگونه این منظومه‌ها در فرایندهای مفهوم‌سازی شرکت می‌کنند که در آن‌ها، عناصر اتصال‌گرایی را تغییر می‌دهند یا خود اتصال‌گرایی تغییر می‌کند؟

۵. پیچیدگی‌های علم سیاست و علم اخلاق چگونه بر تنوع هستی‌شناسی و فرایندهای ساختاری اثر می‌گذارند؟ چگونه تفکر و تئوری اتصال‌گرایی ما را به مواجهه با جهان هستی فرامی‌خواند؟ و محدودیت‌های این مواجهه و چالش چیست؟

در زمینه بررسی و تدقیق در این پرسش‌ها، پژوهشگران و اندیشمندان بسیاری گرد هم آمده‌اند تا علاوه بر این‌ها، موضوعات دیگری را به‌صورت تفسیرهای مشخصی طبقه‌بندی کنند. هدف، تشخیص گفتمان کاربردهای متفاوت اتصال‌گرایی با دخیل کردن مردمی که از این عبارت به روش‌های متفاوتی استفاده می‌کنند بوده است. در این مسیر، از جغرافیای شهری فرااستعماری تا تئوری‌های فلسفی و تئوری شبکه عوامل یا بازیگران استفاده می‌کنیم. به این ترتیب، این مجموعه به سرمایه‌گذاری‌ها، قول‌ها و خطرهای متفاوتی که اتصال‌گرایی به تئوری اجتماعی فضایی نشان می‌دهد، اشاره دارد. با مطالعه برخی از کاربردهای اتصال‌گرایی نشان می‌دهیم که چگونه شرایط اجتماعی فضایی در شهرها و کشورها به وجود می‌آیند، گسترش می‌یابند و در رویارویی با بحران‌های متفاوت و به نسبت تئوری‌های متفاوت تغییر می‌کنند. این روند می‌تواند برای سؤال‌هایی مانند، اتصال‌گرایی قادر به انجام دادن چه کارهایی است؟ یا برای تحقیق و عمل کردن چه مسیری یا بستری را فراهم می‌کند؟ و چه وعده‌هایی برای جغرافیا و تئوری اجتماعی فضایی دارد؟ پاسخ‌هایی پیدا کند.

تاکنون پژوهش‌هایی در زمینه سیاست‌های شهری و تفکرات اتصال‌گرایی انجام شده است که از جمله آن‌ها می‌توان به مطالعه یوجین مک کن (Eugene M. 2011) اشاره کرد که در آن چنین توضیح می‌دهد: «هدفم از کاربرد مفهوم و تفکر اتصال‌گرایی تعیین پویایی‌ها و اهمیت سیاست شهری در کاهش آسیب‌های برنامه‌آلودگی بود. این تحقیق شامل ردیابی و مطالعه فصل جریان‌های دانش سیاسی در شهرهای جهان بود. در تحلیل این جریان‌ها و تئوریزه نمودن آن‌ها به این موضوع علاقمند شدم که چگونه این جریان‌ها و روابط به‌طور فعال و هدفمندی به‌هم اتصال و ترکیب یافته و در مکان و به شیوه‌های مؤثری به تعامل و مذاکره با هم می‌پردازند». به این ترتیب، در این زمینه می‌توان به بحث درباره منافع اتصال‌گرایی در مطالعه تصمیم‌سازی‌های شهری، سیاست‌های شهری و ارتباطات شهری جهانی پرداخت؛ موضوعی که می‌تواند



دکتر عطیه سادات صابری

تدوین طرح درس در جغرافیا

با تأکید بر فلسفه آموزش در جغرافیا

اشاره

طرح درس نویسی در جغرافیا بخشی از طراحی آموزشی معلمان جغرافیا در سطوح متفاوت است. در این مقاله با عنوان «تدوین طرح درس در جغرافیا؛ با تأکید بر فلسفه آموزش در جغرافیا» سعی شده است به این مهم پرداخته شود که اهداف طرح درس نویسی در جغرافیا را در جهت بیان فلسفه آموزشی معلمان جغرافیا بدانیم. سعی دیگر ما آن است که معلمان جغرافیا را به کوشش در فعال سازی تفکر در فراگیران خود برانگیزانیم. و بالاخره اینکه با تدوین طرح درس، فراگیران را در جهت شناخت و تفکر درباره مفاهیم جغرافیایی، ارائه مفاهیم نو، به خصوص درباره محیط (اعم از محیط طبیعی و محیط انسانی) یاری دهیم.

کلیدواژه‌ها: طرح درس، جغرافیا، تفکر، شناخت محیط، شناخت مفاهیم جغرافیایی.

مقدمه

از کلاس‌های درس شروع می‌شود. همه معلمان جغرافیا نیازمند آموختن فن آموزش یا دانش پداگوژی هستند تا بتوانند به شیوه‌های مناسبی به «برنامه‌ریزی درسی و ارزیابی دانش‌آموزان» (احمدی، ۱۳۹۳، ۸) بپردازند. یکی از این فنون، تدوین طرح درس^۱ در جغرافیاست تا «علاوه بر جذاب کردن محتوا، منابع مورد نیاز برای دانش‌آموزان را نیز سازمان‌دهی» (ملکی‌پور، ۱۳۹۳، ۵) کنند.

اگر بخواهیم فراگیرانی داشته باشیم که بتوانند تفکر کنند و تحول در آموزش جغرافیا را بهبود بخشند، و اگر تفکر را مبتنی بر قوانینی بدانیم «که هشیارانه به کار گرفته می‌شوند و مسائل را حل می‌کنند» (احمدی، ۱۳۹۲، ۳۳) و تحقق یادگیری مبتنی بر گسترش حیطه تفکر را «از طریق تفسیر یافته‌ها» (عظیم اوغلی، ۱۳۸۹، ۴۳) بدانیم و باز تأکید داشته باشیم که «یادگیری در صحنه عمل جریان‌سازی می‌شود» (محبی، ۱۳۹۳، ۹) باید اذعان کنیم که هرگونه تغییر و تحول

هدف و فلسفه آموزش جغرافیا آن است که فراگیر خوب فکر کند و در برخورد و شناخت با محیط میزان هوش عملی خود را افزایش دهد

۲. توانایی در بیان تعاریف تازه از مفاهیم موجود جغرافیایی؛

۳. ارائه مفاهیم نو در علم جغرافیا.

مهم این است که این شناخت از مفاهیم و تفکر درباره آن‌ها بهتر است از بعد محلی یا مکان زندگی فراگیران آغاز شود تا در آن‌ها آوازه احساس نزدیکی به محیط و ثانیاً کاربردی بودن علم جغرافیا را بهبود بخشد. بنابراین در تعریف مفاهیم جغرافیایی لحاظ نمودن دو نکته مهم است؛ یکی ویژگی کلی مفهوم، و دیگری ویژگی خاص آن در هر مکان جغرافیایی.

به عبارت دیگر، این نوع از تعاریف نه باید بسیار وسیع باشند و نه بسیار محدود، طوری که به علت نزدیک بودن به محیط زندگی، از طرف فراگیران بهتر درک شوند و تفکر واگرا را در میان آنان شدت بخشد. در واقع، ممکن است هر یک از آنان عاملی را در یک مکان جغرافیایی ببینند که دیگری نمی‌بیند؛ یا اینکه هر یک پیشنهادهای متفاوتی را ارائه دهد و در بین عوامل دست به انتخاب مناسب بزنند، که این به معنای تفکر بهتر درباره محیط جغرافیایی و به نوعی تفکر واگرا و رسیدن به پاسخ‌های متفاوت است.

هدف و فلسفه آموزش جغرافیا آن است که فراگیر خوب فکر کند و در برخورد و شناخت با محیط میزان هوش عملی خود را افزایش دهد. سطوح متفاوت محیط جغرافیایی و نیز تفاوت عوامل جغرافیایی در شناخت آن، ذهن فراگیر را به سوی انعطاف در تفکر و دوری از جزم‌اندیشی می‌کشاند، و این چیزی است که در کلاس‌های آموزش جغرافیا نیازمند آن هستیم و خود شامل موارد زیر است:

- افزایش میزان توجه به شباهت‌ها و تفاوت‌های محیط جغرافیایی و میزان دآوری‌های دقیق از آن؛

- توجه بیشتر به پیامدهای پیشنهادهای آینده‌نگری مناسب؛

- توجه بیشتر به توسعه مهارت‌های فردی و جمعی در آموزش جغرافیا.

طرح درس نویسی در جغرافیا

شاید بتوان طرح درس نویسی در جغرافیا را نوعی، طراحی آموزشی مبتنی بر شناخت محیط و گسترش حیطه تفکر فراگیر درباره محیط جغرافیایی و مفاهیم آن دانست؛ به علاوه بر موارد زیر نیز تأکید دارد:

۱. به اهداف عینی و رفتاری^۵ در آموزش جغرافیا توجه شود؛

۲. مهارت‌های مهم در آموزش جغرافیا اجرایی شود تا در فراگیر «به کارگیری فعال آموخته‌ها» (فرد دانش، ۱۳۷۶، ۱۱۰) محقق شده و او مفاهیم جغرافیایی را به آسانی^۶ درک کند.

۳. اهداف ارزشیابی تکوینی^۷ در شناخت مفاهیم جغرافیایی طراحی شود و تصمیم‌گیری^۸ معلم جغرافیا را در اطمینان از رخ دادن یادگیری،

هر طرح درس، به زبان ساده، یک الگو برای معلم جغرافیاست و «یک الگو هنگامی می‌تواند نمایانگر دانش باشد که:

- به سادگی برای افراد قابل فهم باشد؛

- به درجه‌ای از اطمینان قابل اعتبار باشد؛

- کاربردی باشد؛

- مطلب جدیدی را ارائه دهد که کاربر قبلاً از آن اطلاع نداشته یا در پی یافتن آن» (آذر، ۱۳۸۸، ۸۹) بوده است.

بنابراین این مقاله با اهداف زیر به بحث پیرامون تدوین طرح درس در جغرافیا می‌پردازد:

- هر طرح درس (به‌خصوص روزانه) اهداف عینی^۲ را در آموزش جغرافیا بیان می‌کند که به‌خصوص در مورد گسترش حیطه تفکر و شناخت گام به گام محیط جغرافیایی است.

- هر طرح درس در جغرافیا روش، سبک و فلسفه یا چرایی آموزش جغرافیای هر معلم جغرافیا را بیان می‌کند.

- تدوین طرح درس در جغرافیا میزان انعطاف‌پذیری معلمان جغرافیا را در آموزش آن مشخص می‌کند [که این انعطاف‌پذیری] که به توجه به ویژگی‌های فراگیران در هر کلاس شکل می‌گیرد.

روش تحقیق در این مقاله مبتنی بر شناخت گام به گام مؤلف در مراحل طرح درس نویسی و تطبیق آن با اهداف تدریس جغرافیا و نیازهای ویژه‌های مانند آموزش فاوا^۳ و برنامه درسی ملی است و حاصل تجربه عملی مؤلف در تدریس جغرافیا، تدریس در آموزش‌های ضمن خدمت، مطالعه و کنکاش و تحلیل شناخت نیازها در آموزش جغرافیا در سطوح متفاوت آموزشی است.

پروورش تفکر و برنامه‌ریزی در کلاس‌های آموزش جغرافیا

معلمان و مدرسان جغرافیا با تدریس این درس و بهبود بخشیدن به روش‌های آموزشی خود سعی می‌کنند بازتاب فکری خود را گسترش دهند و آن را به فراگیران خود نیز منتقل سازند. هر محیط جغرافیایی دارای توانایی‌ها و مسائلی است که با تفکر می‌توان آن‌ها را حل کرد؛ زیرا در «تبیین مسائل جغرافیایی، ما همیشه با طرح سه سؤال چه کسی «گروه‌ها» چه چیز «نتیجه» و کجا «مکان‌ها» (فرید، ۱۳۷۹، ۲۴) نیازمند پاسخ و کنکاش هستیم که نیازمند تفکر درباره آن‌هاست. در هنگام برنامه‌ریزی باید گام به گام مواردی را که باید اجرا شود تعیین کنیم و برای کلاس درس جغرافیا نیز، با توجه به تفکر تبیینی^۴ طراحی آموزشی را شروع کنیم تا اهداف و ابزارهای خود را برای یادگیری بهتر بشناسیم و مشخص سازیم.

تعریف مفاهیم جغرافیایی

مفاهیم جغرافیایی باید به آسانی قابل درک و فهم برای فراگیران باشند. شاید از مهم‌ترین این مفاهیم شناخت محیط و ابعاد تازه‌ای از آن است که با نوآوری درباره محیط مطرح می‌شوند. در این میان فراگیر باید در سه مسیر گام بردارد:

۱. شناخت مناسب از مفاهیم محیط اعم از محیط طبیعی و انسانی و تفکر و قضاوت (ارزشیابی) درباره این مفاهیم؛

طرح درس نویسی در جغرافیا می تواند معلمان جغرافیا را از سطوح ابتدایی تا عالی در شناخت محیط جغرافیایی و مفاهیم آن و نوآوری در تدریس، ارائه مفاهیم نو در جغرافیا و تدریس آن یاری دهد

با اجرای روش های خاص یادگیری، نشان دهد.

در طرح درسی که ارائه شده (جدول ۱) سعی شده است همه موارد بالا رعایت شود و نیز توجه به برنامه درسی ملی در بخش حیطه ها و اهداف، و آموزش فاوا بیان شود که با توجه به مهم ترین آن ها در شناخت مفهوم محلی توسعه پایدار است که دانش آموزان رشته انسانی در درس آخر جغرافیای ۱ آن را آموخته اند.

نتیجه گیری

طرح درس نویسی در جغرافیا می تواند معلمان جغرافیا را از سطوح ابتدایی تا عالی در شناخت محیط جغرافیایی و مفاهیم آن و نوآوری در تدریس، ارائه مفاهیم نو در جغرافیا و تدریس آن یاری دهد. به علاوه موجب گسترش حیطه تفکر معلم و فراگیر درباره شناخت بهتر از محیط و مفاهیم آن می شود و به معلم جغرافیا کمک کند تا فلسفه تدریس خود را در جغرافیا بهبود بخشد. در واقع معلم قبل از فراگیر به این مهم فکر می کند که چرا من به تدریس جغرافیا و مفاهیم آن می پردازم، چگونه این روند را بهبود بخشم و این شیوه تدریس چه اثری بر گسترش حیطه تفکر در فراگیران جغرافیا دارد؛ همه این ها فلسفه آموزش جغرافیا را بیان می کند و آن را بهبود می بخشد.

پی نوشت ها

1. Lesson plan
۲. اهداف عینی «بیان کننده تغییرات خاص و آشکار در رفتار دانش آموز است که به عنوان مشارکت وی در یک واحد از فعالیت های یادگیری از او انتظار می رود» (سیلور، ۱۳۸۰، ۲۵۱)
۳. آموزش فاوا یا فناوری ارتباطات و اطلاعات، دلایل زیادی دارد که مهم ترین آن «بسط و توسعه مهارت های لازم در آزمایش فرضیه ها و روش های ادراک علمی» (به نقل از آندوود، ۱۹۹۴، لاولس، ۱۳۸۴، ۴۷) است.
۴. «هدف از تفکر تبیینی توانمند ساختن و خرد کردن تفکرات به گام های کوچک است و توضیح اینکه چگونه از مرحله ای به مرحله بعد» (تلخابی، ۱۳۹۱، ۷) می رسیم.
۵. اهداف رفتاری عبارت است از «اعمال، رفتارها، حرکات و آثاری که قابل مشاهده کردن، شنیدن، لمس کردن و قابل سنجش می باشند». (صفوی، ۱۳۸۴، ۱۹)
۶. آسانی مخالف دشواری است و «دشواری نیازمند کوشش فکری یادگیرنده در سطح مشخصی از پیچیدگی برای رسیدن به هدفی خاص از یادگیری است» (رئیس دانا، ۱۳۹۳، ۱۱)
۷. «ارزشیابی تکوینی بر تحلیل های نسبتاً کوچک (مولکولی) تأکید دارد، در جستجوی علیت است و تجربه های استفاده کنندگان از برنامه علاقه مند است. به علاوه این ارزشیابی ماهیت اکتشافی و انعطاف پذیر دارد و از انواع ابزارهای معلم ساخته و استاندارد استفاده می کند. در ارزشیابی مرحله ای، معلم پرسش ها را مطرح می کند تا مهارت بین راهی را اندازه بگیرد، یعنی مهارت هایی که دانش آموزان باید یاد بگیرند تا بتوانند مهارت نهایی را کسب کنند» (به نقل از پوپهام، ۱۹۹۰، موسوی، ۱۳۸۴، ۲۳)

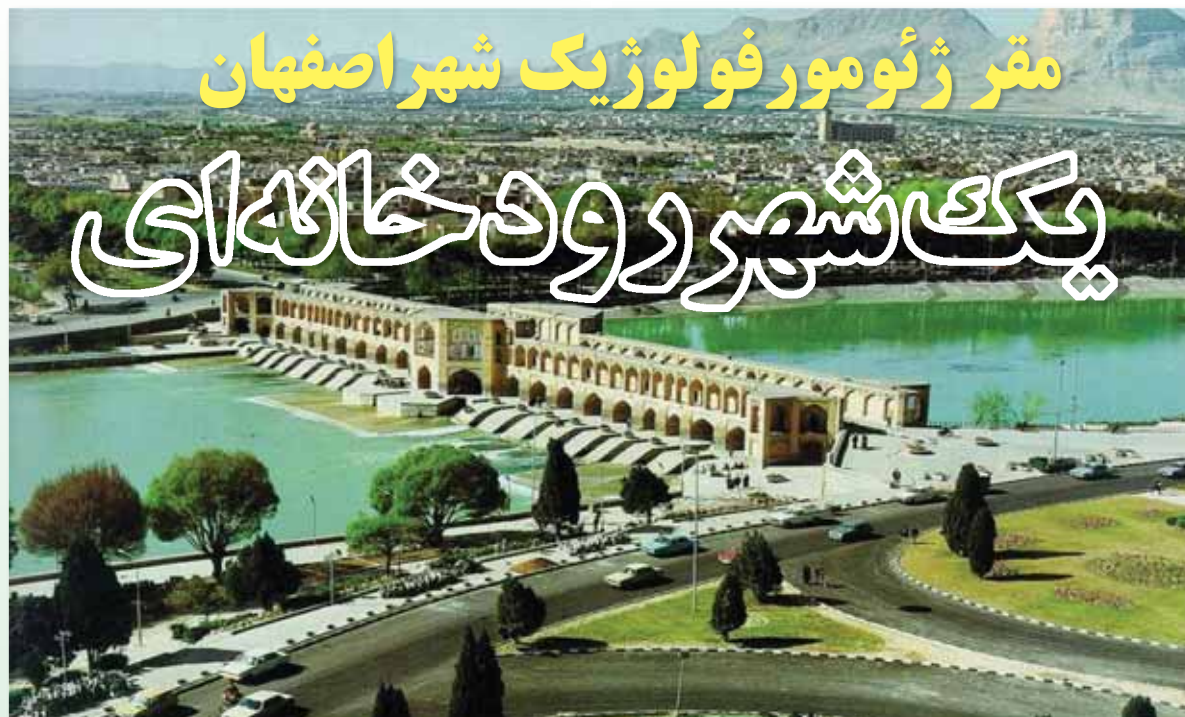
۸. «مهم ترین اصل در تصمیم گیری، دقت مبتنی بر اطلاعات واقعی است» (یادگارزاده، ۱۳۹۳، ۲۰)
۹. در یادگیری مبتنی بر برنامه درسی ملی نیز به چهار عرصه توجه می شود که عبارتند از: «خود، خدا، جامعه، نظام خلقت» (معافی، ۱۳۹۴، ۲۲) «در این الگو هدف گذاری با توجه به اهداف ساخت های تربیتی در دوره های تحصیلی، عناصر پنج گانه تربیتی (تعقل، ایمان، علم، عمل و اخلاق) و چهار عرصه ارتباطی دانش آموز (با خود، خدا، خلق و خلقت) به صورت به هم پیوسته و با محوریت تعلیم و تربیت دینی و مقصد غایی آن یعنی خداوند متعال، تبیین و تدوین می شود». (معافی، ۱۳۹۳، ۴۰)

منابع

۱. آذر، عادل و احمدی، پرویز و وحید سبط، محمد. ۱۳۸۸. تعیین شاخص های مؤثر بر گزینش منابع انسانی با رویکرد داده کاوی، فصل نامه علمی پژوهشی تعلیم و تربیت، شماره ۱۰۰.
۲. احمدی، علی اصغر، ۱۳۹۲. خلاقیت فرایند یا محتوا، فصل نامه رشد آموزش مشاور مدرسه، شماره ۳۴.
۳. احمدی، غلامعلی و دوانی، شیرین. ۱۳۹۳. ادغام دانش فناوری با دانش محتوا و هنر تدریس، ماهنامه رشد تکنولوژی آموزشی، شماره ۲۴۳.
۴. تلخابی، محمود. ۱۳۹۱. تفکر در فرایند آموزش، ماهنامه رشد تکنولوژی آموزشی، شماره ۲۲۶.
۵. رئیس دانا، فرخلقا. ۱۳۹۳. برنامه ریزی برای تفکر به سطوح بالاتر، ماهنامه رشد تکنولوژی آموزشی، شماره ۲۴۳.
۶. زارعی، حمید. ۱۳۹۲. ضرورت آموزش تفکر انتقادی در آموزش و پرورش، ماهنامه رشد تکنولوژی آموزشی، شماره ۲۳۶.
۷. سیلور، جی گالن و الکساندر، ویلیام ام. و لویکس، آرتور جی. ۱۳۸۰. برنامه ریزی درسی، مترجم: غلامرضا خوی نژاد، مشهد: به نشر، چاپ ششم.
۸. شایان، سیاوش و چوبینه، مهدی و... ۱۳۸۹. جغرافیا (۱)، تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب های درسی، چاپ دوازدهم.
۹. صفوی، امان الله. ۱۳۸۴. کلیات روش ها و فنون تدریس، تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب های درسی ایران.
۱۰. عظیم اوغلی، هایده. ۱۳۸۹. تفکر ساخت گرایی در فرایند یادگیری، فصل نامه رشد آموزش علوم اجتماعی، شماره ۴۸.
۱۱. فرددانش، هاشم. ۱۳۷۶. طراحی آموزشی از منظر رویکردهای رفتارگرایی شناخت گرایی و ساخت گرایی، فصل نامه علمی پژوهشی دانشگاه الزهراء، شماره ۲۴-۲۵.
۱۲. فرید، پدالله. ۱۳۷۹. شناخت شناسی و مبانی جغرافیای انسانی، اهر: دانشگاه آزاد اسلامی.
۱۳. کم، فیلیپ. ۱۳۹۱. هم اندیشی روش و پرورش مهارت های تفکر، مترجم: مریم خسرو نژاد، تهران: قطره.
۱۴. کمالی، یحیی. ۱۳۹۱. نهادهای سازی توسعه پایدار، تهران: جهاد دانشگاهی.
۱۵. لاولس، آوریل. ۱۳۸۴. نقش ICT در کلاس درس، مترجمان: منوچهر فضلی خانی و فرهاد فتحی نژاد، تهران: ورا دانش، چاپ دوم.
۱۶. محبی، عظیم. ۱۳۹۳. تبیین کیفیت آموزش، ماهنامه پیوند، شماره ۴۲۲.
۱۷. معافی، محمود و رون، سیدامیر. ۱۳۹۳. تبیین الگوی هدف گذاری در برنامه درسی ملی (۲)، ماهنامه رشد تکنولوژی آموزشی، شماره ۲۴۶.
۱۸. معافی، محمود. ۱۳۹۴. تبیین الگوی هدف گذاری برنامه درسی ملی، ماهنامه رشد تکنولوژی آموزشی، شماره ۲۴۷.
۱۹. ملکی پور، احمد و مصطفی زاده، اسماعیل. ۱۳۹۳. مهارت های حرفه ای معلمان، ماهنامه رشد تکنولوژی آموزشی، شماره ۲۴۳.
۲۰. موسوی، فرشته. ۱۳۸۴. ارزشیابی مستمر (تکوینی مرحله ای فرایندی)، فصل نامه رشد آموزش زمین شناسی، شماره ۴۲.
۲۱. یادگارزاده، غلامرضا. ۱۳۹۳. تصمیم سازی در آموزش و پرورش، ماهنامه رشد تکنولوژی آموزشی، شماره ۲۴۳.

جدول ۱. طرح درس روزانه درس جغرافیای ۱ (رشته علوم انسانی)

مشخصات کلی			نام درس: جغرافیا موضوع درس: توسعه پایدار	
مدت جلسه: ۹۰ دقیقه شماره طرح درس ۱ نام دبیرستان: تعداد دانش آموزان: ۲۴ نفر			کلاس و مقطع تحصیلی: دوم متوسطه دوره دوم نام دبیر: تاریخ:	
هدف‌های کلی درسی و رفتاری			آشنایی دانش‌آموز با اهداف توسعه پایدار در محیط زندگی.	
			دانش‌آموز در پایان این درس باید بتواند:	
			۱. یک نمونه از موارد توسعه پایدار را در محیط زندگی خود (محل‌شان) شرح دهد.	
			۲. یک نمونه از عکس یا فیلم در این مورد ارائه دهد.	
حیطه‌ها و اهداف (مطابق با برنامه درسی ملی)			۳. یک تعریف نو از توسعه پایدار در محیط زندگی خود در ابعاد محلی ارائه دهد.	
			از دانش‌آموز انتظار می‌رود:	
			۱. نمونه‌ای از حفظ نعمت‌های الهی را در محیط مورد زندگی (محل‌شان) با عکس نشان دهد.	
			۲. اثر مثبت حفاظت از نعمت‌های الهی را در زندگی نزدیکانش (مانند افراد خانواده و همسایگان) شرح دهد.	
وسایل مورد نیاز			کتاب درسی - دستگاه اسکن - رایانه - نرم‌افزار MicroSoft Office/Power Point/Word	
روش‌های تدریس			یادگیری فعال - آموزش فاوا	
مهارت‌های تفکر			تبیینی - تصویری - خلاق.	
قبل از شروع درس			سلام و احوال‌پرسی از دانش‌آموزان - دقت در وضعیت نشستن دانش‌آموزان به شکل گروه‌های ۴ نفره در پشت هر رایانه.	
			تذکر: وجود عکس - کاغذ و مداد - نرم‌افزار Word/power point/ MicroSoft Office در هر رایانه	
ارزشیابی تشخیصی			پرسش از چند دانش‌آموز (از هر تیم یا گروه یک نفر به نمایندگی) درباره شرایط ادامه یک زندگی خوب و مناسب در محله زندگی‌شان.	
آماده‌سازی			رئوس مطالب	
			شناخت ابعاد توسعه پایدار در محیط زندگی	
			فعالیت‌های مربوط به روش‌ها	
			پرسش: موارد حفظ محیط زیست در محله زندگی‌تان به‌طور خلاصه چیست؟ (هر گروه، حداکثر در ۱۰ خط در یک اسلاید پاورپوینت می‌نویسند).	
ارائه مطالب (جدید)			رئوس مطالب	
			تعریف توسعه پایدار در محیط زندگی	
			فعالیت‌های مربوط به روش‌ها	
			از دانش‌آموزان خواسته می‌شود هر گروه یا تیم حداکثر دو تعریف از توسعه پایدار در محیط زندگی خود در اسلاید پاورپوینت بنویسد.	
تکمیلی			رئوس مطالب	
			ارائه نهایی پیشنهادهایی از بهتر زندگی کردن در محیط زندگی (آینده‌نگری در توسعه پایدار)	
			فعالیت‌های مربوط به روش‌ها	
			از دانش‌آموزان خواسته می‌شود هر گروه یک پیشنهاد از ایجاد توسعه پایدار در محیط زندگی خود را در یک اسلاید پاورپوینت همراه با عکس بنویسد، تنظیم کند و نشان دهد.	
ارزشیابی تکوینی			بازدید دبیر از تحلیل هر گروه و طرح پرسش‌هایی از آن‌ها و ثبت نمره هر گروه.	
تکلیف جلسه بعد			درخواست دبیر از دانش‌آموزان برای قرار دادن اسلایدهای نهایی در سایت دبیرستان.	



مقر ژئومورفولوژیک شهر اصفهان

یک شهر رودخانه‌ای

مصطفی نوروزی

دانش‌آموخته کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه تربیت مدرس

چکیده

مکان‌گزینی و توسعه شهر، اصولاً بیش از هر چیز، تابع شرایط محیطی و موقعیت جغرافیایی آن است. در این میان مطالعه ژئومورفولوژیکی محیط و بستری که باعث پیدایش و استقرار شهر گردیده و شهر بر آن آرمیده است از اهمیت قابل توجهی برخوردار می‌باشد. در همین ارتباط، رودخانه‌ها و اراضی پیرامون آن‌ها به‌عنوان یک واحد ژئومورفولوژیک، از دیرباز یکی از مهم‌ترین جاذبه‌های مکان‌گزینی و توسعه شهرها به‌شمار می‌آمده‌اند. تحقیق حاضر با هدف بررسی نقش و جایگاه مطالعات ژئومورفولوژی در مکان‌گزینی و توسعه شهرها، به‌ویژه شهرهای رودخانه‌ای، از یک‌سو به بررسی ادبیات این موضوع و مفاهیم و تعاریف آن می‌پردازد و از طرف دیگر با مشاهدات میدانی و بررسی مطالعات انجام شده قبلی در محدوده مورد نظر به تجزیه و تحلیل نقش رودخانه زاینده‌رود در شهر اصفهان می‌پردازد که برترین عامل تکوین‌دهنده آن شهر محسوب می‌شود. شناخت فرایندها و پدیده‌های مختلف ژئومورفولوژیک و نیز پتانسیل‌ها و محدودیت‌هایی که این عوامل در توسعه شهر دارد نیز وجه دیگر این تحقیق است. نتایج نشان می‌دهد که انجام مطالعات ژئومورفولوژیک، با تجزیه و تحلیل فرم‌ها و فرایندهای ژئومورفولوژیکی حاصل از رودخانه زاینده‌رود، نقش مؤثری در استقرار، توسعه، مورفولوژی، کیفیت زندگی و حتی سیمای کالبدی شهر اصفهان بازی می‌کند.

کلیدواژه‌ها: ژئومورفولوژی شهری، شهرهای رودخانه‌ای، اصفهان، زاینده‌رود.

مقدمه

وجود دارند یا اینکه در نتیجه رابطه انسان با محیط به‌وجود آمده و شکل گرفته‌اند. شهر نیز از پدیده‌های گروه دوم یعنی تبلور نوع خاصی از رابطه انسان در محیط طبیعی و بستر جغرافیایی آن است

درهم‌تنیدگی پدیده‌های طبیعی و انسان‌ساخت که در سطح زمین پدیدار می‌شوند هسته و علت وجودی علم جغرافیا را سبب می‌گردند (شکوئی، ۱۳۸۶: ۱۵). این پدیده‌ها یا به شکل طبیعی

(رهنمایی، ۱۳۸۷).

استقرار و پیدایش هر شهر بیش از هر چیز تابع شرایط محیطی و موقعیت جغرافیایی است. در این میان مطالعه ژئومورفولوژیکی محیط و بستری که باعث پیدایش و استقرار شهر گردیده و شهر بر آن آرمیده است از اهمیت قابل توجهی برخوردار می‌باشد. این امر با توجه به موضوع علم ژئومورفولوژی که به بررسی اشکال زمین و تغییرات شکل آن می‌پردازد و فرایندهای حاصل از این تغییرات را تسریع می‌نماید، موضوع کاربری ژئومورفولوژی را روشن تر می‌کند (نجفی و رنجبر، ۱۳۹۰).

از ژئومورفولوژی تعاریف متعددی ارائه شده است. ژئومورفولوژی یکی از علوم است که مدیران شهری، برنامه‌ریزان و سایر متولیان مسائل اقتصادی و فنی را در انتخاب مکان‌های مطلوب برای استقرار و توسعه سکونتگاه‌ها و سایر ساخت و سازها کمک می‌کند. بررسی مشکلات مربوط به انتخاب مکان مناسب برای ایجاد شهرها، چگونگی استقرار ساختمان‌ها در داخل شهرها، آثار توسعه شهرها روی زمین‌های اطراف و نظایر اینها موضوعات مورد مطالعه ژئومورفولوژی شهری است (روستایی و جباری، ۱۳۸۶: صص ۱-۲). در واقع ویژگی‌های ژئومورفیک و توپوگرافیک یک مکان جغرافیایی نه تنها در پراکندگی یا تجمع فعالیت‌های انسانی مؤثر است، بلکه در نهایت یکی از عوامل مؤثر در شکل و سیمای فیزیکی ساخت‌های فضایی نیز به‌شمار می‌آید. عوامل طبیعی و ژئومورفولوژیک با توجه به موقعیتشان نقش بسیار مهمی در شکل‌گیری و توسعه شهرها دارند. هر یک از مقرهای ژئومورفولوژیک شهر تحت‌تأثیر فرایندهای ژئومورفولوژیک خاص خود هستند و شناخت این فرایندها و فرم‌هایی که ایجاد می‌کنند در تعیین پایداری و ناپایداری ژئومورفولوژیک شهر و محورهای توسعه آتی آن‌ها تأثیرگذار است. شهرها را می‌توان با توجه به مقر ژئومورفولوژیک آن‌ها به شهرهای کوهستانی یا میان کوهی، شهرهای دامنه‌ای، شهرهای دره‌ای، شهرهای جلگه‌ای، شهرهای ساحلی، شهرهای رودخانه‌ای، شهرهای کویری یا غلبه نمک یا رس، شهرهای بیابانی یا غلبه مواد منفصل و فرایندهای بادی و شهرهای مستقر بر سیلاب‌دشت‌ها تقسیم نمود (شایان، ۱۳۹۰).

بسترهای رودخانه نیز یکی از مهم‌ترین عوامل مکان‌گزینی و توسعه شهرها به‌شمار می‌آیند. تحقیقات نشان داده است که شهرها و تمدن‌های نخستین در کنار رودها شکل گرفته‌اند. به تبع همین امر، اکثر شهرهای ایران نیز به کنار رودخانه‌ها یا کنار دریاها کشیده شده‌اند و پیدایش، توسعه و مکان‌گزینی آن‌ها، به تبعیت از ویژگی‌های خاص زمانی و مکانی موجود، از گذشته‌های دور تا امروز، در وابستگی و نزدیکی به آب شکل گرفته‌اند. بسیاری از شهرهای پرجمعیت مثل اصفهان و اهواز و تعداد زیادی از شهرهایی که امروزه در ارتباط با توسعه اقتصادی به گسترش فضایی و افزایش

جمعیت خود دست زده‌اند از مزایای استقرار در کنار رودخانه‌های پرآب برخوردار بوده‌اند (نظریان، ۱۳۸۳: صص ۱۲۳-۱۲۴).

بنابراین با توجه به نقشی که رودخانه‌ها در شهرها دارند و از آنجا که سیستم‌های رودخانه‌ای معمولاً محیط‌های ناپایدار و دینامیکی را به وجود می‌آورند مطالعه آثار و پیامدهای ژئومورفیک آن‌ها نیز در شهرها و مناطق پیرامون، همچون حریم رودخانه‌ها در شهر، بستر رودخانه‌ها، خطرهای ناشی از سیل و ... از اهمیت فزاینده‌ای برخوردار است. این در حالی است که امروزه متأسفانه در مکان‌گزینی شهرها و احداث ساختمان‌ها و تأسیسات شهری بیشتر به سیمای ظاهری و چشم‌انداز طبیعی آن توجه می‌شود و به نیروهای محیطی و ژئومورفولوژیکی چندان عنایتی نمی‌شود (نگارش، ۱۳۸۲).

هدف از مطالعه حاضر تبیین جایگاه مطالعات ژئومورفولوژیک در مکان‌گزینی و توسعه شهرها با تأکید بر شهرهای رودخانه‌ای است. بدین منظور شهر اصفهان که موقعیت، توسعه و حیات خود را مدیون حضور زاینده‌رود است، به‌عنوان مورد مطالعه انتخاب گردید.

از آنجا که سیستم‌های رودخانه‌ای معمولاً محیط‌های ناپایدار و دینامیکی را به وجود می‌آورند مطالعه آثار و پیامدهای ژئومورفیک آنها نیز در شهرها و مناطق پیرامون، همچون حریم رودخانه‌ها در شهر، بستر رودخانه‌ها، خطرهای ناشی از سیل و ...، از اهمیت فزاینده‌ای برخوردار است

نقش ژئومورفولوژی در برنامه‌ریزی شهری

شهرها مجموعه‌هایی درهم تنیده و پیچیده‌اند که همواره از زوایای مختلف علمی مانند جامعه شهری، جغرافیای شهری، مهندسی شهرسازی، برنامه‌ریزی شهری و ... مورد بررسی و مطالعه قرار گرفته‌اند. به این ترتیب هر شاخه علمی یکی از مسائل شهری را مورد تحلیل قرار می‌دهد. یکی از رشته‌های علمی که پیرامون مسائل کاربری‌های زمین و در برنامه‌ریزی و مدیریت محیطی شهرها نقش کاربردی و مؤثری را ایفا می‌کند و نیز از قدمت بالایی برخوردار است، بهره‌گیری از مطالعات علم ژئومورفولوژی به‌عنوان شاخه‌ای از علوم زمین است (رحیمی هرآبادی، ۱۳۹۰). برنامه‌ریزی اساساً به توسعه فیزیکی و استفاده از زمین مربوط می‌شود، بنابراین بدیهی است که اطلاعات مربوط به ژئومورفولوژی و سایر علوم زمین می‌تواند عنصر مهمی، هم در تنظیم طرح‌ها و سیاست‌های برنامه‌ریزی و هم در ارزیابی تقاضاهای خصوصی باشد (هوک، ۱۳۷۲: ۲۴۱). ژئومورفولوژی علم لندفرم‌ها و فرایندهای به‌وجود آورنده، آن‌هاست (Bathrellos و ۲۰۰۷) که از شناخت و تفسیر

علمی، منشأ و چگونگی تشکیل چشم‌اندازهای طبیعی زمین، از نظر ناهمواری‌ها و اشکال سطحی آن بحث می‌کند (رهنمایی، محمد تقی، ۱۳۸۷). در واقع می‌توان گفت: ژئومورفولوژی علم بررسی پدیده‌های سطح زمین و عوامل تأثیرگذار بر آن‌ها در گذشته، حال و آینده است.

ژئومورفولوژی شهری نیز زمین‌شناسی، لندفرم‌ها، فرایندهای ژئومورفولوژیکی و تأثیرات ناشی از شهرنشینی بر آن‌ها را با هم ترکیب می‌کند (Gupta and Ahmad 1999). مفهوم ژئومورفولوژی شهری، در چارچوب درک متقابل آثار فرایندهای ژئومورفولوژی و مسائل شهری و در نهایت خدمت به مردم و رفاه آن‌هاست. زیرا که بدون شناخت موقع و مقر شهرها، ایجاد شهرها میسر نبوده و به تبع آن مشکلات زیادی را به دنبال دارد. همچنین تبیین راهکارهایی جهت آگاهی و استانداردسازی برای شهرسازها، سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان شهری نیز از دیگر مفاهیم اساسی آن به شمار می‌آید (مقیم، ۱۳۸۷: ۳).

شهرها با توجه به مقر جغرافیایی که بر آن واقع شده‌اند، ممکن است برای توسعه آتی خود با پدیده‌های ژئومورفولوژیک مختلفی مواجه باشند. این پدیده‌ها ممکن است اسباب گسترش شهر را

شهرها با توجه به مقر جغرافیایی که بر آن واقع شده‌اند، ممکن است برای توسعه آتی خود با پدیده‌های ژئومورفولوژیک مختلفی مواجه باشند. این پدیده‌ها ممکن است اسباب گسترش شهر را فراهم آورند یا به‌عنوان تنگنا در توسعه و عمران شهری مطرح شوند

فراهم آورند یا به‌عنوان تنگنا در توسعه و عمران شهری مطرح شوند.

در راستای توسعه شهری، در صورتی که به اصول و مکانیسم‌های فرایندهای ژئومورفولوژیک، زمین‌شناسی و مورفودینامیک محیط توجه نشود، تعادل ژئومورفولوژیک محیط به هم خورده و باعث بروز خطرهای بزرگی می‌شود. به دنبال آن تلفات و خسارات جبران‌ناپذیری ایجاد می‌شود (شایان و همکاران، ۱۳۸۷).

شهرهای فراوانی گاه و بی‌گاه از به راه افتادن سیل خسارات فراوان می‌بینند و با مشکلات بسیار روبه‌رو می‌شوند، برخی شهروندان از ریزش کوه آسیب می‌بینند؛ جریان سولیفلوکسیون برخی دیگر را زیرزمینی و جریان‌های زیرقشری ممکن است بعضی از مناطقی را تحت تأثیر قرار داده و عوامل اقلیمی محدوده دیگر را متأثر سازند و بخش‌های دیگر را از نظر ژئومورفولوژیک تهدید کنند. این پدیده‌ها توسعه شهرها را با مشکل مواجهه می‌کنند.

ممکن است وسعتی از زمین با داشتن گستردگی کافی و شیب ملایم و ممتد از نظر توپوگرافی، برای بسیاری از کاربری‌ها مکان مناسبی به نظر برسد، در صورتی که چنین ناحیه‌ای ممکن است گاهی تحت تأثیر جابه‌جایی‌های آرام توده‌ای مواد و سولیفلوکسیون قرار بگیرد یا در مواقعی با طغیان رودخانه، نهشته شدن انبوهی از مواد یا تغییر بستر رود و غیره تهدید شود (روستایی و جباری، ۱۳۸۶: ۱۷۸).

با توجه به مطالب ذکر شده می‌توان مهم‌ترین وظایف ژئومورفولوژی در برنامه‌ریزی شهری را بدین شرح ذکر نمود:

۱ شناسخت بستری که شهر در آن احداث شده یا احداث می‌شود؛

۲ درک و شناخت فرایندهای ژئومورفولوژیک حاکم بر شهر در گذشته و حال؛

۳ پیش‌بینی تغییرات ژئومورفولوژیک احتمالی که در صورت توسعه شهر به وقوع می‌پیوندد.

۴ تعیین پهنه‌های پایدار و ناپایدار شهر از دیدگاه ژئومورفولوژیک؛

۵ تعیین جهات بهینه توسعه شهر با توجه به مسائل ژئومورفولوژیک؛

۶ ارائه پیشنهاد و راه چاره برای مناطقی از شهر که با مسئله ناپایداری یا مخاطره محیطی روبه‌رو شده‌اند (شایان، ۱۳۹۰).

آثار و پیامدهای ژئومورفولوژیک رودخانه‌ها در شهر

رودخانه‌های شهری همواره یکی از مهم‌ترین مکان‌های شکل‌گیری تمدن‌ها و شهرها در طول تاریخ بوده‌اند. رونق کشاورزی و باغداری، مسائل دفاعی، امکان حرکت و جابه‌جایی و بسیاری از عوامل دیگر باعث مکان‌گزینی و توسعه شهرها در کنار رودخانه‌ها می‌باشند. از سوی دیگر رودخانه‌ها آثار و پیامدهای مختلفی بر شهرهای مجاور خود دارند که این امر، مطالعه مقر ژئومورفولوژیک شهرهای رودخانه‌ای را بیش از پیش آشکار می‌سازد.

در شرایط محیطی مختلف، سیستم‌های رودخانه‌ای بسیار پیچیده بوده و به همین علت علوم مختلف از جمله ژئومورفولوژی این سیستم‌ها را از جنبه‌های مختلف مورد بحث و بررسی قرار داده‌اند. ژئومورفولوژیست‌ها رودها را به‌عنوان یکی از فرایندهای مؤثر در تغییر شکل چشم‌اندازها و لندفرم‌های زمین در مقیاس‌های مختلف (حوضه، کانالوبازه) مطالعه می‌کنند (نوحه‌گر و همکاران، ۱۳۸۹). سیستم‌های رودخانه‌ای معمولاً محیط‌های ناپایدار و دینامیکی را به‌وجود می‌آورند و مورفوزن را بر پدوژن غلبه می‌دهند. اصولاً در اکثر مناطق، به‌ویژه در مناطق خشک و نیمه‌خشک، رودخانه‌ها و اراضی حواشی آن‌ها از اراضی وسوسه‌انگیز

به شمار می‌روند و به خاطر نیاز شدید به آب، شهر به تدریج به سمت رودخانه کشیده می‌شود و اراضی جانبی آن را اشغال می‌کند (فرید، ۱۳۷۳: ۵۳).

شهرها معمولاً در مسیر یک یا چند رودخانه قرار می‌گیرند. غالباً ساختمان‌های گوناگون شهری از قبیل بناهای مسکونی، آپارتمان‌ها، مراکز صنعتی و غیره، بر روی مواد رودخانه‌ها، یعنی آبرفت‌ها بنا می‌شوند. گرچه عبور رودخانه یا رودخانه‌ها از وسط شهرها یا از کنار آن‌ها، از جهاتی موهبت بزرگی به شمار می‌آید، اما در بعضی موارد برای مراکز تجمعات انسان‌ها موجب آثار شومی می‌شود. موضوعات مربوط به طغیان رودخانه‌ها و لبریز شدن آن‌ها از نظر حجم کلی آب تخلیه شده و نحوه جریان آن، به‌ویژه هنگام طغیان که ارتفاع آب را نیز مشخص می‌کند، و موادی که توسط جریان آب به جا گذاشته می‌شود به شرایط ژئومورفولوژیک ناحیه بستگی دارد. بسیاری از فعالیت‌های انسان‌ها، به‌ویژه در شهرها، به تمرکز سریع آب‌ها کمک می‌کند. به تناسب سرعت مرکز آب‌ها و کوچک شدن سطح آستانه تمرکز، رودخانه‌ها حالت طغیانی به خود می‌گیرند. ساختن بناهای عظیم، محل‌های مسکونی، مراکز صنعتی و ... در اطراف شهرها و نفوذ این بناها و ساختمان‌ها در بخش اعظمی از بستر رودخانه‌ها، بر فضای ساخته شده شهری می‌افزاید و به موازات آن، از سطوح زمین‌های قابل نفوذ می‌کاهد (رجائی، ۱۳۸۲: صص ۲۱۲ تا ۲۱۴). از طرفی رعایت نکردن حریم رودخانه‌ها در هنگام طغیان می‌تواند برای ساکنان شهر خطرآفرین باشد. برنامه‌ریزان شهری باید تغییرات دوره‌ای و ادواری را مطالعه کنند، زیرا ممکن است یک رودخانه سال‌های سال طغیان نکنند و در دوره آرامش به سر ببرد و حتی مراکز مسکونی و صنعتی هم در حاشیه آن احداث شود ولی ناگهان دوره طغیانی رودخانه شروع شود و خساراتی را به بار آورد (زمردیان، ۱۳۷۸: ۶۲).

تغییر شکل بستر رودخانه‌ها نیز می‌تواند خطرهایی برای مراکز شهرها به بار آورد. تغییرات ناگهانی بستر بعد از گذشت زمان در اثر تغییرات آب و هوایی یا ایجاد تغییر در بستر رودخانه به منظور عمران و توسعه، ممکن است منشأ خسارات سنگینی شود (رجایی، ۱۳۸۷: ۲۶۰). عدم درک چگونگی تغییر رودخانه در نتیجه شهرنشینی و چگونگی واکنش فرایندهای طبیعی نسبت به این تغییرات، بسیاری از ساخت‌ها را در معرض سیل قرار می‌دهد (مقیمی، ۱۳۸۵: ۵۸).

بنابراین مطالعه شدت، مدت یا محاسبه حجم طغیان‌ها حاصل از بارندگی شدید یا به طور کلی مطالعه خصوصیات دینامیک آب‌های جاری باید حداقل هم‌زمان یا از طریق مطالعات ژئومورفولوژیکی باشد (محمودی، ۱۳۷۶: ۳۹۲) و همچنین طرح جامع هر رودخانه‌ای از نظر ژئومورفولوژی باید سلسله مراتب فرایندهای ژئومورفیک را در بسیاری از زمینه‌های طراحی شهری،

پیش‌بینی امکانات تفریحی، برنامه‌ریزی زیست‌محیطی، پل‌سازی و جاده، آماده‌سازی زمین‌های بایر و مهار سیل نشان داده و هماهنگ و کامل باشد (مقیمی، ۱۳۸۵: ۶۱).

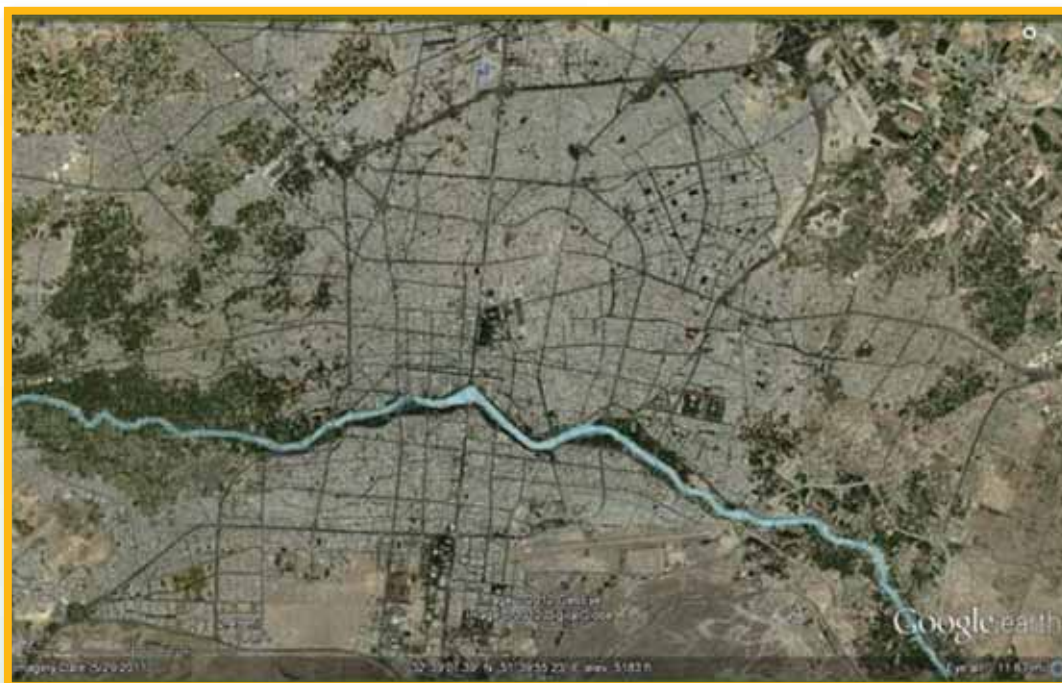
روش تحقیق

روش‌شناسی تحقیق با توجه به نوع، هدف و موضوع مورد مطالعه می‌تواند متفاوت باشد و باید با توجه کافی به این مهم، انتخاب شود. تحقیق حاضر با هدف بررسی نقش و جایگاه مطالعات ژئومورفولوژی در مکان‌گزینی و توسعه شهرها، به‌ویژه شهرهای رودخانه‌ای، از یک‌سو به بررسی ادبیات موضوع، مفاهیم و تعاریف آن می‌پردازد و از طرف دیگر با مشاهدات میدانی و بررسی مطالعات انجام شده قبلی در محدوده مورد نظر به تجزیه و تحلیل نقش رودخانه زاینده‌رود در شهر اصفهان و شناخت فرایندها و پدیده‌های مختلف ژئومورفولوژیک و نیز پتانسیل‌ها و محدودیت‌هایی که این عوامل در توسعه شهر دارد می‌پردازد.

ناحیه مورد مطالعه

شهر اصفهان با طول جغرافیایی ۵۱ درجه و ۳۹ دقیقه و ۴۰ ثانیه شرقی و عرض جغرافیایی ۳۲ درجه و ۳۸ دقیقه و ۳۰ ثانیه شمالی (شفقی، ۱۳۵۳: ۱) در کنار رود زاینده‌رود، بر روی دشتی هموار با شیبی کمتر از ۰/۳ درصد و از نظر جغرافیایی در مسیر تلاقی راه‌های شمال و جنوب، در مرکز فلات ایران، واقع شده است. به همین دلیل اصفهان در طول تاریخ به‌عنوان یک مرکز سیاسی اقتصادی مورد توجه بوده است. طبق سرشماری نفوس و مسکن در سال ۱۳۸۵، جمعیت اصفهان ۶۰۹،۵۸۳، ۱ نفر بوده است (مرکز آمار ایران). مساحت شهر در حدود ۱۷۵۸۵ هکتار و سرانه کل کاربری‌های این شهر برابر با ۱۰۸/۴۸ مترمربع است و از ۱۴ منطقه شهرداری تشکیل شده است (ضرابی و همکاران، ۱۳۸۹). همچنین سطح شهر از سطح عمومی دریا حدود ۱۵۸۰ متر ارتفاع دارد (درگاه الکترونیکی شهرداری اصفهان). اقلیم شهر اصفهان در شمال و شرق از منطقه کویری تأثیر گرفته و در جنوب به جهت وجود کوه صفه از هوای خنک‌تری بهره‌مند است. آب‌وهوای اصفهان به‌طور کلی معتدل و خشک است و مقدار بارش باران و برف به نسبت کمی دارد. حداکثر درجه حرارت در تابستان ۴۰ درجه سانتی‌گراد است که تابستان‌هایی گرم و خشک را می‌سازد (www.wikipedia.org) جهت بادهای غالب در اصفهان عموماً غربی و جنوب غربی است (مهدی‌نژاد، ۱۳۷۰) و به لحاظ زمین‌شناسی، این شهر بر آبرفت‌های زاینده‌رود که متعلق به رسوب‌گذاری دوران کواترنر است قرار دارد (قیومی محمدی، ۱۳۹۰).

رودخانه زاینده‌رود بزرگ‌ترین رودخانه فلات مرکزی ایران



زاینده‌رود توسط فضای سبز حاشیه خود که گسترده‌ترین فضای باز شهری اصفهان محسوب می‌شود، نقش بسیار مهمی در حفظ محیط زیست، تنظیم اکوسیستم شهر، تخلیه آلاینده‌های هوا، زیبایی شهر، گذران اوقات فراغت و ... ایفا می‌کند

شکل ۱: موقعیت رودخانه زاینده‌رود در شهر اصفهان

اصفهان، وجود رود پربرکت و زاینده آن بوده است. به‌طوری که نقش مهمی در شکل‌گیری شهر ایفا نموده و همچنین یکی از عوامل تشکیل‌دهنده ساختار شهر اصفهان است. در گذشته مصارف خانگی مردم شهر از این رودخانه تأمین می‌شد و هم‌اکنون نیز از شاخصه‌های این شهر پارک‌های خطی، پل‌های تاریخی، حتی مادی‌ها و نهرهای منشعب از آن، همگی ایجادکننده فضاهای شهری بسیار غنی با کارکرد اجتماعی هستند. شاید بتوان گفت که بیشترین زندگی جمعی و ارتباط بین مردم اصفهان در مجاورت این رود و پل‌های تاریخی آن اتفاق می‌افتد (سعادت، ۱۳۸۸). همچنین رودخانه زاینده‌رود توسط فضای سبز حاشیه خود که گسترده‌ترین فضای باز شهری اصفهان محسوب می‌شود، نقش بسیار مهمی در حفظ محیط زیست، تنظیم اکوسیستم شهر، تخلیه آلاینده‌های هوا، زیبایی شهر، گذران اوقات فراغت و ... ایفا می‌کند (شکل ۲- الف). در اهمیت زاینده‌رود همین بس که با خشک شدن آن نه تنها تمامی فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی ساکنان اصفهان دچار دگرگونی می‌شود، بلکه پیامدهای روحی روانی، زیست‌محیطی و حتی سیاسی آن در سطوح منطقه‌ای و ملی تأثیری ژرف بر جای می‌نهد (شکل ۲- ب).

نقش ژئومورفولوژیک زاینده‌رود در شهر اصفهان

منطقه اصفهان که به‌صورت یک دشت میان‌کوهی بین کوه صفه در جنوب و کوه‌های سید محمد در شمال آغاز و با شیب

است که به طور طبیعی از پای زردکوه بختیاری و هفت‌تنان و شعب آن‌ها در منطقه شوراب تنگ‌گزی از توابع استان چهارمحال و بختیاری سرچشمه می‌گیرد و پس از جذب آب‌های جاری بخش‌هایی از مناطق فریدن و فریدونشهر، از استان اصفهان، به سمت شهر اصفهان و در نهایت مرداب گاوخونی، در طول مسیری حدود ۳۶۰ کیلومتر، از جنوب‌غربی به سمت مشرق جریان می‌یابد (حسینی ابری، ۱۳۸۲). جهت کلی حوضه آبخیز زاینده‌رود از جهت اصلی زاگرس پیروی کرده و بین دو پدیده تکتونیکی بسیار مهم یعنی گسل زاگرس در غرب و گسل قم زفره در شرق محاط شده است (درگاه کویرها و بیابان‌های ایران).

زاینده‌رود و هویت شهر اصفهان

اصفهان از دیرباز یکی از شهرهای مهم تاریخی و فرهنگی ایران بوده است. بی‌شک این پیشینه تاریخی مرهون وجود زاینده‌رود است که خود سبب ایجاد زمین‌های زراعی و دشت‌های حاصل‌خیز در منطقه شده است. در حقیقت رودخانه زاینده‌رود، با جلگه حاصل‌خیز و پربرکت اصفهان و تاریخ درخشان و موقعیت جغرافیایی آن، در فلات وسیع ایران، ارتباط مخصوص دارد (هنرفر، ۱۳۸۳: ۲۰). هسته اولیه شهر کنونی اصفهان دو سکونتگاه کوچک به نام‌های «جی» و «یهودیه» بوده که طی ادوار مختلف تاریخی به تدریج رشد و گسترش یافته است. با بررسی روند این شکل‌گیری و گسترش درمی‌یابیم که مهم‌ترین عامل پیدایش و توسعه شهر



شکل ۲. الف: جریان آب زاینده‌رود و هویت شهر اصفهان

شکل ۲. ب: بستر خشک شده زاینده‌رود

آرامی به سمت شرق کشیده می‌شود، در واقع حاصل عملکرد فرسایش ساختمانی چند پدیده ژئومورفولوژیک است که در این میان نقش رودخانه زاینده‌رود از همه برجسته‌تر می‌نماید. این رودخانه هم‌اکنون یکی از عوامل تشکیل‌دهنده ساختار شهری اصفهان است، به‌طوری که در ترکیب با فضای باز پیرامون خود و همچنین فضاهای ساخته شده الگویی ویژه را مطرح می‌کند.

دیرپایی و ماندگاری مدنیت تاریخی اصفهان مؤید شاخص بودن و متفاوت بودن ویژگی‌های این حوضه با حوضه‌های همجوار بوده و ضرورت کالبدشکافی‌های زمین ریختی و ژئومورفیک آن را آشکار می‌سازد. رودخانه زاینده‌رود به‌عنوان شاهراه حیاتی شهر اصفهان را می‌توان رودخانه‌ای دیرینه با آب شیرین، منشأ دائمی، تکتونیزه، مئاندری، نامتقارن، برون شارنده، شکل‌زا، همسان‌ساز خاک‌ها، بیگانه با محیط، حیات آفرین، تمدن‌ساز و مورد تهدید دانست. با نگاهی به ارتباط متقابل فضاهای شکل‌زا و مورفونیک زاینده‌رود با شهر اصفهان و همچنین پویایی و دیرپایی مدنیت این شهر با ویژگی‌های طبیعی رودخانه، می‌توان به نقش و اهمیت زاینده‌رود در پیدایش و تکوین شهر اصفهان پی‌برد. عوامل و فرایندهای جغرافیای طبیعی مؤثر در شکل‌زایی حوضه، مانند اقلیم و انرژی، موجودات زنده، مواد مادی، زمان، فرم و پستی و بلندی، مؤلفه‌های جغرافیای طبیعی حوزه زاینده‌رود را تشکیل داده که به دنبال آن فضای استقرار و سکونتگاهی آن شکل گرفته و جانمایی و مکان‌گزینی اصفهان را در بخش میانی حوضه زاینده‌رود در پی داشته است. ایجاد خاک‌های حاصلخیز و تراس‌های آبرفتی شکل گرفته از پخش سیلاب زاینده‌رود در طول دوره کواترنز بر جذب جمعیت و استقرار فعالیت‌ها و به تبع آن یکجانشینی و پیدایش اولین هسته‌های شهر اصفهان تأثیر بسزایی داشته است (قیومی محمدی، ۱۳۹۰).

از پدیده‌های دیگری که منبعت از کنش زاینده‌رود به شمار

می‌آید و در شکل‌گیری محلات، کوچه‌ها و فضاهای شهر اصفهان نقش عمده‌ای ایفا نموده، مادی‌ها یا کانال‌های آبی درون‌شهری است که در حقیقت نه‌رهای جدا شده‌ای از زاینده‌رود هستند. در گذشته مادی‌ها شریان‌های حیاتی تأمین‌کننده آب برای مصارف شهری و کشاورزی به شمار می‌آمدند و تأثیر آن‌ها در فرم‌گیری کلی محلات و کوچه‌ها و سازمان‌فضایی شهر محسوس است. در شهر اصفهان، مادی‌ها با بافت جدید شهر و معابر آن همراهی دارد. این شبکه‌های آب شهر اصفهان را به چند بخش تقسیم می‌کنند، به‌طوری که در اغلب موارد حدود مرز محلات قدیمی شهر به‌وسیله همین مادی‌ها معین و مشخص می‌گردد. مادی‌ها علاوه بر تغذیه مصنوعی و دفع پاره‌ای از فاضلاب‌ها، مجرای مناسبی برای تخلیه آبروهای شهری است. زیرا از این مبادی در مواقع بارندگی‌های شدید و سیل‌آسا، آب‌های جاری شده از مناطق شهری به سرعت تخلیه و شهر به سرعت تخلیه و از خطر آب‌گرفتگی محافظت می‌شود (رامشت، ۱۳۷۱).

بافت آبرفتی زمین‌های حاشیه رودخانه زاینده‌رود به‌گونه‌ای است که همواره تبادل هیدرولیکی میان این زمین‌ها و رودخانه وجود دارد. در محدوده‌ای که شهر اصفهان واقع شده، تأثیر این تبادل هیدرولیکی در زمین‌های شمالی رودخانه مشهودتر است. با افزایش یا کاهش آب رودخانه سفره‌های آب زیرزمینی افزایش یا کاهش می‌یابد، یا به عبارت دیگر سطح آب زیرزمینی بالا یا پایین خواهد رفت. در گذشته، مادی‌ها با انتقال آب به فواصل دورتر در زمین‌ها و دشت‌های حاشیه رودخانه همواره موجب تقویت سفره‌های آب و افزایش سطح آب‌های زیرزمینی می‌شدند، چراکه در طول مسیر مادی و نیز پس از تقسیم مادی به جوی‌های متعدد، آب در زمین فرو رفته و سفره آب زیرزمینی را تقویت می‌کرد (حیدری، ۱۳۸۷). پادگانه‌های زاینده‌رود و جریان داشتن این رود در میانه شهر، کاربری‌های متعدد و موقعیت‌هایی استثنایی برای آن فراهم



رودخانه‌ها در
ژئومورفولوژی
به‌عنوان اساسی‌ترین
واحدهای ارضی
مطرح بوده و
قادرند در قلمرو
خود به‌صورت یک
سیستم خود تنظیم
عمل کرده، دست به
تغییر و تحول بزنند
و در این رهگذر خود
نیز تحول یابند

نقشه مادی‌ها و چشمه‌های شهر اصفهان (۱۳۵۲)

گسترش شهرها برداشت. ژئومورفولوژی شهری پدیده‌های حاصل از مورفولوژی شهر، برنامه‌ریزی کاربری اراضی، روند شهرنشینی و... را در ارتباط با فرم‌ها و فرایندهای ژئومورفولوژیک مورد بررسی قرار می‌دهد. همچنین رودخانه‌ها در ژئومورفولوژی به‌عنوان اساسی‌ترین واحدهای ارضی مطرح بوده و قادرند در قلمرو خود به‌صورت یک سیستم خود تنظیم عمل کرده، دست به تغییر و تحول بزنند و در این رهگذر خود نیز تحول یابند.

شهر اصفهان بر روی یک دلتای رودخانه‌ای بنا شده و عامل فرسایش آب برترین عامل تکوین‌دهنده آن به حساب می‌آید، لذا زاینده‌رود، همواره در استقرار، توسعه، مورفولوژی، کیفیت زندگی و حتی سیمای کالبدی شهر، نقش مهمی را برعهده داشته است. آرایش فضایی رودخانه زاینده‌رود به همراه مقر ژئومورفولوژیک ناشی از آن ما را به این نتیجه می‌رساند که صیانت از این مدنیت پایدار را سرلوحه برنامه‌های توسعه شهر قرار دهیم؛ زیرا از حدود یک‌صدسال قبل عصر جدیدی در حوضه آبی زاینده‌رود آغاز شده که وجه بارز آن غلبه فرایندهای بشر ساخت بر فرایندهای طبیعی می‌باشد. فعالیت‌های آمایش نشده و رویدادهای بشر ساخت همچون مهاجرپذیری و گسترش فعالیت‌های بی‌رویه و جانمایی آمایش نشده صنعتی و توسعه کالبدی شهر اصفهان و پیرامون آن، توان طبیعی و پایداری حوضه را نشانه رفته و برخی مبانی و موازین بوم‌شناختی و اکولوژیک آن را به شدت تهدید می‌کند.

آورده و نقش بسیار مهمی در مورفولوژی و جهت گسترش شهر اصفهان ایفا کرده است به گونه‌ای که فضاهای کالبدی آن، چون خیابان‌ها و نیز فرم مکان‌گزینی تأسیسات و مساکن، دقیقاً از چنین مکانیسمی پیروی کرده است. از سوی دیگر، شیب مناسب دشت اصفهان و نیز وضعیت رودخانه زاینده‌رود که در پایین‌ترین سطح منطقه (خط‌القعر) حرکت می‌کند و به‌عنوان سطح اساس کلیه زهکش‌های اطراف محسوب می‌شود، سبب شده که ایجاد سیستم فاضلاب شهری به‌راحتی امکان‌پذیر شود و شهر بزرگ اصفهان از نوادر شهرهای ایران باشد که مسئله فاضلاب آن، چند دهه پیش، حل شده است. همچنین، مطلوبیت بافت و نفوذپذیری رسوبات با شیب مناسب، که هم در جهت جریان آب و هم از اراضی ساحلی به سوی خط‌القعر دیده می‌شود، این امکان را فراهم آورده که بتوان به سهولت در هدایت آب جهت مشروب ساختن دشت اصفهان از طریق مادی‌ها که از بالادست رودخانه جدا می‌شوند استفاده نمود (رامشت، ۱۳۷۱).

نتیجه‌گیری

با توجه به مباحث ذکر شده می‌توان نتیجه گرفت که برای شناخت و درک ویژگی‌های محیط طبیعی به مطالعات ژئومورفولوژی نیازمندیم و در سایه کسب این‌گونه مطالعات است که می‌توان قدم‌های مؤثری در جهت مکان‌گزینی، ایجاد و

در گذشته مادی‌ها شریان‌های حیاتی تأمین‌کننده آب برای مصارف شهری و کشاورزی به شمار می‌آمدند و تأثیر آنها در فرم‌گیری کلی محلات و کوچه‌ها و سازمان فضایی شهر محسوس است

۱۹. فرید، یدا... (۱۳۷۳): جغرافیا و شهرشناسی، چاپ سوم، انتشارات دانشگاه تبریز.
۲۰. قیومی محمدی، حمید (۱۳۹۰): ماندگاری مدنیت تاریخی اصفهان در گرو صیانت از آب، خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا)، تاریخ گفت‌وگو: ۱۳۹۰/۵/۲۴
۲۱. محمودی، فرج‌ا... (۱۳۷۶): کاربرد ژئومورفولوژی در مطالعات محیطی، مجموعه مقالات همایش پژوهش‌ها و قابلیت‌های علمی جغرافیا در عرصه سازندگی، مؤسسه جغرافیا، دانشگاه تهران.
۲۲. مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵.
۲۳. میمقی، ابراهیم (۱۳۸۵): ژئومورفولوژی شهری، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۲۴. مهدی‌نژاد، محمود (۱۳۷۰): فضای سبز و اثرات آن بر آلودگی هوا و تحلیلی بر وضعیت فضای سبز شهر اصفهان، مجله رشد آموزش جغرافیا، شماره ۲۵، صص ۲۸-۳۴.
۲۵. نجفی، اسماعیل و رنجبر، فیروز (۱۳۹۰): کاربرد ژئومورفولوژی در برنامه‌ریزی، عمران و توسعه شهری؛ سومین همایش سراسری دانشجویی جغرافیا، تهران.
۲۶. نظریان، علی‌اصغر (۱۳۸۳): جغرافیای شهری ایران، چاپ ششم، انتشارات دانشگاه پیام‌نور.
۲۷. نگارش، حسین (۱۳۸۲): کاربرد ژئومورفولوژی در مکان‌گزینی شهرها و پیامدهای آن، فصلنامه علمی پژوهشی جغرافیا و توسعه، سال اول، شماره ۱، صص ۱۳۳-۱۵۰.
۲۸. نوحه‌گر، احمد و حسین‌زاده، محمد مهدی و افشار، طاهره (۱۳۸۹): تغییرات ژئومورفولوژیک نیم‌رخ طولی و عرضی علیای رودخانه میناب، فصلنامه علمی پژوهشی جغرافیا، دوره جدید، سال هشتم، شماره ۲۴، صص ۱۳۷-۱۵۸.
۲۹. هنرفر، لطف‌ا... (۱۳۸۳): اصفهان، چاپ سوم، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۳۰. هوک، ج. ام (۱۳۷۲): ژئومورفولوژی در برنامه‌ریزی محیطی، ترجمه: محمد جعفر زمردیان، چاپ اول، تهران، انتشارات سمت.

31. Bathrellos G. D (2007); **an Overview in Urban Geology and Urban Geomorphology**, Proceedings of the 11. th International Congress, Athens
32. Gupta, A and Ahmad, R (1999); **Geomorphology and the Urban Tropics: Building an Interface Between Research and Usage**, Geomorphology, NO31, 133-149.
33. <http://www.wikipedia.org>.

منابع

۱. اکبری، مهناز (۱۳۹۰): اهمیت ژئومورفولوژی در طرح‌های توسعه شهری، سومین همایش سراسری دانشجویی جغرافیا، تهران.
۲. حسینی ابری، حسن (۱۳۸۲): زاینده‌رود و اصفهان، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۳، صص ۱۰۶-۱۱۸.
۳. حیدری، داریوش (۱۳۸۷): اصفهان شهر مادی‌ها، ماه‌نامه فنی و مهندسی، سال هفدهم، شماره ۱۶۱-۱۶۲.
۴. درگاه الکترونیکی شهرداری اصفهان: معرفی شهر: موقعیت جغرافیایی، تاریخ به‌روز رسانی: ۱۳۸۸/۱۲/۱۹، تاریخ بازدید: ۱۳۹۱/۲/۳۱، (www.isfahan.ir)
۵. درگاه کویرها و بیابان‌های ایران: دریاچه‌ها و تالاب‌های ایران: تالاب گاوخونی: زمین‌شناسی گاوخونی، تاریخ بازدید: ۱۳۹۱/۲/۳۱، (com.iranideserts.www)
۶. رامشت، محمد حسین (۱۳۷۱): پادگانه‌های زاینده‌رود و تأثیر آن در سیمای فضایی منطقه اصفهان، رساله دکتری جغرافیای طبیعی، به راهنمایی حسن احمدی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس.
۷. رحیمی هرآبادی، سعید و احمدی، مهدی و هدایی آرانی، مجتبی (۱۳۹۰): تبیین مفهوم فلسفی ژئومورفولوژی شهری، سومین همایش سراسری دانشجویی جغرافیا، تهران.
۸. رجائی، عبدالحمید (۱۳۸۷): کاربرد جغرافیای طبیعی در برنامه‌ریزی شهری و روستایی، چاپ دوم، تهران، انتشارات سمت.
۹. رجائی، عبدالحمید (۱۳۸۲): کاربرد ژئومورفولوژی در آمایش سرزمین و مدیریت محیط، چاپ دوم، نشر قومس.
۱۰. روستایی، شهرام و جباری، ایرج (۱۳۸۶): ژئومورفولوژی مناطق شهری، چاپ اول، تهران، انتشارات سمت.
۱۱. رهنمایی، محمد تقی (۱۳۸۷): مجموعه مباحث و روش‌های شهرسازی: جغرافیا، چاپ چهارم، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات معماری و شهرسازی ایران، انتشارات شهیدی.
۱۲. زمردیان، محمدجعفر (۱۳۷۸): کاربرد جغرافیای طبیعی در برنامه‌ریزی شهری و روستایی، چاپ سوم، تهران، انتشارات سمت.
۱۳. سعادت، سیده پورانداخت (۱۳۸۸): زاینده‌رود فراتر از یک رود: نگاهی به نقش زاینده‌رود در تعریف و تبیین شهر اصفهان، ماه‌نامه فنی تخصصی دانش‌نما، سال هجدهم، شماره ۱۷۴-۱۷۵، صص ۳۸-۴۶.
۱۴. شایان، سیواش (۱۳۹۰): درس گفتارهای جغرافیای طبیعی شهر: کاربرد ژئومورفولوژی در برنامه‌ریزی شهری، گروه جغرافیا، دانشگاه تربیت مدرس.
۱۵. شایان، سیواش و پرهیزگار، علی‌اکبر و سلیمانی شیری، مرتضی (۱۳۷۸): تحلیل امکانات و محدودیت‌های ژئومورفولوژیک در انتخاب محورهای توسعه شهری (نمونه موردی: شهر داراب)، فصلنامه مدرس علوم انسانی، سال سیزدهم، شماره ۳، صص ۳۱-۵۳.
۱۶. شفق، سیروس (۱۳۵۳): جغرافیای اصفهان، چاپ اول، انتشارات دانشگاه اصفهان.
۱۷. شکوئی، حسین (۱۳۸۶): اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا، جلد اول، چاپ نهم، تهران، انتشارات گیتاشناسی.
۱۸. ضرابی، اصغر و محمدی، جمال و عبداللهی، علی‌اصغر (۱۳۸۹): بررسی و ارزیابی منابع ثابت و متحرک در آلودگی هوای شهر اصفهان، فصلنامه علمی

اکوسیستم مرتع شهرستان بانه

امید مرادی

کارشناس ارشد ژئومورفولوژی و دبیر جغرافیا، بانه

چکیده

در این مقاله به تعریفی جامع از اکوسیستم، خواص بنیادین، اجزای تشکیل‌دهنده و ساختارهای زیستی آن پرداخته‌ایم. مساحت کل شهرستان بانه بالغ بر ۱۵۰۰۰۰ هکتار است که از این مقدار حدود ۸۰۰۰۰ هکتار را جنگل تشکیل می‌دهد (کمی بیش از ۵۰ درصد) و ۲۰۰۰۰ هکتار هم خارج از منابع طبیعی است. طبق طبقه‌بندی اقلیمی «کوپن» آب و هوای بانه مدیترانه‌ای و مرطوب سرد است. خاک منطقه از نظر پوشش گیاهی و درختچه‌ای مملو از مواد آلی معدنی و در حد متوسط نیز آهکی است. همچنین این خاک دارای زهکش خوب و مناسب طبیعی است.

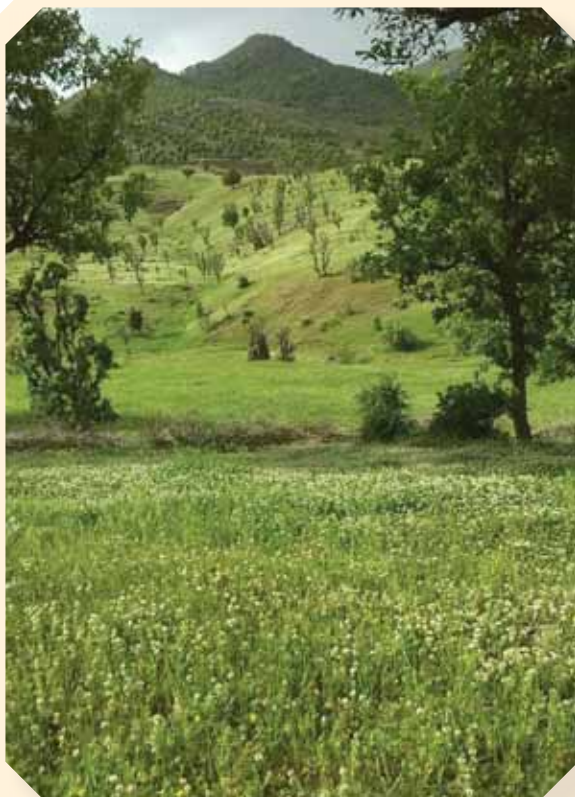
در این نوشتار نیم‌نگاهی به اکوسیستم منطقه بانه داریم و بر این منوال بر آن شدیم که عوامل تخریب اکوسیستم منطقه را مورد بررسی قرار دهیم. در پایان نیز پیشنهادهایی را برای رفع این مشکل ارائه خواهیم داد.

کلیدواژه‌ها: اکوسیستم، بانه، مرتع، منابع طبیعی.

مقدمه

شمال به خط‌الرأس ارتفاعات بین شهرستان بانه و گهورک سقز و مهاباد محدود است و از طرف جنوب هم به خط‌الرأس ارتفاعات بین بانه و

شهرستان بانه منطقه‌ای است کوهستانی و جنگلی و در تقسیمات کشوری جزء استان کردستان به‌شمار می‌آید. این شهرستان از طرف



مراعات اطراف بانه

زمین‌شناسی و خاک

کوه‌های منطقه از نظر چینه‌شناسی مربوط به دوران پرکامبرین هستند که قسمت وسیعی از ناحیه را در برگرفته و با لایه‌هایی از مرمریت مشخص گردیده‌اند و حالتی شبیه به کوارتز پرفیری دارند. اکثر سنگ‌های دگرگونی آذرین از نوع شیت و دگر شیت هستند که قسمت بیرونی آن‌ها اکسیده شده (ترکیب آهن با اکسیژن) و به رنگ قرمز درآمده‌اند. در قدیمی‌ترین فعالیت‌های موجود ژوراسیت هیورت، رخنمون‌های کوچک و بزرگ از وکلاین‌های آذرینی (کوه قلاش) را می‌توان مشاهده کرد. دره‌هایی که در نتیجه پیدایش رودخانه‌ها پدید آمده‌اند علاوه بر فرسایش ناشی از جریان‌ات آب، تابع شرایط تکتونیکی و عملکرد گسل‌ها هستند؛ به‌طوری که حتی در مناطق یکنواخت از نظر لیتولوژی، همچون فیلیت‌های کرتاسه که پهنای گسترده‌ای را در اشتغال خویش دارند و نیز در مناطق پویای تکتونیکی که گسل‌های خطی پرشیب وجود دارد، دره‌ها ژرف و خطی با پیچ و خم‌هایی با طول موج کوتاه در مسیر رودها هستند.

تاکنون تحقیقی در مورد خاک بانه صورت نگرفته است، و اطلاعاتی که تاکنون به‌دست آمده براساس بازدیدهای صحرایی و برداشت‌های کارشناسی و اطلاعات موجود، و با مراجعه به دفتر خاک‌شناسی اداره جهاد کشاورزی بانه و بازدید عینی کارشناسان خاک‌شناسی و نمونه‌برداری از پروفیل خاک، بوده است. خاک منطقه از نظر پوشش گیاهی و درختچه‌ای مملو از مواد آلی، مواد معدنی و نیز آهک در حد متوسط است و بر حسب مواد اولیه تشکیل دهنده خاک دارای زهکش

خاک منطقه از نظر پوشش گیاهی و درختچه‌ای مملو از مواد آلی، مواد معدنی و نیز آهک در حد متوسط است و بر حسب مواد اولیه تشکیل دهنده خاک دارای زهکش خوب و مناسب طبیعی است

دره شلیر در کردستان عراق محدود می‌باشد. شلیر یک پیش‌آمدگی از خاک عراق در خاک ایران است و بین بانه و مریوان، به طول تقریباً ۴۵ کیلومتر و عرض نیم تا ۳۵ کیلومتر واقع شده است؛ شلیر از لحاظ مرزبندی کاملاً غیرطبیعی و خارج از اصول تحدید حدود است. بانه از سوی مشرق نیز به خط‌الرأس بین دهستان سرشیو میرده (سقز) و از طرف مغرب به دهستان سیوه یل و آلان در کردستان عراق و بخش سردهشت محدود می‌باشد.

طول جغرافیایی بانه ۴۵ درجه و ۵۳ دقیقه و عرض آن ۳۵ درجه و ۵۹ دقیقه است. ارتفاع آن ۱۵۲۵ متر از سطح دریا و مساحت آن ۵۵۵۰ کیلومترمربع می‌باشد. ۸۰۰۰۰ هکتار از این منطقه را جنگل و ۵۰۰۰۰ هکتار را مرتع تشکیل می‌دهد که تقریباً از نوع مرتع درجه یک به حساب می‌رود.

آب و هوا

عوامل تأثیرگذار بیرونی بر اقلیم بانه، در فصل گرم سال، با پیشروی مرکز پرفشار جنب حاره و استقرار آن بر خاورمیانه، خود را نشان می‌دهند که خود مانع ورود سیستم‌های مدیترانه‌ای و بادهای غربی و ... به داخل غرب کشور و به تبع آن به ایران می‌شود. در اواخر فصل پاییز، با عقب‌نشینی آرام سیستم پرفشار و پایین رفتن آن به عرض ۱۴ درجه حد شمالی، به‌صورت نرمال زمستان شهرستان بانه فرا می‌رسد و بارش‌های اواخر آذرماه و اوایل دی‌ماه شروع می‌شود. با عقب‌نشینی پرفشار جنب حاره‌ای آذر، دوره سرد سال نیز شروع شده و دالانی برای ورود آنتی‌سیکلون سیرری بر روی منطقه باز می‌شود، اما به دلیل برخورد با ارتفاعات زاگرس و ارتفاع گرفتن، آن گونه تداوم و سرمایش واقعی را که در شرق ایران موجب می‌شود در منطقه ایجاد نمی‌کند؛ اما در اوج گسترش خود هوای سرد را به دریای مدیترانه ریخته و سبب تشکیل جبهه و نهایتاً سیکلون‌های مدیترانه‌ای می‌گردد. موقعیت بانه روی ناهمواری‌های غربی زاگرس و در دامنه‌ها، رو به توده هوای غربی است، لذا بارش آن مناسب می‌باشد. بانه در دوره گرم سال تحت تأثیر عوامل آب و هوایی منطقه حاره قرار دارد. با عقب‌نشینی بادهای غربی در بانه شاهد ورود سیستم پرفشار جنب حاره‌ای آذر بر بالای منطقه هستیم. هوا در این دوره از سال حالت پایدار و آرام دارد و بر اثر تابش خورشید وضعیت کم‌فشاری بر سطح زمین حاکم می‌شود.

آب و هوای بانه از نوع BS (نیمه‌خشک) می‌باشد. بانه، با توجه به مدل کوپن، به دلیل بارش‌های زمستانی دارای زمستانی سرد و تابستانی نسبتاً خشک و آب و هوای نیمه‌مرطوب سرد و در مقیاس وسیع‌تر دارای اقلیم نیمه‌خشک می‌باشد. بارش سالیانه شهرستان بانه ۷۰۰ میلی‌متر است.

خوب و مناسب طبیعی است. بافت خاک رسوبی و PH آن تقریباً خنثی ۷-۶/۷ است. طبقه زیرین خاک شنی رسی و هدایت الکتریکی آن $EC_{50} = 0.05$ می‌باشد.

آب و همچنین نور، حرارت و مواد کانی در حیات رستنی‌ها نقش اساسی دارند. از نظر نیاز به آب رستنی‌ها را می‌توان رده‌بندی کرد؛ به این صورت که نیاز برخی اندک، نیاز بعضی زیاد و نیاز شماری از آن‌ها در حد متعارف یا بینابین است. شرایط رویش مرتع شهرستان بانه به شرایط آب و هوایی آن بستگی دارد، یعنی در فصل بهار که از نظر بارندگی و دما شرایط مناسبی است مراتع بانه سرسبز و شرایط رویش در آن فراهم می‌شود به‌طوری که انواع گونه‌های گیاهی در مراتع می‌رویند که مردم از آن‌ها برای خوراک، دارو و تأمین علوفه برای دام استفاده می‌کنند. در قدیم برای تهیه مواد شوینده و بهداشتی از گون استفاده می‌کرده‌اند. مرتع در ایران یکی از ارکان اصلی دامداری و دامپروری است خصوصاً در شهرستان بانه، با شرایط اقلیمی و موقعیت خاص طبیعی مرتع‌داری از اهمیت زیادی برخوردار است. مراتع بانه در گذشته جولانگاه مالکین و حشمداران بوده و هر دسته و گروهی به هر نحو که استفاده آنان ایجاب می‌نمود از مراتع بهره‌برداری می‌کرده‌اند. این مراتع بسیار سرسبز و با پوشش گیاهی بسیار بالا در حدود ۸۰ درصد، هستند و نظیر آن‌ها کمتر در کشور دیده شده است. دامداران منطقه جهت تهیه علوفه زمستانی خود مراتع درجه یک و دو همانند زراعت علوفه به راحتی درو و آن را برداشت می‌کنند. علف این مراتع مرغوب و خوش خوراک است و غذای اصلی و علوفه زمستانی احشام مناطق را تأمین می‌کند. در فصول دیگر سال، به دلیل شرایط آب و هوایی، چون کمبود بارندگی در فصل تابستان و سردی هوا و ریزش برف در زمستان مراتع به خشکی می‌گراید. تنها در اواسط پاییز، به دلیل بارندگی، به مدت حدود ۲۰ روز شرایط رویش بعضی گونه‌های مرتع فراهم می‌شود که آن‌هم، به دلیل فرا رسیدن زمستان، این گونه‌ها زود خشک می‌شوند. اهمیت مراتع از نظر حفظ خاک و جلوگیری از فرسایش خاک نیز قابل توجه می‌باشد.

حدود ۷۵ درصد زمین‌های بانه دارای خاک کم‌عمق با شیب زیاد است. اصلی‌ترین عاملی که سبب پایداری آب و خاک شهرستان بانه شده همانا پوشش گیاهی و مرتع این منطقه است. این پوشش گیاهی در طول دوران‌های مختلف علاوه بر حفظ خاک اندک و کوهستان‌های منطقه سبب کند نمودن آهنگ حرکت رواناب‌های ناشی از بارندگی‌ها شده و امکان نفوذ تدریجی این رواناب‌ها را به سفره‌های آب زیرزمینی فراهم نموده است.

پوشش گیاهی همچنین عامل عمده در مهار کردن سیلاب است. اکوسیستم مرتع در بانه فقط در فصل بهار زنده و در بقیه سال خشک است. البته در مناطقی که آب وجود دارد مثل اطراف رودخانه‌ها یا جاهایی که آب زیرزمینی به سطح زمین راه یافته است، مراتع همچنان قابل استفاده‌اند.

عوامل متعددی در رویش مراتع بانه دخالت دارند که از آن جمله آب، هوا، خاک و نیز ویژگی‌های زمین‌شناختی است که در این تحقیق سعی شده ویژگی‌های آن بررسی شود. با توجه به عوامل فوق است که پوشش گیاهی بانه رشد کرده و منافع زیادی را برای محیط و مردم به بار آورده است. مراتع برای زندگی جانوران وحشی و حشرات نیز

مراتع بانه در گذشته جولانگاه مالکین و حشمداران بوده و هر دسته و گروهی به هر نحو که استفاده آنان ایجاب می‌نمود از مراتع بهره‌برداری می‌کرده‌اند

از اهمیت برخوردار است. به علت افزایش جمعیت روستا و نگهداری تعداد زیاد دام، قسمتی از مراتع حوالی روستاها و مسیر تردد دام‌ها از بین رفته و این امر موجب افزایش فرسایش خاک در منطقه شده است. پوشش گیاهی مناسب در منطقه سبب شده تا حیات وحش جایگاه خوبی در مراتع منطقه داشته باشد به‌طوری که جانورانی چون گرگ، خرگوش، روباه، خرس و حتی گله‌های گراز و همچنین پرندگانی نظیر کبک، قرقاول، عقاب، کبوتر، شاهین و کرکس در منطقه دیده می‌شوند. متأسفانه با وجود شکارچیان متعدد و شکارهای بی‌رویه و خارج از فصل و غیره نسل اکثر پستانداران بزرگ و پرندگان کمیاب در منطقه رو به انقراض است. به‌طور کلی پوشش گیاهی و تنوع گونه‌ای در شرایط خاص اکولوژیکی و توپوگرافی دخالت مؤثری دارد. گونه‌های علف خوش‌خوراکی مانند جاشیر، کما و مرزه که احتیاج به خاک سبک مملو از مواد آلی و زهکشی خوب دارند، با توجه به رطوبت نسبی بالا و دمای کم رویش خوبی دارند. در ارتفاعات میانی که نسبت به ارتفاعات بالایی رطوبت نسبی کمتر است و رویش گونه‌های خوش‌خوراک خانواده گرامینده، مانند مرغ، علف باغ، علف گندمی، برموس، فستوک، و خانواده لگومینوز مانند بنداوش، خل، ماشک، نخود وحشی، شبدر وحشی غالب است. اما در ارتفاعات پایین و نقاط پست که نسبت به ارتفاعات فوق از رطوبت کمتر و دمای بالاتری برخوردارند و خاک نیز به دلیل تردد بیش از حد مردم، از نفوذپذیری‌اش کاسته شده، بیشتر گیاهان غیرخوش‌خوراکی خانواده لگومینوز، گون، خارشر و خانواده کمپوزینه انواع گل گندم، جارو، شقال، کنگر، بو مادران و از خانواده فرنیون رویش دارند. به‌طور کلی، گیاهان خانواده چتریان در ارتفاع بالای ۲۳۰۰ متر، و خانواده لگومینوز و گندمیان در ارتفاع ۲۳۰۰-۲۰۰۰ متر می‌رویند. در ارتفاع ۲۰۰۰ متر پایین‌تر نیز گیاهان خوش‌خوراک رشد می‌کنند.

گونه‌ها، جاشیر و منده از گیاهان خوش‌خوراک مقوی خانواده چتریان هستند که مردم در هنگام بهار و در اوایل رشد، از آن‌ها به‌عنوان غذا استفاده می‌کنند و در زمستان هم برای تأمین علوفه دام، ذخیره آن‌ها را مورد استفاده قرار می‌دهند. گیاهان دارویی منطقه هم عبارت‌اند از گاوزبان، شیرین‌بیان، گل ختمی، خاکشیر، ترخه کوهی، جاشیر، خرفه و ریواس. البته از این گیاهان، به دلیل وجود داروهای شیمیایی، کمتر استفاده می‌شود.

منابع

۱. سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، نقشه‌های توپوگرافی ۱:۵۰۰۰۰، بانه، شوی، میرده، بوالحسن، بوبین.
۲. شریفی کریم، اطلاعات شفاهی، کارشناس اداره منابع طبیعی بانه
۳. مرادی، امید، بررسی هیدرومورفولوژی حوضه آبخیز رود بانه و برآورد فرسایش و رسوب، دانشکده جغرافیای دانشگاه تهران، ۱۳۸۶
۴. نقشه زمین‌شناسی آلود، ۱:۲۵۰۰۰۰
۵. نقشه کاربردی اراضی، سازمان تحقیقات آب و خاک تهران

نجات جنگل‌های شمال

طرحی ساده و عملی

محمد مهدی کاوه

کارشناس ارشد جغرافیای طبیعی و دبیر دبیرستان، گرگان

چکیده

در کشور ما سالانه میلیون‌ها مترمکعب چوب مصرف می‌شود که بخش عمده‌ای از آن از جنگل‌های شمال تأمین می‌گردد. بسیاری از کارشناسان اعتقاد دارند که جنگل‌های شمال دیگر توان تأمین این حجم زیاد چوب برای کشور را ندارد.

برای جایگزینی برداشت چوب از جنگل‌های شمال، به جای وارد کردن چوب، می‌توان در حاشیه جاده‌های شمال (و در صورت مطالعه در سایر نواحی کشور) و یا حاشیه رودخانه‌ها و نهرها به کاشت صنوبر و به صورت محدودتر زیتون اقدام کرد. این در صورتی است هیچ نیازی به زراعت چوب^۱ که عرصه‌های کشاورزی را به خود مشغول می‌دارد نیست. صنوبر سریع‌الرشدترین درخت جهان است که سال‌هاست کشورهای مختلف اقدام به کاشت و بهره‌برداری از آن کرده‌اند و بعضی از کشورها از این طریق خود را بی‌نیاز از واردات چوب نموده‌اند.

کلیدواژه‌ها: گلستان، مازندران، گیلان، جنگل، زیتون، صنوبر.

مقدمه

در آستانه ورود به شهر گرگان، مرکز استان گلستان، چه از غرب و چه از شرق با پدیده

یابد. عواید حاصل از آن نیز چشمگیر بوده و می‌تواند بخش قابل ملاحظه‌ای از چوب و روغن کشور را تأمین کند.

ضرورت طرح

با توجه به اینکه وابستگی کشور به واردات روغن خام در حدود ۸۵ درصد یا بیشتر است که این امر خود موجب شده رقم بالایی ارز برای واردات دانه‌های روغنی هزینه شود (۳) و در عین حال یکی از منابع تولید روغن، زیتون است این طرح می‌تواند مورد توجه قرار گیرد. از مجموع درختانی که می‌توان در این طرح غرس کرد یک سوم یا حدود ۸۰۰ هزار اصله را درخت زیتون تشکیل می‌دهند؛ در حالی که تعداد نهال‌های توزیع شده در کل کشور در بین سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۷۹ یعنی پنج سال آماری مجموعاً حدود یک میلیون اصله بوده است. (۴)

از نظر تولید چوب هم که دو سوم دیگر طرح را دربرمی‌گیرد باید اذعان داشت که حجم چوبی که از جنگل‌های شمال برداشت می‌شود به یک و نیم تا دو میلیون مترمکعب در سال می‌رسد. (۵) این آمار ثبت شده و رسمی است. در یک محاسبه آماری دیگر که در سال ۱۳۶۰ توسط گروه تخصصی جنگل و مرتع کمیسیون کشاورزی صورت گرفته است، با بودن ۴۵ هزار خانوار روستایی ساکن جنگل و ۲۰۰ هزار خانوار روستایی ساکن مجاور جنگل و احتساب ۵۰ متر مکعب مصرف سالیانه برای یک خانوار جنگل‌نشین و ۱۰ مترمکعب مصرف

جالبی روبه‌رو می‌شویم که در هیچ کجای ایران با این کیفیت و گستردگی دیده نمی‌شود. کیلومترها درختکاری (حدود ۱۲ کیلومتر در شرق و ۱۲ کیلومتر در غرب گرگان) نظر هر بیننده‌ای را به خود جلب می‌کند. این درختان در قبل از انقلاب غرس شده و شامل حدوداً نه هزار اصله‌اند. ۷۰ درصد این درختان از نوع چنار، ۲۹ درصد درخت کاج و یک درصد باقی‌مانده شامل صنوبر، سرو و بید هستند. قطر بسیاری از چنارها، از قسمت یقه، به راحتی از یک متر تجاوز می‌کند و عمده باقی‌مانده آن هم قطری بین ۷۰ سانتی‌متر تا یک متر دارند. قطر یقه صنوبرهایی هم که احتمالاً چند سال پس از شروع طرح جایگزین شده‌اند رقم قابل توجه ۸۰ سانتی‌متر به بالا را نشان می‌دهد. عمر این درختان به حدود چهل سال می‌رسد. آن‌ها هیچ‌گاه آبیاری نشده و فقط، در گذشته، هرس گردیده‌اند. (۱)

میانگین بارندگی سالانه گرگان ۵۷۰ میلی‌متر است و آب و هوایی مدیترانه‌ای دارد. (۲) این میزان بارندگی قابل توجه و بیش از دو برابر میانگین کشوری است. به همین دلیل هیچ‌گونه آبیاری نسبت به این درختان صورت نمی‌گیرد. از گرگان هرچه به سمت مازندران و گیلان پیش برویم میزان بارش بیشتر می‌شود به نحوی که در گیلان به بیش از ۲۰۰۰ میلی‌متر در سال هم می‌رسد.

طرح پیشنهادی می‌تواند در استان‌های گلستان، مازندران و گیلان، با توجه به شرایط محیطی مناسبی که دارند، به راحتی گسترش

درخت زیتون، به علت سازگاری، در هر نوع خاکی رشد و تولید محصول فراوان می کند. به همین دلیل این درخت به محصول ثروتمند خاک های فقیر مشهور است

چوب سالیانه خانوار ساکن مجاور جنگل میزان برداشت سالیانه جنگل های شمال بین ۴ تا ۵ میلیون مترمکعب، آن هم به صورت متمرکز در اطراف دهات، تخمین زده می شود. به نظر می رسد میزان برداشت مجاز برابر یک و نیم میلیون مترمکعب؛ و غیر مجاز برابر دو و نیم تا سه و نیم میلیون مترمکعب باشد. (۶)

این میزان برداشت های مجاز و غیرمجاز عرصه های جنگلی را محدود به ارتفاعات البرز کرده و با توجه به افزایش جمعیت کشور و نیاز به چوب و فرآورده های آن فشار مضاعفی را به این عرصه های محدود وارد می آورد.

طرح درختکاری حاشیه جاده ها و نهادهای شمال با غرس حدود ۱۶۰۰/۰۰ اصله صنوبر بعد از گذشت زمان کوتاه ده ساله (باید توجه داشت که رشد درختان جنگلی در این دوره زمانی حدود ده درصد این مقدار است) می توان ۲/۲۴۰/۰۰۰ مترمکعب چوب تولید کرد. (با این فرض که قطر برابر سینه درختان ۴۰ سانتی متر باشد و حجم هر درخت ۱/۴ متر مکعب برای هر درخت در هنگام برداشت در نظر گرفته شد). (۷) البته می توان از سال های پنجم و ششم در بین آن ها نهال های جدید غرس کرد که به این ترتیب زمان تولید چوب به نصف این مدت کاهش پیدا می کند. شاهد این مدعا صنوبرهای قطوری هستند که در حاشیه جاده های اطراف گرگان به فاصله بسیار کم، یک متر از هم، قرار دارند و اکنون به قطر ۸۰ سانتی متر رسیده اند. این خلاف رویه علمی صنوبرکاری است که حداقل فاصله دو درخت باید ۵ تا ۶ متر از یکدیگر باشد.

البته، این مطلب می تواند ناشی از این باشد که فاصله توصیه شده، احتمالاً، برای کشت متمرکز است و برای کشت ردیفی، چون دو طرف درختان خالی است، فاصله کشت کمتر از این نیز جواب می دهد.

نحوه اجرا

جاده های سراسری استان های شمالی کشور در راستای شرقی غربی قرار گرفته اند و قاعدتاً چون سایه درختانی که در ضلع جنوبی جاده کاشته می شوند (با توجه به عرض

جغرافیایی نوار شمالی کشور و اینکه لنگر یا تمایل خورشید به سمت جنوب است) روی جاده آسفالت می افتد، سبب می شود جلوی تابش آفتاب در فصول گرم سال گرفته شود و رانندگان با آسایش بیشتری تردد کنند؛ در ضمن اینکه چون سایه آن ها روی مزارع نمی افتد مانع از رشد گیاهان نیز نخواهند شد و به محصولات آسیب وارد نمی شود. به این ترتیب بهتر است از درختان صنوبر که قامتی بلندتر از زیتون دارند استفاده شود.

اما در ضلع شمالی جاده باید از درختان کوتاه قامت تری نظیر زیتون استفاده شود، زیرا سایه درختان ضلع شمالی روی مزارع می افتد اما چون قطر سایه درختان زیتون خیلی کمتر از قطر درختان صنوبر است کمترین اشکال را ایجاد خواهد کرد.

در جاده های فرعی یا رودخانه هایی نیز که در راستای شمالی جنوبی قرار دارند (که البته اکثر رودخانه های شمال کشور در همین راستا واقع اند) میزان تابش آفتاب در دو سوی آن ها طوری است که بیشتر مساحت حاشیه این درختان می توانند تا شصت درصد از آفتاب تابیده شده در طول روز را جذب کنند و لذا آسیب چندانی به محصول وارد نمی شود.

عواید حاصل از این طرح حتماً باید عاید کشاورزان حاشیه طرح شود تا آنان هم در مراقبت از طرح مشارکت فعال داشته باشند و هم درآمد حاصل از آن به خانوارهای آن ها کمک قابل قبولی بنماید. با توجه به هزینه اندک طرح و منافع کلان آن دولت می تواند از طریق وزارت جهاد کشاورزی و سازمان جنگل ها و مراتع و همچنین تبلیغات و اطلاع رسانی، زمینه اجرای طرح را فراهم کند. اضافه می شود قدمت بعضی از طرح های زراعت صنوبر به قبل از پیروزی انقلاب می رسد که با توجه به دولتی بودن این طرح ها، اکثراً در پیچ و خم قوانین دست و پاگیر اداری معطل مانده و یا به علت کمبود بودجه تعطیل شده اند. هدف از آن طرح ها انتخاب گونه مناسب با شرایط محیطی هر منطقه بوده است. ساده ترین راه حل، برای اینکه طرح به سر نوشت طرح های قبلی دچار نشود و سریع به نتیجه برسد، استفاده از درختان صنوبری، به صورت کلن^۲ است که در هر محدوده مشخص رویده اند. سال هاست کشاورزان از آن ها استفاده و آن ها را تکثیر می کنند. مثلاً با توجه به تفاوت بارش ها بین شرق و

غرب استان گلستان یا مازندران و گیلان از صنوبرهای آزمایش شده همان مناطق استفاده شود. به این ترتیب از نظر زمان و بودجه صرفه جویی قابل ملاحظه ای خواهد شد.

زیتون

زیتون درختی است دیر زیست و مقدس که نام آن در کتاب آسمانی ما قرآن آمده است. در سوره التین (آیه اول) به درخت زیتون قسم یاد شده است (والتین و الزیتون) و همچنین در آیات دیگری از کلام الله مجید نیز از این درخت یاد شده است. کوکتو معتقد است که درخت زیتون نمی میرد مگر آنکه آن را بکشند. درخت زیتون، به علت سازگاری، در هر نوع خاکی رشد و تولید محصول فراوان می کند. به همین دلیل این درخت به محصول ثروتمند خاک های فقیر مشهور است. این درخت دارای عمری طولانی است و شرایط نامساعد اکولوژیکی را تحمل می کند و دارای مصارف گوناگونی است. یعنی علاوه بر گرفتن روغن از آن از چوب و هسته اش نیز استفاده می شود.

زیتون در مناطقی که زمستان های ملایم و تابستان های گرم و خشک داشته باشد عملکرد بالایی خواهد داشت. این گیاه تا درجه حرارت ۱۲- درجه سانتی گراد را نیز تحمل می کند ولی پایین تر از این دما سبب سرمازدگی و نابودی آن می گردد. به علت رشد عمومی ریشه های زیتون در مناطق خشک، این گیاه می تواند تا ۴۰ درجه سانتی گراد را نیز تحمل نماید. زیتون در بارندگی های سالانه ۲۰۰ تا ۱۰۰۰ میلی متر رشد می نماید ولی مناسب ترین بارندگی برای این درخت در شرایط دیم ۵۰۰ تا ۸۰۰ میلی متر است. (۴) از نظر درجه حرارت، در دوره سرد سال، تمام خط ساحلی از تأثیر تعدیلی آب دریا بهره مند می شود، اما بسته به دوری از ساحل و افزایش ارتفاع، به جهت کاهش اثر دریا و تأثیر فرایند افت محیطی دما، دما کمتر و هوا سردتر می گردد.

پایین ترین دماهای مشاهده شده در منطقه مورد نظر این طرح از ۶- تا ۱۲- درجه سانتی گراد بوده که به جهت کوتاه و ملایم بودن زمستان مشکل چندانی ایجاد نمی کند. وضعیت حرارتی دوره گرم سال نیز همانند زمستان است. در مجموع شرق دریای خزر گرم تر از غرب آن است. بالاترین دماهای ثبت شده سال، به غیر از یکی دو مورد استثنایی

(مثلاً در قائمشهر که در ژوئیه ۱۹۷۰ به ۴۶/۵ درجه سانتی گراد رسیده بود) اکثراً کمتر از ۴۰ درجه سانتی گراد است (۸) که با توجه به آب و هوای معتدل و مرطوب خزری و وضعیت سفره‌های آب زیرزمینی به راحتی برای زیتون قابل تحمل است.

اما بارندگی ناحیه خزری از غرب به شرق کاهش می‌یابد، به طوری که از آستارا تا بابلسر بارندگی سالانه بیش از ۱۰۰۰ میلی‌متر و در شرق بابلسر کمتر از ۱۰۰۰ میلی‌متر است. (۸) به این ترتیب مرز زیتون کاری با توجه به میزان بارش از شرق دریای خزر (آزاد شهر) تا بابلسر تخمین زده می‌شود.

در غرب بابلسر به علت بارش زیاد بهتر است صنوبر کاری شود. اما برای کاهش اثر سایه این درختان بر روی مزارع شمالی جاده، بهتر است فاصله صنوبرها ۱۰ الی ۱۵ متر در نظر گرفته شود.

صنوبر

صنوبرها از نظر اکولوژیکی بسیار کم‌هزینه‌اند و می‌توان آن‌ها را در اغلب اقلیم‌ها کاشت. اکثر صنوبرها در شرایط مساعد و مساوی رشد، بسیار زود رشد هستند و گاهی تولید چوب آن‌ها به بیش از ۴۰ متر مکعب در سال و در هکتار می‌رسد. (تولید چوب‌های جنگلی ۲ تا ۵ متر مکعب در سال و در هکتار برآورد شده است) در مقایسه با رشد صنوبرها، گونه‌های اکالیپتوس هم بسیار زود رشد هستند ولی اشکال آن‌ها سازگاری کمترشان نسبت به سرماست. لازم به ذکر است در برف سنگینی که در سال ۱۳۸۶ در شمال کشور بارید و دمای هوا تا ۲۰- درجه سانتی‌گراد کاهش یافت کلیه درختان اکالیپتوس استان گلستان خشک شدند و نگارنده خود شاهد آن بودم. در اهمیت صنوبرها، از نظر صنعتی و تکنیکی، همین بس که در بین کلیه گونه‌های زود رشد جهان (مانند اکالیپتوس‌ها، بیدها و سامبا و ...) به تشخیص معتبرترین کارشناسان جنگل و چوب، فقط برای صنوبرها کمیته و کمیسیون بین‌المللی به وجود آمده است.

آزمایش‌هایی که در کشور هلند انجام شده نشان می‌دهد درختان بلوط و راش پس از یک دوره ۲۵ الی ۳۰ ساله در حدود ۴۵ تا ۶۵ مترمکعب چوب در هکتار تولید می‌کنند. در همین مدت تولید چوب صنوبر، بر ۳۰۰ مترمکعب در هکتار بالغ شده است.

آزمایش‌های دیگری نیز در کشورهای یوگسلاوی و قبرس شده که نشان داده، در مقایسه با درختان اکالیپتوس و سوزنی‌برگ‌ها، تولید چوب صنوبر ۴ برابر اکالیپتوس و ۸ برابر سوزنی‌برگ‌ها بوده است.

صنوبر درختی است سریع‌الرشد و کم‌توقع که در خاک‌های متوسط به خوبی رشد می‌کند؛ کاشت و داشت آن ساده است و احتیاج به اطلاعات ویژه‌ای ندارد. محصول صنوبر چوبی است سبک، ترد، سفید و یکنواخت که کار کردن با آن در نجاری و ساختمان‌های روستایی آسان و در صنایع عمده چوب مانند کبریت‌سازی، کاغذسازی و غیره مصرف آن در حال توسعه است. کشت صنوبر برای هر زارعی به صورت سرمایه و بیمه اطمینان بخشی است که محصول آن در نوع خود تنها محصول چوبی پردرآمدی است که در مدت کوتاهی قابل برداشت می‌باشد. (۹)

جنگل کاری با صنوبر، یا زراعت درختان صنوبر، می‌تواند مانع از بین رفتن تدریجی ارزش زمین‌هایی شود که در اثر سیل تخریب شده‌اند و یا زمین‌های کنار رودخانه‌ها، نهرها و دره‌هایی که متأسفانه وسعت آن‌ها در کشور ما زیاد است. (۷)

طرح کاشت درختان صنوبر در حاشیه جاده‌های اصلی و فرعی و یا کنار رودخانه‌ها و نهرها و دره‌ها ضمن تولید چوب فراوانی که دارد و کشور را از واردات چوب یا برداشت چوب از جنگل‌های شمال بی‌نیاز می‌کند توان این را دارد که مقدار زیادی از خوراک دام ما را نیز از طریق تولید برگ، تأمین کند. این در صورتی است که در حال حاضر ما از واردکنندگان خوراک دام در دنیا هستیم.

ضمن تمام مزایایی که در این طرح شمرده شد مهم‌ترین حسن طرح این است که بر خلاف زراعت چوب، هیچ گونه زمین کشاورزی در این میان به زیر کشت نخواهد رفت و فقط از ظرفیت‌های خالی موجود استفاده خواهد شد.

علت عدم موفقیت طرح‌های صنوبر کاری در قالب زراعت چوب در کشور ما، با وجود سود زیادی که دارد طولانی بودن زمان بهره‌برداری برای کشاورز است. چرا که هزینه و درآمد کشاورزان سالانه بوده و توان سرمایه‌گذاری ده ساله را ندارند. این طرح می‌تواند این نقص را جبران کند.

پی‌نوشت‌ها

۱. زراعت چوب: کشت درختان سریع‌الرشد در زمین‌های کشاورزی به منظور بهره‌برداری از چوب آن‌ها را گویند.
۲. کلن: در صنوبر کاری به طور ساده به مجموعه‌ای از نهال‌ها که به روش قلمه زنی از یک درخت به دست می‌آیند کلن اطلاق می‌شود.

منابع

۱. کاوه، محمدمهدی (۱۳۹۲)، «اطلاعات حاصل از سرشماری درختان و بازدیدهای میدانی»
۲. کاوه، محمدمهدی (۱۳۷۷)، «بررسی ایستگاه‌های موجود هواشناسی، کلیما تولوژی، تبخیر سنجی و تعداد ایستگاه‌های مورد نیاز و مکان‌یابی درست آن‌ها در استان گلستان»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما دکتر جعفرپور، زین‌العابدین، استاد مشاور دکتر ثروتی، محمدرضا
۳. معاون وزیر جهاد کشاورزی ؟ (۱۳۹۳)، «افزایش ۴۰ درصدی تولید کلزا»، روزنامه ایران، یکشنبه ۱۲ خرداد، سال ۹۱، شماره ۵۳۸۱
۴. محمدی، حسین و وکیلی، دانش (۱۳۸۵)، «زیتون کاشت، داشت، برداشت و فناوری» انتشارات ندای سبز شمال
۵. اوسط منتظری، علی (۲۵ خرداد ۱۳۹۲)، «عرصه‌های جنگلی ایران»، روزنامه جام‌جم سال ۱۴، شماره ۳۷۱۶
۶. فریدنیا، علیرضا (۱۳۶۳)، «مجموعه مقالات ارائه شده در سمینار اهمیت صنوبر؛ روش اجرایی ارائه امکانات مالی و فنی برای صنوبر کاری» وزارت کشاورزی و عمران روستایی، سازمان تحقیقات کشاورزی و منابع طبیعی، سازمان جنگل‌ها و مراتع کشور
۷. ضیایی ضیابری، سیدفخرالدین (۱۳۶۲)، «راهنمای صنوبر کاری و فن برداشت آن»، مؤسسه تحقیقات جنگل‌ها و مراتع، نشریه شماره ۳۳
۸. علیچانی، بهلول (۱۳۷۶)، «آب و هوای ایران»، دانشگاه پیام‌نور، متون درسی
۹. شجاعی، محمود (۱۳۶۳)، «مجموعه مقالات ارائه شده در سمینار اهمیت صنوبر؛ بررسی خصوصیات بیواکولوژیک حاکم در تغییرات فون حشرات و مقاومت درختان صنوبر ایران»



هوای فرح بخش جویا کنند...

به نام خداوندِ دادارِ پاک
مزین به لطفش همه آب و خاک
جهان را ز نور و صفا آفرید
زمین و زمان و هوا آفرید
بشر تا دل آلوده باشد به شر
کند شهر، آلوده با هر شر
بباید که دل پاک گردد اول
که شهری شود پاک از هر دغل
دوم گام در شهرها همدلی‌ست
تفرّق پی دوستی کاهلی‌ست
هر آن‌کس هوای خوش آلوده کرد
شود زین جفا در جهان روی زرد
مکان‌های تولیدی دودزا
که هستند آزار جان دل‌گزا
بباید که از شهر بیرون شوند
به جاهای کم رفت و آمد روند
گازوئیل و بنزین و نفت وفور
نباید کند سوی پاکی عبور
گیاهانِ درمانگرِ سوخت‌زا
بهین داروی دردِ دودِ هوا
توان با روش‌های علم جدید
که تولید نیرو از آن‌ها گزید
که این سوخت در صرفه زان بهتر است
هم از شیمیایی روش‌ها سر است
انرژی خورشید راهی دگر
که گردند اماکن از آن بهره‌ور
به ماشین، بهین سوخت نیروی آن
زمانه از این به ندارد گمان
خوشایند هم آسمان، هم زمین
چه در آشکار و چه اندر کمین
صفاهاں پر از عطر گل‌های ناز

به یاد شهیدان خود سرفراز
به پاکیزگی شهره شهرهاست
گر آلوده باشد، بسی نابجاست
همه کودکان، نوگل زندگی
گریزند از دود و آلودگی
هوای فرحبخش جویا کنند
خموشانه این خواست، گویا کنند
هوای بد آلوده سازد ریه
بیازارد او نای و هم نایژه
به قلب و به چشم و دهان بس ضرر
رساند هوای بد، این المفرا!
به امراض خون مبتلا می‌کند
دچار غمی ناروا می‌کند
فزاید از آلودگی بوی بد
خود این بوی بد پرورد خوی بد
کلید در زندگی پاکی است
هر آن را که دریایی و خاکی است
به هر کشتزاری درختان بسی
بکارند یاران به یاد کسی
دیار صفاهاں پر از جان شود
به پاکی گذرگاه جانان شود
پی شرح این مثنوی سوختم
چراغی در این مجلس افروختم
چو بر «باغ گل‌ها» گذر می‌کنید
به خوبانِ خاکی نظر می‌کنید
گاهی یاد آرید یاران ز من
به زاینده‌رودِ خوش و آن چمن
شما از دیار صفا پرورید
«جهان‌دیده» را شهرِ خوبان برید
هر آن‌کس که دل با خدا راست کرد
به پاکی گرایید و شد رادمرد

دانشکده جغرافیای دانشگاه تهران در خیابان وصال شیرازی از جمله دانشکده‌هایی است که هنوز از ساختمان‌های اصلی و اولیه دانشگاه مادر چندان جدا نیفتاده است. این دانشکده برای دانشجویانی که در سال‌های دور و نزدیک در آن بوده‌اند، یادآور خاطراتی هیجان‌انگیز است، و برای دانشجویان امروز خود نیز پویایی علمی و آموزشی خاص خود را دارد. جغرافیا یکی از اولین رشته‌هایی است که در دانشگاه تهران (سال ۱۳۱۳)، به صورت مشترک با تاریخ و با نام رشته «تاریخ و جغرافیا» ایجاد شد و بعداً به صورت یک رشته مستقل ادامه یافت تا امروز که برای خود دانشکده‌ای به همین نام دارد. با یکی از پیش‌کسوتان جغرافیای کشور در این دانشکده گفت‌وگویی داشته‌ایم.

در آن روز استاد سیدحسن مطیعی لنگرودی با قامتی بلند و چشمانی که برق مهربانی و شوق در آن می‌درخشید

محمد دشتی

گفت‌وگو با دکتر سیدحسن مطیعی لنگرودی
استاد پیش‌کسوت دانشگاه و معاون آموزشی
دانشکده جغرافیای دانشگاه تهران

به خودم می‌بالم که عمرم را صرف معلمی کرده‌ام

به استقبلمان آمد. مهربان و بی‌تکلف با ما دست داد. بدون هیچ مقدمه‌ای صحبت‌هایمان گل انداخت، آن قدر که احساس کردیم که هنوز ارتباط و گفت‌وگو با دیگران و همدلی و همراهی با آدم‌ها را دوست دارد و این منش و روش جزئی از وجودش شده است. آنچه می‌خوانید حاصل این گفت‌وگوی صمیمی در اتاق معاون آموزشی دانشکده جغرافیاست.

□□□

جناب آقای دکتر مطیعی، ضمن تشکر از اینکه دعوت مجله رشد آموزش جغرافیا را برای گفت‌وگو پذیرفتید، اگر مایل هستید سخن را از مجله رشد جغرافیا آغاز کنیم. به نام خدا. بلی. وقتی که شما از مجله رشد آموزش جغرافیا به سراغ یکی از دوستان و علاقه‌مندان این مجله آمده‌اید و خیلی هم لطف کرده‌اید طبعاً باید سخن را از همین مجله آغاز کنم. از نگاه من مجله رشد آموزش جغرافیا در زمینه مسائل آموزشی خدمات زیادی را انجام داده و سال‌هاست که توانسته است، برای



مخاطبان مجله یعنی جامعه جغرافیایی ایران و به خصوص معلمان و دبیران جغرافیا مفید باشد.

گمان من این است که مجلاتی از نوع و جنس مجله رشد آموزش جغرافیا برای موضوع و بحث آموزش و به خصوص به روز نگه داشتن اطلاعات، دانش و آگاهی مخاطبان خود، به خصوص معلمان که گاه ممکن است در شهرستان‌ها دسترسی یا فرصت زیادی برای مطالعات جنبی نداشته باشند مفید است.

لذا از آنجا که در مدت این ۴۶ سال به وضعیت آموزشی و رسانه‌ای سایر کشورها هم آگاهی پیدا کرده‌ام، می‌توانم بگویم وجود چنین نشریاتی باعث پویایی و تحرک بیشتر دست‌اندرکاران کارهای آموزشی و تعامل بیشتر بین کسانی می‌شود که در یک حوزه خاص به آموزش، تحقیقات و کارهای اساسی مختلف می‌پردازند و قصد دارند

معلم الگو و شایسته قادر است زندگی و آینده دانش‌آموزان و دانشجویان خود را به گونه‌ای رقم بزند که بتوانند در فردای جامعه خود برای زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی خودشان فردی مفید و مؤثر باشند

خدمتی به جامعه خود کرده باشند. چنین نشریاتی که با لحاظ نمودن استانداردهای حرفه‌ای و مطبوعات آموزشی تولید می‌شود می‌تواند در نوع خود خیلی تأثیرگذار باشد. به همین دلیل هم اعتقاد دارم که جامعه جغرافیایی ایران هم نیازی مبرم به چنین نشریاتی دارد.

ما هم در حوزه آکادمیک و دانشگاهی نسبت به این مجله احساس نزدیکی و ارتباط خوبی داریم و تلاش می‌کنیم تا در حدی که ممکن و مقدور است، با آن همکاری کنیم و اتفاقاً یکی از ویژگی‌های مجله رشد آموزش جغرافیا در طول دوران انتشار خود و تا جایی که من اطلاع دارم، همین است که توانسته است ارتباط خود را با اساتید و همکاران دانشگاهی و علمی حفظ کند و با حضور تحصیل کرده‌های حوزه جغرافیا در این مجله، ما شاهد بوده‌ایم که اساتید و مدرسان دانشگاه در گروه جغرافیا از همان ابتدای شکل‌گیری مجله با آن همراه و همدل بوده‌اند و حالا خوشحالی‌م که این مجله از شماره صدم هم گذشته است، و همچنان پویا و فعال و امیدوار و مؤثر به انتشار خود ادامه می‌دهد و در فصول و زمان‌های مقرر برای انتشار خود چشم مخاطبان را روشن کند.

آقای دکتر! لطفاً مقداری هم درباره سوابق تحصیلی و دوره‌های تحصیلی خودتان در مقاطع آموزش عالی برای خوانندگان مجله سخن بگویید.

من در سال ۱۳۴۹ برای گذراندن دوره کارشناسی در رشته جغرافیا وارد دانشگاه ملی - شهید بهشتی امروز - شدم و در سال ۱۳۵۳ فارغ‌التحصیل گشتم. پس از دو سال که در ایران کار کردم احساس کردم توقف در مقطع لیسانس در این رشته مرا قانع نمی‌کند. مکاتباتی را با دانشگاه‌های مختلف در دیگر کشورها انجام دادم، که بتوانم راهی برای ادامه تحصیل پیدا کنم. این را هم اضافه کنم که آن زمان مکاتبات

بین کشورها پستی و بسیار زمان‌بر و وقت‌گیر بود. بالاخره مکاتبات و پیگیری‌های من نتیجه داد و برای ادامه تحصیل در کارشناسی ارشد و دکتری در رشته جغرافیا، با گرایش زندگی روستایی و جوامع ناحیه‌ای، به فرانسه رفتم و توانستم در سال ۱۳۶۱ مدرک دکترای خودم را در همین گرایش دریافت کنم و به ایران بازگردم. البته مدتی را هم برای فرصت مطالعاتی در کشور کانادا گذرانده‌ام.

اصلاً چه شد که شما رشته جغرافیا را برای تحصیل انتخاب کردید؟

دلیل ورود من به این حوزه و علاقه‌مند شدنم به جغرافیا این بود که دوستی داشتم که در کشور فرانسه در رشته جغرافیا تحصیل می‌کرد. گاهی که او به ایران می‌آمد ما با هم در این خصوص صحبت می‌کردیم که کم‌کم در وجود من هم علاقه‌ای به این رشته پیدا شد و همین باعث شد این رشته را انتخاب کنم و در دانشگاه شهید بهشتی تهران به تحصیل در رشته جغرافیا مشغول شوم.

همان‌طور که اشاره کردم، تحصیلات عالی من در سال ۱۳۶۱ در فرانسه به پایان رسید و چون علاقه‌مند به خدمت در کشور خودم بودم، بلافاصله به ایران بازگشتم و پس از انجام کارهای اداری و استخدامی، چون در تهران ردیف استخدامی خالی نداشتند، به مشهد مقدس رفتم و مدت ۲۰ سال در دانشگاه فردوسی مشهد توفیق خدمت داشتم. من در آنجا به‌عنوان مدیر گروه، رشته فوق لیسانس را در رشته جغرافیا در آن دانشگاه راه‌اندازی کردم و در سال ۱۳۷۵ هم دوره دکتری را در همین گرایش جغرافیای روستایی مصوب و آغاز کردیم. همچنین رشته کارشناسی جغرافیا را در دانشگاه آزاد اسلامی مشهد و سپس فوق لیسانس آن را در این دانشگاه آغاز کردیم. زمینه راه‌اندازی رشته دکترا را هم در این دانشگاه فراهم کرده بودم که در سال ۱۳۸۲ به دانشگاه تهران منتقل شدم.

از آن سال تاکنون هم که حدود ۱۳ سال می‌گذرد، در دانشگاه تهران مشغول به خدمت و فعالیت هستم. در این سال‌ها هم مدتی مدیر گروه جغرافیا دانشگاه تهران بودم و اکنون هم حدود ۵ سال است معاون آموزشی دانشکده جغرافیای دانشگاه تهران هستم.

کارهای تحقیقاتی زیاد و مقالات فراوانی هم، که شاید بالغ بر ۱۵۰ مورد باشد، انجام داده و یا نوشته‌ام و حدود ۱۲ جلد کتاب هم که عمدتاً کتاب‌های درسی در حوزه جغرافیا هستند تألیف کرده‌ام.

آقای دکتر، حالا اجازه بدهید بپردازیم به معلمی، که فصل مشترک کار ما و شما در دانشگاه و مدرسه است. علاقه‌مند هستیم صحبت‌های یک معلم موفق مثل شما را بشنویم تا مخاطبان مجله، به خصوص معلمان عزیز، هم در جریان قرار گیرند.

معلمی، چه در مدرسه و چه در دانشگاه نیاز به عشق و علاقه‌ای درونی دارد که بدون آن کار معلمی ممکن نیست. شاید واقعاً کارهایی فنی یا حرفه‌هایی باشند که علاقه شخصی فرد بدان برای موفقیت در چنین مشاغلی خیلی مهم نباشد، اما معلمی بدون عشق و کشش به آموختن به دیگران بدون چشم‌داشت و منت ممکن نیست. به گمان من



از نگاه من مجله رشد آموزش جغرافیا در زمینه مسائل آموزشی خدمات زیادی را انجام داده و سال‌هاست که توانسته است، برای مخاطبان مجله یعنی جامعه جغرافیایی ایران و به خصوص معلمان و دبیران جغرافیا مفید باشد.

بتوانند با خودآموزی و بدون معلم هم چیزهایی یاد بگیرند، اما آن چیزی که اهمیت معلم دیدن و معلم داشتن را زیاد می‌کند این است که یک معلم الگو و شایسته قادر است زندگی و آینده دانش‌آموزان و دانشجویان خود را به گونه‌ای رقم بزند که بتوانند در فردای جامعه خود برای زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی خودشان فردی مفید و مؤثر باشند و این چنین آموزه‌ای شاید در هیچ کتابی پیدا نشود و تنها با هنرمندی معلمان است که می‌تواند محقق شود.

افراد انسانی، بنا به ژن و شخصیت خود، دارای تیپ‌های مختلفی هستند و تنها گروهی می‌توانند شغل معلمی را انتخاب کنند و در آن موفق شوند که ارتباط و مماسات و تعامل با دیگران و به خصوص کودکان را دوست داشته باشند. بدون چنین زمینه و انگیزه‌ای بعید است کسی بتواند معلم موفق شود. اگر چنین زمینه‌ای در کسی وجود داشته باشد، آموزش و درس دادن و تعلیم دادن برایش جذابیت خواهد داشت و اگر سعی و تلاش کند، حتماً در این زمینه موفق خواهد شد، یعنی از زندگی معلمی خودش و داشتن چنین حرفه‌ای لذت خواهد برد که بالاترین پاداش برای شغل معلمی رضایت درون و آرامشی است که از رهگذر این کار سخت اما مهم و تأثیرگذار حاصل می‌شود.

هر کس می‌خواهد معلم شود، ابتدا باید بررسی و دقت کند که آیا واقعاً آن عشق و علاقه در وجودش هست یا خیر. چون اگر چنین نگاهی به معلمی نداشته باشیم بعید است که در انجام این کار موفق شویم. اگر انسانی خود را منفعت‌طلب و سودجو می‌بیند و در پی کسب درآمدهای آن چنانی است باید دور معلمی را خط بکشد، چون اگر با چنین اهدافی به معلمی رو کند، تنها عمرش را تلف خواهد کرد و باعث خواهد شد عمر دانش‌آموزان و کسانی هم که مسئولیت آموزش و پرورش آنان را بر عهده می‌گیرد نیز تلف شود. بنابراین توصیه اکید من این است که کسانی که این عشق و علاقه به معلمی را در خود نمی‌بینند به دنبال شغل معلمی نروند این برای خودشان بهتر است و هم نتایج بهتری برای جامعه و معلمان خواهد داشت. البته این حرف من نافی این معنا نیست که باید در جامعه به معلم توجه شود و حق معلمان راستین است که در بهترین جایگاه قرار گیرند و از بهترین امکانات مادی و معنوی برخوردار شوند. این مهم هم بر عهده حکومت‌ها و حاکمیت‌هاست که زمینه برخورداری، رفاه و آرامش معلمان را که وجود خود را وقف خدمت به فرزندان این جامعه می‌کنند به نیکی و شایستگی فراهم آورند.

معلمی به جز عشق و علاقه چه ویژگی‌های اصلی دیگری دارد که می‌تواند تأثیرگذار باشد؟

تجربه من می‌گوید معلمی موفق است که علاوه بر عشق و علاقه به شغل معلمی، بتواند الگوی دانش‌آموزان و دانشجویان خود باشد؛ مخصوصاً معلمی، شدیداً نیازمند به نظم و انضباط است و این نظم و انضباط معلمی، راستی و صداقت در رفتار و گفتار و کردار معلم است که به بچه‌ها درس زندگی می‌آموزد و اهمیت آن از هر درس و مشقی بیشتر و حساس‌تر است. چون ممکن است که دانش‌آموزان و بچه‌ها

در همه این سال‌ها آیا علاقه شما به معلمی افزایش یافته است یا نه؟ اولین روزی را که به کلاس درس رفتید و معلمی خودتان را به‌طور رسمی آغاز کردید به یاد دارید؟

صریحاً اعتراف می‌کنم روزی که کارم را در این شغل آغاز کردم، این علاقه و دلدادگی به معلمی در من وجود نداشت، اما چون ارتباط با بچه‌ها و دانش‌آموزان و دانشجویان را دوست داشتم، این علاقه به مرور زمان در من ایجاد شد و از آن روز تاکنون هر روز بر این عشق و علاقه افزوده شده است و امروز که به پشت سرم نگاه می‌کنم و ردپای سال‌ها معلمی و همدمی با فرزندانم را در کلاس‌های درس می‌بینم، از انتخاب چنین شغلی به خودم می‌بالم و افتخار می‌کنم که عمرم را صرف معلمی کرده‌ام. کاری که تلاش کرده‌ام آن را خوب انجام دهم و اکنون نیز بدان مشغولم. معلمی هیچ‌گاه برای کسی که آن را دوست دارد پایانی ندارد. معلمی از شغل‌های پاک‌تری است که من آن را حرفه‌ای مقدس می‌دانم و خوشبختانه شغلی است که امکان کج‌روی و انحراف در آن کم است. در این شغل مانند برخی شغل‌های دیگر امکان دریافت زیرمیزی و رشوه و پول‌های آلوده کم است و به همین سبب هم باعث می‌شود که قدر و ارزش و جایگاه والاتری نسبت به برخی شغل‌ها که زمینه فساد در آن زیاد است داشته باشد.

این را هم بگویم که آغاز معلمی من هم حدیث خاص خودش را دارد و برای همیشه در خاطرم مانده است. بار اولی که به کلاس درس رفتم، ده دقیقه‌ای طول کشید که خودم را پیدا کنم. هی توی کلاس قدم زدم و به در و دیوار نگاه کردم و هیچی نگفتم تا اینکه یکی از دانشجویان از من پرسید که: استاد ببخشید این درس ما که جغرافیای اقتصادی است، درباره چه چیزهایی بحث می‌کنند؟ و همین سؤال کافی بود که من درس را شروع کنم. یخ رابطه‌ها شکسته شد و این شروع تا زمان حال همین طوری در کلاس‌های درس و در بین دانشجویانم ادامه دارد که گفته‌اند: حدیث عشق پایانی ندارد!

من هنوز جزواتی را که آن سال‌ها به دانشجویانم داده‌ام دارم و حقیقتش حالا هر وقت به آن‌ها می‌نگرم، خودم خنده‌ام می‌گیرد. می‌خواهم این را بگویم که اگر معلمان ما پشتکار و اراده و عشق به معلمی داشته باشند، بالاخره راه موفقیت را پیدا می‌کنند و می‌توانند معلم موفق بشوند.

از نگاه شما دانش‌آموختگان کمی قدیمی‌تر، مثل نسل خودتان و یا شاگردان شما، چه تفاوتی با دانشجویان و دانش‌آموختگان دوران حاضر دارند؟

این سؤال را که چه تفاوتی بین دانش‌آموختگان قدیم و جدید حوزه جغرافیا و یا احیاناً دیگر حوزه‌های علوم انسانی وجود دارد، من از زاویه نگاه خاص خودم می‌بینم و به آن پاسخ می‌دهم. شاید برداشت‌هایی باشد که گذشتگان و پیشینیان بهتر و فعال‌تر و مؤثرتر بوده‌اند که می‌تواند چنین هم باشد، اما حرف و صحبت من این است که فرزندان ما، ساکنان و آدمیان زمان خودشان هستند. آن‌ها با شکل و شیوه و فرمی که در زمانه آنان جاری است تنفس می‌کنند و تلاش می‌کنند که آینده و زندگی خود را در سال‌های پیش رو بسازند.

من در همه این سال‌ها و هم‌اکنون هم با دانشجویانی سروکار داشته و دارم که متفاوت از نوع و تیپ دانشجویی زمان من هستند، اما این تفاوت و دیگر بودن را به معنای بهتر بودن نسل خودم و یا عقب بودن آنان نمی‌دانم. دنیا این روزها بیش از پیش دچار دگرگونی و تحول و تغییر شده است و این دانش‌آموزان و دانشجویان هم که ما دور و بر خودمان می‌بینیم، محصول همین جغرافیا و جهان هستند که باید در جای خود و به درستی و شایستگی درک و شناخته شوند. به گمان شخصی من دانشجویان این دوره یا دانش‌آموختگان حال و قدیم تمایز ویژه‌ای بر یکدیگر ندارند، بلکه آن‌ها تنها با یکدیگر متفاوت هستند. با درک این موضوع صورت سؤال هم کمی عوض می‌شود و من اعتقاد دارم با همه تفاوت‌هایی که بین نسل‌ها وجود دارد، اما ظرفیت‌های نسل جدید ما و فرصت‌هایی که پیش روی آنان است، آن قدر غنی هست که انتظار داشته باشیم آینده از زمان حال بسیار بهتر و دلپذیرتر باشد. فراموش نکنیم که جامعه ما در کل جهان و در جغرافیاهای مختلف رشد و پیشرفت کرده است و دسترسی آنی و لحظه‌ای به اطلاعات باعث شده است که فرصت‌ها و ظرفیت‌های فراوانی در اختیار انسان‌ها قرار گیرد که ما نمی‌توانیم بدان بی‌توجه باشیم.

زمانی که من برای تدریس به دانشگاه فردوسی مشهد رفتم، چند درس را برای تدریس در اختیارم گذاشتند که مانده بودم چگونه باید آن را تدریس کنم تا برای دانشجویانم مؤثر باشد. خاطرم هست که در مشهد هرچه گشتم کتابی که بتواند به‌عنوان منبع درسی کمک کند نبود. به تهران آمدم و به این در و آن در زدم و از فامیل و آشنا و کتابفروشی و این‌طرف و آن‌طرف و با واسطه دو کتاب پیدا کردم تا بتوانم دروس را با شکل بهتری تدریس و ارائه کنم. اما شما امروز می‌توانید همین جا که نشسته‌اید، با اندکی اطلاعات زبانی، به‌خصوص زبان لاتین، منابع دست اول و جهانی را در لحظه به دست بیاورید و یک ساعت بعد در کلاس درس ارائه دهید. پس یادمان باشد که در این قیاس و مقایسه دیروز و امروز این اتفاقات تحولات و تغییرات را نادیده نگیریم.

سخن پایانی شما که مایلید درباره آن صحبت کنید!

همان‌طور که در ابتدای صحبت‌هایم اشاره کردم، دوست دارم سخن پایانی هم باز درباره مجله باشد. مجله رشد آموزش جغرافیا، مجله سودمند و مؤثری است، اما باید به معلمان و کلاس درس توجه بیشتری داشته باشد و ضمناً بتواند با برقراری ارتباط با دانشگاه‌ها و اساتید، از دانش و علم روز و امکاناتی که در اختیار مراکز آموزش عالی قرار دارد برای اهداف و مأموریت‌های آموزشی خود استفاده کند.

شکی نیست که توجه به جذابیت‌های روزنامه‌نگاری و ژورنالیستی، صفحه‌آرایی حرفه‌ای و استفاده از رنگ و تصویر این مجله را خواندنی‌تر خواهد کرد و در دنیای پرتنوعی که گزینه‌های زیادی برای انتخاب شدن وجود دارد، مجله رشد آموزش جغرافیا هم سهم خودش را حفظ خواهد کرد و دستان دوستانی را که او را می‌خواهند هر فصل و پس از انتشار صمیمانه‌تر و گرم‌تر از گذشته خواهد فشرد. ان‌شاءالله.

سوران منوچهری، نویسنده مسئول، کارشناسی ارشد جغرافیا
و برنامه‌ریزی روستایی، دبیر آموزش و پرورش استان کردستان
حسین فراهانی، استادیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه زنجان

اهمیت آموزش و پرورش (آموزش توسعه‌ای)

تحقق توسعه پایدار

چکیده

دستیابی به پایداری، که هدف نهایی برنامه‌های توسعه است، پرچالش‌ترین موضوع عصر حاضر به‌شمار می‌رود و برنامه‌ریزان و سیاستگذاران توسعه راه‌حلهایی را جهت تحقق این امر به اجرا گذاشته‌اند. در این میان آموزش توسعه‌ای، به‌عنوان رویکردی اثربخش و راه‌حل جدید این چالش از سوی سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی مسئول از جمله یونسکو، مطرح شده است. این نهاد پس از نامگذاری دهه اخیر به عنوان «دهه آموزش توسعه‌ای» جهت‌گیری برنامه‌های خود را در راستای تحقق توسعه پایدار بر آموزش و پرورش معطوف داشته و در پی آن است که با روی آوردن به آموزش و پرورش با کیفیت، مفهوم توسعه پایدار را در میان دانش‌آموزان به‌عنوان آینده‌سازان نهادینه کند و نیروی انسانی توانمند و با ظرفیتی را که عامل و هدف توسعه پایدار محسوب می‌شود تربیت نماید. در این راستا در پژوهش حاضر که از نوع بنیادی-کاربردی است؛ با رویکردی توصیفی-تحلیلی و با جمع‌آوری اطلاعات از منابع اسنادی در پی آن هستیم که پس از تبیین پارادایم توسعه پایدار، اهمیت آموزش و پرورش و نقش آن در آموزش توسعه‌ای را روشن نماییم.

کلیدواژه‌ها: توسعه پایدار، آموزش توسعه‌ای، آموزش و پرورش، ظرفیت‌سازی.

مقدمه

تعریف ارائه شده راه، یعنی «برآوردن نیازهای نسل امروز، بدون تخریب توانایی‌های نسل آینده برای برآوردن نیازهایشان» مورد توجه قرار دهیم، درمی‌یابیم که بر نقش انسان به‌عنوان عامل، وسیله و هدف توسعه تأکید شده است. بنابراین چنانچه به دنبال تحقق توسعه پایدار باشیم، که تضمین‌کننده رفاه با دوام جامعه انسانی است؛ می‌بایست نخست ظرفیت‌های انسانی جامعه را با افزایش آگاهی مردم ارتقا دهیم. به واقع تحقق توسعه پایدار در یک جامعه نیازمند وجود انسان‌هایی آگاه، خلاق، بینش‌مدار، همه‌جانبه‌نگر، آینده‌نگر، مسئولیت‌پذیر و مشارکت‌جو است که قدرمسلم تولید نیروی انسانی با چنین ویژگی‌هایی نیازمند آموزش‌های گسترده و برنامه‌ریزی شده است. در قرن حاضر، نقش آموزش اثربخش در تحقق توسعه پایدار به‌عنوان هدف نهایی برنامه‌های توسعه آنچنان مهم و پررنگ است که در اجلاس ریو (اجلاس سبز ۱۹۹۲) نیز که الگواره پایداری

توسعه به معنی کلی تلاش برای بهبود زندگی همزاد تاریخ بشری است، اما توسعه به معنی امروزی آن، که بیشتر یک مفهوم مقایسه‌ای است؛ از مفاهیمی است که بیش از هر موضوع دیگری در نیم قرن اخیر مورد بحث محافل مختلف قرار گرفته است (جمعه‌پور، ۱۳۹۲، ۵۱). سیر تحول مفهوم توسعه نهایتاً به مفهوم «توسعه پایدار» ختم شده است. توسعه پایدار، پارادایمی است که از اواخر قرن بیستم راه‌هایی را فرا راه انسان‌ها باز کرده و از آن جهت که در آن محوریت با انسان و نقاط ضعف توسعه‌یافتگی است و محوریت را در بقای انسان، مجموعه حیات و تداوم آن در نسل‌های بعدی می‌بیند، پس از طرح و عرضه، سریعاً عالمگیر شده است و کشورها اعم از توسعه‌یافته و نیافتة موظف شدند که در پروژه‌های توسعه‌ای، جنبه‌های پایداری را با تمام دقت در نظر گیرند (از کیا، ۱۳۸۷، ۴۰). هرچند تعاریف متعددی از توسعه پایدار ارائه شده اما اگر ساده‌ترین

نیروی انسانی با ظرفیت و توانمند عامل اصلی تحقق توسعه پایدار می باشد اهمیت این امر به حدی است که یک عزم جهانی برای تحقق توسعه پایدار از طریق آموزش و پرورش شکل گرفته است

توسعه آموزش توسعه پایدار در ایران» پس از تأکید بر نقش آموزش در تحقق توسعه پایدار کشور با بهره‌گیری از تکنیک سوات^۱، که با نظرسنجی از ۶۰ تن از استادان دانشگاه صورت گرفت نشان دادند که به‌منظور آموزش توسعه‌ای در کشور باید راهبردهای تهاجمی با زمانبندی مشخص توسط نهادهای محلی و مردمی و سپس مدیران دولتی مورد توجه قرار گیرد.

موسایی (۱۳۸۸) در مقاله‌ای با عنوان «آموزش توسعه و توسعه پایدار» عنوان می‌کند که آموزش، اثربخش‌ترین سازوکار جامعه برای مقابله با بزرگ‌ترین چالش قرن یعنی توسعه پایدار است؛ چراکه توسعه پایدار به انسان‌های با مهارت، آگاه، انعطاف‌پذیر و جامع‌نگر نیاز دارد. در این مقاله به دنبال ارائه تاریخچه‌ای از نظام آموزش و پرورش به نقش این نهاد در تحقق توسعه پرداخته می‌شود. در نهایت، نویسنده نقش آموزش‌های توسعه‌ای را در تحقق توسعه پایدار تربیت نیروی انسانی کارآمدی می‌داند که مهم‌ترین ابزار تحقق توسعه پایدار است. اصلی‌ترین پیشنهاد پژوهش نیز این است که نظام آموزشی کشور از دید توسعه پایدار مورد بازبینی قرار گیرد؛ چراکه اساس توسعه پایدار کشور از دالان آموزش توسعه‌ای می‌گذرد.

روش تحقیق

پژوهش حاضر به لحاظ هدف بنیادی کاربردی و از حیث روش گردآوری اطلاعات توصیفی تحلیلی است. برای جمع‌آوری اطلاعات نیز از روش اسنادی و بهره‌گیری از نتایج آخرین همایش‌ها و کنفرانس‌ها، مقالات، کتب داخلی و خارجی و سایت‌های اینترنتی معتبر استفاده شده است. در فرایند پژوهش سعی شده، با دیدی استقرایی، مطالب مورد نیاز جمع‌آوری و سپس با کنار هم قرار دادن و مرتبط ساختن آن‌ها به نتیجه‌گیری کلی دست یابیم. در ضمن مباحث پژوهش، خلاصه‌ای از مطالعات پیشین نیز آورده شده است که تا علاوه بر افزودن بر غنای پژوهش، روایی و صحت آن نیز اثبات گردد.

چارچوب مفهومی و نظری توسعه پایدار

مفهوم توسعه^۲ در برابر رشد آقرار دارد. توسعه یک مفهوم کیفی است و می‌توان آن را به معنای افزایش کیفیت زندگی دانست که مسائلی مانند بهداشت، آموزش، رفاه، آزادی بیان و ... را دربرمی‌گیرد (دلیر، ۱۳۹۰، ۹۳). توسعه روندی چند بعدی دارد که جامعه طی آن استانداردهای زندگی خود را ارتقا می‌بخشد. در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ رشد اقتصادی را عامل اصلی توسعه محسوب می‌کردند و بالا بردن تولید ناخالص ملی و درآمد سرانه را هدف توسعه می‌دانستند. اما آثار منفی که این نگاه به توسعه برای کشورهای جهان سوم به بار آورد سبب شد که در دهه ۱۹۷۰ متفکران به‌ویژه اندیشمندان جهان سوم نظریات و رویکردهای جدیدی را در باب توسعه مطرح کنند مانند: توسعه اجتماعی، توسعه فرهنگی، توسعه سیاسی، توسعه انسانی و در نهایت توسعه پایدار که به‌عنوان رویکرد غالب برنامه‌ریزی‌های توسعه در عصر حاضر مدنظر است (لنگرودی، ۱۳۸۶، ۶۵-۶۶).

اصطلاح توسعه پایدار^۳ بعد از انتشار گزارش آینده مشترک ما

مورد تأیید و تصویب سران کشورهای جهان قرار گرفت، یکی از پیش شرط‌های اصلی تحقق آن آموزش قرار داده شد و در اعلامیه آن به صراحت به نقش آموزش‌های رسمی و غیررسمی جهت نهادینه نمودن مفهوم توسعه پایدار در جامعه تأکید گردید. با توجه به اهمیت آموزش به‌منظور حرکت در مسیر توسعه پایدار، سازمان‌های بین‌المللی زیادی به فعالیت در این زمینه پرداخته‌اند که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان از سازمان یونسکو نام برد که سال ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۴ را به‌عنوان «دهه ملل متحد برای خدمت در آموزش توسعه پایدار» اعلام کرد تا در طی آن آماده کردن شهروندان برای رودررویی مستقیم با چالش‌های حال و آینده و تصمیم‌گیری‌های توأم با مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی در جهت ساخت یک جهان زنده و پویا مورد توجه قرار گیرد. در این راستا بر پنج نوع یادگیری جهت نهادینه شدن مفهوم توسعه پایدار تأکید شده است: آموزش و یادگیری برای دانستن، اقدام کردن، بودن، موجودیت و هستی زمین برای زندگی مشترک و با هم و برای تغییر مثبت خود و جامعه (افتخاری و همکاران، ۱۳۸۹، ۵۰). بی‌شک مدارس و دانش‌آموزان در محور این اقدامات و آموزش‌ها قرار می‌گیرند؛ چراکه تبلور آموزش و پرورش در زمینه تربیت نیروی انسانی توانمند است. همان‌طور هم که گفته شد نیروی انسانی با ظرفیت و توانمند عامل اصلی تحقق توسعه پایدار می‌باشد. اهمیت این امر به حدی است که یک عزم جهانی برای تحقق توسعه پایدار از طریق آموزش و پرورش شکل گرفته است. برای مثال، در سال ۱۳۹۳ یونسکو اجلاسی را، به میزبانی کشور ژاپن و با حضور دست‌اندرکاران آموزش و پرورش کشورهای مختلف جهان از جمله دکتر فانی وزیر آموزش و پرورش ایران، برگزار کرد که در آن بر نقش آموزش و پرورش به‌عنوان پیشگام اصلی آموزش توسعه پایدار تأکید شده بود (نشریه نگاه، ۱۳۹۳). با عنایت به این موضوع در این تحقیق بر آن شدیم که به دنبال روشن نمودن مفهوم چندسازهای توسعه پایدار؛ به تعریفی از آموزش توسعه‌ای و اهمیت آموزش و پرورش در تحقق توسعه پایدار بپردازیم.

سابقه پژوهش

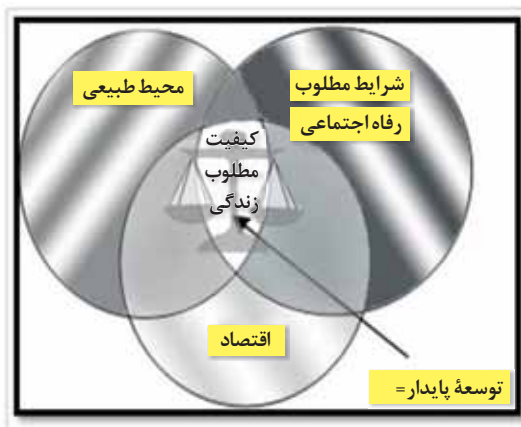
آراسته و امیری (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان «نقش دانشگاه‌ها در آموزش توسعه پایدار با رویکردی توصیفی-تحلیلی» بیان می‌کنند که تغییر مفاهیم توسعه در چند دهه اخیر و در نهایت برگزیده شدن صفت «پایدار» به‌عنوان صفت غالب برنامه‌های توسعه‌ای جامعه، تغییر در جهت‌گیری و برنامه‌ریزی مؤسسات آموزش عالی را ضروری می‌سازد؛ چراکه این مؤسسات نقش تأثیرگذاری در آگاهی و ارتقای قابلیت‌های جوامع دارند. تغییر شیوه‌های تدریس و ارتباط متقابل آموزش‌های رسمی و غیررسمی نیز مهم‌ترین پیشنهاد این پژوهش تحقق‌پذیری از طریق آموزش است. افتخاری و همکاران (۱۳۸۹) در پژوهشی با عنوان «راهبردهای

جدول ۱: سیر تحول پارادیم‌های توسعه روستایی

پارادایم	دوره زمانی	راهبرد در دستور کار و اقدام
رشد	۱۹۶۰-۱۹۹۵	- راهبردهای توسعه‌بخشی بدون توجه به پیوند با سایر بخش‌ها در رهیافت چندبخشی
رشد توأم با توزیع	۱۹۷۰-۱۹۶۰	- مدرن‌سازی انباشت سرمایه، اصلاحات ارضی، راهبردهای توسعه چندبخشی
تأمین نیازهای اساسی	۱۹۸۰-۱۹۷۰	- جهت‌گیری نیازهای اساسی، فن‌آوری مناسب، جهت‌گیری فقر - جهت‌گیری گروه‌های هدف - جهت‌گیری اکولوژیکی
توسعه پایدار	۱۹۸۰ به بعد	- مشارکت - جهت‌گیری‌های خود تعیین‌کنندگی و خودیار - جهت‌گیری جنبشی، ظرفیت‌سازی و توانمندسازی، هماهنگی و یکپارچگی نظام اکولوژیکی یا نظام‌های اقتصادی-اجتماعی

منبع: گزارش مؤسسه توسعه روستایی ایران، (۱۳۸۳)

توسعه پایدار متشکل از ارتباطات پیچیده و هم‌پوشانی سه بعد اصلی ساختارهای اقتصادی، بسترهای محیطی و رفاه اجتماعی است. در واقع تعادل بین این سه بعد تضمین‌کننده کیفیت مطلوب زندگی و در نتیجه تحقق توسعه پایدار است. بنابراین مهم‌ترین جاذبه توسعه پایدار جامع‌نگری است و معمای توسعه پایدار نمی‌تواند از طریق تمرکز بر اجزا حل شود.



شکل ۱: ابعاد توسعه پایدار منبع: (Manitoba, 2000, 6)

پایداری و تداوم اجتماع در زمینه زندگی اجتماعی، رفع تبعیض و بی‌عدالتی، بهبود شرایط اقتصادی همراه با ثبات منابع طبیعی بدون آسیب رساندن به منابع و زیرساخت‌ها توسعه پایدار نامیده می‌شود

اهداف توسعه پایدار

۱. احیای رشد: از آنجا که فقر باعث فشار بر محیط می‌شود و استفاده غیرعقلانه از منابع طبیعی و نیز افزایش بیش از حد جمعیت را به دنبال خواهد داشت، لازم است رشد اقتصادی افزایش یابد تا فقر و نابرابری از میان برداشته شود. این رشد باید با مصرف کمتر انرژی و منابع همراه باشد.

۲. تغییر کیفیت رشد: تغییر کیفیت به معنای تغییر رویکرد به توسعه و توجه به تمام آثار حاصل از آن است. برای مثال، کشاورزی در مقیاس بزرگ ممکن است بازدهی زمین را افزایش دهد، اما در عین حال باعث بیکاری کشاورزان خرده‌پا شود و به توزیع نامتعادل درآمد و ایجاد فقر بینجامد، علاوه بر اینکه در تخریب محیط هم مؤثر است. رشد باید به گونه‌ای باشد که متغیرهای غیراقتصادی، مانند آموزش، مراقبت‌های بهداشتی، آب و هوای سالم و مراقبت از زیبایی‌های طبیعی را نیز دربرگیرد.

۳. تأمین نیازهای اساسی انسان‌ها: پاسخگویی به نیازهای اساسی و روزافزون جمعیت، شامل اشتغال، مواد غذایی، انرژی، مسکن، آب و بهداشت، یکی از اهداف مهم دستیابی به توسعه پایدار به‌شمار می‌آید.

۴. حفظ سطح پایداری از جمعیت: میزان جمعیت لازم است با ظرفیت تولیدی اکوسیستم متناسب باشد. انتظار می‌رود صنعتی

گزارش براتلند) توسط کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه^۵ در ۱۹۸۷ متداول گردید (Manitoba, 2002, 2). با پذیرش این گزارش در مجمع عمومی سازمان ملل، در کنفرانس بعدی بین‌المللی توسعه و محیط زیست (۱۹۹۲) که در ریو دوژانیرو برگزار شد، شاخص‌های مختلفی به منظور توسعه پایدار در سطوح بین‌المللی، ملی و محلی بنا نهاده شد. (WTO, 2002). کمیسیون جهانی محیط زیست در گزارش براتلند توسعه پایدار را این‌گونه تعریف می‌کند: توسعه‌ای که نیازهای نسل کنونی را برآورده نماید، بدون اینکه توانایی نسل آینده را در تأمین نیازهایش محدود سازد (Joshi, 2007, 8). به عبارت دیگر پایداری و تداوم اجتماع در زمینه زندگی اجتماعی، رفع تبعیض و بی‌عدالتی بهبود شرایط اقتصادی همراه با ثبات منابع طبیعی بدون آسیب رساندن به منابع و زیرساخت‌ها توسعه پایدار نامیده می‌شود (Westholm, 2009, 1). پایداری به معنی تداوم، همیشگی (Heinberg, 2010, 1) به‌عنوان وجه وصفی توسعه، وضعیتی است که در آن مطلوب بودن (کیفیت) و امکانات موجود (کمیت) در طول زمان کاهش نمی‌یابد و برگرفته از کلمه sustener (SUS) یعنی از پایین و tenere (به معنی نگهداشتن) است که بر حمایت و دوام بلند مدت تأکید دارد (زاهدی و نجفی، ۱۳۸۴، ۴۷). البته پایداری به معنی ایستایی نیست، بلکه یک مفهوم پویا است، زیرا جامعه و محیط، فرهنگ و تکنولوژی متغیرند (Bossel, 2001, 4) بنابراین آینده‌نگری و قدرت ابتکار و تطابق از اصول مهم پایداری محسوب می‌شوند.

توسعه پایدار، با هدف برطرف کردن احتیاجات انسانی و بهبود کیفیت زندگی، قالب مناسبی برای نگرش به نحوه بهره‌برداری از منابع و ایجاد رابطه متعادل و متوازن بین انسان و طبیعت محسوب می‌شود (رضوانی، ۱۳۸۵، ۲۱۶). به سخن دیگر «توسعه پایدار به‌ویژه بُعد انسانی آن، توسعه‌ای است که نه تنها رشد اقتصادی ایجاد می‌کند بلکه منافع آن را نیز عادلانه توزیع می‌کند، به‌جای تخریب محیط زیست آن را بازسازی می‌کند و به‌جای در حاشیه قرار دادن مردم به آن‌ها قدرت می‌دهد» (اسماعیل‌زاده، ۱۳۹۲، ۳).

بدون تردید یکی از محورهای اصلی رشد و توسعه آموزش و پرورش است. حتی برخی عقیده دارند که تکامل این بخش است که موجب تکامل سایر بخش‌ها می‌گردد

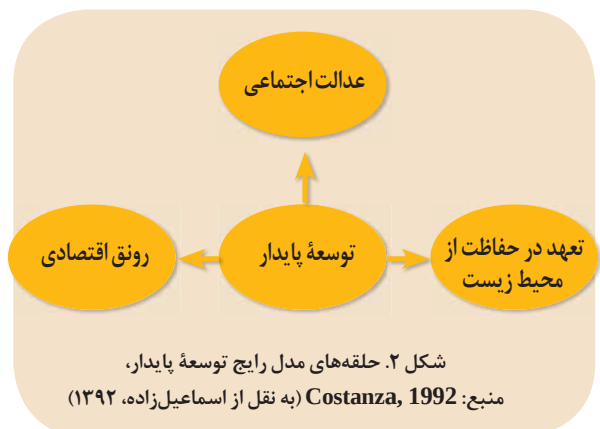
تولید، کار و سرمایه به بهبود کیفیت نیروی کار، پیشرفت تکنولوژی، صرفه‌جویی، تخصیص مطلوب‌تر منابع و نهایتاً به آموزش و پرورش بستگی دارد. بی‌شک اجرای برنامه‌های توسعه نیازمند به‌کارگیری نیروی آموزش‌دیده و افراد متخصص و تحصیل‌کرده است و نقش آموزش و پرورش در این میان، کشف این استعدادها و بارور نمودن آنهاست. آموزش و پرورش ضمن بهره‌گیری مناسب از هوش و استعداد افراد، زمینه را برای رشد و توسعه کشور فراهم می‌آورد و البته روشن است که آموزش نیروهای متخصص ورزیده، نیاز به کادر آموزشی مجرب و معلمان کارآمد دارد؛ لذا نظام آموزش می‌تواند با جذب اساتید و معلمان لایق و باکفایت به امر آموزش نیروی انسانی مورد نیاز برنامه توسعه بپردازد. جهان امروز دریافته است که آموزش افراد نوعی سرمایه‌گذاری ملی است و هر کشوری که در این راه تلاش بیشتری نماید، بدون شک از رشد و توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بیشتری در آینده برخوردار خواهد شد. سرمایه انسانی یکی از مهم‌ترین سرمایه‌های جوامع محسوب می‌شود و تنها از طریق آموزش حاصل می‌آید. (حسن‌پور، ۱۳۹۱) آگوست کنت پدر علم جامعه‌شناسی می‌گوید: پیشرفت و ترقی بشر به تربیت و آموزش صحیح بستگی تام و کمال دارد. آدام اسمیت اقتصاددان معروف کلاسیک نیز معتقد است که آموزش افراد در واقع نوعی سرمایه‌گذاری در آنهاست. با آموزش، افراد توانا تر خواهند شد و رشد قابلیت‌های آنها سبب می‌گردد که نه تنها خودشان بلکه جامعه نیز از آنها منتفع گردد. بنابراین به عقیده وی انسان از طریق آموزش به سرمایه مبدل می‌شود و جامعه می‌تواند از توان تولید آن به‌خوبی بهره‌گیرد (عادلی، ۱۳۸۷). آنچه مسلم است توفیق در توسعه اقتصادی و اجتماعی بدون موفقیت در توسعه فکری و دانش و مهارت نیروی انسانی از یک سو و توسعه فرهنگ، اخلاقیات و ارزش‌ها از سوی دیگر غیرممکن است، و این هر دو مستلزم برخورداری افراد از آموزش و پرورش با کیفیت می‌باشد.

بی‌شک توسعه جامعه در گرو فضای مناسبی است که از فرهنگ جامعه متأثر شده و شکل می‌گیرد و آموزش و پرورش چون گهواره‌ای است که فرهنگ جامعه در بستر آن از نسلی به نسل دیگر انتقال و پرورش یافته، اشاعه پیدا می‌کند و در عین حال فرهنگ خاص خودش را پدید می‌آورد (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۷، ۳).

اهمیت و نقش آموزش و پرورش در تحقق توسعه موجب شده است که امروزه از آموزش توسعه‌ای به‌عنوان سبک جدید آموزش در آموزش و پرورش برای نیل به پارادایم جدید و مسلط توسعه پایدار نام برده شود. آموزش توسعه‌ای در آموزش و پرورش روند تقویت و آشنایی دانش‌آموزان با دانش و فهم، مهارت‌ها و ویژگی‌های مورد نیاز برای کار و زندگی یعنی تقویت بنیان‌های اقتصادی و اجتماعی با تأکید بر حفاظت از محیط زیست است که در واقع پوشش‌دهنده ابعاد اصلی توسعه پایدار یعنی عرصه‌های اجتماعی، اقتصادی و محیطی است. آموزش توسعه‌ای به معنی کار با دانش‌آموزان است برای:

- تفهیم مفهوم شهروند جهانی
- نظم و انضباط و در زندگی حرفه‌ای و شخصی
- احترام به محیط زیست
- تفکر در مورد مسائل مربوط به عدالت اجتماعی، اخلاق و سلامت

شدن، افزایش درآمد سرانه، بهبود محیط زیست و رفاه اجتماعی منجر به کاهش نرخ رشد جمعیت در کشورهای در حال توسعه شود. **۵. حفظ و افزایش منابع پایه:** این امر نه تنها در راستای پاسخگویی به اهداف توسعه، بلکه به‌خاطر تعهد اخلاقی به سایر اشکال حیات و نیز نسل‌های آتی ضرورت دارد. در غیر این صورت فشار بر منابع افزایش می‌یابد. لازم است سیاست‌های توسعه‌ای در راستای گسترش گزینه‌های کسب معاش پایدار، به‌ویژه برای خانوارهای فقیر و نواحی تحت فشارهای اکولوژیکی، اعمال شود. **۶. جهت‌گیری فناوری و مدیریت خطر:** اهتمام به اهداف پیش‌گفته نیازمند تغییر جهت فناوری است که خود به منزله حلقه اتصال حیاتی بین انسان و طبیعت به‌شمار می‌آید. برای دستیابی به این هدف باید از دو مرحله عبور کرد؛ نخست لازم است ظرفیت نوآوری فناورانه در کشورهای در حال توسعه به میزان قابل توجهی افزایش



یابد تا این کشورها بتوانند به صورتی مؤثرتر پاسخگوی چالش‌های توسعه پایدار باشند؛ و دوم اینکه، در تغییر جهت فناوری توجه بیشتری به عوامل محیط زیستی معطوف شود.

۷. ادغام محیط زیست و اقتصاد در تصمیم‌سازی: این هدف موضوع محوری در اهداف پیش‌گفته به‌شمار می‌رود. توسعه پایدار در صورتی تحقق خواهد یافت که نهادهای منعطف، ارتباط هر بخش با بخش‌های دیگر و نیز با کل نظام اقتصادی را مورد توجه قرار دهند (تقی‌زاده؛ ۱۳۸۷، صص ۲۸۵-۲۸۴). شکل ۲ حلقه‌های مدل رایج توسعه پایدار را نشان می‌دهد.

آموزش و پرورش و تحقق توسعه پایدار
بدون تردید یکی از محورهای اصلی رشد و توسعه آموزش و پرورش است. حتی برخی عقیده دارند که تکامل این بخش است که موجب تکامل سایر بخش‌ها می‌گردد. رشد و توسعه اقتصادی علاوه بر عوامل

و چگونگی ارتباط این مفاهیم با عرصه‌های زیست‌محیطی و اقتصادی

- ایجاد چشم‌اندازی مطلوب از آینده

- تقویت روحیه پژوهشی

- توانایی تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی

- افزایش خلاقیت و نوآوری

- تفکر در مورد پیامدهای اقدامات و تأثیرات آن‌ها (دانش‌آموزان)

بر عملکرد سیستم‌های محیطی و اجتماعی.

در این راستا در کشور اوکراین استراتژی‌هایی برای تحقق توسعه

پایدار تدوین شده است که هدف از آن جاری شدن مستمر نوآوری

و در نتیجه مولد بودن اقتصاد است با حفظ عدالت اجتماعی و

پاسداری از طبیعت جهت رفاه جمعی. در این برنامه بر رویکرد

جدید آموزشی در آموزش و پرورش یعنی آموزش توسعه‌ای بسیار

تأکید شده است. در این طرح آموزش توسعه‌ای بدین معناست که

بتوان دانش‌آموزان را به تفکر و تدبیر در وضعیت حال و آینده‌شان

وا داشت. ایجاد و تقویت تفکر انتقادی، جامع‌نگری دانش‌آموزان،

تطبیق دادن آنان با شرایط پیچیده کنونی و آماده کردن آن‌ها برای

وضعیت‌های غیرمنتظره در آینده نیز دیگر اصول آموزش توسعه‌ای

طرح تحقق توسعه پایدار اوکراین است (Longhurst, 2014,14).

معلمان در رویکرد آموزش توسعه‌ای نقش مهمی برعهده دارند؛ در

وهله اول باید به دانش‌آموزان ارزش‌هایی را یاد دهند و شرایطی

را مهیا کنند که ذهن‌های آنان پرورش یابد و این امر زمینه‌ساز

انتخاب‌های آزادانه و هدفمند دانش‌آموزان بر مبنای اصل پایداری

گردد (Haubrich, 2010,36). آموزش برای توسعه پایدار تا حد

زیادی برابر با آموزش و پرورش باکیفیت است؛ چرا که تنها با بهبود

کیفیت شیوه‌های آموزشی، حرکت از نظام سنتی خطی و تک‌بعدی

به نظام چند بعدی و سیستمی (Brussels, 2008,21) و تغییر و

تحول در برنامه‌های درسی در انطباق با اصول توسعه پایدار است که

حصول توسعه پایدار ممکن می‌شود. همان‌گونه که در شکل ۳ نشان

داده شده است حرکت به سوی بالا بردن کیفیت در آموزش یعنی

آموزش باکیفیت، تأثیرگذاری مستقیمی بر آموزش توسعه پایدار دارد

که نتیجه این امر نیز تحقق اهداف توسعه پایدار خواهد بود. آموزش

باکیفیت در مدارس دارای چند پیش‌شرط زیر است:

- آماده بودن ذهن و روان یادگیرنده؛

- صلاحیت معلم؛

- وجود امکان تعامل با سایر افراد و گروه‌ها؛

- پویایی محیط یادگیری و محیط‌های آموزشی؛

- مطلوب بودن محتوای مواد آموزشی و نوع فرآیندهای یاددهی-

یادگیری؛

- ارزیابی مداوم چگونگی آموزش و یادگیری.

آموزش باکیفیت وسیله‌ای است برای انتقال مجموعه مهارت‌ها،

دانش‌ها و ارزش‌های مناسب به یادگیرنده. همچنین با انتقال

آگاهی‌ها دانش‌آموزان را به کسب ظرفیت مورد نیاز جهت دست

زدن به انتخاب‌های مطلوب در زندگی روزمره در راستای پایداری و

همکاری با مردم در گفتمانی جمعی، جهت تغییر بینش‌ها و سبک

زندگی، مجهز می‌کند (IGES, 2004,3-5)

یکی از مهم‌ترین اهداف آموزش توسعه‌ای در مدارس، ظرفیت‌سازی

آنچه مسلم است توفیق در توسعه اقتصادی و اجتماعی

بدون موفقیت در توسعه فکری و دانش و مهارت نیروی

انسانی از یک سو و توسعه فرهنگ، اخلاقیات و ارزش‌ها

از سوی دیگر غیرممکن است، و این هر دو مستلزم

برخورداری افراد از آموزش و پرورش باکیفیت می‌باشد

است تا از این طریق بتوان جامعه را در مسیر توسعه ظرفیتی به

حرکت درآورد. واژه‌های ظرفیت‌سازی و توسعه ظرفیتی واژه‌هایی

بسیار پیچیده و متنوع از لحاظ مفهوم هستند. ظرفیت یعنی توانایی

انجام کارها به‌صورت مؤثر، کارآمد و پایدار (Young, 2006,3).

ظرفیت در واقع راه و روش‌ها و ابزار مورد نیاز است برای انجام

آنچه که باید به‌صورت مطلوب انجام شود (UNEP, 2001,3). ظرفیت

نه‌تنها به مهارت و توانایی‌های علمی، فناوری و اقتصادی اشاره دارد

بلکه روابط، ارزش‌ها و نگرش‌ها را نیز شامل می‌شود (Matachi, 2006,4).

ظرفیت‌های جامعه تعیین‌کننده موفقیت و تضمین‌کننده

مشارکت گسترده ذی‌نفعان در جریان اجرای طرح‌های توسعه‌ای

است (UNEP, 2011,3). به همین دلیل ظرفیت‌سازی به‌عنوان یکی

از اولویت‌های اصلی در انجام برنامه‌های توسعه‌ای سازمان ملل متحد

قرار دارد (UNEP, 2002,10) ظرفیت‌سازی و تقویت ظرفیت‌های

جامعه موجب توانمندسازی افراد، سازمان‌ها و گروه‌ها در اجرا و

انجام برنامه‌ها می‌گردد (DTLE, 2006,2) بنابراین ظرفیت‌های

جوامع کاتالیزوری است که تسریع‌کننده و تسهیل‌کننده تغییر و

تحولات و تحقق اهداف می‌باشد (DTIE, 2006,2). به همین دلیل

است که امروزه نظریه‌پردازان امر توسعه پایدار بر ظرفیت‌سازی و

تقویت ظرفیت‌های محلی تأکید دارند و بهترین راهکار را در این

زمینه آموزش از طریق نهادهای تأثیرگذار از جمله آموزش و پرورش

می‌دانند.

یونسکو به‌عنوان نهادی بین‌المللی که مسئول اصلی سیاست‌گذاری

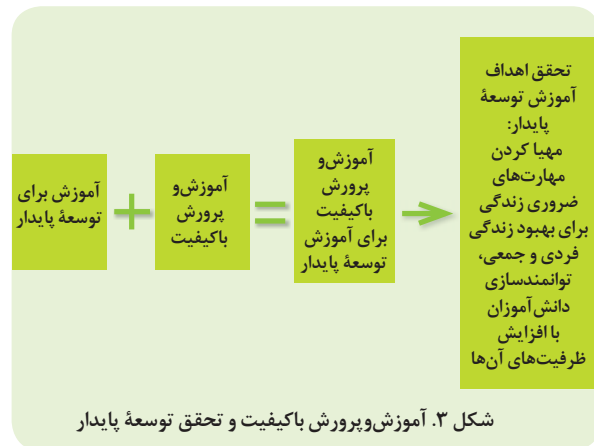
در زمینه آموزش‌های توسعه‌ای است؛ اصول اصلی آموزش توسعه‌ای

را در آموزش و پرورش این اصل‌ها می‌داند:

- تکیه بر اصول و ارزش‌هایی که زیرساخت توسعه پایدار هستند؛

- استفاده از روش‌های متنوع تدریس تا یادگیری مشارکتی و

مهارت‌های سطح بالای تفکر حاصل شود؛



نتیجه‌گیری

از زمانی که پایداری به‌عنوان وجه غالب توسعه مطرح شد و توسعه پایدار نهایت آمال و آرزوی برنامه‌های توسعه ملتها قرار گرفت؛ چگونگی دستیابی به آن و حرکت در مسیر پیچیده و دشوار پایداری نیز به‌عنوان چالشی بزرگ و علامت‌سؤالی اساسی پیش روی برنامه‌ریزان و نظریه‌پردازان توسعه ظاهر شد. در این بین آموزش به‌عنوان راه‌حل این چالش و کلیدی که بازکننده قفل‌های پیش روی پایداری جامعه بود معرفی شد، زیرا توسعه پایدار و همه‌جانبه از بستر نیروی انسانی می‌گذرد و انسان هدف و وسیله تحقق پایداری است، بنابراین نیاز است این نیروی انسانی به سرمایه‌ای مبدل شود که با مهارت، با دانش و آگاهی، با انعطاف، با مسئولیت‌پذیری و در نهایت با مشارکت و با ظرفیت در مسیر پایداری گام بردارد؛ و تنها آموزش است که می‌تواند چنین ویژگی‌هایی را در نیروی انسانی جامعه شکل دهد. تأثیر آموزش در تحقق توسعه پایدار موجب شده که یونسکو تلاش‌های زیادی در این زمینه انجام داده و در پی گسترش آموزش توسعه‌ای باشد؛ یعنی آموزشی که نیروی انسانی جوامع را با خصوصیات ذکر شده تربیت کرده و آن‌ها را تطبیق دهد. این نهاد پس از نامگذاری دهه ۲۰۱۴-۲۰۰۴ به‌عنوان دهه آموزش توسعه‌ای اکنون تمرکز اصلی برنامه‌های خود را بر روی آموزش و پرورش کشورها به‌عنوان نهادهای اصلی و مؤثر آموزش توسعه‌ای متمرکز کرده است. به واقع آموزش و پرورش، به‌عنوان نهادی که سازنده اصلی نیروی انسانی جامعه است، می‌تواند با تطبیق اصول توسعه پایدار در برنامه‌های درسی و آموزشی خود گامی مؤثر را در تربیت آینده‌سازان جامعه بردارد و انسان‌هایی را تربیت کند بینش و افق دید آن‌ها دستیابی به توسعه پایدار باشد. اهمیت این امر به حدی است که اکنون عزمی جهانی برای آموزش پایداری از طریق آموزش و پرورش شکل گرفته و کشورهای مختلف با بهره‌گیری از آموزش و پرورش سعی در پیشی گرفتن از یکدیگر در مارتن توسعه و حرکت در مسیر پایداری دارند. در آخر باید گفت که اساس توسعه پایدار کشورها از کانال آموزش می‌گذرد، بنابراین اگر به عملکرد نظام آموزشی با این دید نگرسته نشود، خروجی‌های این نظام به‌عنوان عواملی ضد توسعه عمل خواهد کرد. ما نیز اگر بخواهیم در کشورمان با آموزش و پرورش مطلوب در مسیر دستیابی به توسعه پایدار گام برداریم لازم است عمل به راهکارهای زیر را وجهه همت خود قرار دهیم:

- تجدیدنظر در برنامه‌های درسی و سیاست‌های آموزشی و کتب درسی و وارد کردن مفهوم توسعه پایدار و اصول آن در برنامه کتاب‌ها.
- در این ارتباط با توجه به چند بعدی و بین‌رشته‌ای بودن توسعه پایدار می‌بایست این بازنگری در تمامی حوزه‌ها و مقاطع تحصیلی انجام گیرد.
- برگزاری دوره‌های ضمن خدمت آشنایی با توسعه پایدار، به منظور توانمندسازی معلمان به‌عنوان پیشگامان عرصه تعلیم و تربیت کشور.
- انتشار بروشورها، نشریه‌ها و برنامه‌های تبلیغاتی و توزیع آن‌ها در سطح مدارس به‌گونه‌ای که محتوای آن‌ها علاوه بر آموزش اصول توسعه پایدار، مقایسه کشور با کشورهایی باشد که در مسیر پایداری حرکت می‌کنند.

- انعقاد قراردادهای و تفاهم‌نامه‌هایی بین آموزش و پرورش با صدا و سیما جهت تولید برنامه‌هایی متناسب سنین مختلف با محتوای

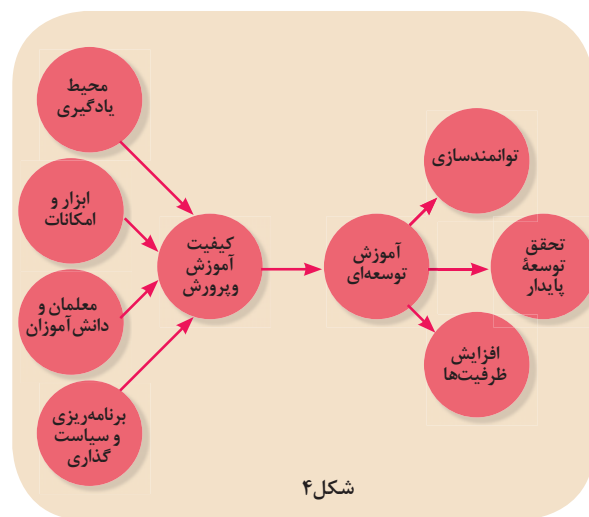
- ترویج یادگیری مادام‌العمر؛

- تناسب با شرایط بومی و فرهنگی؛

- تصمیم‌گیری مشارکتی، تعادل اجتماعی، نظارت محیطی، انعطاف‌پذیری، کیفیت خوب زندگی و شایستگی مدنی.

البته باید توجه داشت که با توجه به ماهیت چندبعدی و پیچیده توسعه پایدار، آموزش آن نیز نیازمند روش‌های جدید تدریس و یادگیری از جمله: بحث آزاد، بازی نقش‌ها، یادگیری مسئله‌محور، یادگیری مشارکتی و فعالانه، شبیه‌سازی و بهره‌گیری مطلوب از نمودهای فاوا در جریان یادگیری است (آراسته و امیری، ۱۳۹۱، ۳۶).

در نهایت نیز می‌توان گفت: از آنجا که یکی از شاخص‌های اصلی توسعه پایدار نهادینه کردن مفهوم توسعه در درون و در بین نسل‌های جامعه است، تنها سرمایه‌گذاری در آموزش توسعه‌ای در مدارس و تولید انسان‌هایی با شاخصه‌های عملگرا، مهارت‌گرا، تغییرپذیر،



شکل ۴

سیستمی و جامع‌نگر و انعطاف‌پذیر قادر خواهد بود فرایند توسعه پایدار را تحقق بخشد. همچنین آموزش‌های توسعه‌ای در مدارس سبب می‌شود که آینده‌سازان در برابر تغییرات آتی نه تنها مقاومت نکنند بلکه با داشتن انعطاف‌پذیری لازم، از آن استقبال نیز بنمایند که این پدیده خود از شاخصه‌های مهم جهت دستیابی به توسعه پایدار است (موسایی، ۱۳۸۸، ۲۱). بر طبق مطالب آورده شده و نتایج تحقیقات پیشین می‌توان مدل مفهومی پژوهش را به‌صورت شکل ترسیم کرد. همان‌گونه که مدل نشان می‌دهد آموزش‌های توسعه‌ای به‌صورت مستقیم موجب دستیابی به توسعه پایدار می‌شوند. همچنین از دو طریق عمده یعنی ظرفیت‌سازی و افزایش توانمندی دانش‌آموزان سیر حرکت در مسیر پایداری سرعت می‌گیرد. البته باید توجه داشت که کیفیت آموزش و پرورش که دربرگیرنده شرایط محیط یادگیری، ابزار و امکانات در دسترس، کارآمدی معلمان و دانش‌آموزان و وجود برنامه‌ها و سیاست‌گذاری مطلوب می‌باشد نیز بر چگونگی آموزش‌های توسعه تأثیرگذار است و می‌تواند سرعت نیل به توسعه پایدار را کند کند یا آن را سرعت بخشد.

آموزش توسعه پایدار.

- تشکیل کارگروهی در وزارت آموزش و پرورش جهت ارتباط بیشتر با یونسکو و هماهنگی و نظارت بر برنامه‌های آموزش توسعه‌ای در کشور؛

- تغییر شیوه‌های تدریس رایج و حرکت به سمت روش تدریس‌های نوین، همچون همیاری، بازی نقش‌ها، بحث گروهی و... که چندبعدی است و مشارکت، کنکاش و تفکر بیشتری را از دانش‌آموزان طلب می‌کند.

پی‌نوشت‌ها

1. Swot
2. Development
3. Growth
4. Sustainable Development
5. World Commission on Environment and Development
6. sustainability

منابع

۱. آراسته، حمیدرضا و امیری، الهام، (۱۳۹۱)، نقش دانشگاه‌های در آموزش توسعه پایدار، نشریه نشاء علم، سال دوم، شماره دوم، صص: ۸-۲.
۲. ازکیا، مصطفی، (۱۳۸۷)، توسعه پایدار روستایی، انتشارات اطلاعات، چاپ اول.
۳. افتخاری، رکن‌الدین و همکاران، (۱۳۸۹)، راهبردهای آموزش توسعه پایدار در ایران، فصلنامه علمی پژوهشی انجمن جغرافیایی ایران، دوره جدید، سال هشتم، شماره ۲۵، صص: ۲۰-۱.
۴. اسماعیل زاده، خالد (۱۳۹۲)، ارزیابی اثرات ایجاد بازارچه‌های مرزی بر توسعه اقتصادی روستاهای پیرامون آن‌ها نمونه مورد مطالعه: دهستان نور، شهرستان بانه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه زنجان
۵. تقی‌زاده، فاطمه؛ ۱۳۸۷، توسعه پایدار، دانش‌نامه مدیریت شهری و روستایی، تهران، سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور.
۶. جمعه‌پور، محمود، (۱۳۹۲)، مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی توسعه روستایی: دیدگاه‌ها و روش‌ها، انتشارات سمت، چاپ ششم.
۷. حسن‌پور، هوشنگ، (۱۳۹۱)، توسعه آموزش همه‌جانبه مبنای توسعه سواحل مکران و نقش آن در اقتدار جمهوری اسلامی ایران، اولین همایش ملی توسعه سواحل مکران و اقتدار جمهوری اسلامی ایران، دانشگاه دریانوردی و علوم دریایی چابهار.
۸. حسین‌زاده دلیر، کریم (۹۰۱۳)، برنامه‌ریزی ناحیه‌ای، تهران، انتشارات سمت.
۹. رضوانی، محمد رضا، (۱۳۸۵)، مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی توسعه روستایی ایران، تهران نشر قومس.
۱۰. زاهدی، شمس‌السادات و نجفی، غلامعلی. (۱۳۸۵). بسط مفهومی توسعه پایدار، فصلنامه مدرس علوم انسانی، دوره ۱۰، شماره ۴، صص: ۷۶-۴۴
۱۱. لنگرودی، حسن مطیعی. (۱۳۸۶). برنامه‌ریزی روستایی ایران، انتشارات جهاد دانشگاهی، چاپ چهارم.
۱۲. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، (۱۳۸۷۹)، گفتاری پیرامون نقش آموزش و پرورش در توسعه اقتصادی و اجتماعی جامعه، برگرفته شده از سایت: rc.majlis.ir

۱۳. موسایی، میثم، (۱۳۸۸)، آموزش توسعه‌ای و توسعه پایدار در ایران، نشریه راهبرد، شماره ۱۸، صص: ۲۱۹-۲۰۸

۱۴. مؤسسه توسعه روستایی ایران، (۱۳۸۳)، طرح چشم‌انداز و آینده توسعه روستایی، فصل ششم، گزینه‌های توسعه روستایی.

۱۵. عادل‌ی، محمدرضا، (۱۳۸۷)، نقش آموزش و پرورش در رشد و توسعه اقتصادی، برگرفته شده از سایت: www.jobportal.ir

16. Bossel, Hartmut, 2001, Indicators for Sustainable Development: Theory, Method, Applications, A Report to the Balaton Group, international institute for sustainable development (IISD)

17. Brussels, A, 2008, Competencies for ESD (Education for Sustainable Development) teachers, A framework to integrate ESD in the curriculum of teacher training institutes, at: www.csct-project.org

18. CDSF, (2009). the au/nepad capacity development strategic framework, seeing african people as the true resource, nepad secretariat, au-nepad capacity development

19. dtie, (2006). ways to increase the effectiveness of capacity building for sustainable development, discussion paper presented at the concurrent session 18.1 the marrakech action plan and follow-up, 2006 iaia annual conference, stavanger, Norway

20. Haubrich, Hartwig, (2010), Geographical Views on Education for Sustainable Development International Geographical Union Commission on Geographical Education.

21. Heinberg, Richard, 2010, What Is Sustainability?, Post Carbon Institute, <http://www.postcarbonreader.com>

22. IGES (Institute for Global Environmental Strategies), 2014, Quality Education for Sustainable Development A priority in achieving sustainability and well-being for all, at: pub.iges.or

23. Joshi, Madhavi and Shailaja, Ravindranath 2007, Sustainable Development: An Introduction, Internship Series, (CEE) (SDC) (SAYEN), Volume-I

24. Longhurst, James, (2014), Education for sustainable development: Guidance for UK higher education providers, Chair, QAA/HEA Education for sustainable development group

25. Manitoba Education and Training, 2000, education for a sustainable future a resource Curriculum developers, Teachers, and administrators. visit website at www.ed.gov

26. UNEP, (2002). capacity building for sustainable development: an overview of unep environmental capacity development initiatives, department for social development

27. UNEP, (2011). community capacity building voluntary and community sector, margaretritchie, department for social development

28. Westholm. Erik, 2009, indicators for sustainable development of rural municipalities – Case studies: Gagnef and Vansbro : (Dalarna, Sweden), university Oldenburg

29. WTO, 2002, Drafting Group on Tourism and Sustainable Development, un csd,

30. Young, J, (2006). capacity development for policy advocacy: current thinking and approaches among agencies (, supporting civil society organizations

محرومیت

طرد اجتماعی و توسعه نیافتگی؛

تفاوت‌ها و تشابهات

ناهیده محمدی

دانش آموخته کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

آیت کریمی

دانش آموخته کارشناسی ارشد جغرافیای طبیعی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

چکیده

فقر و محرومیت در بیشتر کشورها یکی از مسائل و مشکلات مهم برای دولت‌ها به‌ویژه برنامه‌ریزان به‌شمار می‌آید. همچنین برخورد دولت‌ها با این مشکل و اینکه چه راهکارهایی برای حل یا کاهش آن اتخاذ کنند، از مسائل مطرح و مشکل‌آفرین برای آن‌هاست. در عین حال، شناسایی مناطق محروم به دلایلی با ابهام مواجه است. در واقع، فقدان تعریف روشن و جامع از محرومیت سبب شده است که در بسیاری از تحقیقات مفاهیم فقر، محرومیت، طرد اجتماعی و توسعه‌نیافتگی معادل یکدیگر به‌کار گرفته شوند و به همین دلیل شاخص‌های ارزیابی محرومیت و فرایند ارزیابی آن نیز به درستی طراحی نشود. برای شناخت هر پدیده ابتدا باید ابعاد، مفهوم، تعاریف و چارچوب‌های نظری پیرامون آن را شناخت. از این‌رو در مقاله حاضر مفهوم محرومیت و تفاوت‌ها و تشابهات آن با مفاهیم مذکور شرح داده شده است تا میزان همپوشانی و ارتباط آن‌ها با یکدیگر، که اغلب به جای یکدیگر استعمال می‌شوند، مشخص گردد و گامی در جهت طراحی شاخص‌ها و نماگرهای مناسب و ارزیابی بهتر این مفاهیم صورت گیرد. شیوه مطالعه حاضر کتابخانه‌ای است.

کلیدواژه‌ها: محرومیت، فقر، طرد اجتماعی، توسعه.

۱. مقدمه

تعریف روشن از مفهوم محرومیت است؛ زیرا تعاریف روشن و جامع سبب خواهد شد که شاخص‌های ارزیابی محرومیت و فرایند ارزیابی آن نیز به درستی طراحی گردد. از سوی دیگر ارتباط نزدیک مفهوم محرومیت با مفاهیمی مانند فقر، طرد اجتماعی و توسعه‌نیافتگی، به طوری که اغلب آن‌ها را معادل هم می‌گیرند و نیز سطوح مختلف تحلیل محرومیت، پیچیدگی آن را بیشتر کرده است. از این‌رو در مقاله حاضر مفهوم محرومیت و تفاوت‌ها و تشابهات آن با مفاهیم فوق شرح داده شده است تا میزان همپوشانی و ارتباط آن‌ها با یکدیگر، که اغلب به جای یکدیگر استعمال می‌شوند، مشخص گردد. تحقیق حاضر از نوع توصیفی می‌باشد و جهت شناخت مفاهیم و ارتباط آن‌ها از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است.

وجود نابرابری‌های کمی و کیفی میان مناطق و تشدید آن‌ها، ضرورت راه‌های خروج از مسئله و تعدیل نابرابری‌ها را به‌طور جدی مطرح می‌کند. برای دستیابی به توسعه (پایدار) به‌عنوان هدف غایی برنامه‌ریزی، گام نخست بررسی و شناخت واقعی از وضع موجود، محرومیت مناطق، به‌عنوان مقدمه حصول به توسعه است. جهت شناخت وضع موجود نیز استفاده از شاخص‌ها و نماگرهای مناسب که بتواند وضع موجود را به خوبی تحلیل کند ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. این در حالی است که طراحی شاخص‌ها و نماگرهای مناسب، نیازمند

۲. مبانی نظری

۱-۲. محرومیت^۱

محرومیت یکی از مفاهیم پیچیده‌ای است که تعاریف و تعابیر گوناگونی برای آن از سوی محققان به‌ویژه برنامه‌ریزان منطقه‌ای با هدف شناسایی مناطق، افراد و گروه‌های محروم ارائه شده است (جدول شماره ۱) و تعریفی از آنکه مورد توافق همه باشد وجود ندارد. محرومیت مقوله‌ای کیفی و به شدت نسبی است و حتی اغلب اوقات تلقی مردم از آن نیز ذهنی و کیفی است، در جامعه انسانی محرومیت عینی است، زیرا تنها در برابر وضع دیگر انسان‌ها یا خانواده و یا حتی جوامع بزرگ انسانی مانند دو قبیله، شهر، ناحیه و کشور درک می‌شود؛ و ذهنی است، زیرا تلقی هر فرد از محرومیت خاص خود اوست (کلاکی مقدم، ۱۳۷۸: ۲۳).

جدول شماره ۱: تعاریف محرومیت

منبع	تعاریف
بهرزادنسب، ۱۳۸۶: ۵۷	محرومیت: دور ماندن و دسترسی نداشتن به امکاناتی که معمولاً باید در اختیار فرد باشد.
(Coombes et al., 1995: p. 5)	اصطلاح محرومیت دلالت بر نبود وجود صفات اساسی و پسندیده مورد احترام جامعه، نبود دارایی‌ها و نیز میزان دسترسی به فرصت‌هایی دارد که حداقل آن مورد پذیرش جامعه است.
Rural Development Sub-) (committee; 2008: p3	محرومیت به نیازهای برآورده نشده و مشکلات ایجاد شده به وسیله کمبود منابع و فرصت‌ها (نه فقط پول) اشاره دارد.
Welsh Governmen; 2011:) (p.3	محرومیت به معنی فقدان فرصت‌ها و منابعی است که انتظار داریم در جامعه به آن دسترسی داشته باشیم؛ برای مثال، غذا، بهداشت، امنیت از جرایم، محیط امن و پاک.
(Walsh, 2010: p. 5)	محرومیت به معنی نبود ویژگی‌ها و خصلت‌های ضروری و مطلوب، مالکیت‌ها و فرصت‌هایی است که حداقل آن توسط جامعه مورد پذیرش است.
Local Government Data) (Unit Wales, 2012: p.8	محرومیت بر روی کمبود ضرورت‌های خاص مانند غذا، مسکن، تحرک و یا خدمات تمرکز دارد.
(Townsend, 1987: 131- 140)	مردمی را می‌توان محروم دانست که دسترسی کافی به غذا، لباس، امکانات مسکن، سوخت، محیط‌زیست مطلوب، آموزش و پرورش، کار و شرایط اجتماعی، فعالیت‌ها و امکانات معمول و یا حداقل مورد تأیید جامعه‌ای که به آن تعلق دارند نداشته باشند.
Abu-Khameh & Abu-Al Sondos, 2009: p. 39	محرومیت به‌عنوان «وضعیت آسیب‌های اجتماعی و مادی» که بر روی فرد یا خانواده و یا یک جامعه اثر دارد تعریف می‌شود.

بسیاری از محققان بین محرومیت و وضعیت اجتماع که به‌وسیله عواملی مانند جنسیت، قومیت یا نوع خانوار و سن تعریف می‌شوند تمایز شدیدی قائل‌اند

با عنایت به تعاریف مطرح شده می‌توان گفت اگرچه محرومیت به شیوه‌های مختلف تعریف شده است با این حال، محرومیت یا عدم برخورداری به‌عنوان عدم یا فقدان تأمین مطالبات و فرصت‌هایی (اجتماعی، اقتصادی، محیطی) است که به‌صورت حداقل مورد درخواست یک جامعه است، تعریف می‌شود و تعریف آن در هر مکان و زمانی بستگی به تسلط یک یا چند پارامتر محرومیت در آن خواهد داشت (Noble et al., 2006: p.8) اصول و ویژگی‌های کلیدی محرومیت را می‌توان به شرح زیر بیان کرد:

۱. مفهوم محرومیت بر روی ضربات، هنجارها و استانداردهای زندگی تمرکز دارد، به‌ویژه اینکه تا چه حد مردم فاقد اقلام و آیتم‌های خاص مانند لباس، مسکن و غذا هستند.

۲. محرومیت مفهومی چندوجهی است و در هر جامعه‌ای اشکال و دامنه‌های متفاوت دارد؛ مانند محرومیت از درآمد، اشتغال، مسکن، آموزش و پرورش و محیط‌زیست. لذا افراد را به شیوه‌ها و اشکال مختلف می‌توان محروم دانست. به‌طور کلی، هر موردی که فرد، گروه یا منطقه فاقد آن است به‌عنوان محرومیت مجزا در نظر گرفته خواهد شد و آن‌ها در آن مورد خاص محروم محسوب می‌گردند. باید تأکید کرد که اصطلاح محرومیت معمولاً برای مردم و مناطقی که درگیر و دچار محرومیت متعدّدند و از محرومیت‌های چندگانه رنج می‌برند به‌کار می‌رود.

۳. محرومیت فراتر از جنبه‌های مادی و اقتصادی است و دربرگیرنده ابعاد اجتماعی (رابطه‌ای) و کالبدی یا محیطی نیز هست.

۴. محرومیت مفهومی نسبی است نه مطلق، زیرا بر پایه هنجارها و استانداردهای پذیرفته شده در هر جامعه سنجیده می‌شود. این هنجارها از جامعه‌ای به جامعه دیگری متفاوت است و در طول زمان نیز تغییر می‌پذیرد؛ پس خود جامعه تعیین می‌کند که چه چیزی و در زمینه‌هایی، اعم از مسکن، تعلیم و تربیت، بهداشت و... هنجار و معیار محسوب می‌شود.

۵. سطوح مورد سنجش برای تعیین محرومیت در سه سطح فرد/خانوار، گروه (جوانان، افراد بیکار، معلولین، سالمندان و...) و سازمان (منطقه) و یا اغلب در دو سطح فرد/خانوار و منطقه قابل اندازه‌گیری است. بدیهی است شاخص‌ها و نماگرهای تبیین‌کننده هریک از سطوح از تفاوت‌های قابل ملاحظه‌ای برخوردارند.

۶. در مفهوم محرومیت، باید بین مردمی که به‌دلیل غیرعادی در یک زمینه کمبودی دارند با مردمی که به‌دلیل فقدان منابع مالی و درآمد فاقد آن هستند تفاوت قائل شد و تنها گروه دوم را محروم دانست یا تلقی کرد.

۷. بسیاری از محققان بین محرومیت و وضعیت اجتماع که به‌وسیله عواملی مانند جنسیت، قومیت یا نوع خانوار و سن تعریف می‌شوند تمایز شدیدی قائل‌اند. بعضی از گروه‌های وضعیت، سطح خیلی بالاتری از متوسط محرومیت را تجربه می‌کنند؛ به‌عنوان نمونه ممکن است سطح محرومیت بین کودکان، افراد مسن و برخی از

است. این بعد در مناطقی که به لحاظ جغرافیایی نیز دارای محرومیت هستند به شدت تقویت می‌شود. در بعد اقتصادی مؤلفه‌هایی چون شغل، رضایت شغلی، هزینه‌ها و مالکیت‌ها مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

ب. محرومیت اجتماعی^۶: این بعد از محرومیت به انسجام و همبستگی فرد با گروه یا جامعه خود اشاره دارد. در بعد اجتماعی احساس بهتر بودن، داشتن ارتباطات مناسب با خانواده، دوستان، همکاران و اجتماع نشانگر عدم محرومیت اجتماعی است.

ج. محرومیت محیطی و کالبدی^۷: این بعد از محرومیت بیشتر در سطح روستا یا منطقه قابل مشاهده است و به محیط زیست افراد اشاره دارد و شامل امکانات و خدمات زیربنایی، کیفیت و خدمات مسکن و

گروه‌های اقلیت قومی و والدین مجرد بالاتر باشد. با این حال عضویت در یکی از گروه‌ها سبب محرومیت نخواهد بود حتی اگر بسیاری از چنین افرادی محروم باشند؛ زیرا محرومیت آنان باید اندازه‌گیری شود نه وضعیت آن‌ها؛ و بسیاری از مردمی که چنین وضعیتی را دارند به‌طور قابل اثبات محروم نیستند. این به معنی عدم رابطه بین وضعیت‌ها با محرومیت نیست بلکه وضعیت‌ها به عنوان یک عامل خطر برای محرومیت عمل می‌کنند نه به عنوان خود محرومیت (Bailey et al., 2003: p. 6-7)

۲-۲. انواع محرومیت

محرومیت به شیوه‌های مختلف تقسیم‌بندی شده است، از جمله براساس درجه محرومیت، دامنه و ابعاد آن.

۲-۲-۱. شدت و درجه محرومیت

الف. محرومیت پایه^۲: این نوع از محرومیت بیانگر ناتوانی خانواده‌ها برای تأمین برخی از نیازهای مادی اولیه‌شان است و در جوامع مختلف، با توجه به سطح توسعه‌یافتگی، نماگرهای متفاوتی را دربرمی‌گیرد. به عنوان مثال در کشورهای اروپایی خانواده محروم به خانواده‌ای اطلاق می‌شود که قادر به داشتن مواردی از قبیل گرمایش مناسب در منزل، استطاعت حداقل یک سفر برای یک هفته در سال و ... نیستند. در صورتی که در کشورهای در حال توسعه شاخص‌ها و نماگرها بیشتر به سمت نیازهای فوری از قبیل مسکن، غذا و اشتغال و ... متمایل می‌شود.

ب. محرومیت ثانویه^۳: این نوع محرومیت شدتی کمتر از محرومیت پایه دارد و منعکس‌کننده کیفیت زندگی و بیانگر ناتوانی خانواده برای مالکیت اقلامی از قبیل ماشین، دسترسی به تلفن، تلویزیون و ... است. حوزه این نوع محرومیت در جوامع مختلف بسیار متفاوت است. (Abu-Kharmeh and Abu-Al Sondos; 2009: p. 39-40)

۲-۲-۲. دامنه حوزه^۴

دامنه‌ها و حوزه‌های محرومیت عبارت است از: محرومیت اقتصادی (محرومیت از درآمد)، محرومیت از اشتغال، محرومیت از مسکن، محرومیت از بهداشت، محرومیت از آموزش و پرورش، محرومیت از محیط زیست، محرومیت از دسترسی به خدمات، دامنه جرایم یا محرومیت از امنیت اجتماعی است. هر حوزه از محرومیت شامل تعدادی نماگر است که جنبه خاصی از محرومیت را مورد سنجش قرار می‌دهد و مجموع دامنه‌ها و نماگرهای آن‌ها ابعاد چندگانه محرومیت (اجتماعی، اقتصادی و کالبدی/محیطی) را پوشش می‌دهد.

۲-۲-۳. ابعاد محرومیت

الف. محرومیت اقتصادی^۵: محرومیت اقتصادی آشکارترین بعد محرومیت محسوب می‌شود که ناظر بر سطح درآمد فرد یا خانوار است و خود منشأ محرومیت از دسترسی به غذا، سرپناه، خدمات، آموزش و سلامت است. این فقر یا محرومیت همچنین بر محرومیت از گردش اطلاعات که نابرابری فرصت‌ها را تشدید می‌کند (Barry. 1998: 12) دلالت دارد و بیانگر سطح فرد یا گروه در مالکیت یا استفاده از کالا و خدمات، منابع، امکانات محیط طبیعی، مکان و محل زندگی و ...

جدول شماره ۲: تعاریف فقر

منبع	تعریف فقر
(زاهدی مازندرانی، قاسمیان، ۱۳۸۵)	فقر عبارت است از ناتوانی انسان در برآورده ساختن حد کافی نیازهای بنیادی خود، به منظور رسیدن به یک زندگی آبرومند به عنوان شرط لازم برای رسیدن به کمال
(Yifu lin. 2006)	فقر چیزی فراتر از عدم تکافوی درآمد یا توسعه انسانی پایین است. فقر همان آسیب‌پذیری، فقدان قدرت و ناتوانی در ابراز عقیده است.
(راغفر، ۱۳۸۴)	فقر بودن یعنی گرسنه بودن، نداشتن سرپناه و پوشاک، بیمار بودن و درمان نشدن، بی‌سواد بودن و مدرسه نرفتن، نداشتن شغل، هراس از آینده، از دست دادن کودک به خاطر دسترسی نداشتن به آب پاکیزه
(حسن‌زاده، ۱۳۷۹)	فقدان درآمد مناسب و کافی برای فرد یا خانوار برای تأمین نیازهای اساسی به عنوان وضعیت فقر تعریف می‌شود.
Warf, 2006. world (bank, 2006)	فقر عبارت است از نارسایی در تأمین نیازهای اجتماعی
(Srivani, 2000)	فقر افرادی هستند که قادر به تأمین غذا، پوشاک و مسکن خود در سطح حداقل نیستند
(Kotlymov, 2007)	فقدان یا کمبود تغذیه، سرپناه و معیارهای قابل قبول در خدمات و فعالیت‌ها فقر نام دارد.
(Warf. 2006)	فقر محصور بودن شرایطی اجتماعی - اقتصادی است که در آن امکان دسترسی به کالاهای و خدمات در فضای زیستی کمتر از حد آستانه است، این آستانه، اغلب، با توجه به درآمد هر خانوار، سکونتگاه (شهر یا روستا) تعریف می‌شود.

محیط زیست است.

د. محرومیت چندوجهی^۸: محرومیت چندوجهی یک شکل مجزا و جداگانه از محرومیت نیست بلکه به وضوح ترکیبی موزون از اشکال و دامنه‌های خاص محرومیت است و مستقیماً قابل اندازه‌گیری نیست (Noble et al, 2009, p285).

۳-۲. فقر

مفهوم فقر نیز، همچون محرومیت، دارای تعابیر و تعاریف گوناگونی بر حسب مکان و زمان است و همواره در تعریف آن بین محققان اختلاف نظر وجود داشته است (پیرانی و همکاران، ۱۳۸۸: ۲۴۷). با توجه به دیدگاه‌های متفاوتی که نسبت به فقر وجود دارد، در جدول شماره ۲ به تعدادی از تعاریف ارائه شده توسط محققان در این زمینه اشاره شده است.

با عنایت به تعاریف مطرح شده می‌توان گفت در بسیاری از مطالعات مفهوم فقر با فقر درآمدی پذیرفته شده است و رویکرد غالب در محاسبه فقر است (میرجلالی، ۱۳۸۹: ۱۹-۲۰) در صورتی که فقر مفهومی چندبعدی است و مطالعه درباره آن باید چندبعدی باشد. ابعاد فقر شامل درآمد پایین، بهداشت ضعیف، ضعف و یا فقدان آموزش و پرورش، مسکن نامناسب، بیکاری و طرد اجتماعی است. تجزیه و تحلیل ابعاد فقر مهم است زیرا به ما تصویر روشن‌تری از شدت فقر ارائه می‌دهد. همچنین عوامل مختلف مانند درآمد پایین، بهداشت ضعیف و سطح سواد پایین با یکدیگر ارتباط دارند و مانع گریز از فقر می‌گردند؛ بنابراین ارزیابی فقر با کمک نماگرهای درآمد و هزینه الگوی جامعی نخواهد بود. (Sivakumar & Sarvalingam, 2010: 14).

۳-۲-۱. فقر و محرومیت (تفاوت‌ها و تشابهات)

فقر و محرومیت هر دو از مفاهیمی هستند که در ارتباط با نیازهای اجتماعی به کار می‌روند؛ مفاهیمی کاملاً نزدیک و مرتبط با یکدیگرند و اغلب به جای یکدیگر نیز مورد استفاده قرار گرفته‌اند (Haase & Walsh, 2007: 8) در تعاریف مدرن و کلاسیک از «فقر» به عنوان «محرومیت» نسبی یاد شده است. این دو مفهوم به صورت زنجیره به هم پیوسته علت و معلول‌اند، یعنی گاهی فقر علت محرومیت و زمانی محرومیت علت فقر شناخته شده است.

بسیاری از محققان، از جمله **تاوانسند**، محرومیت را نتیجه فقر دانسته‌اند. از نظر تاوانسند محرومیت نتیجه مستقیم فقر (فقدان درآمد) یا به طور کلی‌تر، فقدان منابع مالی است. وی استدلال می‌کند که ارتباط بین فقر و محرومیت بسیار قوی است، چنانچه شناسایی افراد و مناطق محروم، هم از طریق اندازه‌گیری مستقیم استانداردهای زندگی (اندازه‌گیری محرومیت) امکان‌پذیر است و هم از طریق سنجش و اندازه‌گیری مستقیم منابع مالی (فقر). (Townsend, 1979, p. 31) تاوانسند استدلال می‌کند که یک آستانه درآمدی وجود دارد که به روشنی علامت شروع یک فقر عینی است که طی آن کاهش بیشتر درآمد منجر به افزایش سطح محرومیت می‌شود. مطالعات بسیار نشان داده که ارتباط بین محرومیت و درآمد به روشنی و وضوحی

که تاوانسند اظهار داشته نیست. برخی شواهد نشان می‌دهد که برای هر سطح درآمد در بسیاری از جاها سطح محرومیت کاملاً متفاوت است و همیشه این گونه نیست که افرادی که زیر خط فقرند محروم باشند، زیرا منابع مالی تنها به وسیله درآمد فعلی تعیین نمی‌شود. از نظر بسیاری از محققان از جمله **ولان** و **نولان**^{۱۰} (۱۹۹۶) پس‌انداز و بدهی نیز نشان‌دهنده منابع مالی هستند. در واقع این رویکرد بر مدت فقر در تعیین نتایج محرومیت تأکید دارد (Bailey et al., 2003: 7-9). گوردون (۲۰۰۶) نیز همان عقیده نولان و ولان را دارد و معتقد است که یک کاهش ناگهانی در درآمد (به عنوان مثال به دلیل از دست دادن شغل) خودبه‌خود به افزایش محرومیت منجر نخواهد شد، چه افراد ممکن است قادر به جلوگیری از سقوط استانداردهای زندگی خود باشند یا آن را به تأخیر بیندازند. به همین ترتیب، کسانی که در فقر به سر می‌برند نیز اگر درآمدشان به‌طور ناگهانی افزایش یابد می‌توانند همچنان محرومیت را برای دوره‌هایی از زمان تجربه کنند در حالی که امکان رفاهشان افزایش یافته است (Gordon, 2006, pp. 41-5). لذا هر چند منابع مالی یکی از عوامل مهم و اصلی در فقر و رفاه است اما تنها عامل نیست. بنابراین ممکن است مردم محرومیت را در یک یا چند بعد تجربه کنند بدون آنکه ضرورتاً فقیر باشند و برعکس ممکن است از لحاظ درآمد فقیر باشند بدون اینکه محروم باشند.

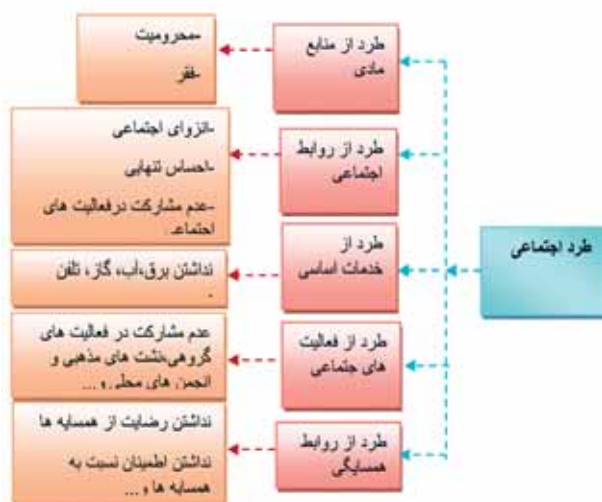
اگرچه رابطه مستقیم و پیوسته‌ای بین میزان توسعه‌نیافتگی و تمرکز فقر وجود ندارد اما در یک جمع‌بندی کلی می‌توان گفت که بیشتر تمرکز فقیران روستایی در روستاهایی است که میزان تسهیلات رفاهی و خدماتی اندک و ناچیز داشته‌اند و به عبارتی روستایشان محروم بوده است

بسیاری از تحقیقات صورت گرفته در زمینه فقر و محرومیت نشان داده است که اگرچه رابطه مستقیم و پیوسته‌ای بین میزان توسعه‌نیافتگی و تمرکز فقر وجود ندارد اما در یک جمع‌بندی کلی می‌توان گفت که بیشتر تمرکز فقیران روستایی در روستاهایی است که میزان تسهیلات رفاهی و خدماتی اندک و ناچیز داشته‌اند و به عبارتی روستایشان محروم بوده است (پقه، ۱۳۸۵: ۲۶۶) محرومیت از ضروریات اولیه و متعارف زندگی نظیر آموزش، مشارکت اجتماعی، اشتغال، بهداشت و درمان و از مواردی است که نبودشان در ایجاد فقر اهمیت می‌یابد (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، ۱۳۷۹: ۲۲).

از مطالعه مجموع تبیین‌هایی که درباره مفهوم فقر و محرومیت وجود دارد می‌توان استنباط نمود که بسیاری از محققان محرومیت را پیامد فقر می‌دانند؛ لذا به نظر می‌رسد فقر و محرومیت هر دو مفاهیمی هستند که بسته به سطح مورد مطالعه علت یا معلول بودن آن‌ها مشخص می‌شود، به طوری که، اغلب، در سطح فردی فقر علت محرومیت است و در سطح منطقه‌ای محرومیت می‌تواند فقر را به همراه داشته باشد.

حال که دانستیم فقر و محرومیت مفاهیمی نزدیک به هم‌اند، باید از تمایز روشنی هم که بین آن‌ها وجود دارد آگاه باشیم. در این ارتباط می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- فقر تأکید بر «درآمد» دارد و با میزان درآمد و هزینه سنجیده



شکل ۱: ابعاد طرد اجتماعی (منبع: غفاری، ۱۳۸۴: ۴۱)

معمول و عادی در دسترس برای اکثریت افراد جامعه، در عرصه های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی است که هر دو کیفیت «زندگی فردی» و «عدالت و انسجام جامعه» را به عنوان یک کل تحت تأثیر قرار می دهد (Levitas et al., 2007: p. 9)

۲-۴-۲. محرومیت و طرد اجتماعی (تفاوت ها و تشابهات)

محرومیت و طرد اجتماعی دو مفهوم نسبتاً مرتبطند و دو ویژگی دارند که اغلب معناگرایان در آن اشتراک نظر دارند. این دو ویژگی چندبعدی و پویا بودن این دو مفهوم است. با وجود این، تفاوت بین محرومیت و طرد اجتماعی نیز مورد تأکید است (Room, 1995). به عبارت دیگر در حالی که هر دو مفهوم مورد بحث شامل جنبه های مادی و اجتماعی یا رابطه ای می شوند، در مطالعات طرد اجتماعی بیشتر تمایل بر این است که وزن بیشتری به بعد اجتماعی داده شود. (Carstairs and Morris, 1991) و روش های آن هم بیشتر کیفی است، در حالی بسیاری از اندازه گیری های محرومیت به شدت به جنبه مادی یا کمی متکی است. همچنین طرد اجتماعی اغلب با روش ها و رویکردهای فرد محور شناخته شده است و تأکید آن بر روی افراد محروم است در حالی که محرومیت بیشتر رویکردی منطقه محور دارد.

در ادبیات فقر محرومیت و طرد اجتماعی هر دو زمینه های اصلی پیدایش فقر محسوب می شوند، اگرچه نقش و سهم شان متفاوت است. مفهوم محرومیت عمدتاً برای شناسایی کسانی که دچار فقر هستند مورد استفاده قرار می گیرد و به تعیین خط فقر (از طریق اندازه گیری درآمد)، کمک می کند در حالی که بعضی مفسران فقر را به عنوان ویژگی ضروری یا ضرورت طرد اجتماعی مورد ملاحظه قرار نمی دهند و معتقدند که طرد اجتماعی ممکن است در جایی که مردم از شرکت در جنبه های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی یا سیاسی جامعه منع شده اند به وجود بیاید، خواه مردم باشند یا نباشند؛ بنابراین، در

می شود ولی محرومیت تأکید بیشتری بر «منابع» دارد و جنبه های وسیع تری از کیفیت زندگی از جمله بهداشت، محیط زیست، دسترسی به حمل و نقل و خدمات و فرصت های عمومی زندگی را در بر می گیرد؛ بنابراین محرومیت مفهومی وسیع تر از فقر است و شاخص های محرومیت هم وسعت سنجش گسترده تری دارند؛ پس ابعاد محرومیت می تواند فقر را پوشش دهد و اندازه گیری مناسبی از فقر داشته باشد (Sivakumar & Sarvalingam, 2010: 11-13)

– فقیر بودن به معنای نداشتن منابع مالی کافی برای رفع نیازهاست، در حالی که محرومیت اشاره به نیازهای برآورده نشده ای دارد که ناشی از فقدان منابع از هر نوع (نه فقط مالی) است. بنابراین پایه محرومیت بر روی سطح شرایط یا فعالیت های تجربه شده قرار دارد ولی فقر ناشی از فقر درآمد و دیگر منابع (مادی) در دسترس فرد یا خانواده است (Noble et al, 1999, p.7).

– محرومیت حالتی است که در آن مردم قادر به دست آوردن نیازها و ضروریات زندگی خود نیستند و فقر پایه اساسی برای آن است. در واقع فقر مرحله و یا درجه ای از محرومیت است (Sivakumar & Sarvalingam, 2010:11)

– هسته اصلی فقر و محرومیت هر دو، کمبود و نیاز است. نیاز هم عبارت است از احساس کمبود، همراه با کوشش در جهت برطرف کردن آن. در این میان، محرومیت بیشتر در ارتباط با نیازهایی است که به محدوده جغرافیایی برمی گردد، یعنی جنبه مکانی دارد؛ به همین علت ما اغلب با اصطلاح «مناطق محروم» در مقابل «مناطق برخوردار» مواجه می شویم. وقتی منطقه ای محروم باشد همه افراد اعم از فقیر و غیرفقیر را تحت تأثیر قرار خواهد داد، اما فقر بیشتر مربوط به نیازهایی است که جنبه فردی دارد (مانند غذا و مسکن) که ممکن است افراد یا گروه هایی خاص به آن دچار باشند و لزوماً محروم هم نباشند (سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۷: ۳-۴).

– فقر تبلور احساساتی است (مانند احساس عدم توجه از جانب دیگران و دولت) که به دلیل عدم وجود تعادل، در فرد، شکل می گیرد. در حالی که محرومیت فقدان دسترسی به منابع، کالاها و خدمات تعریف می شود. بدین ترتیب محرومیت با عدم برخورداری در سطح منطقه ای قادر است از طریق افزایش قابلیت دسترسی به منابع، امکانات، کالاها و خدمات به میزان قابل توجهی کاهش یابد.

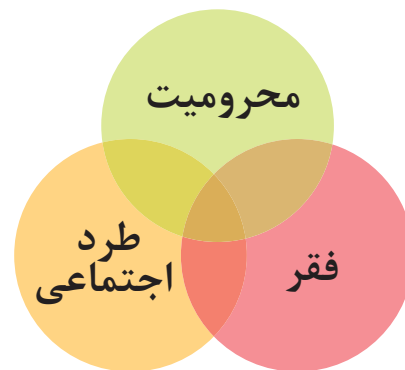
۲-۴-۲. طرد اجتماعی

۲-۴-۱. تعاریف و مفاهیم

طرد اجتماعی نیز یکی از مفاهیمی است که ارتباط و همپوشانی زیادی با محرومیت دارد و این دو مفهوم اغلب به جای یکدیگر به کار می روند. برای طرد اجتماعی نیز تعاریف متعددی از سوی متخصصان پیشنهاد شد. بحث بر سر تعریف محرومیت اجتماعی، محققان را از شناسایی و تجزیه و تحلیل آن باز نداشته است و هرکس تعریف خود را به عنوان شکل جدیدی از طرد اجتماعی، تکامل داده است. در گزارش هایی که در مورد این موضوع در ژانویه ۲۰۰۷ منتشر شد، یک گروه از محققان بریتانیایی پس از بررسی پیشنهاد طیف گسترده ای از تعاریف مورد استفاده در ادبیات مسئله ای تعریف کاربردی را پیشنهاد کردند: «محرومیت اجتماعی یک فرایند پیچیده و چندبعدی، شامل نداشتن و یا محرومیت از، منابع، حقوق، کالا و خدمات و ناتوانی برای مشارکت در روابط و فعالیت های

حالی که محرومیت برای تعریف بهتر فقر مورد استفاده قرار گرفته است، طرد اجتماعی به عنوان یک جایگزین، رویکرد گسترده تری دارد و به مسائل مرتبط با نقش ساختارها و فرآیندهای سازمانی تسری پیدا می کند. (Saunders et al., 2007:p8)

با توجه به آنچه در شکل (۱) ملاحظه می کنید، طرد اجتماعی مفهومی گسترده تر از مفهوم محرومیت دارد. با این وجود سنجش محرومیت شواهدی مستقیم برای برخی از ابعاد محرومیت اجتماعی و شواهدی غیرمستقیم برای برخی دیگر از جنبه های آن ارائه خواهد



شکل ۲: ارتباط بین مناطقی با فقر، محرومیت و طرد اجتماعی (Levitas et al., 2007:p.9)

داد (Bailey et al., 2003:10).

۲-۳. فقر، محرومیت و طرد اجتماعی

اگرچه وجود درجه ای از همپوشانی بین فقر، محرومیت و طرد اجتماعی وجود دارد، اما با توجه به آنچه مطرح شد این مفاهیم مستقل از یکدیگر نیز وجود دارند. چنانچه شکل (۲) نشان می دهد، در حالی که برخی از مردم یا مناطق توأماً هر سه حالت محرومیت، طرد اجتماعی و فقر را تجربه می کنند، برخی تنها یک یا ترکیبی از دو مشکل را تجربه می کنند.

۲-۵. توسعه پایدار

۲-۵-۱. توسعه و عدم محرومیت (تفاوتها و تشابهات)

محرومیت یا عدم برخورداری، در تقابل با برخورداری عبارت است از دسترسی کافی نداشتن به انواع خدمات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، زیربنایی و کالبدی که به بهره برداری ناکافی از منابع و فرصت ها و نیز عدم تحرک مطلوب اقتصادی و اجتماعی در سطوح محلی و منطقه ای منجر می شود.

در این معنا، غایت برنامه های توسعه حصول به بالاترین سطح توسعه یافتگی است؛ یعنی فرایندی از ترقی و پیشرفت اجتماعات غیربرخوردار یا محروم به جوامع برخوردار و در نهایت به جوامع توسعه یافته. بدین ترتیب به نظر می رسد می توان وجوه افتراقی دو مفهوم توسعه یافتگی و برخورداری را با رویکرد منطقه ای به شرح زیر تبیین کرد:

- توسعه یافتگی عالی ترین غایت مدیریت و برنامه ریزی سکونتگاه های انسانی اعم از شهر یا روستاست که با تأمین پاره ای از خدمات زیربنایی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و کالبدی در سطح محلی و منطقه ای آغاز می گردد. بر این اساس بستر فرآیند توسعه منطقه ای با افزایش سطوح برخورداری آغاز می شود؛ لذا می توان بر اساس رویکرد فرایندی، افزایش سطح برخورداری را مقدمه حصول به توسعه قلمداد نمود.

- توسعه از جامعیت و کلیتی انتظام یافته برخوردار است و علاوه بر معیارهای کمی و کیفی گرایش معناداری به شاخص سازی های کیفی دارد. این در صورتی است که سطح برخورداری یا عدم محرومیت و معیارهای سنجش آن در سطح محلی و منطقه ای بیشتر ماهیت کمی و در سطح فردی و خانوادگی بیشتر ماهیت کیفی دارد.

- توسعه با شاخص ها و نماگرهای عینی و ذهنی مورد سنجش و ارزیابی قرار می گیرد. در این راستا به نظر می رسد شاخص های ذهنی وزن بیشتری را در سنجش سطح توسعه یافتگی به خود اختصاص می دهند. در حالی که مؤلفه ها و شاخص های تبیین کننده سطح برخورداری یا عدم محرومیت منطقه ای، عمدتاً عینی هستند و از وزن بیشتری نیز برخوردارند.

- سطح توسعه یافتگی با رویکرد پایداری، در ابعاد سه گانه محیطی، اقتصادی و اجتماعی مورد سنجش و ارزیابی قرار می گیرد. در این راستا وزن مؤلفه ها و شاخص های تبیین کننده هر یک از ابعاد به طور نسبی همسان در نظر گرفته می شود. در صورتی که مؤلفه ها و شاخص های تبیین کننده سطح برخورداری عمدتاً گرایش بیشتری به ابعاد اقتصادی، زیربنایی و اجتماعی دارند. لذا به نظر می رسد مؤلفه های تشکیل دهنده ابعاد زیربنایی، اقتصادی و اجتماعی در این رویکرد از وزن و اهمیت بیشتری برخوردارند.

- برخورداری در سطح منطقه ای در ارتباط با توسعه یک پروژه محسوب می گردد، در حالی که خود می تواند به عنوان یک فرآیند، عاملی برای کاهش فقر محسوب شود.

- به نظر می رسد در برابر افتراقات موجود می توان تشابهات معناداری را نیز میان دو مفهوم توسعه یافتگی و سطح برخورداری مورد شناسایی قرار داد. این تشابهات به شرح زیر قابل تبیین می باشند:

- مفهوم توسعه یافتگی و سطح برخورداری اعم از فردی، خانوادگی و منطقه ای، هر دو می توانند از ابعاد، مؤلفه ها، شاخص ها و نماگرهای متعددی تشکیل شوند به طوری که ماهیت وجودی هر بعد از ابعاد توسعه یافتگی و سطح برخورداری را مورد سنجش قرار دهند.

- همچنان که در مناطق سطوح متفاوتی از توسعه یافتگی قابلیت سنجش می یابند می توان به سطوح متفاوتی از سطح برخورداری نیز در مناطق مختلف جغرافیایی در قالب مناطق برخوردار، مناطق تا حدودی برخوردار و مناطق غیربرخوردار دست یافت.

- همچنان که شاخص های توسعه یافتگی از وزن و اهمیت متفاوت برخوردارند، شاخص های برخورداری نیز از اوزان متفاوتی بر حسب درجه اهمیت برخوردارند.

۳. جمع بندی

محرومیت یکی از مفاهیم پیچیده و نسبی است که در عملیات و تعبیر گوناگونی تعریف شده است. این مفهوم به شدت وابسته به زمان و مکان است، لذا معیارهای متفاوتی نیز برای سنجش آن پیشنهاد

7. Abu-Kharmeh, S., Abu-Al Sondos, J., (2009). Socio-Economic Deprivation Indices (Case Study: Jordan); *American Journal of Scientific Research*, Issue 2, pp.37-51.
8. Bailey, N., et al., (2003). Measuring deprivation in Scotland: developing a long-term strategy. Interim report, *Scottish center for research on social justice*.
9. Carstairs, V., & Morris, R., (1991) Deprivation and health in Scotland. Aberdeen: AUP.
10. Coombes, et al., (1995) "Towards an Index of Deprivation: A Review of Alternative Approaches "Part 1 in Department of the Environment, UK, cit.
11. Gordon, D., (2006), 'The Concept and Measurement of Poverty', in C. Pantazis. D. Gordon and R. Levitas (eds.), *Poverty and Social Exclusion in Britain. The Millennium Survey*, Policy Press, Bristol, pp.29-69.
12. Haase, T., & Walsh, K., (2007). Measuring Rural Deprivation, Report to the Rural Development Advisory Committee.
13. Levitas, R. et al., (2007). The Multi-Dimensional Analysis of Social Exclusion, Department of Sociology and School Policy, University of Bristol.
14. Miller, D., (1999) Principles of social justice, London: Harvard University Press.
15. Noble, M. et al., (1999). Measuring Multiple Deprivation at the Local Level: The indices of deprivation. University of Oxford. Department of Applied Social Studies and Social Research.
16. Noble, M. et al., (2006) The Provincial Indices of Multiple Deprivation for South Africa 2001. Oxford: Center for the Analysis of South African Social Policy, University of Oxford.
17. Noble, M., et al., (2009), Small Area Indices of Multiple Deprivation in South Africa. *Social indicators research*, 95(2), 281-297.
18. Room, G. (ed.) (1995) Beyond the threshold: the measurement and analysis of social exclusion, Bristol: Policy Press.
19. Rural Development Sub-Committee, (2008). Poverty and Deprivation in Rural Wales.
20. Saunders, P., Naidoo, Y., Griffiths, M. (2007), Towards new indicators of disadvantage: deprivation and social exclusion in Australia, Social policy Research Centre (SPRC).
21. Sivakumar, M., Sarvalingam, A., (2010). Human Deprivation Index: A Measure of Multidimensional Poverty, MPRA Paper (Munich personal RePEc Archive), No. 22337, 26.
22. Townsend, P. (1987). Deprivation. *Journal of Social Policy*, 16(2), pp.125-145.
23. Townsend, P., (1979). Poverty in the United Kingdom, Harmondsworth, Middlesex: Penguin Books, 4(842), 0.
24. Walsh, K., (2010). Rural Poverty and Social Exclusion on the Island of Ireland - Context, Policies and Challenges. *pobal. government supporting communities*.
25. Welsh Government, (2011). Welsh Index of Multiple Deprivation 2011: Summary Report.

شده است. از طرف دیگر باید خاطرنشان کرد که سطوح مورد سنجش برای تعیین سطح محرومیت در دو سطح فرد/خانوار و منطقه قابل اندازه‌گیری و تفسیر است. بدیهی است شاخص‌ها و نماگرهای تبیین‌کننده هر یک از سطوح، از تفاوت‌های قابل ملاحظه‌ای برخوردار است. با وجود این تبیین تفاوت‌های موجود، اگرچه در بخش نماگرها قابل تأمل است ولی از شباهت‌های یکسانی در سطح حوزه‌ها و ابعاد برخوردارند به طوری که زمینه‌های اصلی مورد تأکید در کلیه سطوح عمدتاً تأکید بر حوزه‌هایی چون درآمد، مسکن، بهداشت و سلامت، آموزش و پرورش، اشتغال و دسترسی به خدمات در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و کالبدی/ محیطی داشته است.

همچنین بررسی مفاهیم فقر، طرد اجتماعی و توسعه‌نیافتگی و ارتباط آن‌ها با محرومیت نشان داد که به هر حال هم‌پوشانی بین مفهوم محرومیت با مفاهیم مذکور، به این معناست که سنجش محرومیت می‌تواند بینش و آگاهی با ارزشی درون مجموعه‌ای وسیع‌تر از مشکلات ارائه دهد، ضمن اینکه مقدمه و گام نخست جهت رسیدن به توسعه پایدار که هدف غایی برنامه‌ریزی است شناخت میزان برخورداری یا به عبارتی محرومیت مناطق می‌باشد.

پی‌نوشت‌ها

1. Deprivation
2. Basic deprivation
3. Secondary deprivation
4. Domains
5. economy Deprivation
6. Social Deprivation
7. Environmental/ Physical deprivation
8. Multiple deprivation
9. Whelan
10. Nolan
11. Social Exclusion

منابع

۱. بهزادنسب، جانعلی. (۱۳۸۶)، درآمدی بر فرهنگ جامع توسعه روستایی، انتشارات قلمستان هنر.
۲. پورطاهری، مهدی؛ طالبی، ح؛ افتخاری، ع. (۱۳۹۰)، تحلیل عوامل اقتصادی و اجتماعی مؤثر بر کاهش فقر روستایی با تأکید بر فقر غذایی: بخش خجستان استان قم، برنامه‌ریزی و آمایش فضا، دوره پانزدهم، شماره ۲، صص ۶۱-۸۰.
۳. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور. (۱۳۷۹)، برنامه مبارزه با فقر و افزایش درآمد خانوارهای کم‌درآمد، معاونت امور اجتماعی، تهران.
۴. عسل‌فروش رضاییه، رضا. (۱۳۷۴-۱۳۷۵)، بررسی و انطباق پروژه‌های محرومیت‌زدایی با نیازهای روستاهای شهرستان قاینات، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد.
۵. غفاری، غلامرضا، تاج‌الدین، محمدباقر. (۱۳۸۴)، شناسایی مؤلفه‌های محرومیت اجتماعی، فصل‌نامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال چهارم، شماره ۱۷، صص ۳۳-۵۵.
۶. کلای مقدم، ژیل. (۱۳۷۸)، ارزیابی طرح‌های عمرانی اجتماعی، اقتصادی، در توسعه مناطق محروم شهرستان تربت‌جام در برنامه اول توسعه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد.

نقش بازارچه‌های مرزی

در امنیت و توسعه

مطالعه موردی: بازارچه مرزی پرویزخان در قصر شیرین

محمدجعفر آجورلو

استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه جامع امام حسین (ع)

علی آقامحمدی

دانشجوی کارشناسی ارشد رشته جغرافیای نظامی دانشگاه جامع امام حسین (ع)

mohammadi.ali13579@gmail.com

چکیده

بازارچه‌های مرزی همواره یکی از اهرم‌های مهم در ایجاد اشتغال، فعالیت‌های اقتصادی و امنیت به‌خصوص در میان مرزنشینان مطرح بوده و در طی سال‌های اخیر مورد توجه برنامه‌ریزان و سیاستمداران قرار گرفته است. تأسیس بازارچه مرزی از شناخته‌ترین روش‌های توسعه اقتصادی نواحی مرزی است که می‌تواند تحول بنیادی در تولید، اشتغال، تثبیت جمعیت مرزنشین، افزایش درآمد و در نهایت توسعه و امنیت پایدار در منطقه ایجاد کند و پاره‌ای از خلأهای موجود در محدوده مرزها را جبران و برطرف کرده و از جمله از خالی شدن حاشیه مرزها جلوگیری کند که این امر خود در بالا بردن ضریب امنیت مرزها و جلوگیری از قاچاق بسیار مؤثر است. یکی از استان‌های دارای بازارچه مرزی استان کرمانشاه است که با حدود ۳۴۶ کیلومتر مرز مشترک با کشور عراق از دیرباز به لحاظ قرار داشتن در مسیر جاده ابریشم در مبادله کالا و تجارت از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است. این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی و تکیه بر منابع کتابخانه‌ای و تحلیل آمار و اطلاعات موجود به دنبال پاسخ به این پرسش است که بازارچه پرویزخان قصر شیرین چگونه بر امنیت و توسعه منطقه مرزی این منطقه تأثیرگذار بوده است. در نهایت به این نتیجه منتج شده است که، وجود بازارچه مرزی پرویزخان و قرار گرفتن آن در کریدور شرق به غرب (بزرگراه کربلا)، اشتراک فرهنگی، زبانی و قومیتی با کشور عراق باعث حضور مداوم مسافران، زائران و تجار و به نوعی باعث تجمع خدمات رفاهی، فرهنگی و ... شده و در نهایت موجب توسعه و پیشرفت این شهرستان گردیده، و به تبع آن به بالا رفتن ضریب امنیتی در منطقه منجر شده است.

کلیدواژه‌ها: بازارچه مرزی، امنیت، توسعه، پرویزخان، قصر شیرین.

۱. مقدمه و بیان مسئله

گرفته‌اند به‌طور مشخصی از این تصور نشئت گرفته که این مناطق جغرافیایی ویژه، ممکن است موجب ایجاد سازگاری و همسانی اقتصادی در همگرایی بین کشورها گردند (2005: 71 niebuhr). یکی از مهم‌ترین چالش‌هایی که در مناطق مرزی پیش روی مسئولان امور قرار دارد مسئله امنیت است. برخی

در دهه‌های اخیر در تحقیقات توسعه‌ای اعم از تحقیقات اقتصادی، اجتماعی و اکولوژیک، به مناطق مرزی و تأثیرات مرزی توجه بسیاری صورت گرفته است. این رغبت و علاقه وافر به مناطقی که در امتداد مرزهای همگرایی کشورها قرار

کشورها برای حفظ و گسترش امنیت مناطق مرزی به راهکارهای نظامی روی آورده و سعی نموده‌اند امنیت مرزها را از طریق تقویت نیروهای نظامی مستقر در مرزها برقرار نمایند. اما این راهکارها چندان کارآمد نبوده و به نتایج مثبتی منجر نشده است. بنابراین در دهه‌های اخیر راهکارهای دیگری بدین منظور مطرح شده که نه بر نیروی نظامی صرف، بلکه بر نیروهای اجتماعی و اقتصادی نیز تکیه دارند. ایجاد و گسترش سطح توسعه اقتصادی- اجتماعی در مناطق مرزی یکی از این راهکارهای نوین است. از ویژگی‌های مناطق مرزی ایران، محرومیت، توسعه نیافتگی شدید و نابرابری اقتصادی و فرهنگی این مناطق نسبت به مرکز می‌باشد که باعث ایجاد ناامنی در این مناطق شده است. توجه به امور اقتصادی مردم به نوعی در خدمت اهداف سیاسی هم بوده است؛ زیرا رفاه اقتصادی، مردم را ترغیب به ماندن در مرزها کرده و این امر حفاظت از مرزها را برای حکومت تسهیل می‌کند (سعیدی و همکاران، ۱۳۸۸: ۹۶). خالی شدن مرزها از سکنه و مهاجرت مرزنشینان بر اثر فقدان انگیزه‌های لازم برای زندگی در گذشته تقریباً روند رو به افزایشی داشته است. در سال‌های اخیر سیاست‌های متعددی برای مرزنشینان از سوی حکومت در نظر گرفته شده است. این سیاست‌ها به منظور کاهش بحران بیکاری، فقر، مفاسد گوناگون اجتماعی، ایجاد اشتغال، کاهش قاچاق کالا، برقراری عدالت اجتماعی، کاهش انگیزه‌های مهاجرت و غیره بوده است.

چنین واقعیت‌هایی باعث شده است تا کشورهای همسایه در قالب بازارچه‌های مشترک مرزی- که از شناخته‌ترین روش‌های توسعه اقتصادی مرزنشینان به شمار می‌رود و می‌تواند تحولی اساسی در تولید، ایجاد اشتغال، تثبیت جمعیت مرزنشین، افزایش درآمد، امنیت و نهایتاً توسعه پایدار ایجاد نماید- به سوی همکاری‌های متقابل منطقه‌ای هدایت شوند (شایان، ۱۳۸۳: ۷۲). این بازارچه‌ها و در واقع اقتصاد مناطق مرزی می‌تواند نقش بزرگی در ترقی و پیشرفت توسعه اقتصادی نواحی مرزی، بهبود استانداردهای زندگی مردم، کاهش فقر، امنیت، توزیع مناسب درآمد، ایجاد روابط دوستی و آشنایی بیشتر با همسایگان خارجی و تسریع همکاری‌های بیشتر بین نواحی مرزی داشته باشند (chandoevwit, 2004:145).

به علاوه موجب دسترسی به اهداف امنیتی از جمله امنیت اقتصادی، امنیت سیاسی مرزهای زمینی، امنیت اجتماعی و توسعه پایدار، که از جمله اهداف این بازارچه‌ها بوده است، گردد (وزارت امور اقتصاد و دارایی، ۱۳۷۱: ۹-۸).

کرمانشاه با داشتن ۳۴۶ کیلومتر مرز مشترک با کشور عراق و بازارچه‌های مرزی و مناطق ویژه اقتصادی امکان بسیاری جهت توسعه صادرات دارد و باید مورد توجه قرار بگیرد. موقعیت

جغرافیایی مرز پرویزخان به گونه‌ای است، که کمترین فاصله تا اقلیم کردستان عراق و مرکز این کشور را دارد، لذا بهترین و نزدیک‌ترین نقطه برای حمل کالا و حتی تردد مسافر به نقاط مختلف کشور عراق محسوب می‌شود. این بازارچه از مهم‌ترین ظرفیت‌های اقتصادی کرمانشاه می‌باشد که خود یک مرز استراتژیک صادراتی به عراق است. در مجموع، بازارچه پرویزخان یک فرصت ملی، منطقه‌ای و استانی است و باید نگاه کلان و ویژه‌ای به آن داشته باشیم (ماهنامه اتاق بازرگانی، ۱۳۸۹: ۱۳۲). در تحقیق حاضر سعی کرده‌ایم تأثیر بازارچه مرزی پرویزخان بر امنیت اقتصادی، سیاسی و فرهنگی منطقه مرزی قصر شیرین را مطالعه کنیم و به این پرسش پاسخ دهیم که بازارچه پرویزخان چگونه بر امنیت و توسعه منطقه مرزی قصر شیرین تأثیرگذار بوده است؟

۲. روش تحقیق

پژوهش حاضر به لحاظ روش، توصیفی- تحلیلی به شمار می‌آید. در مطالعات کتابخانه‌ای شیوه انجام پژوهش نوعاً توصیفی- تحلیلی و ابزار گردآوری داده‌ها و اطلاعات آن، استفاده از منابع مختلف از جمله کتب، مجلات و فصلنامه‌ها، اسناد و متون رسمی، آمارنامه‌ها، اینترنت و جست‌وجو در بانک‌های اطلاعاتی مرتبط با موضوع می‌باشد.

۳. مبانی نظری

۳-۱. دیدگاه‌های مربوط به امنیت و توسعه در مناطق

مرزی

۳-۱-۱. نگرش قائل بر تقدم امنیت بر توسعه

این نگرش قائل به انجام توسعه در بستر «امنیت» در مناطق مرزی است. بر این اساس، نخست باید امنیت برقرار باشد تا در مرحله دوم توسعه صورت گیرد. به عبارت دیگر، معتقدین به این دیدگاه، تحقق امنیت را شرط لازم و مقدم بر تحقق توسعه می‌دانند. به این ترتیب، در حقیقت با اولویت قائل شدن به «امنیت»، توسعه را ابزار تحقق امنیت می‌دانند. در چنین حالتی، امنیت زمینه‌ساز استقرار فعالیت‌ها و سکونتگاه‌ها با توجه به مزیت مکانی آن‌هاست. مکان‌گزینی صنایع، تأسیسات و طرح‌های توسعه، نیاز به فضاها و مکان‌های امن دارد (حافظنیا، ۱۳۸۱: ۵۶).

۳-۱-۲. نگرش قائل بر تقدم توسعه بر امنیت

در این نگرش اعتقاد بر این است که از طریق توسعه می‌توان به امنیت رسید. به عبارت دیگر اولویت اول توسعه و اولویت دوم امنیت است. در واقع این دیدگاه بر این عقیده استوار است که توسعه نیافتگی، عامل اصلی ناامنی است. بر این اساس، برای

بدون شک وجود محرومیت‌های شدید اقتصادی و میزان بالای بیکاری در مناطق مرزی در افزایش عبور غیرمجاز افراد، قاچاق کالا و سایر مواردی که مخل امنیت مرز محسوب می‌شوند، تأثیر شگرفی دارد

تحقق امنیت در مناطق مرزی، ابتدا باید توسعه به آن مناطق وارد شود و سپس نتایج توسعه، در تحقق و استقرار امنیت کمک کند. به‌طور کلی می‌توان از توسعه به عنوان ابزار برقراری امنیت در این مناطق استفاده کرد (عندلیب، ۱۳۸۰: ۱۹۳).

۳-۱-۳. نگرش قائل به درک متقابل توسعه و امنیت

در این نگرش، عقیده بر آن نیست که در بحث امنیت و توسعه یکی بر دیگری مقدم است؛ بلکه این دو هم‌عرض و هم‌سنگ‌اند. براساس دیدگاه‌های بالا می‌توان گفت که امنیت و توسعه در مناطق مرزی، با ضریب همبستگی بالا دارای رابطه‌ای مستقیم و دو سویه با یکدیگرند؛ به این ترتیب، مناطق دارای شاخص‌های بالای توسعه، از ضرایب امنیتی بالاتری نسبت به مناطق توسعه نیافته‌تر برخوردارند. نکته مهم اینکه میان «سلسله مراتب توسعه‌ای» و «سلسله مراتب امنیتی» مناطق مرکزی و مناطق مرزی، رابطه وجود دارد. برقراری چنین رابطه‌ای موجبات تحقق «تعادل توسعه‌ای» و «تعادل امنیتی» را فراهم می‌آورد (عندلیب، ۱۳۸۰: ۱۹۷-۱۹۶).

۳-۱-۴. نگرش قائل به تفکیک توسعه و امنیت در عرصه عمل

در این دیدگاه ارتباط بین توسعه و امنیت نادیده گرفته شده و درک متقابلی از سوی دست‌اندرکاران توسعه و امنیت نسبت به یکدیگر برقرار نشده است و توسعه و امنیت در مناطق مرزی بدون هماهنگی با یکدیگر، هر یک راه خود را می‌پیماید. بنابراین بحث اولویت نیز به‌طور جداگانه در هر دو میدان توسعه و امنیت توسط مسئولان آن‌ها مطرح می‌شود و مورد توجه قرار می‌گیرد. مهم‌ترین ویژگی کشورهای که چنین نگرشی در آن‌ها حاکم است، عبارت است از: ۱. گستردگی پهنه سرزمینی و ضعف پیوندهای فضایی بین مناطق کشور ۲. ضعف پیوستگی فضایی با کشورهای همجوار به دلیل گستردگی سرزمینی کشور ۳. ضعف پیوستگی بین اجزای دستگاه گسترده اداری دولتی، به‌ویژه در خصوص برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری ۴. حاشیه‌ای بودن مناطق مرزی و توسعه نیافتگی به همراه ناامن بودن آن‌ها ۵. عدم وابستگی کشور به منابع واقع در مناطق مرزی ۶. عدم توانایی دولت مرکزی و دستگاه‌های تابعه ملی و محلی در استفاده از منابع مناطق مرزی ۷. گسستگی فضایی از کل منطقه و عدم تعادل منطقه‌ای بین مناطق داخل

کشور. از این رو، در کشورهای مزبور گرایش غالب در برنامه‌ریزی، جدایی‌خواهی و تک‌روی در زمینه‌های مختلف، از جمله در امر توسعه و امنیت است. در چنین کشورهایی، مسئولان هر بخش از دستگاه‌های برنامه‌ریزی و اداری کشور اولویت را در اقدامات خود دیده و آن را جدای از اقدامات دیگر بخش‌ها می‌دانند (زرقانی، ۱۳۸۶: ۱۷۳-۱۷۰).

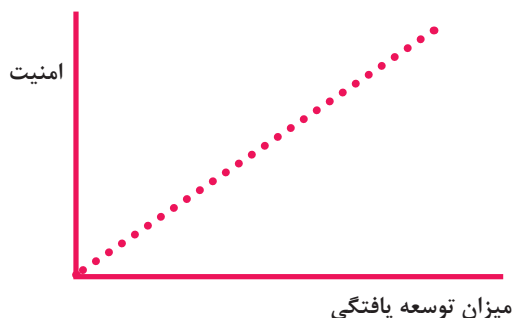
۳-۲. رابطه اقتصاد و اشتغال مرزنشینان و تأثیر آن بر امنیت مرزها

اقتصاد و اشتغال دو نیاز اساسی بشر در طول تاریخ است که همواره مورد تأکید دولتمردان و سیاستمداران نیز بوده و به روش‌های گوناگون در تأمین آن‌ها تلاش شده است. در واقع امنیت را می‌توان به فرصت تحولات اجتماعی نیز تعبیر نمود؛ به‌طوری که کشورهای با کیفیت بالای زندگی از امنیت بالاتری برخوردارند و برخی از کشورهای در حال توسعه از ناامنی در بسیاری از حوزه‌های زندگی رنج می‌برند. به‌طوری که سرمایه‌گذاران خصوصی جهت ایجاد فضای اشتغال و کسب و کار در مناطقی که امنیت کافی ندارند سرمایه‌گذاری نمی‌کنند و یا در کشورهای که دائماً درگیر جنگ‌های داخلی هستند سرمایه‌گذاری اقتصادی صورت نمی‌گیرد (اسلامی و درجانی، ۱۳۸۸: ۶۱-۶۰).

بدون شک وجود محرومیت‌های شدید اقتصادی و میزان بالای بیکاری در مناطق مرزی در افزایش عبور غیرمجاز افراد، قاچاق کالا و سایر مواردی که مخل امنیت مرز محسوب می‌شوند، تأثیر شگرفی دارد. چنانچه امنیت و اقتصاد در مناطق مرزی با ضریب همبستگی بالا دارای رابطه‌ای مستقیم و دو سویه با یکدیگر هستند. به عبارت دیگر توسعه اقتصادی و امنیت، تأثیرات متقابلی در مناطق مرزی بر هم دارند به گونه‌ای که هر اقدامی در فرایند تحقق توسعه اقتصادی، تأثیرات مستقیمی بر فرایند تحقق امنیت می‌گذارد و برعکس (زرقانی، ۱۳۸۶: ۱۹۱).

نمودار شماره (۱)

رابطه مستقیم و دو سویه امنیت و توسعه در مناطق مرزی



موقعیت جغرافیایی مرز پرویز خان به گونه‌ای است، که کمترین فاصله تا اقلیم کردستان عراق و مرکز این کشور را دارد، لذا بهترین و نزدیک‌ترین نقطه برای حمل کالا و حتی تردد مسافر به نقاط مختلف کشور عراق محسوب می‌شود

قصر شیرین مرکز شهرستان قصر شیرین یکی از شهرستان‌های مرزی استان کرمانشاه است، که در ۳۵ درجه و ۴۵ دقیقه طول جغرافیایی و در ۳۱ درجه و ۳۴ دقیقه عرض جغرافیایی، در بلندی ۴۰۰ متری از سطح دریا و در ۱۶۷ کیلومتر شهر کرمانشاه، در مسیر راه اصلی اسلام‌آباد غرب- خسروی قرار دارد (سبحانی، ۱۳۸۰: ۱۳). این شهرستان دارای ۱۸۳ کیلومتر مرز مشترک با کشور عراق است. حدود ۶۲ کیلومتر آن هم مرز با اقلیم کردستان عراق است. یکی از ظرفیت‌های این شهرستان مرزهای مشترک آن با کشور عراق است. ظرفیت‌های توسعه، فرهنگ، اقتصاد و سیاست همیشه در این شهر که از نظر جمعیتی کوچک، اما از نظر ملی بزرگ و تأثیرگذار است. همواره آن را به عنوان یک قطب اقتصادی ملی مطرح کرده است. گذشته این گذرگاه تردد رجال سیاسی، اقتصادی، ملی و فراملی بوده و همیشه جایی در تاریخ اقتصاد و سیاست کشور داشته است.

بازارچه مرزی پرویز خان در این شهرستان یکی از قطب‌های اقتصادی کشور است که در حدفاصل طول‌های ۳۴ و ۴۵ تا ۳۶ و ۴۵ طول شرقی و ۳۲ و ۳۴ تا ۳۴ عرض شمالی قرار دارد. حداکثر ارتفاع منطقه حدود ۴۰۰ متر از سطح دریا و کمترین ارتفاع آن حدود ۳۵۰ متر و ارتفاع متوسط آن ۳۷۵ متر است. پرویز خان هم‌مرز با کردستان عراق، در ۲۵ کیلومتری گمرک خسروی، در فاصله ۱۸۰ کیلومتری گمرک کرمانشاه و در نقطه صفر مرزی واقع شده است و به واسطه همجواری با روستای مرزی پرویز خان عراق به این نام شناخته شده است.

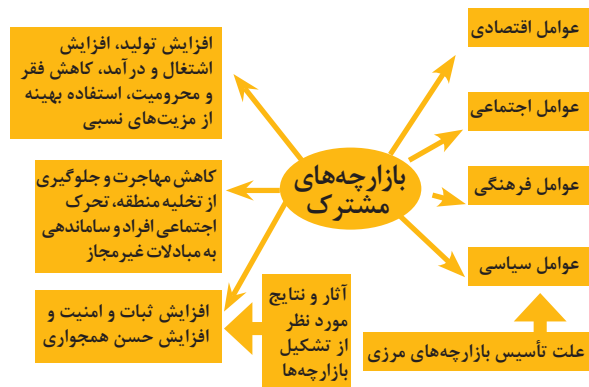
این بازارچه که از شهرستان قصر شیرین ۳/۵ کیلومتر و از مرکز استان ۱۷۵ کیلومتر فاصله دارد در سال ۱۳۸۶ تأسیس و راه‌اندازی شد. در ابتدای احداث وسعت آن سه هکتار بود که بعداً به ۳۰ هکتار افزایش یافت و با برنامه‌هایی که مسئولان شهرستان در دست اقدام دارند در آینده وسعت این بازارچه به ۴۰۰ هکتار افزایش خواهد یافت (تجری، ۱۳۹۰). مبادلات تجاری عمده بازارچه پرویز خان با شهرهای کلا، سلیمانیه و همچنین موصل، خانقین و کرکوک (در عراق) است. نزدیکی فرهنگ دو منطقه مرزی استان کرمانشاه و سلیمانیه عراق به‌ویژه همزبان بودن آن‌ها از مهم‌ترین عوامل رونق اقتصادی و تجاری این بازارچه مرزی است. پرویز خان که در ابتدا یک بازارچه کوچک مرزی بود خیلی زود جای خود را در معادلات اقتصادی کشور پیدا کرد تا جایی که کمتر از یک دهه توانست به بزرگ‌ترین بازارچه مرزی کشور تبدیل شود. شاهراه صادرات کالاهای غیرنفتی کشور اکنون به یک مرز مجاز زمینی رسمی کشور تبدیل شده است و کارکردهای آن دیگر فراتر از یک بازارچه است (مصاحبه با مدیر بازارچه مرزی جاسمی، ۱۳۹۰).

۴-۲. عملکردهای بازارچه مرزی پرویز خان

الف. بازارچه مرزی پرویز خان به مثابه یک بازارچه بازارچه مرزی پرویز خان در شهرستان قصر شیرین که در مسیر راه

بنابراین می‌توان گفت که توسعه اقتصادی مناطق مرزی و افزایش اشتغال، رفاه و درآمد اقتصادی مرزنشینان از طریق فعالیت‌های سالم اقتصادی با حمایت و سرمایه‌گذاری دولت‌ها و

نمودار شماره (۲) کارکردها و اهداف تشکیل بازارچه‌های مشترک



منبع: پیربوداقی، (۱۳۷۹:۳۳)

بخش‌های خصوصی بر کارکرد امنیتی مرزها تأثیر مثبت دارد.

۴. یافته‌های تحقیق

۴-۱. منطقه مورد مطالعه

بازارچه‌های مرزی استان کرمانشاه، از سال ۱۳۷۴ تحت نظارت فرمانداری‌های شهرستان‌های مرزی جوان‌رود و پاوه، فعالیت مبادلاتی خود را که عموماً واردات کالا بود آغاز کردند و در سال ۱۳۷۶ رسماً با حضور گمرک و اداره کل بازرگانی فعالیت مبادلاتی متوازن خود را ادامه دادند. این بازارچه‌ها عبارت بودند از: بازارچه مرزی شوشمی (پاوه)، بازارچه مرزی شیخ صالح (ثلاث باباجانی) و بازارچه مرزی پرویز خان و خسروی (قصر شیرین).

جدول شماره (۱) مشخصات کلی بازارچه‌های مرزی مشترک کشور در استان کرمانشاه

کد	وضعیت فعلی	کشور همسایه	نوع بازارچه	نام بازارچه	استان
۴۰	در حال فعالیت	عراق	مرزی	تبله کوه	کرمانشاه
۱۴	در حال فعالیت	عراق	ویژه	شیخ صالح	
۱۳	در حال فعالیت	عراق	ویژه	شوشمی	
۱۵	در حال فعالیت	عراق	ویژه	پرویز خان	قصر شیرین
۱۶	در حال فعالیت	عراق	ویژه	خسروی	

منبع: دفتر مطالعات اقتصادی وزارت بازرگانی، (۱۳۸۳)

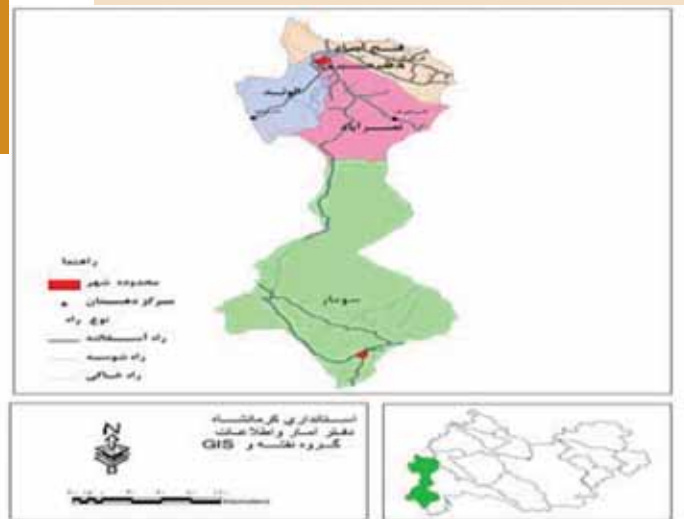
هر گاه این ارتباطات با ثبات و روابط صمیمانه بوده، روزهای پررونق را می‌توان در بازارچه مشاهده کرد. به‌نظر می‌رسد متغیرهای سیاسی هم از متغیرهای با اهمیت و تأثیرگذار بر حیات بازارچه‌ها می‌باشند



تصویر شماره (۲) بازارچه پرویزخان در حال توسعه



روابط تجاری با ایران و توسعه صادراتی غیرنفتی استان‌های همجوار اشاره کرد. تأمین سطح مطلوب اشتغال در مناطق محل استقرار بازارچه‌ها و جمع‌آوری سرمایه‌های راکد و سرگردان و هدایت آن‌ها به سمت تجارت و بازرگانی، افزایش امنیت منطقه، کاهش روند قاچاق کالا، رشد و توسعه اقتصادی مناطق مرزی و تأمین مایحتاج ضروری مرزنشینان از دیگر مزایای بازارچه‌های مرزی می‌باشد. حدود ۶۲۵ میلیون دلار انواع کالا از طریق مرزهای پرویزخان و خسروی به کشور عراق و اقلیم کردستان صادر شده است. صادرات کالا از طریق بازارچه مرزی پرویزخان به علت مسافت کم با عراق و همچنین دسترسی سریع و آسان تجار عراقی به کالاهای مورد نیازی که در داخل کشورمان تولید می‌شود، مقرون به‌صرفه است.



نقشه شماره (۱): موقعیت منطقه مورد مطالعه



منبع: پورتال سازمان همیاری‌های شهرداری استان کرمانشاه (۱۳۹۳)

اگرچه قرار داشته نزدیک‌ترین راه ارتباطی و مواصلاتی از طریق عراق و سوریه به طول ۹۰۰ کیلومتر به کشورهای اروپایی است و در زمان کنونی که کشور عراق در زمینه زیرساخت‌ها و کارخانجات و اقتصاد وضعیت خوبی ندارد بهترین مسیر برای سرمایه‌گذاری در این کشور و کردستان عراق است که به لحاظ تشابهات زبانی و فرهنگ و رسوم با این منطقه ارتباط نزدیک و به لحاظ امنیت نسبی به سر برده و کمترین خطرهای جانی و زیان مالی برای تجار و پیمانکاران دربردارد. به‌صورت میانگین این بازارچه دارای حجم مبادلات بازرگانی بالایی است و از این محل روزانه حداقل ۸۰۰ دستگاه کامیون کالا به کشور عراق صادر می‌شود. از مزایای احداث این بازارچه می‌توان به ایجاد مزیت‌های نسبی در تولید و فعالیت‌های بازرگانی در دو سوی مرز، ایجاد زمینه‌های لازم برای فروش و صادرات محصولات (بازارسازی و بازاریابی)، ایفای نقش مؤثر در تحکیم مناسبات مردم دو سوی مرز و ایجاد اشتیاق در کشورهای همسایه جهت توسعه مبادلات و بهبود

به‌طور متوسط هر سال حدود ۵۰ درصد از صادرات غیرنفتی کشورمان به عراق از این مرز انجام می‌شود (پورتال سازمان همیاری شهرداری‌های استان کرمانشاه، ۱۳۹۳).

ارزش دلاری میزان صادرات از بازارچه مرزی پرویزخان در سال ۱۳۹۱ مبلغ ۲ میلیون و ۴۳۰ هزار و ۹۱ دلار و ارزش وزنی ۸۰۱ میلیون و ۶۵۸ هزار و ۸۸۶ کیلوگرم بود. انواع کالاهای صادر شده از این بازارچه مرزی شامل بیسکویت، نوشابه، آب معدنی، کیک، شیشه جام، سرامیک، سیمان، سیب‌زمینی، گوجه فرنگی، پیاز، هندوانه، خیار، کفش، دمپایی پلاستیکی، کولر و ... می‌باشد که علاوه بر این روزانه مقداری از کامیون‌های سوختی نیز از طریق مرز پرویزخان به عراق ترانزیت می‌شود. بازارچه مرزی پرویزخان در حال حاضر به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم موجب اشتغال‌زایی بیش از سه‌هزار نفر را فراهم کرده است (همان).

ب. بازارچه پرویزخان به مثابه یک پایانه

بازارچه مرزی پرویزخان کریدور، یا دالان عبور زائرین عتبات عالیات است و روزانه بیش از سه‌هزار مسافر با گذر از آن به عتبات عالیات اعزام می‌شوند.

این پایانه صادراتی (بازارچه مرزی پرویزخان) دارای مساحتی حدود ۴۰۰ هکتار است که در طرح جامع تهیه شده فعالیت‌های آن به شرح زیر پیش‌بینی شده است.

۱. ترانزیت کالا؛ در بازارچه مرزی پرویزخان روزانه از ۸۰۰ تا یک‌هزار دستگاه کامیون و تریلر محموله‌های صادراتی (کالاهای ایرانی) را به عراق صادر می‌کنند. عوامل نظامی، مرزبانی، گمرک و پایانه‌های مرزی در این بازارچه فعالیت و امرار معاش می‌کنند. صادرات کالا و انجام مبادلات تجاری با کشورهای همسایه یک فرصت ایده‌آل و مطلوب برای توسعه فعالیت‌های اقتصادی و درآمدزایی به‌خصوص برای شهرهای مرزی است که از این راه می‌توان نسبت به بهبود وضعیت اقتصادی منطقه و معرفی ظرفیت‌های تولیدی کشور اقدام کرد.

۲. سکوی انتقال مواد سوختی؛ به مساحت ۸۶/۴۰ هکتار. روزانه به‌طور میانگین حدود ۵۰۰ دستگاه تانکر ترانزیت سوخت ایرانی و عراقی از مبدأ اقلیم کردستان به مقصد بنادر جنوبی کشورمان وارد خاک ایران اسلامی می‌شوند (خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۳).

۳. پایانه مسافری؛ به مساحت ۲ هکتار. در سال ۱۳۹۲ در مجموع ۳۹ هزار و ۵۰۰ مسافر و گردشگر ایرانی و عراقی از طریق مرز رسمی پرویزخان وارد ایران شده‌اند و ۳۷ هزار و ۱۰۰ نفر در این مدت از این معبر رسمی به اقلیم کردستان عراق سفر کرده‌اند.

۴. سکوی تخلیه و بارگیری کالا؛ به مساحت ۷/۸ هکتار. در حدود هفت هزار نفر به‌عنوان تاجر، پیلهور، کوله‌بر (تجارت چمدانی) کارگر بخش تخلیه و بارگیری در سکوی تخلیه و بارگیری کالا مشغول به‌کار هستند.

۵. بازارچه دائمی به مساحت ۱۶/۲۲ هکتار (پورتال سازمان همیاری شهرداری‌های استان کرمانشاه، ۱۳۹۳).

۳-۴. اهداف بازارچه مرزی پرویزخان

۱-۳-۴. افزایش صادرات کالاها

صادرات نقش ویژه‌ای در ساختار اقتصادی یک کشور ایفا می‌نماید. در طول مرز مشترک ایران با عراق، از جنوب تا شمال غرب، علاوه بر معبرهای غیررسمی، چند مرز رسمی و بازارچه از جمله مرز تمرچین در آذربایجان غربی، باشماق در کردستان و پرویزخان در قصرشیرین در حوزه اقلیم کردستان و مرزهای خسروی، مهران و شلمچه نیز در حوزه حکومت مرکزی عراق برای انجام مبادلات مرزی و صادرات کالا راه‌اندازی شده است.

بازارچه مرزی پرویزخان در سال ۱۳۷۶ و با هدف فراهم‌سازی بستر اشتغال مرزنشینان و افزایش و بهبود وضعیت معیشتی مردم منطقه و هدف توسعه روابط تجاری و اقتصادی با کشور همسایه راه‌اندازی شد تا بتوان از این طریق نبض بازار کشورهای دیگر را به‌دست آورد و کالاهای مورد نیاز آن‌ها را از تولیدات داخلی تأمین کرد. صادرات کالا و انجام مبادلات تجاری با کشورهای همسایه یک فرصت ایده‌آل و مطلوب برای توسعه فعالیت‌های اقتصادی و درآمدزایی به‌خصوص برای شهرهای مرزی است که از این راه می‌توان نسبت به بهبود وضعیت اقتصادی منطقه و معرفی ظرفیت‌های تولیدی کشور اقدام کرد. پرویزخان بهترین مکان برای صادرات کالاهای ایرانی به اقلیم کردستان و شهرهای حکومت مرکزی عراق است. این بازارچه دارای زیرساخت‌های مناسب تجاری، اقتصادی است و این مرز با شهرهای عراق دسترسی راحتی دارد، از این جهت توانسته نام خود را در بخش صادرات کالای ایرانی به عراق بر سر زبان‌ها بیندازد. فرهنگ و زبان نزدیک به هم شهرستان قصرشیرین و استان سلیمانیه عراق، اطمینان مردم کردستان عراق به کالاهای ایرانی، ارزان و مقرون به‌صرفه بودن مصرف کالاهای ایرانی، تنوع فراوان و سهولت و دسترسی آسان و ارزان به این کالاها همگی از جمله دلایلی است که مصرف کالاهای تولیدی کشورمان در این منطقه از عراق را افزایش داده است به‌گونه‌ای که بیش از ۵۰ درصد صادرات به کشور عراق از این بازارچه صورت می‌گیرد و همین موضوع آن را به یکی از قطب‌های اقتصادی غرب کشور تبدیل کرده است. سهم ۵۴ درصدی قصرشیرین از صادرات ایران به کشور عراق و همچنین هدف‌گذاری ۱۰ میلیارد دلاری برای صادرات به عراق به‌دلیل وجود دو بازارچه مرزی خسروی و پرویزخان است. همچنین ارتباط با کشور عراق و حضور مداوم مسافران، زائران و تاجر به نوعی باعث تجمع خدمات رفاهی، فرهنگی و ... است که همین باعث توسعه و پیشرفت این شهرستان شده است (مصاحبه با فرماندار قصرشیرین آقای رضایی، ۱۳۹۳).

۲-۳-۴. افزایش امنیت منطقه

تأمین نیازها و ایجاد امکانات برای مرزنشینان، از اولویت‌های مهم ایجاد امنیت است. ایجاد زمینه ارتزاق از روال منطقه و در قالب قوانین و مقررات از اهمیت زیادی برخوردار است. یکی از دلایل ایجاد بازارچه مرزی پرویزخان، افزایش ضریب امنیت و اطمینان در این منطقه از طریق توسعه تجارت می‌باشد. با توجه به اینکه در منطقه مرزی قصرشیرین به‌دلیل شرایط خاص جغرافیایی و کمبود آب، اقلیم نامناسب و عدم حاصلخیزی زمین امکان فعالیت کشاورزی و اشتغال در این منطقه وجود ندارد یکی از انگیزه‌های اقامت مردم در این نواحی می‌تواند گسترش فعالیت‌های تجاری در بازارچه مرزی

بازارچه مرزی پرویزخان کریدور، یا دالان عبور زائرین عتبات عالیات است و روزانه بیش از سه هزار مسافر با گذر از آن به عتبات عالیات اعزام می‌شوند

پرویزخان باشد. در واقع با ایجاد این بازارچه ضمن آنکه انگیزه لازم برای اقامت اهالی بومی در این نواحی فراهم شده است ضریب امنیت نیز افزایش یافته است. بنابراین بین وجود این بازارچه و امنیت ناحیه ارتباط بسیار قوی وجود دارد. همچنین روابط سیاسی کشور ایران با عراق آثار مستقیمی بر رونق یا عدم فعالیت این بازارچه داشته است. همواره یکی از محورهای گفت‌وگوی مقام‌های بلندپایه دو کشور و همچنین مقامات استانی، بازارچه مرزی است.

لذا هر گاه این ارتباطات با ثبات و روابط صمیمانه بوده، روزهای پرونق را می‌توان در بازارچه مشاهده کرد. به نظر می‌رسد متغیرهای سیاسی هم از متغیرهای با اهمیت و تأثیرگذار بر حیات بازارچه‌ها می‌باشند. ضمن آنکه روابط تجاری نیز می‌تواند بر روابط سیاسی تأثیرگذار باشد، برخی مطالعات تجربی نشان می‌دهد که وجود روابط اقتصادی بین دو کشور از بروز جنگ و ستیز بین آن‌ها جلوگیری می‌کند و موجب امنیت در کشور می‌شود. منافع مردم در گرو سلامت و امنیت مرزهاست. از طرفی مردم از جان و دل و با تمام وجود در راهاندازی بازارچه پرویزخان مشارکت کرده‌اند تا از این طریق در شهر و دیارشان بمانند و از مرزها پاسداری کنند، ولی این مهم در حالی امکان‌پذیر است که مردم از تجارت چمدانی یا کوله‌بری به بهترین شکل استفاده نمایند و کالاهایی را که خود وارد می‌کنند در بازارچه مرزی بفروشند و از این راه ارتزاق کنند.

با نگاهی به جدول شماره (۲) که تغییرات جمعیت در منطقه قصرشیرین را طی سال‌های ۱۳۹۰-۱۳۷۵ نشان می‌دهد، به این نتیجه می‌رسیم که جمعیت منطقه بعد از تأسیس بازارچه روند صعودی داشته است، به‌طوری که جمعیت در سال ۱۳۸۵ از ۱۵۸۱۷ نفر به تعداد ۲۵۵۱۷ نفر رسیده است، یعنی در طی ۵ سال ۱۰ هزار نفر به جمعیت منطقه اضافه شده است که علت اصلی آن وجود بازارچه پرویزخان و ایجاد زمینه‌های اشتغال برای مردم منطقه و به تبع آن بالا رفتن سطح درآمد مردم و همچنین جذب مهاجران غیربومی برای شغل و درآمد، وجود تاجران به جهت تسهیلاتی که بازارچه مرزی پرویزخان برای تاجران به‌وجود آورده است موجب افزایش جمعیت در دهه‌های اخیر در منطقه گردیده است. به‌علاوه به‌دلیل افزایش زائران و مسافران ایرانی به منطقه جهت زیارت عتبات

جدول شماره (۲) مقایسه تغییرات جمعیت

قصرشیرین ۱۳۹۰-۱۳۷۵

شهرستان	جمعیت سال ۱۳۷۵	جمعیت در سال ۱۳۸۵	جمعیت در سال ۱۳۹۰
قصرشیرین	۱۲۷۲۶	۱۵۸۱۷	۲۵۵۱۷

منبع: پورتال استانداری کرمانشاه، معاونت برنامه‌ریزی، دفتر آمار و اطلاعات، (۱۳۹۱)

عالیات، منطقه دارای جمعیت شناور شده و همین مسئله موجب افزایش جمعیت و توسعه این منطقه و از سوی دیگر موجب بالا رفتن ضریب امنیت منطقه گردیده است.

۴-۳-۳. اشتغال و بهبود معیشت ساکنان منطقه

در استان کرمانشاه به دلیل پایین بودن مهارت شغلی، ضعف صنایع، دورافتادگی از مرکز کشور، مشکلات ناشی از جنگ تحمیلی، مشکلات جذب و گزینش برای اهل تسنن و اهل حق ساکن در منطقه مرزی که موجب بالا رفتن نرخ بیکاری در این استان و مناطق مرزی شده است (دالوندفر، ۱۳۹۰). بازارچه مرزی پرویزخان توانسته در تحقق یکی از اهداف برنامه چهارم توسعه یعنی توسعه صادرات غیرنفتی گام‌های مؤثری بردارد و در ایجاد فرصت‌های شغلی نقش مؤثری ایفا نماید. ایجاد اشتغال و درآمد برای مردم مستقر در منطقه، صادرات کالاها و محصولات تولید شده به کشور عراق، ایجاد امنیت اجتماعی، واردات کالای مورد نیاز مردم از عمده‌ترین دلایل تصویب ایجاد این بازارچه در دولت بوده است.

با توجه به جدول شماره (۳) شاغلان در بازارچه پرویزخان به‌طور مستقیم و غیرمستقیم در حدود ۸۰۰۰ نفر می‌باشند. این آمار بیانگر این است که وجود بازارچه مرزی تأثیر زیادی بر اشتغال مردم حتی روستاییان بی‌سواد دارد. دولت نیز در این زمینه تلاش زیادی نموده است، چنان‌که براساس شیوه‌نامه جدید هیئت دولت برای ارتقای معیشت روستاییان مرزنشین، برای ساکنان ۲۶ روستای نوار مرزی این شهرستان که در شعاع ۲۰ کیلومتری مرز قرار دارند، کارت فعالیت کوله‌بری صادر شده است. کوله‌بران مناطق مرزی با استفاده از تسهیلات گذر مرزی، بدون نیاز به روادید، اجازه ورود به کشور مقابل خود را دارند (www.tebyan.net).

براساس شیوه‌نامه جدید دولت، تجارت چمدانی (کوله‌بری) ورود کالا و سقف واردات در هر مرحله تغییر یافته است به نحوی که قبلاً کوله‌بران مجاز بودند فقط برخی از کالاها را تا سقف چهار میلیون

جدول شماره (۳) - آمار بازارچه پرویزخان

ترانزیت کالا	ترانزیت سوخت	تعداد زائران و مسافران ایرانی و عراقی خارج شده از ایران در سال ۹۲	تعداد زائران و مسافران عراقی وارد شده به ایران در سال ۹۲	تعداد زائران در بازارچه پرویزخان به‌طور مستقیم و غیرمستقیم	تعداد تاجران فعال
روزانه ۸۰۰۰ هزار کامیون	روزانه ۳۹ هزار و ۵۰۰ تانکر	۳۷ هزار و ۱۰۰ نفر	۸۰۰۰ نفر	۲۰۰۰ نفر	

منبع: پورتال سازمان همیاری شهرداری‌های استان کرمانشاه، (۱۳۹۳)

ریال وارد کنند اما در این شیوه‌نامه سقف ورود کالا برای هر کوله‌بر به ۱۵ میلیون ریال افزایش یافته است (پورتال استانداری کرمانشاه، ۱۳۹۳). این امر تأثیر بسیار زیادی بر افزایش درآمد منطقه و به تبع آن بر توسعه، امنیت و جلوگیری از مهاجرت مردم داشته است. به‌ویژه

اقتصادی منطقه را ایجاد نمودند. یکی از دلایل ایجاد بازارچه مرزی پرویزخان، بالا بردن افزایش ضریب اطمینان و امنیت در منطقه از طریق توسعه تجارت و به تبع آن توسعه این منطقه است، که توانسته است امنیت نسبی را از لحاظ اقتصادی در منطقه ایجاد نماید.

با مقایسه آمار جمعیت ساکن منطقه در سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ می‌بینیم که طی ۵ سال جمعیت این منطقه رو به افزایش گذاشته و باعث تثبیت جمعیت بومی ساکن در منطقه قصر شیرین و حومه شده است: در خصوص زیرساخت‌های ارتباطی هم می‌توان گفت با گذشتن بزرگراه کربلا از قصرشیرین و تردد خیل عظیم زائران عتبات عالیات جهانگردان، گردشگران و به تبع آن احداث هتل‌ها، مراکز اقامتی و تفریحی، بهداشتی و درمانی و ... طی سال‌های اخیر در ابعاد مختلف اجتماعی (آموزشی، بهداشتی و درمانی، امکانات رفاهی و تفریحی و تجهیزات شهری و ...) اقتصادی (ایجاد اشتغال برای ساکنان، جلب سرمایه‌گذاران جهت سرمایه‌گذاری و ...) فرهنگی (مشارکت آگاهانه و فعالانه ساکنین و شهروندان، جذب گردشگر، حضور زائران و ...) آرامش و ثبات خوبی ایجاد شده و خود موجب توسعه و ایجاد امنیت در شهرستان قصرشیرین و اطراف آن گردیده. این ارمغان ایجاد امنیت و نشانگر رابطه دوسویه آن با توسعه پایدار است.

منطقه قصرشیرین و روستاهای اطراف آن، به دلیل عدم برخورداری از ظرفیت‌های لازم (دشت بودن، کم آب بودن و...) در زمینه کشاورزی توسعه چندانی نیافته‌اند، ولی وجود بازارچه مرزی قصرشیرین به واسطه داشتن ظرفیت‌های خاص اقتصادی و نقشی که در توسعه صادرات غیرنفتی دارد، دارای جایگاه ویژه‌ای است که می‌تواند در سطح ملی کارکرد زیادی داشته باشد. به‌طوری که سهم ۵۴ درصدی قصرشیرین از صادرات ایران به کشور عراق و همچنین هدف‌گذاری ۱۰ میلیارد دلاری برای صادرات به عراق را می‌توان از مزایای وجود این بازارچه بیان کرد. به‌علاوه، حضور مداوم مسافران، زائران و تجار به نوعی باعث تجمع خدمات رفاهی، فرهنگی و ... باعث توسعه و پیشرفت این شهرستان شده است.

چون اهالی ساکن در این منطقه کرد و اهل تسنن می‌باشند وجود این بازارچه توانسته است زمینه برقراری رابطه فرهنگی و قومی بین اهالی منطقه و مرزنشینان کشور عراق را فراهم کند که موجب همگنی و همبستگی مردم در این منطقه می‌گردد و از پیامدهای مهم دیگر آن فراهم شدن رابطه سیاسی مسالمت‌آمیز بین دو کشور ایران و عراق می‌باشد. از آنجا که دور بودن مناطق مرزی از مرکز کشور این تصور را ایجاد می‌کند که مرزنشینان احساس تعلق زیادی به کشور ندارند، وجود این بازارچه و فعالیت مرزنشینان و ایجاد سرمایه‌گذاری در این مناطق احساس وطن‌دوستی را در این مردم فراهم می‌کند و موجب همگرایی مرزنشینان با مرکز و دیگر نقاط کشور می‌شود.

۶. پیشنهاد و راهکارها

۶-۱. نوع تصمیمات سیاسی و دیپلماتیک دو کشور ایران و عراق

امنیت و توسعه، در مناطق مرزی، به‌خصوص در بازارچه‌های مشترک، لازم و ملزوم یکدیگر می‌باشند و این دو ستون‌های آمایش مناطق مرزی به حساب می‌آیند

کمک این بازارچه به رونق اقتصادی مردم قصر شیرین بسیار زیاد بوده است. پارکینگ شهرداری قصرشیرین که شامل کامیون‌های صادرات کالا و همچنین تانکرهای سوخت‌رسان و ... است منبع درآمدی برای شهرداری این شهر مرزی و در نهایت کمک به امور عمرانی این شهر می‌باشد.

قصرشیرین در زمینه کشاورزی، آن هم به دلیل عدم برخورداری از ظرفیت‌های لازم (دشت بودن، کم آب بودن و...) توسعه چندانی نیافته است و این مسئله موجب گرایش مردم ساکن منطقه به فعالیت در بازارچه مرزی شده است.

۴-۳-۴. جلوگیری از مهاجرت فرستی و افزایش جمعیت پذیری

وجود بازارچه مرزی پرویزخان باعث تثبیت جمعیت بومی ساکن در منطقه قصرشیرین و حومه گردیده است. راه‌اندازی این بازارچه موجب شده تا تجار غیربومی به واسطه بهره‌مندی از تسهیلات این بازارچه، از مناطق مذکور دیدن کنند. حضور این تجار در منطقه و عبور و مرور وسایل حمل‌ونقل و کارگران و حضور مسئولان دولتی و بازدیدهای متفاوت، افزایش جمعیت در منطقه را موجب گردیده و به تبع آن فعالیت‌ها و تحرکات جدیدی در منطقه ایجاد شده که از جمله ایجاد رستوران‌های مناسب، فعال شدن واحدهای خدماتی بین راهی، فعال شدن فروشگاه‌های درون‌شهری جهت عرضه کالا، آسفالت شدن مسیرهای منتهی به نقاط مرزی افزایش اشتغال، بالا رفتن سطح درآمد مردم و ... است. طبعاً با گسترش فعالیت‌های اقتصادی، تجاری، ترانزیت کالا، گسترش تردد گردشگران و زائران نرخ بیکاری هم در این منطقه کاهش یافته که خود کاهش مهاجرت را به دنبال داشته است.

۵. تجزیه و تحلیل

امنیت و توسعه، در مناطق مرزی، به‌خصوص در بازارچه‌های مشترک، لازم و ملزوم یکدیگر می‌باشند و این دو ستون‌های آمایش مناطق مرزی به حساب می‌آیند. اقتصاد نیز عامل تعیین‌کننده در سیاست داخلی و خارجی دولت‌ها بوده است به‌طوری که این عامل به اهرمی پر قدرت و تأثیرگذار در سیاست تبدیل گردیده است.

بازارچه مرزی پرویزخان به‌عنوان یکی از اهرم‌های مهم در ایجاد اشتغال و توسعه در منطقه و همچنین روابط تجاری ایران با کشور عراق در سال‌های گذشته پیوسته تأثیر قابل توجهی در فعالیت اقتصادی کشور داشته است. این بازارچه در افزایش امنیت اجتماعی منطقه تا حدودی تأثیر مثبتی داشته است، مردم کردنشین که ساکن این مناطق می‌باشند با فعالیت در این بازارچه زمینه تحول

اثرات مستقیمی بر رونق یا عدم رونق بازارچه مرزی دارد. بنابراین با ایجاد روابط گسترده سیاسی و به تبع آن، تجاری، اجتماعی و فرهنگی می‌توان در توسعه این روابط و برطرف کردن مشکلات و موانع بازارچه گام‌های مؤثری برداشت.

۲-۶. پیشنهاد می‌شود به دلیل موقعیت راهبردی و ظرفیت مناسب منطقه، شهرستان قصرشیرین به منطقه آزاد تجاری تبدیل شود تا شرایط برای توسعه بیشتر آن فراهم شود. ایجاد اشتغال پایدار و توسعه به‌ویژه در مناطق محروم و مرزی از رویکردهای جدی دولت است، بنابراین تبدیل قصرشیرین به منطقه آزاد اقتصادی در تحقق این مهم بسیار مؤثر خواهد بود.

۳-۶. درآمدهای حاصل از بازارچه توسط فرمانداری‌ها در جهت توسعه زیرساخت‌های شهری و فراهم نمودن امکانات رفاهی و اقتصادی در منطقه به‌کارگیری شود، تا موجب افزایش پویایی اقتصادی و فرهنگی در مسیر امنیت‌سازی بومی اجرایی گردد.

۴-۶. افزایش حس تعهد و پایداری مرزنشینان به ارزش‌های ملی در راستای تحکیم انسجام ملی، از طریق مشارکت دادن آنان در طرح‌های توسعه فرهنگی و اقتصادی در این شهرستان میسر است و باید به آن بیشتر بها داده شود.

۵-۶. حمایت بیشتر دولت از سرمایه‌گذاری در صنایع کوچک و تبدیلی در مناطق مرزی، فعال کردن قابلیت‌های جهانگردی، ایجاد نمایشگاه‌های کالا و بازارچه‌های مرزی، می‌تواند در تعاملات قانونی مرزها و بهبود کارکرد مرزها مؤثر باشد.

۶-۶. باید به قومیت‌ها و ویژگی‌های فرهنگی آن‌ها در مناطق مرزی توجه کرد و با برآوردن نیازهای آن‌ها و ایجاد جاذبه در این نواحی، به ایجاد استراحتگاه‌های عمومی اقدام کرد تا از این طریق هموطنانمان از تمام نقاط کشور بتوانند با بومیان ساکن در مرزها ارتباطات فرهنگی برقرار کنند.

۷-۶. ایجاد شهرک‌های نیمه‌صنعتی و صنعتی در نواحی مرزی با توجه به نیازهای اولیه و ثانویه ساکنین موجب اشتغال‌زایی و رونق بیشتر منطقه و به تبع آن امنیت می‌شود.

۸-۶. با توجه به اصل رقابتی بودن بازارهای صادراتی، دولت ایران می‌تواند با برنامه‌ریزی و تشکیل نشست‌ها و جلسات بین دو کشور ایران و عراق در جهت کاهش مقررات دست و پاگیر و آسان کردن شرایط مبادله و تعدیل تعرفه‌های گمرکی و سود بازرگانی در این مناطق زمینه را برای جذب بیشتر کالاهای ایرانی فراهم کند.

۹-۶. می‌توان با بهره‌گیری از نظر متخصصین از نقاط ضعف بازارچه‌ها کاست و بر نقاط قوت آن‌ها افزود و در نتیجه آن‌ها را در رسیدن به اهدافشان کمک کرد.

منابع

۱. پورتال استانداری کرمانشاه، زیرپورتال فرمانداری قصرشیرین -www.ostan-ks.ir
۲. پورتال استانداری کرمانشاه، معاونت برنامه‌ریزی، دفتر آمار و اطلاعات، (۱۳۹۱)
۳. پورتال سازمان همیاری شهرداری‌های استان کرمانشاه، (۱۳۹۳)
۴. پیربوداکی، یوسف، (۱۳۷۹)، بررسی عملکرد بازارچه مرزی سرو، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات.
۵. تجری، فرهاد، (۱۳۹۰)، پایگاه اطلاع‌رسانی tajari-farhad.blogfa.com
۶. حافظ‌نیا، محمدرضا، (۱۳۷۹)، مبانی مطالعات سیاسی-اجتماعی، قم، سازمان حوزه‌ها و مدارس علمیه خارج از کشور.
۷. حافظ‌نیا، محمدرضا، (۱۳۸۱)، رابطه متقابل امنیت و دفاع با آمایش سرزمین، مجموعه مقالات همایش آمایش و دفاع سرزمینی، تهران، انتشارات دانشگاه امام حسین.
۸. خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، ۲۱ بهمن ۱۳۹۳.
۹. دالوندفر، بختیار، (۱۳۹۰)، نقش جغرافیای انسانی در امنیت استان کرمانشاه با تأکید بر ویژگی‌های قومی و مذهبی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه جامعه امام حسین، دانشکده اطلاعات و امنیت.
۱۰. دفتر مطالعات اقتصادی، وزارت بازرگانی، (۱۳۸۳).
۱۱. زرقلی، هادی، (۱۳۸۶)، مقدمه‌ای بر شناخت مرزهای بین‌المللی، تهران، دانشگاه علوم انتظامی ناجا، مع پژوهش، اداره چاپ و نشر
۱۲. سایت تبیان، (۱۳۹۳). www.tebyan-zn.ir
۱۳. سبجانی، نریمان، (۱۳۸۰) شهر باستانی قصرشیرین، کرمانشاه: انتشارات مؤسسه فرهنگی، هنری و سینمایی کوثر، چاپ یکم
۱۴. سعیدی، علی‌اصغر. خالد اسماعیل‌زاده و جمال عبدالله‌پور، (۱۳۸۸)، بررسی جامعه‌شناختی اقتصادی بازارچه مشترک مرزی، مطالعه موردی: بازارچه‌های مرزی سردشت و پیرانشهر، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۴۵.
۱۵. شایان، حمید، (۱۳۸۳). تنگناهای توسعه در استان‌های مرزی، پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۴۷.
۱۶. عندلیت، علیرضا، (۱۳۸۰)، نظریه پایه و اصول آمایش مناطق مرزی، تهران، انتشارات دانشکده فرماندهی ستاد سپاه.
۱۷. ماهنامه اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران (۱۳۹۰)، مرز پرویزخان به‌عنوان مرز مجاز زمینی تعیین شد، شماره ۵۴، تیر ۹۰.
۱۸. مصاحبه با فرماندار قصرشیرین آقای رضایی (۱۳۹۳). خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران.
۱۹. مصاحبه با مدیر بازارچه مرزی جاسمی، (۱۳۹۰).
۲۰. وزارت امور اقتصاد و دارایی، (۱۳۷۱)، بررسی عملکرد بازارچه‌های مشترک مرزی و تبیین راه‌هایی در جهت بهبود و روند مذکور و بررسی جایگزین‌های مناسب، تهران، معاونت امور اقتصادی و دارایی
۲۱. وزارت بازرگانی، (۱۳۸۰)، سی‌ویک دفتر هماهنگی اقتصادی استانداردهای وزارت کشور
22. Chandoevwt, Wireman, Yungyuth, Srawooth Paitoonpong (2004). Thailand Cross BORDER ECONOMY, A Case Study of SA Kaeoand ChiangRai: Thailand Development Resource Institute (TDRI)
23. Niebuhr, A (2005), The impact impact of EU enlargenment on Europesn borderregion, HWWA Discussio

پهنه‌بندی توزیع زمانی و مکانی

آغاز و خاتمه یخبندان در خراسان شمالی

غلامعباس فلاح قاهره، استادیار اقلیم‌شناسی، دانشکده جغرافیا و علوم
محیطی، دانشگاه حکیم سبزواری (نویسنده مسئول)
رقیه امینی، دانشجوی کارشناسی ارشد اقلیم‌شناسی، دانشکده جغرافیا و علوم
محیطی، دانشگاه حکیم سبزواری
فهمیمه شاکری، دانشجوی دکتری اقلیم‌شناسی شهری، دانشکده جغرافیا و علوم
محیطی، دانشگاه حکیم سبزواری

چکیده

یخبندان یکی از پدیده‌های اقلیمی است که هر ساله باعث بروز خسارات فراوانی در بخش‌های کشاورزی، صنعت، حمل و نقل و خطرهای جاده‌ای می‌شود. بنابراین، شناخت و مطالعه دقیق این پدیده به منظور مقابله با خسارات احتمالی آن لازم و ضروری به نظر می‌رسد. این تحقیق با هدف بررسی توزیع زمانی و مکانی آغاز و خاتمه یخبندان در استان خراسان شمالی انجام گردیده است. بدین منظور از داده‌های آماری بلندمدت دمای کمینه روزانه ۹ ایستگاه سینوپتیک و تبخیرسنجی بجنورد، اسدلی، آغمزار، رسالت، شیروان، چری، نوشیروان، خوش و جاجرم استفاده شده است. جهت تعیین زمان آغاز و خاتمه یخبندان، روزها به روزشمار ژولیوسی تبدیل و از نرم‌افزار Minitab و ArcGIS، به ترتیب برای رسم نمودار و نقشه‌های توزیع زمانی و مکانی آغاز و خاتمه یخبندان استفاده گردید. نتایج به‌دست آمده نشان می‌دهد که در نواحی مرتفع، نسبت به نواحی هموار و دشت‌ها یخبندان زودتر آغاز می‌شود و دیرتر پایان می‌پذیرد. همچنین، طول دوره یخبندان در سطح استان از جنوب به شمال افزایش می‌یابد و این امر باعث محدود شدن طول دوره رشد گیاهان در این نواحی می‌شود.

کلیدواژه‌ها: پهنه‌بندی، یخبندان، روز ژولیوسی، تاریخ آغاز یخبندان، تاریخ خاتمه یخبندان.

مقدمه

سدسازی و پل‌سازی دارد. سرمازدگی و یخبندان در مراحل مختلف رشد برای محصولات کشاورزی و باغی حائز اهمیت است زیرا در صورت بروز یخبندان، باعث کاهش تولید می‌شود. وسعت خسارات ناشی از وقوع یخبندان در بخش‌های مختلف از جمله کشاورزی، آبرسانی، تهیه و توزیع سوخت، انرژی،

یخبندان، یکی از زیان‌آورترین مخاطرات محیطی است که معمولاً با خسارت‌های فراوان مالی و حتی جانی همراه است. از بین عوامل اقلیمی، پدیده یخبندان نه تنها حیات تمامی موجودات زنده را با خطر مواجه می‌سازد، بلکه نقش مهم و تعیین‌کننده‌ای در مسائل اقتصادی، زیست‌محیطی و عمرانی مانند جاده‌سازی،

جهانگردی، فعالیت‌های صنعتی و حمل و نقل؛ اعم از پل‌سازی و جاده‌سازی و خطرهای جاده‌ای، لزوم شناخت و مطالعه دقیق بر روی این پدیده را برای مقابله با خسارات احتمالی ضروری می‌سازد.

تحقیقات در زمینه سرما و یخبندان در جهان به ۱۵۰ سال قبل به مطالعه ریکناگل^۱ برمی‌گردد (WMO، ۱۹۶۳). در ادامه کار او، بوتسما^۲ (۱۹۷۶) دمای کمینه و احتمال وقوع خطر یخبندان را در زمین‌های کوهستانی واقع در کشور کانادا مورد بررسی قرار داد. میچالسکا^۳ (۱۹۸۶) با مطالعه احتمال زمانی وقوع یخبندان‌های دیررس بهار در هلند، تاریخ کاشت مناسب ذرت را در فصل بهار مورد بررسی قرار داد و در این مطالعه، تأثیر دمای خاک را نیز در تعیین کاشت ذرت در نظر گرفت.

لافلین^۴ و کالما (۱۹۸۷) نتایج مطالعات دمای کمینه اندازه‌گیری شده را طی سه زمستان متوالی در یک ناحیه ناهموار و کوهستانی منتشر کردند و نشان دادند که تغییرات دمای کمینه هوا با ارتفاع، براساس میانگین شبانه سرعت باد، تابش خالص خروجی شبانه و درجه حرارت حداقل بالای تپه قابل برآورد می‌باشد. همچنین معلوم شد که اختلاف دما در نقاط مختلف از طریق یک متغیر زمینی محلی که نشان‌دهنده میزان تجمع هوای سرد است، قابل برآورد می‌باشد. همچنین ساکلینگ^۵ (۱۹۸۸) با استفاده از شاخص انحراف آب و هوا، نوسانات تاریخ وقوع آخرین یخبندان‌های بهار، اولین یخبندان‌های پاییزه و طول فصل رشد را در جنوب شرقی ایالات متحده بررسی نمود. کارل^۶ (۱۹۹۸) در تحقیقی به بررسی منطقه‌ای دمای کمینه، بیشینه و بارندگی پرداخت و به این نتیجه رسید که این سه متغیر از نظر آماری قابل پیش‌بینی می‌باشند. مولر^۷ و همکارانش (۲۰۰۰) رابطه بین چرخه‌های انسو و فراوانی یخبندان را در ناحیه مرکزی آرژانتین مورد بررسی قرار دادند. آن‌ها دریافتند که بخشی از تغییرپذیری فراوانی یخبندان را می‌توان به وسیله این چرخه‌ها تشریح کرد. فریچ^۸ و همکاران (۲۰۰۲) نشان دادند که طول فصل رشد در بسیاری از مناطق عرض‌های بالا و میانی نیم‌کره شمالی در طی ۵۰ سال اخیر افزایش یافته است. سرافین^۹ و همکاران (۲۰۰۲) از مدل میان مقیاس برای تحلیل یخبندان‌های دیر هنگام و مقایسه آن‌ها با موارد مشاهده شده استفاده نمودند. مدلین^{۱۰} و بلتراند (۲۰۰۵) پراکندگی مکانی یخبندان‌های دیررس بهار و عوامل تأثیرگذار بر روی آن را در شمال فرانسه مورد مطالعه قرار دادند. آن‌ها عوامل تأثیرگذار بر پراکندگی مکانی یخبندان را در دو مقیاس ماکروکلیما (طول و عرض جغرافیایی) و توپوکلیم (عوامل محلی و توپوگرافی) مدنظر قرار دادند.

هاشمی (۱۳۴۸) با انتخاب چهار آستانه دمایی، احتمال وقوع یخبندان را برای تهران تعیین کرده است. خلجی (۱۳۸۰) طی تحقیقی یخبندان دیررس بهار و زودرس پاییزه را در استان چهارمحال و بختیاری مطالعه نموده است. بهیار (۱۳۸۱) از دیدگاه همدیدی-دینامیکی پدیده سرمازدگی استان چهارمحال و

بختیاری را مورد بررسی قرار داده است. لشکری و ربانی (۱۳۸۲) براساس روش آماری چند متغیره و با استفاده از نقشه‌های سطوح مختلف توده‌های هوای بروز یخبندان فرارفتی بر هر یک از ایستگاه‌های شمال خراسان را منشأیابی و طبقه‌بندی نمودند. عزیزی و حبیبی نوخندان (۱۳۸۴) به مطالعه توزیع زمانی و مکانی یخبندان و لغزندگی در جاده‌های هراز و فیروزکوه با استفاده از تکنیک GIS پرداخته‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که در مناطق کوهستانی جاده‌های هراز و فیروزکوه، با شروع دوره سرد (اکتبر)، احتمال وقوع یخبندان و در مناطق ساحلی و کم ارتفاع، احتمال لغزندگی بسیار افزایش می‌یابد. توکلی و حسینی (۱۳۸۵) به منظور ارزیابی شاخص‌های یخبندان و شروع پاییزه آن در اکباتان همدان با استفاده از دمای حداقل روزانه، یخبندان را در سه سطح ضعیف، متوسط و شدید استخراج کردند. نوحی و همکاران (۱۳۸۶) تاریخ‌های آغاز و خاتمه یخبندان را بر اساس دمای کمینه دوازده ایستگاه سینوپتیک منطقه آذربایجان تعیین و یخبندان‌های فرارفتی را با کمک نقشه‌های سینوپتیک و بررسی ساعتی پارامترهای جوی از یخبندان‌های تابشی-فرارفتی تفکیک کردند.

گندمکار (۱۳۸۷) با بررسی سینوپتیک یخبندان‌های بهار نجف‌آباد، علل وقوع یخبندان‌های منطقه مذکور را در شکل‌گیری مرکز پرفشار سیری بر روی سطح دریا در آسیای میانه می‌داند که زبانه‌های این سیستم به سمت ایران کشیده شده و آن را تحت تأثیر قرار می‌دهد. نوحی و همکاران (۱۳۸۷) با استفاده از آمار ۳۹ ساله ایستگاه هواشناسی زنجان، قزوین و تهران، با استفاده از تاریخ‌های آغاز و خاتمه یخبندان فرارفتی و تابشی، طول دوره بدون یخبندان را تعیین نمودند. نتایج این مطالعه نشان داد که سری‌های زمانی تاریخ آغاز و خاتمه یخبندان‌های فرارفتی تصادفی است و از تابع توزیع نرمال پیروی می‌کنند. ربانی و کرمی (۱۳۸۸) با بررسی روند تعداد روزهای یخبندان در استان خراسان شمالی تغییرات احتمالی در نوسانات زمانی تعداد روزهای یخبندان استان خراسان شمالی را مورد مطالعه قرار دادند. آن‌ها به‌منظور آشکار شدن روند از ضریب بحرانی کنдал استفاده کردند و معلوم شد که تعداد روزهای یخبندان دارای روندی نزولی است؛ که این امر با روند افزایشی میانگین سالانه دما همخوانی داشته است. جهانبخش و همکاران (۱۳۹۰) با استفاده از آمار ۲۱ ساله ایستگاه هواشناسی تبریز به تحلیل سینوپتی یخبندان‌های بهار تبریز (مطالعه موردی: سرمای بهار ۱۳۸۲ و ۱۳۸۳) پرداخته‌اند. براساس یافته‌های این تحقیق معلوم شد که موقعیت و قدرت سامانه‌های وضع هوای حاکم بر منطقه، در زمان رخداد یخبندان، کنترل‌کننده اصلی این پدیده محسوب می‌شوند. همچنین، شکل‌گیری کم‌فشارها و ناوه‌های حاصل از آن‌ها نقش مهمی در یخبندان‌های بهار منطقه داشته است.

با توجه به اینکه در منطقه مورد مطالعه تا کنون تحقیق جامعی صورت نگرفته است، نتایج بررسی‌های به عمل آمده

نشان می‌دهد هیچ‌گونه تحقیق جامعی در زمینه تاریخ آغاز و خاتمه یخبندان در منطقه مورد مطالعه صورت نگرفته است لذا هدف این تحقیق پهنه‌بندی توزیع زمانی و مکانی آغاز و خاتمه یخبندان در استان خراسان شمالی است.

منطقه مورد مطالعه



به زیر صفر نزول کرده است). به این ترتیب سری زمانی آغاز و خاتمه یخبندان‌ها به‌دست آمده و برای تجزیه و تحلیل آماری آماده شدند.

داده‌ها و روش تحقیق

برای تحلیل فراوانی وقوع یخبندان‌ها نیاز بود که برای هر سال، زمان وقوع اولین یخبندان زودرس پاییزه و آخرین یخبندان دیررس بهاره به دست آید. آستانه مورد نظر در این تحقیق دمای حداقل صفر و کمتر از آن است. بنابراین برای هر سال آماری و با توجه به آستانه موردنظر، تاریخ وقوع اولین و آخرین یخبندان استخراج گردید. برای این منظور از آمار دمای حداقل روزانه ۹ ایستگاه هواشناسی، با دوره آماری ۱۲ تا ۳۴ سال، استفاده شده

اولین و آخرین یخبندان‌ها در سطوح احتمالاتی مختلف محاسبه گردید. سپس با استفاده از نرم‌افزار Minitab نمودارهای مربوط به تاریخ آغاز و خاتمه یخبندان رسم شد و از نرم‌افزار ArcGIS برای پهنه‌بندی زمان آغاز و خاتمه یخبندان استفاده گردید.

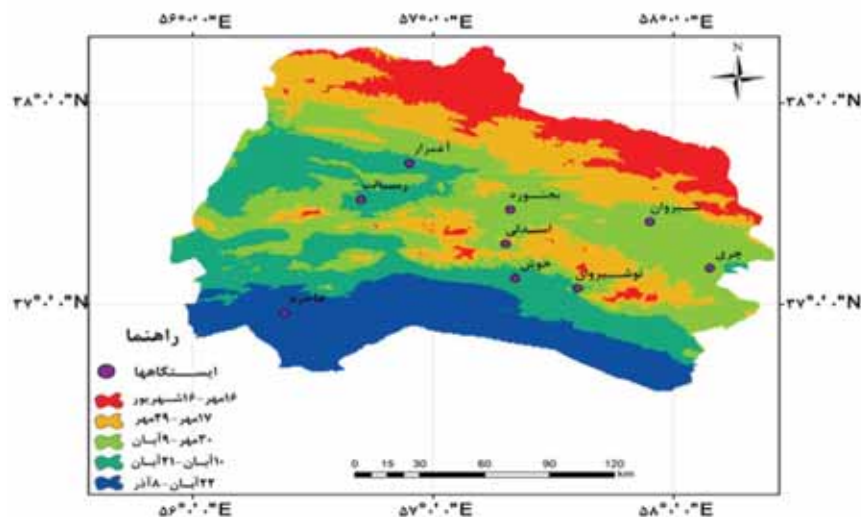
بحث و نتایج

بررسی شکل ۲ نشان می‌دهد که توزیع جغرافیایی مقادیر محاسبه شده کم و بیش از وضعیت توپوگرافی منطقه تبعیت می‌کند، به‌طوری که یخبندان در نواحی شمالی استان زودتر آغاز می‌شود. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، تاریخ آغاز یخبندان در این نواحی از ۱۶ شهریور تا ۱۶ مهر متغیر می‌باشد. با توجه به شکل، در بخش‌های کوچکی از نواحی مرکزی نیز یخبندان در این تاریخ‌ها شروع می‌شود که دلیل آن ارتفاع زیاد این مناطق و قرار گرفتن آن‌ها در نواحی کوهستانی می‌باشد زیرا با افزایش ارتفاع از دمای هوا کاسته می‌شود. مقدار این کاهش یا افت محیطی دما که آن را شیب تغییرات عمودی دما می‌نامند، معمولاً بین ۰/۵ تا ۰/۶ درجه سانتی‌گراد در هر ۱۰۰ متر است (کلویانی، علیچانی، ۱۳۸۷). مطابق با شکل ۲ یخبندان زودرس پائیزه در بخش‌هایی از نواحی شمالی و مرکزی استان شامل بخش‌های شمالی بجنورد، شیروان، نوشیروان، غرب و شرق اسدلی، که جزء نواحی مرتفع و کوهستانی به شمار می‌روند، در تاریخ‌های (۱۷ مهر-۲۹ مهر) به وقوع پیوسته است. تاریخ وقوع یخبندان زودرس پائیزه در ایستگاه‌های بجنورد، اسدلی، شیروان، چری، نوشیروان (۳۰ مهر-۹ آبان) می‌باشد. در نواحی دشتی و شیب‌های جنوبی کوه‌ها مانند آغ‌مزار، رسالت، خوش و نوشیروان یخبندان دیرتر آغاز می‌شود (۱۰ آبان-۲۱ آبان). همان‌گونه که در شکل دیده می‌شود، نواحی جنوبی مانند ایستگاه جاجرم آخرین منطقه‌ای است که یخبندان را تجربه می‌کند (۲۲ آبان-۸ آذر).

شکل ۳ نمودار احتمالاتی تاریخ آغاز یخبندان را براساس توزیع نرمال در ایستگاه‌های مختلف نشان می‌دهد. به عنوان مثال شکل (۳-ب) تاریخ آغاز یخبندان را در ایستگاه آغ‌مزار نشان می‌دهد. به احتمال ۵۰ درصد اولین یخبندان در ۲۱ آبان، با احتمال ۷۰ درصد و با احتمال ۹۰ درصد در ۱۸ آذر اتفاق می‌افتد. شکل (۳-ج) تاریخ آغاز یخبندان را در ایستگاه بجنورد نشان می‌دهد. براساس نتایج حاصله، اولین یخبندان با احتمال ۵۰ درصد در ۲۷ مهر، با احتمال ۹۰ درصد در ۱۰ آبان و با احتمال ۹۰ درصد در ۲۳ آبان اتفاق می‌افتد. در ایستگاه خوش اولین یخبندان با احتمال ۵۰ درصد در ۲۲ آبان، با احتمال ۷۰ درصد در ۳۳ آبان، و با احتمال ۹۰ درصد در ۱۳ آذر اتفاق می‌افتد (شکل ۳-د).

در ایستگاه رسالت نیز با احتمال ۵۰ درصد اولین یخبندان در ۱۲ آبان، با احتمال ۷۰ درصد ۲۰ آبان و با احتمال ۹۰ درصد در ۳۰ آبان اتفاق می‌افتد (شکل ۳-ذ).

شکل (۴) میانگین زمان خاتمه یخبندان را نشان می‌دهد. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود نقشه توزیع احتمالی خاتمه یخبندان، همانند آغاز یخبندان، کم و بیش از وضعیت توپوگرافی منطقه تبعیت می‌کند. مطابق این شکل، یخبندان در نواحی جنوبی و دشتی شامل جاجرم، جنوب خوش و آغ‌مزار زودتر خاتمه می‌یابد (۲۰ اسفند-۷ فروردین). به عبارتی یخبندان در این نواحی دیرتر شروع می‌شود و زودتر نیز خاتمه می‌یابد. در نواحی مرکزی مانند چری، شیروان، بجنورد، خوش و رسالت، یخبندان در تاریخ ۸ فروردین - ۱۷ فروردین خاتمه می‌یابد. در ایستگاه‌های اسدلی، نوشیروان و بخش‌هایی از شمال و غرب استان، به علت ارتفاع بالا و کوهستانی بودن، یخبندان دیرتر خاتمه می‌یابد. (۲۸ فروردین-۷ اردیبهشت). آخرین مناطقی که در آن‌ها یخبندان خاتمه می‌یابد نواحی مرتفع و کوهستانی شمال و مرکز استان می‌باشد که تاریخ آن ۸ اردیبهشت-۸ خرداد می‌باشد. در نواحی مرتفع، یخبندان زودتر شروع شده و دیرتر نیز خاتمه می‌یابد در نتیجه طول فصل

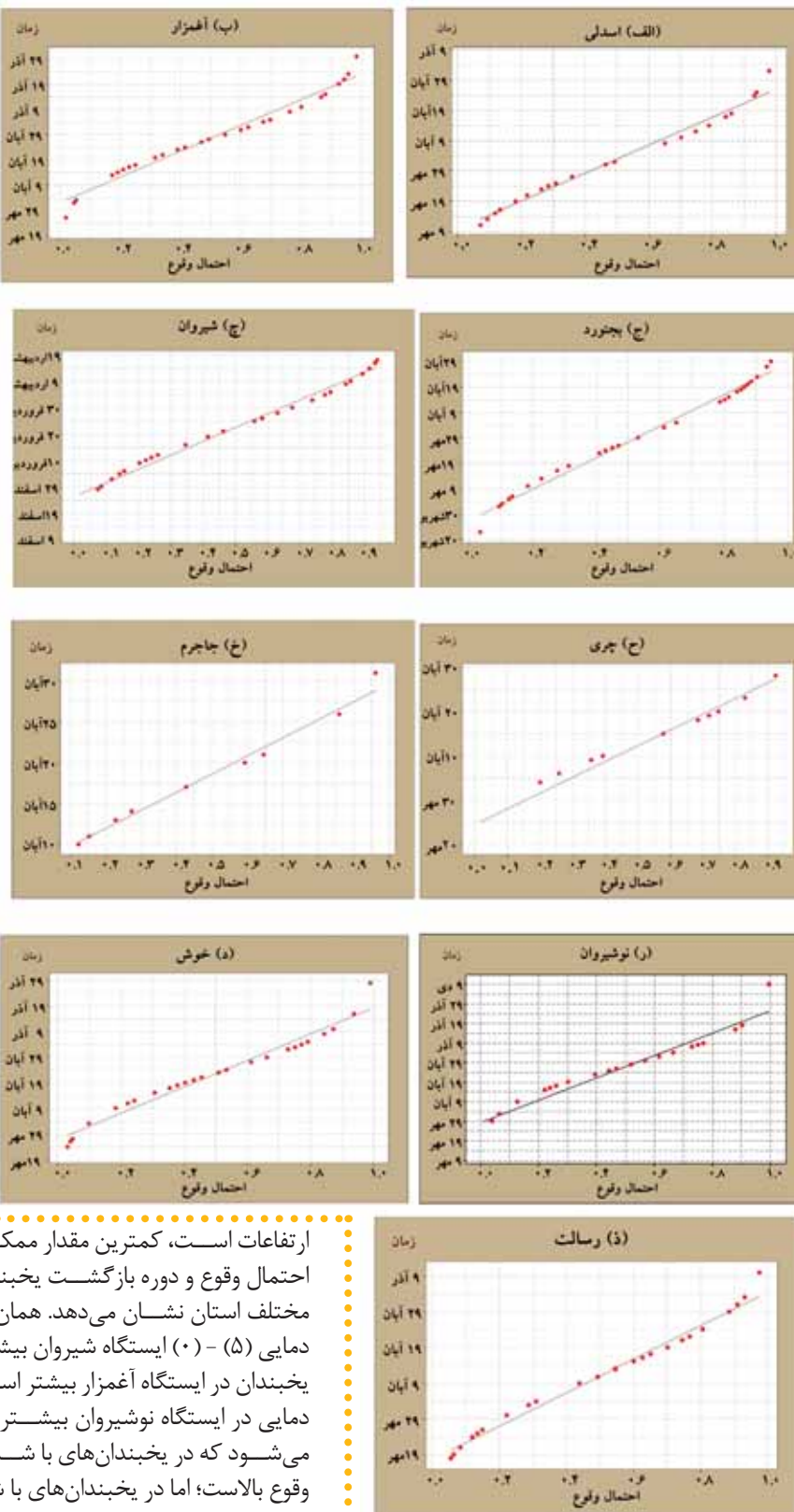


شکل (۲) میانگین زمان آغاز یخبندان

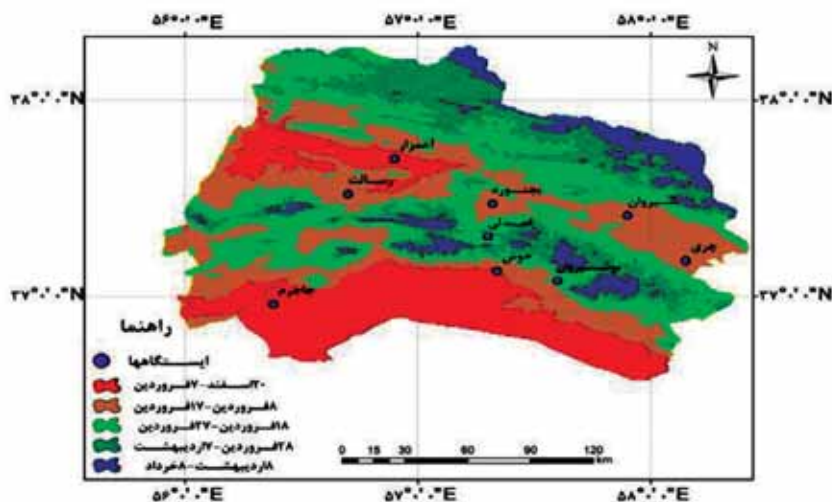
یخبندان در این نواحی طولانی و طول فصل رشد کمتر است. شکل ۵ نمودار احتمالاتی تاریخ آغاز یخبندان را براساس توزیع نرمال در ایستگاه‌های مختلف نشان می‌دهد. به عنوان مثال شکل (۵-ب) تاریخ خاتمه یخبندان را در ایستگاه آغمار نشان می‌دهد. براساس نتایج حاصله با احتمال ۵۰ درصد آخرین یخبندان در ۲۸ اسفند، با احتمال ۷۰ درصد ۵ فروردین و با احتمال ۹۰ درصد در ۱۶ فروردین اتفاق می‌افتد. شکل (۵-ج) تاریخ خاتمه یخبندان را در ایستگاه بجنورد نشان می‌دهد. با احتمال ۵۰ درصد آخرین یخبندان در ۳ فروردین، با احتمال ۷۰ درصد ۱۷ فروردین و با احتمال ۹۰ درصد ۳۰ فروردین اتفاق می‌افتد. در ایستگاه خوش، تاریخ خاتمه یخبندان با احتمال ۵۰ درصد در ۶ اسفند، با احتمال ۷۰ درصد ۵ فروردین و با احتمال ۹۰ درصد ۳۰ فروردین اتفاق می‌افتد (شکل ۵-د). در ایستگاه رسالت با احتمال ۵۰ درصد آخرین یخبندان در ۱۹ فروردین، با احتمال ۷۰ درصد ۲۹ فروردین و با احتمال ۹۰ درصد ۱۲ اردیبهشت اتفاق می‌افتد (شکل ۵-ذ).

شکل ۶ طول دوره یخبندان را در استان خراسان شمالی نشان می‌دهد. همان‌طور که ملاحظه می‌شود طول دوره یخبندان در نواحی جنوبی استان نسبت به نواحی دیگر کوتاه‌تر است. برعکس، در بعضی از نواحی مرکز و شمال استان، طول دوره یخبندان دارای بیشترین مقدار است که علت آن قرار گرفتن ارتفاعات در این مناطق می‌باشد. با توجه به شکل ملاحظه می‌شود که طول دوره رشد در مناطق جنوبی استان دارای بیشترین مقدار و در بعضی از نواحی مرکزی و شمال استان که منطبق بر

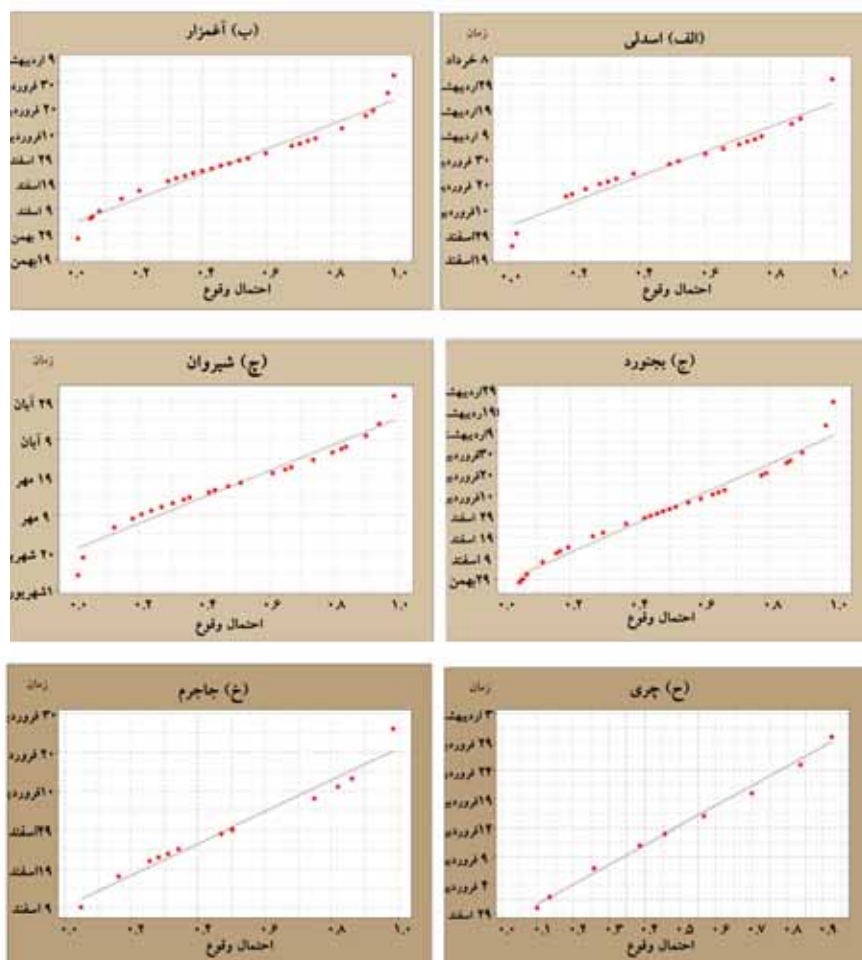
ارتفاعات است، کمترین مقدار ممکن را دارا می‌باشد. جدول شماره ۱a (۱) فراوانی، احتمال وقوع و دوره بازگشت یخبندان‌ها را با شدت‌های متفاوت در ایستگاه‌های مختلف استان نشان می‌دهد. همان‌طور که ملاحظه می‌شود به‌عنوان نمونه در طبقه دمایی (۵) - (۰) ایستگاه شیروان بیشترین فراوانی وقوع را دارا می‌باشد، و احتمال وقوع یخبندان در ایستگاه آغمار بیشتر است. همان‌طور دوره بازگشت یخبندان در این طبقه دمایی در ایستگاه نوشیروان بیشتر از بقیه ایستگاه‌هاست. با توجه به جدول مشاهده می‌شود که در یخبندان‌های با شدت پائین دوره بازگشت‌ها کوتاه و بالعکس فراوانی وقوع بالاست؛ اما در یخبندان‌های با شدت بالا مانند (۲۰-) - (۱۵-) فراوانی وقوع پایین و دوره بازگشت‌ها بالا است؛ به عنوان نمونه در ایستگاه بجنورد دوره بازگشت یخبندان در این طبقه ۶۲ سال می‌باشد.



شکل (۳) تاریخ آغاز یخبندان در ایستگاه‌های مختلف



شکل (۴) میانگین زمان خاتمه یخبندان



شکل (۵) تاریخ آغاز یخبندان در ایستگاه‌های مختلف

شکل ۷ نمودار فراوانی وقوع یخبندان با شدت‌های متفاوت در ایستگاه‌های مختلف استان را نشان می‌دهد همان‌طور که ملاحظه می‌شود طبقه دمایی (۵-) - (۰) بیشترین فراوانی وقوع را و طبقه دمایی (۲۰-) - (۱۵-) کمترین فراوانی وقوع را داراست.

شکل ۸ نمودار درصد فراوانی وقوع یخبندان را نشان می‌دهد. همان‌طور که ملاحظه می‌شود یخبندان‌های سبک با ۰/۰۶۵ درصد بیشترین فراوانی وقوع را به خود اختصاص داده‌اند، یخبندان‌های متوسط ۰/۰۲۵، نیمه‌سنگین ۰/۰۰۷، سنگین ۰/۰۱ و خیلی سنگین ۰/۰۰۴ درصد از فراوانی وقوع یخبندان‌های استان را به خود اختصاص داده‌اند.

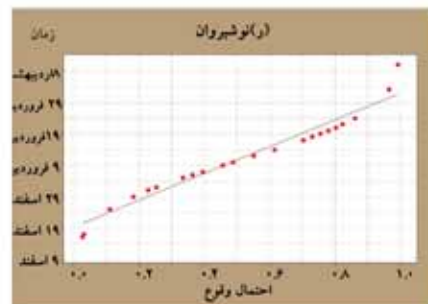
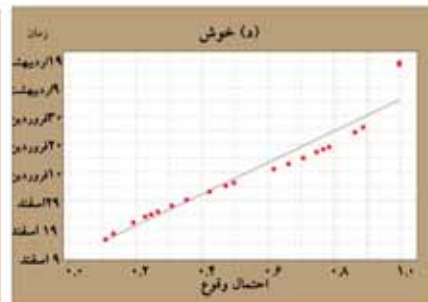
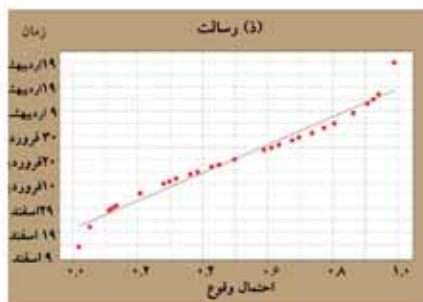
شکل ۹ تا ۱۲ نقشه احتمال وقوع یخبندان را در شدت‌های مختلف در ایستگاه‌های استان نشان می‌دهد. به‌عنوان نمونه شکل ۱۲ احتمال وقوع یخبندان در طبقه (۲۰-) - (۱۵-) را نشان می‌دهد. همان‌گونه که مشاهده می‌شود، احتمال وقوع یخبندان در ایستگاه نوشیروان بیشتر از بقیه ایستگاه‌ها می‌باشد (۵۸ درصد). با توجه به شکل مشاهده می‌شود که در مناطق شهری احتمال وقوع یخبندان نسبت به مناطق اطراف و مرتفع‌تر کمتر است.

نتیجه‌گیری

با بررسی‌هایی که بین تاریخ آغاز و خاتمه یخبندان با ارتفاع ایستگاه‌های انتخابی انجام گرفت، مشخص شد که بین ارتفاع و تاریخ وقوع یخبندان زودرس پائیزه رابطه معناداری وجود دارد. در این نوع یخبندان‌ها، این رابطه به‌صورت معکوس است و با افزایش ارتفاع، یخبندان زودتر آغاز می‌شود. این موضوع نشان می‌دهد که در فصل پائیز یخبندان‌های زودرس در مناطق کوهستانی زودتر از دشت‌ها رخ می‌دهد. همان‌طور که نقشه آغاز یخبندان (شکل ۲) نشان می‌دهد در دشت‌های استان خراسان شمالی زمان رخداد اولین یخبندان حدود یک ماه دیرتر از مناطق مرتفع استان می‌باشد. در یخبندان‌های دیررس بهاره رابطه ارتفاع با خاتمه یخبندان به صورت مستقیم می‌باشد و با افزایش ارتفاع تاریخ وقوع آخرین یخبندان بهاره به تعویق می‌افتد. این موضوع نشان می‌دهد که در مناطق دشتی یخبندان

پی‌نوشت‌ها

1. Ryknagl
2. Boostsma
3. Michalska
4. Laughlin
5. Suckling
6. Karl
7. Muller
8. Frich
9. Serafin
10. Madelin



منابع

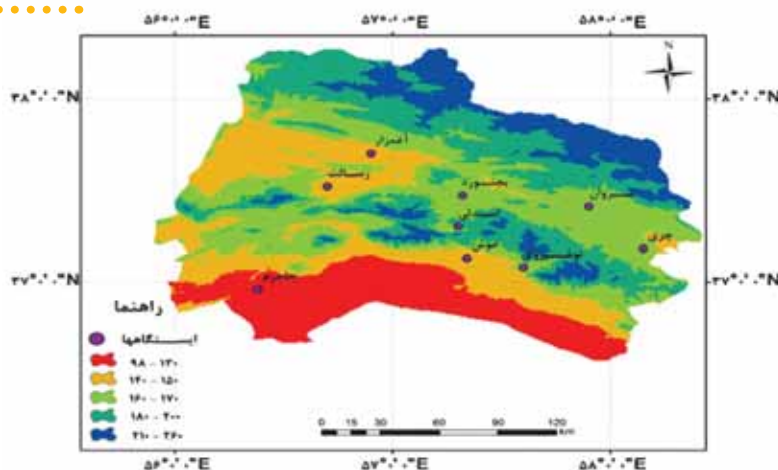
۱. بهیار، م. (۱۳۸۲) «بررسی پدیده سرمازدگی استان چهارمحال و بختیاری از دیدگاه همدیدی-دینامیکی»، مجله فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، تابستان ۱۳۸۲، شماره ۶۹، صص ۱۲۰-۱۰۷.
۲. توکلی، م. و حسینی، م. (۱۳۸۵) «ارزیابی شاخص‌های یخبندان و شروع پاییز آن در ایران؛ مطالعه موردی ایستگاه اکباتان همدان»، مجله نیوار، شماره ۶۱ و ۶۰، ص ۳۱.
۳. جهانبخش، س. رضائی، س. قاسمی، ا. و تدینی، م. (۱۳۹۰) «تحلیل سینوپتیکی یخبندان‌های بهاره تبریز؛ مطالعه موردی: سرمای بهار ۱۳۸۱ و ۱۳۸۳»، مجله فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، پائیز ۱۳۹۰، شماره ۱۰۲، صص ۲۴-۱.
۴. ربانی، ف. و کریمی، ف. (۱۳۸۸) «بررسی روند تعداد روزهای یخبندان در استان خراسان شمالی»، فصلنامه جغرافیای طبیعی، سال اول، شماره ۴، تابستان ۱۳۸۸، صص ۹۴-۸۵.
۵. عزیزی، ق. و حبیبی نوخندان، م. (۱۳۸۴) «مطالعه توزیع زمانی و مکانی یخبندان و لغزندگی در جاده‌های هزار و فیروزکوه»، مجله پژوهش‌های جغرافیایی، دانشگاه تهران، شماره ۵۱، صص ۶۵-۵۱.
۶. کاویانی، م. و علیجانی، ب. (۱۳۸۷)، «مبانی آب و هواشناسی»، چاپ چهاردهم، انتشارات سمت، تهران، صفحه ۱۱۷.
۷. گندمکار، ا. (۱۳۸۷) «تحلیل سینوپتیکی یخبندان‌های بهاره نجف‌آباد»، مجله فضای جغرافیایی، شماره ۲۳، صص ۱۶۵-۱۴۷.
- لشکری، ح. و ربانی، ف. (۱۳۸۲) «طبقه‌بندی همدیدی فضایی توده‌های هوای مؤثر بر یخبندان‌های بهاره شمال خراسان»، مجله جغرافیا، شماره ۳، صص ۳۴-۱۹.

۸. نوحی، ک. و صحرائیان، ف. پدرام، م. و صداقت کردار، ع. (۱۳۸۷) «تعیین طول دوره بدون یخبندان با استفاده از تاریخ‌های آغاز و خاتمه یخبندان فرارفتی و تابشی در نواحی زنجان، قزوین و تهران»، مجله علوم و فنون کشاورزی و منابع طبیعی، سال دوازدهم، شماره چهل و ششم (ب)، صص ۴۶۰-۴۴۹.
۹. نوحی، ک. و همکاران، (۱۳۸۶) «بررسی و تحلیل تاریخ آغاز و خاتمه یخبندان‌های تابشی-فرارفتی و در استان‌های آذربایجان غربی و شرقی»، مجله پژوهش و سازندگی در زراعت و باغبانی، شماره ۷۵، صص ۸۵-۷۹.
۱۰. هاشمی، فریدون (۱۳۴۸)، تجزیه و تحلیل استاتیکی از سرمای تهران، انتشارات دفتر تحقیقات و بررسی‌های علمی هواشناسی کشور.

11. Boostsma A. (1976) "Estimating minimum temperature and climatological freeze risk in hilly terrain, Agricul", Meteorol, Vol.16. pp.425-443
12. Frich P.L.V.Aiexander, DellaMarta P, Gleason

شکل (۵) تاریخ آغاز یخبندان در ایستگاه‌های مختلف

دیرتر شروع می‌شود و زودتر هم خاتمه می‌یابد، به عبارت دیگر فصل یخبندان در این مناطق کوتاه و فصل رشد طولانی‌تر است. برعکس در نواحی مرتفع طول فصل یخبندان افزایش و طول فصل رشد کاهش می‌یابد. این مسئله از نظر کشاورزی قابل توجه است. همان‌طور که شکل ۶ نشان می‌دهد طول دوره یخبندان از جنوب استان به سمت شمال استان افزایش می‌یابد و به همان نسبت طول فصل رشد کاهش می‌یابد. نتایج به دست آمده از این تحقیق مدیران را قادر می‌سازد تا برنامه‌ریزی‌های خود را در زمینه‌های مختلف از جمله کشاورزی، حمل و نقل و غیره با توجه به شرایط اقلیمی منطقه به انجام رسانیده و از بروز خسارت‌های احتمالی در این زمینه‌ها جلوگیری نمایند.



شکل (۶) طول دوره یخبندان در استان خراسان شمالی

جدول (۱). فراوانی، احتمال وقوع و دوره بازگشت یخبندان‌ها با شدت‌های مختلف در ایستگاه‌های مختلف استان خراسان شمالی

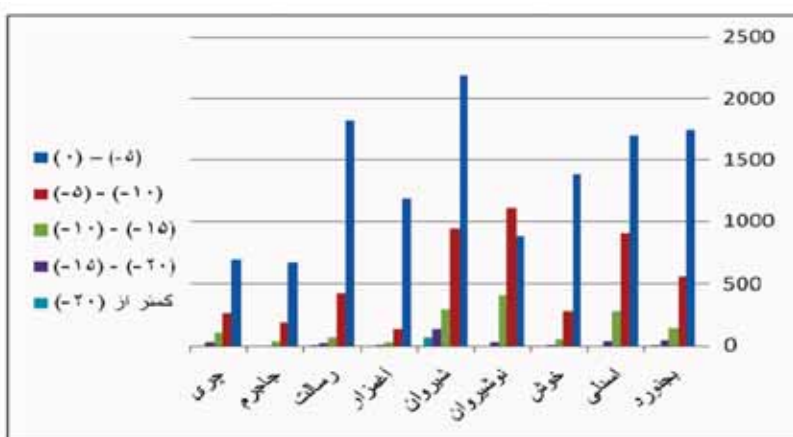
طبقات دما ایستگاه	(۰) - (۵)			(۵-) - (۱۰-)			(۱۰-) - (۱۵-)			(۱۵-) - (۲۰-)			کمتر از (۲۰-)		
	فراوانی	احتمال	بازگشت دوره	فراوانی	احتمال	بازگشت دوره	فراوانی	احتمال	بازگشت دوره	فراوانی	احتمال	بازگشت دوره	فراوانی	احتمال	بازگشت دوره
بجنورد	۱۷۴۶	۰/۷	۱/۴۲۷	۵۵۹	۰/۲۲۴	۴/۴۵۹	۱۴۴	۰/۰۵۷	۱۷	۴۰	۰/۰۱۶	۶۲	۴	۰/۰۰۱	۶۲۳
اسدلی	۱۶۹۹	۰/۵۸	۱/۷۲۳	۹۱۱	۰/۳۱۱	۳/۲۱۵	۲۸۴	۰/۰۹۶	۱۰	۳۵	۰/۰۱۱	۸۳	-	-	-
خوش	۱۳۸۳	۰/۸۰	۱/۴۲۴	۲۸۴	۰/۱۶۵	۶/۰۵۲	۴۷	۰/۰۲۷	۳۶	۵	۰/۰۰۲۹	۳۴۳	-	-	-
نوشیروان	۸۸۲	۰/۳۶	۲/۷۵۲	۱۱۱۲	۰/۴۵۷	۲/۱۸۳۶	۴۰۹	۰/۰۱۶	۵	۲۵	۰/۰۱	۹۷	-	-	-
شبروان	۲۱۸۹	۰/۶۰	۱/۶۵۵	۹۳۷	۰/۲۵۸	۳/۸۶۶	۲۹۷	۰/۰۸۱	۱۲	۱۳۵	۰/۰۳۷	۲۶	۶۵	۰/۰۱۷	۵۵
رسالت	۱۸۱۷	۰/۷۷	۱/۳۸۴	۴۳۰	۰/۱۸۴	۵/۴۲۷	۶۴	۰/۰۲۷	۳۶	۲۰	۰/۰۰۸	۱۱۶	۳	۰/۰۰۱	۷۷۸
آغمزار	۱۱۸۷	۰/۸۸	۱/۳۲۲	۱۳۲	۰/۰۹۸	۱۰/۱۸۱	۲۲	۰/۰۱۶	۶۱	۳	۰/۰۰۲۲	۴۴۸	-	-	-
جاجرم	۶۷۵	۰/۷۵	۱/۳۳	۱۸۸	۰/۲۰	۴/۷۷۶	۳۵	۰/۰۳۸	۲۵	-	-	-	-	-	-
چری	۶۹۹	۰/۶۴	۱/۵۵۹	۲۶۶	۰/۲۴۴	۴/۰۹۷۷	۹۹	۰/۰۹	۱۱	۲۶	-	-	-	-	-
مجموع فراوانی	۱۳۲۷۷	-	-	۴۸۱۹	-	-	۱۴۰۱	-	-	۲۸۹	-	-	۷۲	-	-

B, Haylock M, Klin Tank A , Peterson T. (2002) "Global changes in climatic extremes during the 2th half of the 20th century", Climate, Res, vol. 19, pp. 193-212

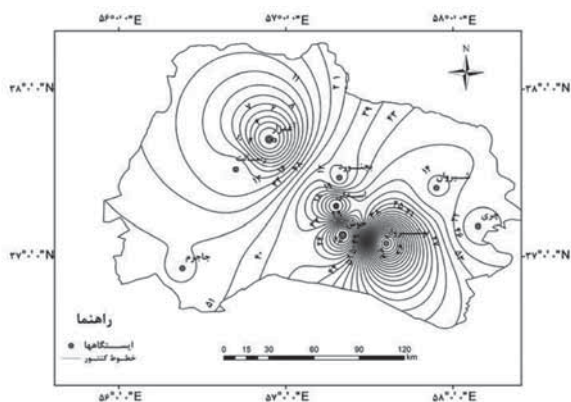
13. Laughlin J.P., Kalma J.D. (1987) "frost hazard assessment from local weather and terrain data", agricultural and frost meteorol, Vol.40, pp. 1-16

14. Karl, T. R. (1998) "A Regional Trends and Variation of Temperature and Precipitation in The Impacts of Climate change", Cambridge University Press

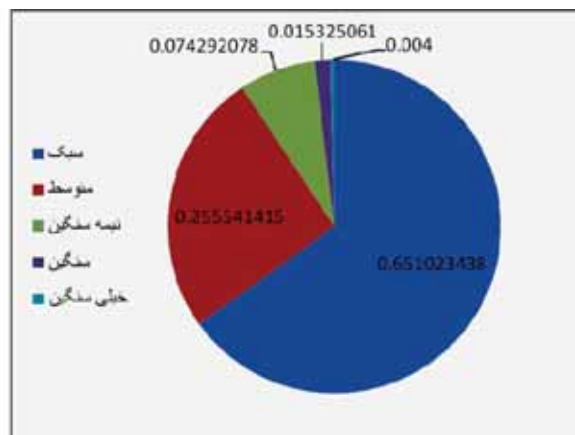
15. Madelin, M., and G. Beltrando, (2005) "Spatial Interpolation – Based Mapping of the Spring Frost Hazard in the Champagne Vineyards", Meteorological applications, Volume 12, pp. 51-56



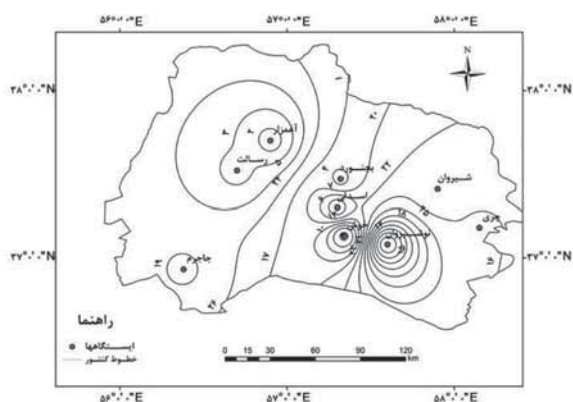
شکل (۷) نمودار فراوانی وقوع یخبندان با شدت‌های مختلف در ایستگاه‌های مختلف استان خراسان شمالی



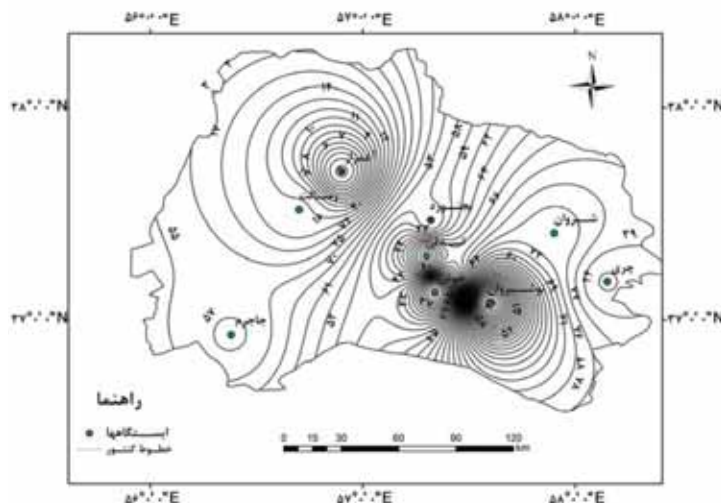
شکل (۱۰) احتمال وقوع (برحسب درصد) یخبندان در طبقه (۱۰-) - (۵-) درجه سانتی گراد در استان خراسان شمالی



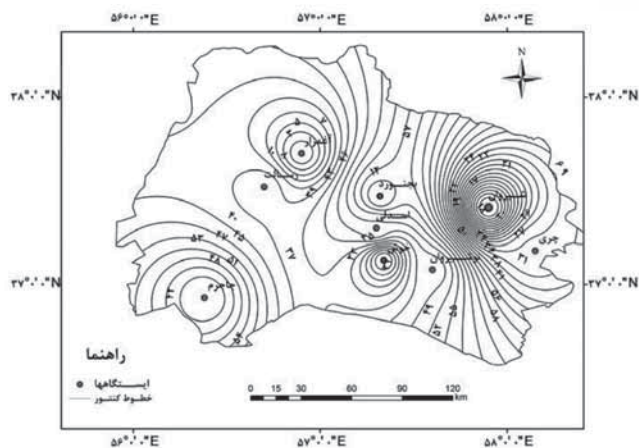
شکل (۸) نمودار درصد فراوانی وقوع یخبندان در استان خراسان شمالی



شکل (۱۱) احتمال وقوع (برحسب درصد) یخبندان در طبقه (۱۵-) - (۱۰-) درجه سانتی گراد در استان خراسان شمالی



شکل (۹) احتمال وقوع یخبندان (برحسب درصد) در طبقه (۵-) - (۰) درجه سانتی گراد در استان خراسان شمالی



شکل (۱۲) احتمال وقوع (برحسب درصد) یخبندان در طبقه (۲۰-) - (۱۵-) درجه سانتی گراد در استان خراسان شمالی

16. Michalska B, (1986) "Suggested terms of corn sowing in the main yield in Poland dependent on soil temperature and frosts", Agrotechniczna (Poland), Vol.106, pp. 97- 102.
17. Muller, G.V., M.N. Nunez., and M.E. Seluchi, (2000) "Relationship between ENSO Cycles and Frost Events within the Pampa Humeda Region", International journal of climatology, Volume 20, Issue 13, pp. 1619-1637.
18. Suckling, P. W. (1988), "Fluctuations of last spring-freeze dates in the Southeastern United States", Physical Geography, 7, 239- 245
19. Serafin, S., Betro. M., & De Franceschi. R. (2003) "Application of a mesoscale model to the analysis of late frost events and comparison with observations", Department of Civil and Environment Engineering, University of Trento, Italy
20. WMO, (1963) "Protection. Against frost damage", no. 133. tp.600.

سمپوزیوم ژئومورفولوژی بین‌هامتون:

تاریخچه، روند شکل‌گیری و فعالیت‌ها

دکتر رضا خوش‌رفتار

عضو هیئت علمی گروه جغرافیا، دانشگاه زنجان

چکیده

سمپوزیوم ژئومورفولوژی بین‌هامتون، نشست سالانه‌ای است که از سال ۱۹۷۰ تاکنون به‌طور مرتب درباره یکی از موضوعات ژئومورفولوژی و عمدتاً در ایالات متحده آمریکا تشکیل شده است. شرکت‌کنندگان در این نشست را، به‌طور سنتی، دو گروه عمده جغرافی‌دانان و زمین‌شناسان تشکیل می‌دهند. در دوره ۱۹۷۰-۱۹۹۰، بیشتر شرکت‌کنندگان را زمین‌شناسان و پس از آن تاکنون، جغرافی‌دانان تشکیل می‌دهند. مجموعه مقالات ارائه شده در این نشست یا در مجله معروف ژئومورفولوژی و یا به‌صورت کتابی مستقل چاپ می‌شود و در اختیار علاقه‌مندان قرار می‌گیرد. بیشترین تعداد مقالات ارائه و ارجاع داده شده در این نشست، درباره بیورژئومورفولوژی بوده است.

کلیدواژه‌ها: سمپوزیوم ژئومورفولوژی بین‌هامتون، تاریخ ژئومورفولوژی، ژئومورفولوژیست.

مقدمه

اما باید گفت تا سال ۱۹۷۰ که اولین سمپوزیوم ژئومورفولوژی بین‌هامتون^۲ تشکیل شد، هنوز این‌گونه فعالیت‌های حرفه‌ای ژئومورفولوژی شکل نگرفته بود و تنها مبادله ایده‌ها به آرامی صورت می‌گرفت. در ابتدا روابط بین ژئومورفولوژیست‌ها صرفاً شخصی بود. مانند روابطی که بین دیویس و آلفرد پنک در زمستان سال ۱۹۰۹-۱۹۰۸ وجود داشت. آن دو ارتباطات شخصی صمیمانه و حرفه‌ای طولانی مدتی داشتند و البته این روابط، همیشه نتایج مثبتی همراه نداشت. ژئومورفولوژیست‌ها، که تعدادشان هم خیلی زیاد بود، در کنگره‌های جغرافیایی یا زمین‌شناسی همدیگر را ملاقات می‌کردند که از آن میان چندین نشست هم مختص ژئومورفولوژی

تاریخچه ژئومورفولوژی منبعی ارزشمند برای آموزش دانشجویان ژئومورفولوژی است. بزرگ‌ترین و در دسترس‌ترین اسناد مربوط به افکار ژئومورفولوژیست‌ها و کارهایشان آثار منتشر شده اصلی آن‌هاست که می‌توان عمدتاً در مقالات چاپ شده در مجلات و مجموعه مقالات همایش‌ها آن‌ها را جست‌وجو کرد. برگزاری مرتب نشست‌ها و سمینارها که یکی از بهترین راه‌های معرفی آرا و نظرها و در نهایت پیشرفت یک رشته علمی است در مورد ژئومورفولوژی نیز مصداق دارد.

اگرچه اولین سازمان ملی درباره ژئومورفولوژی، «گروه پژوهشی ژئومورفولوژی انگلستان»^۱ بود که در سال ۱۹۶۰ شروع به کار کرد

یکی از همایش‌های بسیار مهم و معروف در ژئومورفولوژی که نقش بسزایی در روند پیشرفت این علم داشته است، سمپوزیوم سالانه ژئومورفولوژی بین‌هامتون است

خود را مطرح می‌کردند. به هر حال، در سال‌های بعد، بحث‌های این جلسات با تمرکز بیشتری ادامه پیدا کرد و با پیوستن مری موريساوا^۱ به این گروه، اولین سمپوزیوم رسمی، با عنوان ژئومورفولوژی زیست‌محیطی، در سال ۱۹۷۰ برگزار شد. همزمان با شکل‌گیری و فعالیت این سمپوزیوم، در انجمن جغرافی‌دانان آمریکا، گروه تخصصی ژئومورفولوژی تشکیل شد و هویت مستقل پیدا کرد.

آن نشست‌ها نقش مهمی در جامعه علمی ژئومورفولوژی داشت زیرا افراد عضو، در گروه‌های آموزشی متفاوتی مانند جغرافیا، زمین‌شناسی، مهندسی عمران و اخیراً در علوم زیست‌محیطی مشغول به فعالیت بودند. علاوه بر اینکه چون ژئومورفولوژیست‌ها معمولاً، نتیجه پژوهش‌های خود را در سمینارهای جغرافی‌دانان و زمین‌شناسان ارائه می‌کردند، زمان کمی در اختیارشان قرار می‌گرفت؛ لذا یکی از اهداف سمپوزیوم سالانه بین‌هامتون این بود که با فراهم آوردن فرصت لازم برای ژئومورفولوژیست‌ها، آن‌ها را برای مبادله اطلاعات و همکاری با یکدیگر تشویق نماید. این فعالیت‌ها، شرایط را برای تشکیل انجمن بین‌المللی ژئومورفولوژیست‌ها (در سال ۱۹۸۹) مهیا کرد.

با افزایش تخصص‌گرایی و اشتقاقی که در علوم صورت گرفت، این همکاری‌ها کمتر شد که پاره‌ای آن را ناشی از ماهیت بین‌رشته‌ای بودن ژئومورفولوژی می‌دانستند.

در واقع، چون بسیاری از مشکلات در علوم زیست‌محیطی، فراتر از مسائل مطرح شده در علوم سنتی بود و در اصول علمی شکاف ایجاد می‌کرد، آن‌ها اعتقاد داشتند که ژئومورفولوژیست‌ها، متخصصان تهیه نقشه در علوم زمین هستند و به طور خاص این توانایی را دارند که به مسائل زیست‌محیطی واکنش نشان دهند. بنابراین، با برگزاری اولین سمپوزیوم بین‌هامتون، عنوان کردند، که این سمپوزیوم هر ساله به‌طور مرتب در زمینه ژئومورفولوژی برگزار خواهد شد. از آن زمان (۱۹۷۰)، تا ۲۰۱۴، طی حدود پنج دهه، این سمپوزیوم به‌طور مرتب در آمریکا و در مواردی در کشورهای دیگر مانند ایتالیا (۱۹۹۷) و کانادا (۱۹۹۳، ۱۹۸۸، ۱۹۸۶) برگزار شده که فهرست موضوعی آن را در جدول ۱ می‌بینید.

سمپوزیوم بین‌هامتون، اغلب به‌صورت مستقل و در مواردی معدود همزمان با کنفرانس بین‌المللی ژئومورفولوژی برگزار شده است. در سال ۱۹۹۳، بیست و چهارمین دوره آن، همزمان با سومین کنفرانس بین‌المللی ژئومورفولوژی، در انتاریو، هامیلتون کانادا و بیست و هشتمین آن با عنوان تغییر چهره زمین: ژئومورفولوژی مهندسی، در سال ۱۹۹۷ همزمان با چهارمین کنفرانس بین‌المللی ژئومورفولوژی در بولونیای ایتالیا برگزار شد. این سمپوزیوم سالانه، بعد از کنفرانس بین‌المللی ژئومورفولوژیست‌ها که هر چهار سال یکبار تکرار می‌شود، یکی از بزرگ‌ترین نشست‌های ژئومورفولوژیست‌هاست و مورد استقبال گسترده قرار می‌گیرد. نکته جالب توجه این است که در تمام سال‌ها، مقالات سمپوزیوم به‌صورت کتاب چاپ می‌شود و به‌عنوان یکی از معتبرترین منابع در زمینه ژئومورفولوژی، در اختیار علاقه‌مندان قرار می‌گیرد که از لحاظ علمی و تاریخی اهمیت بسیار زیادی برای ژئومورفولوژیست‌ها دارد.

بود. با گذشت سال‌ها، بعضی از همکاری‌های بین‌المللی گسترش یافت و کمیسیون‌های ژئومورفولوژی مانند کمیسیون ژئومورفولوژی جنب یخچالی (۱۹۴۹)، کمیسیون ژئومورفولوژی ساحلی (۱۹۶۸) در اتحادیه بین‌المللی جغرافیایی^۲ تشکیل شد. بسیاری از این کمیسیون‌ها با تغییر عنوان، تا چند دهه به فعالیت خود در اتحادیه بین‌المللی جغرافیایی ادامه دادند.

شکل‌گیری سمپوزیوم بین‌هامتون

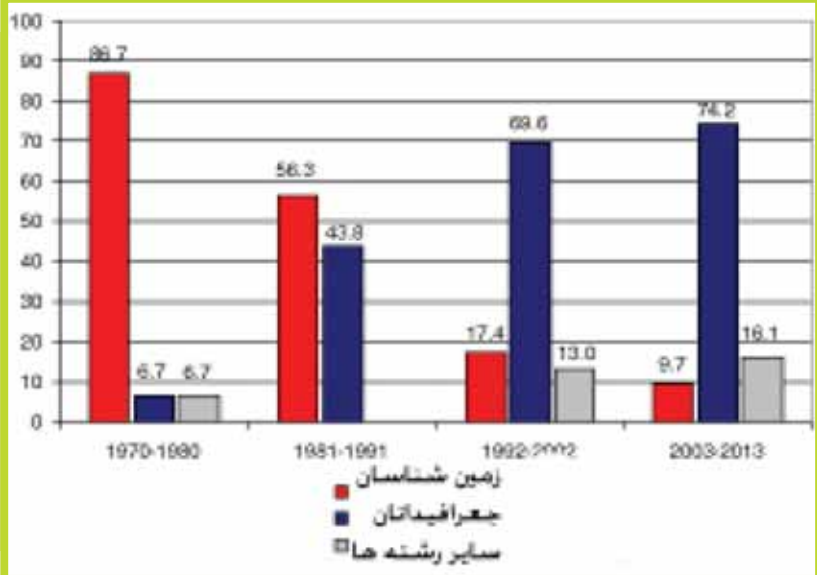
یکی از همایش‌های بسیار مهم و معروف در ژئومورفولوژی که نقش بسزایی در روند پیشرفت این علم داشته است، سمپوزیوم سالانه ژئومورفولوژی بین‌هامتون است. این سمپوزیوم از لحاظ تاریخی و در مقایسه به انجمن بین‌المللی ژئومورفولوژیست‌ها کار خود را زودتر آغاز کرد. همان‌طور که مل مارکوس^۳ در سال ۱۹۷۹ در انجمن جغرافی‌دانان آمریکا اعلام کرد: دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ زمان احیای ژئومورفولوژی در آمریکا بود و به‌ویژه دهه ۱۹۷۰، در تاریخ ژئومورفولوژی، به‌ویژه در آمریکا از اهمیت خاصی برخوردار است. به‌طوری که در سال ۱۹۶۶، چهار ژئومورفولوژیست و جغرافی‌دان طبیعی که همه آن‌ها دانش‌آموختگان دانشگاه کلمبیا و از شاگردان آرتور ان استرالر^۴ بودند، برنامه ناهار هفتگی ترتیب دادند و به‌صورت دوستانه و غیررسمی در



مری موريساوا
در هیجدهمین
سمپوزیوم بین‌هامتون
(۱۹۸۷) در حالی که
اولین شماره مجله
ژئومورفولوژی را در
دست دارد

مورد علایق مشترک‌شان یعنی ژئومورفولوژی و آب به بحث و تبادل نظر پرداختند. و در واقع یک سمپوزیوم تشکیل دادند. یکی از دلایل ایجاد این سمپوزیوم این بود که ژئومورفولوژیست‌ها، جایی برای ارائه کارهای خود به‌صورت اختصاصی نداشتند و عمدتاً در کنفرانس‌های سالانه انجمن زمین‌شناسان و انجمن جغرافی‌دانان آمریکا، کارهای

زمین‌شناسان
جغرافی‌دانان
سایر رشته‌ها
برگزار کنندگان سمپوزیوم
بین‌هامتون در دوره ۱۹۷۹-۲۰۱۳، با
توجه به رشته تخصصی، همان‌طور
که دیده می‌شود، در دو دهه
اول، بیشتر برگزار کنندگان را
زمین‌شناسان و طی دوره ۱۹۹۲-
۲۰۱۳، جغرافی‌دانان تشکیل
دادند. تعداد برگزار کنندگان از
سایر رشته‌ها مانند مهندسان و
اکولوژیست‌ها در حال افزایش
است



شرکت کنندگان در سمپوزیوم

در گذشته، سمپوزیوم بین‌هامتون محلی برای فعالیت زمین‌شناسان و جغرافی‌دانان بود. گراف^۷ در سال ۱۹۸۴ عنوان کرد، که همکاری بین جغرافی‌دانان و زمین‌شناسان در این سمپوزیوم، منجر به شکل‌گیری و گسترش گرایش جدیدی به نام «ژئومورفولوژی تکتونیکی»^۸ شده است. با این حال همان‌طور که در شکل ۲ مشاهده می‌شود طی این سال‌ها مشارکت زمین‌شناسان به تدریج کاهش و برعکس فعالیت جغرافی‌دانان افزایش یافته است. تا سال ۲۰۱۳، ۸۵ نفر برای برگزاری سمپوزیوم موضوعات تخصصی ارائه کرده‌اند که ۵۵ درصد آن‌ها جغرافی‌دان، ۳۴ درصد زمین‌شناس و بقیه از رشته‌های دیگر مانند مهندسان و اکولوژیست‌ها بوده‌اند. در دهه اول شروع به کار سمپوزیوم، برگزار کنندگان و شرکت کنندگان بیشتر زمین‌شناس بودند و تعداد کمی از اعضا را جغرافی‌دانان تشکیل می‌دادند. اما از سال ۱۹۸۱ تا ۱۹۹۱، نقش جغرافی‌دانان بیشتر شد. در دوره ۲۰۰۲-۱۹۹۲، متخصصانی از سایر رشته‌ها به این دو گروه اضافه شدند اما نقش جغرافی‌دانان کاملاً مشخص بود. از سال ۲۰۰۳، تاکنون بیشتر برگزار کنندگان را جغرافی‌دانان تشکیل می‌دهند و پس از آن‌ها افرادی از سایر رشته‌ها و تعداد کمی هم زمین‌شناسان قرار دارند. کاهش تعداد زمین‌شناسان نسبت به جغرافی‌دانان برای برگزاری سمپوزیوم هم‌زمان با تغییر جایگاه ژئومورفولوژیست‌ها از گروه‌های زمین‌شناسی به جغرافیا در دانشگاه‌های آمریکا بود. تا اواسط دهه ۱۹۷۰، ژئومورفولوژیست‌ها عمدتاً در گروه‌های آموزشی زمین‌شناسی بودند، در حالی که در دهه ۱۹۸۰، عمدتاً ژئومورفولوژیست‌ها در گروه‌های جغرافیا حضور داشتند.

نحوه تعیین عنوان سمپوزیوم بین‌هامتون

عناوین پیشنهادی برای سمپوزیوم بین‌المللی بین‌هامتون می‌تواند در هر موقع از سال برای کمیته رهبری و تهیه برنامه کار سمپوزیوم، ارسال شود. برنامه کار سمپوزیوم شامل ارائه مقاله توسط سخنرانان مدعو، پوسترها و سفرهای میدانی در پایان هفته است. این سفرهای میدانی معمولاً در ماه اکتبر و بعد از ظهر روزهای جمعه و گاهی

روزهای یکشنبه، بعد از ارائه مقالات انجام می‌شود.

مقالات معمولاً در صبح روز یکشنبه و صبح و بعد از ظهر روز دوشنبه در جلسه‌ای با حضور تمام افراد ارائه می‌شود تا همه شرکت کنندگان بتوانند، مقالات را بشنوند. در زمان‌های استراحت و تنفس بین سخنرانی‌ها، مقالات پوستر ارائه می‌شوند. گاهی اوقات نیز پنل‌های بحث رسمی و نشست‌های آزاد در طی سمپوزیوم برگزار می‌شود. با توجه به ضرورت‌ها، تغییرات جزئی ممکن است در برنامه سمپوزیوم داده شود اما برنامه‌های سمپوزیوم در فاصله جمعه تا یکشنبه و برگزاری جلسات سخنرانی با حضور همه افراد، از بخش‌های همیشگی سمپوزیوم است.

هر یک از سمپوزیوم‌های سالانه، یکی از موضوعات تخصصی مورد علاقه ژئومورفولوژیست‌ها و علوم مربوطه را دربرمی‌گیرد. موضوعات سمپوزیوم‌های گذشته تاکنون تنوع زیادی داشته است. برای مثال عنوان سمپوزیوم سال ۱۹۹۷، «ژئومورفولوژی مهندسی و در سال ۱۹۹۲، سیستم‌های ژئومورفولوژی بود. با این حال، گاهی به مسائل بین‌رشته‌ای مانند ژئومورفولوژی و بحران‌های طبیعی (۱۹۹۴) و ژئومورفولوژی و اکوسیستم‌ها (۲۰۰۵) هم اختصاص یافته است. با توجه به توافقی‌های انجام شده بین برگزار کنندگان و مؤسسات انتشارات بین‌المللی مانند الزویر^۹، از سال ۱۹۸۹، مجموعه مقالات سمپوزیوم پس از ویرایش، در یک شماره ویژه مجله بین‌المللی ژئومورفولوژی و یا به صورت یک کتاب مستقل چاپ می‌شود. برای مثال، مجموعه مقالات سی‌وسومین سمپوزیوم سالانه بین‌هامتون با عنوان «سدها و ژئومورفولوژی» در شماره ۷۱ مجله ژئومورفولوژی (۲۰۰۵)، چاپ شده است. همچنین، پنجمین و بیست و هفتمین مجموعه مقالات بین‌هامتون به ترتیب با عناوین، ژئومورفولوژی یخچالی (۱۹۷۴) و ماهیت علمی ژئومورفولوژی (۱۹۹۶) به صورت کتابی مستقل چاپ شده است.

کمیته رهبری و تنظیم برنامه کاری سمپوزیوم، هیچ منبع مالی برای برگزاری و چاپ مجموعه مقالات ندارد. در مواردی که مقالات در یک شماره ویژه ژئومورفولوژی چاپ شود، هزینه‌ها برعهده مؤسسه الزویر است. هزینه‌های کنفرانس از طریق حق ثبت‌نام شرکت کنندگان و

ژئومورفولوژیست‌ها، متخصصان تهیه نقشه در علوم زمین هستند و به طور خاص این توانایی را دارند که به مسائل زیست‌محیطی واکنش نشان دهند

در آن‌ها ایده‌های جدید و نوآوری‌ها مطرح می‌شود. علاوه بر این، از طریق مقالات ارائه شده در همایش‌ها می‌توان به‌طور مستقیم با آرای پژوهشگران آشنا شد. همایش‌ها، علاوه بر اینکه در بین همکاران و دانشجویان، انگیزه‌های جدیدی ایجاد می‌کند، نقش بسیار مهمی در معرفی یک رشته دانشگاهی به جامعه دارد.

سمپوزیوم بین‌هامتون، به‌عنوان اولین مجمع بین‌المللی ژئومورفولوژی، نقش بسیار مهمی در تاریخ ژئومورفولوژی و معرفی آن به‌عنوان یک رشته علمی به‌ویژه در آمریکا داشته است. یکی از پیامدهای این سمپوزیوم سالانه، شکل‌گیری همکاری‌های بین‌رشته‌ای، بین ژئومورفولوژیست‌ها و سایر رشته‌های علمی بوده است که در مواردی منجر به شکل‌گیری گرایش‌های جدیدی مانند ژئومورفولوژی تکتونیک و بیوژئومورفولوژی شده است.

پی‌نوشت‌ها

1. British Geomorphological Research Group (BGRG)
2. Binghamton Geomorphology Symposium (BGS)
3. International Geographic Union
4. Mel Marcus
5. Arthur. N. Strahler
6. Marie Morisawa
7. Graf
8. Tectonic geomorphology
9. Elsevier
10. David Butler
11. Don Coates
12. Larry Davis
13. Carol Harden
14. Pete Kunepfer
15. Richard Marston
16. Jack Vitek
17. Elen Wohl
18. Mike Woldenberg

منابع

۱. برمر، هانا، (۲۰۰۳)، ژئومورفولوژی، ترجمه رضا خوش‌رفتار، انتشارات جهاد دانشگاهی، چاپ اول، ۸۰ص.
2. Vitek John D. (2013), Geomorphology: Perspectives on observation, history, and the field tradition, Geomorphology, pp 20-33.
3. Legleiter Carl J. Marston Richard A. (2013), Introduction to the special issue: The field tradition in geomorphology. Geomorphology, pp 1-8.
4. Sawyer, Carol F. Butler, David R. O'Rourke, Tela (2014), An historical look at the Binghamton Geomorphology Symposium, Geomorphology, pp 1-9.
5. Sack, Dorothy (2002), The educational value of the history of geomorphology, Geomorphology, pp 313- 323.

حمایت‌های مالی دانشگاه میزبان، تأمین می‌شود. در حال حاضر، رئیس کمیته راهبردی سمپوزیوم، **دیوید باتلر**^{۱۰} از گروه جغرافیای دانشگاه ایالتی تگزاس است. در یک برنامه دو تا سه صفحه‌ای، افراد، سازمان‌ها و دانشگاه‌ها باید اطلاعاتی مانند سخنرانان احتمالی، مکان برگزاری، هزینه‌های سخنرانان بین‌المللی و سایر اطلاعات مورد نیاز را در طرح پیشنهادی ارائه کنند. انتظار می‌رود سخنرانان از کشورهای متعدد دعوت شوند.

نکته جالب توجه درباره این سمپوزیوم، برنامه‌ریزی موضوعات، حداقل یک سال قبل از برگزاری است تا افراد زمان کافی برای تهیه مقالات علمی را داشته باشند. موضوع سمپوزیوم برای سال ۲۰۱۵، «بررسی‌های آزمایشگاهی در ژئومورفولوژی» اعلام شده بود. اگرچه در بسیاری از موارد، عناوین پیشنهادی جدید هستند اما با توجه به اهمیت مسائل ژئومورفولوژیکی و مشکلاتی که جامعه با آن روبه‌رو است، یک موضوع چندین سال مطرح و از زوایای متفاوت مورد بررسی قرار می‌گیرد. برای مثال در سال‌های ۱۹۷۲، ۱۹۹۸ و ۲۰۱۳ ژئومورفولوژی ساحلی موضوع اصلی سمپوزیوم بود.

کمیته راهبردی بین‌هامتون

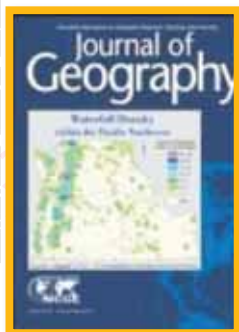
طرح‌های پیشنهادی پس از بررسی توسط کمیته راهبردی، ممکن است پذیرفته شود و یا اینکه برگشت داده شود. ممکن است کمیته راهبردی در برنامه پیشنهادی تغییراتی نیز بدهد، سخنرانانی را دعوت کند و یا اقدامات دیگری برای بهبود برگزاری سمپوزیوم انجام دهد. همچنین این کمیته در مورد ساختار نشست‌ها، مدیریت آن‌ها و چاپ مجموعه مقالات سیاست‌گذاری می‌کند. این کمیته از دو گروه، اعضای دائمی و اعضای چرخشی تشکیل شده است. برای اعضای دائمی محدودیت دوره وجود ندارد و تعداد زیادی از اعضای این گروه را همان اعضای هیئت تحریریه مجله ژئومورفولوژی (از انتشارات الزویر) تشکیل می‌دهند. ریاست کمیته راهبردی از سال ۲۰۰۶، با دیوید باتلر است.

اعضای دائمی کمیته راهبردی (از ژوئن ۲۰۰۶) عبارت‌اند از:
- دیوید باتلر (رئیس کمیته) گروه جغرافیا، دانشگاه ایالتی تگزاس
- دون کتر^{۱۱}، استاد بازنشسته
- لری دیویس^{۱۲}، گروه علوم زمین و زیست‌محیطی، دانشگاه نیوهایون

- کارول هاردن^{۱۳}، گروه جغرافیا، دانشگاه تنسی
- پیتر نوfer^{۱۴}، گروه زمین‌شناسی، سانی بین‌هامتون
- ریچارد مارستون^{۱۵}، گروه جغرافیا، دانشگاه ایالتی کانزاس
- جک وتیک^{۱۶}، گروه زمین‌شناسی، دانشگاه تگزاس
- الن ول^{۱۷}، گروه علوم زمین، دانشگاه ایالتی کلرادو
- مایک ولدنبرگ^{۱۸}، گروه جغرافیا، دانشگاه سانی بوفالو

نتیجه

آگاهی از روند تحولات یک رشته علمی، و یا به عبارتی دیگر، تاریخ یک رشته همواره برای دانشجویان جالب بوده است. اگرچه مسائل و موضوعات ژئومورفولوژی را می‌توان از طریق کتاب‌ها و مقالات چاپ شده پیگیری کرد اما معمولاً، همایش‌ها اولین جایی است که



مجله جغرافیا

Journal of Geography, Volume 115,
Issue 5, 2016

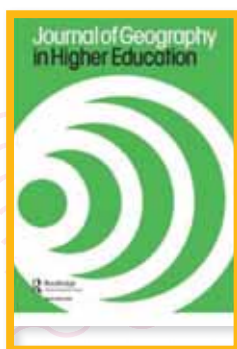
مطالب شماره ۵ از دوره صد و پانزده^۲، مجله جغرافیا، یکی از دو مجله شورای ملی برای آموزش جغرافیا در ایالات متحده در سال ۲۰۱۶ که شش شماره در سال منتشر می‌شود.

– آیا سواد آب و هوا مهم است؟ مطالعه موردی سطح سواد دانش‌آموزان در ایالات متحده در مورد عامل انسانی گرمایش جهانی دانیل بدفورد

– عمق و دقت دانش قبلی معلمان ابتدایی در مورد سیکلون‌های حاره‌ای. رود لین و سیمون کاتلین

– ساختمان‌های یک تور عدالت اجتماعی تعلیم و تربیت، نژاد و یادگیری دانش‌آموزان از طریق جغرافیا. ناچی برند

– روندهای جدید در آموزش جغرافیا در لوئیزیانا. روبرت و روحلی و پل ای بینفورد



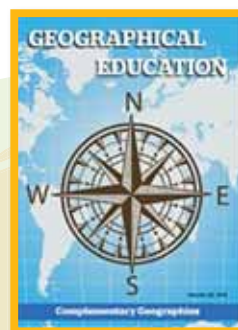
مجله جغرافیا در آموزش عالی

Journal of Geography in Higher
Education Volume 40, Issue 3, 2016

مطالب شماره ۳ از دوره چهارم^۳ مجله جغرافیا در آموزش

دکتر سیدمهدی موسوی کاظمی
عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور تهران

منابع جغرافیایی



مجله آموزش جغرافیا

Geographical Education, Volume 28,
2015

مطالب بیست و هشتمین شماره^۱ مجله تخصصی انجمن معلمان جغرافیای استرالیا در سال ۲۰۱۵ که یک شماره در سال منتشر می‌شود.

– سرمقاله، جغرافیای مکمل. نیک هاجینسون
– گزارش سالانه (۲۰۱۵) رئیس هیئت مدیره انجمن.

دکتر گرانت کلیمن

– نقش سازگاری در مقابله با چالش‌های آب و هوایی و زیست‌محیطی. آندره جی مارتین و گرگوری آریف دی لیم

– دانش قدرتمند چیست و آیا می‌توان آن را در برنامه درسی جغرافیای استرالیا یافت؟ آلاریک ماود

– کار کردن با ایده‌های دانش‌آموزان در جغرافیای طبیعی؛ مدلی از توسعه و کاربرد دانش. رود لین و پاملا کاتز

– جایگاه آموزش مبتنی بر مکان در برنامه درسی جغرافیای ابتدایی استرالیا. لوپریستون

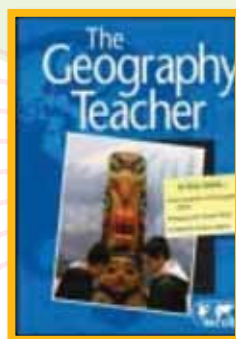
– مسابقه جغرافیای استرالیا: بررسی اجمالی از میزان مشارکت و نتایج دوره ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۳. ایرافنه آر دلیو

– چایلدز و کاترین برگ
– یادداشتی بر جایگاه معلمان جغرافیا در مدارس هند.

سرفراز عالم

عالی، در سال ۲۰۱۶ که چهار شماره که در سال منتشر می‌شود.

- یادگیری مبتنی بر تحقیق و پژوهش برای دانشجویان
- مقطع کارشناسی در علوم آب و هیدرولوژی در یک محیط منطقه خشک. **علی المکتومی و دیگران**
- تولید مشترک پویایی‌ها: مبادله دانش جغرافیا در یک جلسه کنفرانس در حرکت. **سیمون کوک و دیگران**
- فضاهای حاشیه‌ای برای یادگیری جمعی: فرصت‌ها، مزایا و چالش‌ها. **جنیفر هیل و دیگران**
- نقش آینده آموزش GIS در ایجاد تفکر فضایی انتقادی.
- نیک بیرمن و دیگران**
- «هیچ چیز استاندارد در مورد استانداردها وجود ندارد»:
- پژوهشی در تنش‌های بین دو سند استاندارد در آموزش عالی.
- تری بورک و جنیفر کارتر**
- یادگیری تدریس جغرافیا برای آموزش ابتدایی: نتایج حاصل از یک برنامه آزمایشی. **ماریان بلانکمن و دیگران**
- تسهیل تفکر فضایی در مورد جغرافیای جهان با استفاده از GIS
- مبتنی بر وب. **اینجونگ جو و دیگران**
- بررسی تأییدهای هنجاری: حصول اطمینان از عمل آموزشی فراگیر در آموزش و یادگیری کار میدانی در مقطع کارشناسی. **آنی هوگس**



مجله معلم جغرافیا The Geography Teacher, Volume 13, Issue 2, 2016

مطالب شماره ۲ از سیزدهم، مجله معلم جغرافیا، یکی از دو مجله شورای ملی برای آموزش جغرافیا در ایالات متحده در سال ۲۰۱۶ که چهار شماره در سال منتشر می‌شود.

- سرمقاله، **ربکا تئوبالد**
- تمرین‌های جغرافیا. **سارا ویتام بدنارز**
- **پل موفقیت GIS. فرانسیس استونیر و جونگ اون هونگ**

- روش آموزش مبتنی بر تجربه با هدف بهبود آگاهی فضایی با استفاده از GPS. **Geo Selfies. کی کالتون**
- فلین و جنی پاپ**

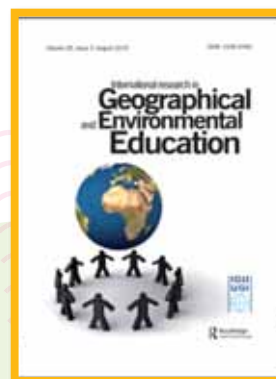
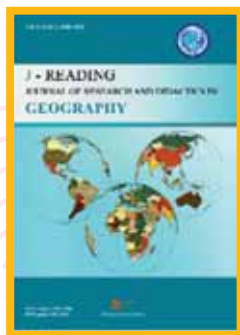
- سفر با دانش‌آموزان کلاس هشتم برای یادگیری درباره تاریخ ایالتی و محلی. **رونالد وی موریس**
- برای تفکر فضایی و محیط زیستی، عینک آفتابی جغرافیا خود را بزنید! **مارک سی جونز**



مجله الکترونیکی ری جئو (مجله آموزش جغرافیایی بین‌المللی بر خط) RIGEO, Volume 6, Number 1, Spring 2016

مطالب شماره ۱ از دوره ششم، مجله آموزش جغرافیایی بین‌المللی بر خط، در بهار ۲۰۱۶ که ۳ شماره در سال منتشر می‌شود.

- سرمقاله، **ایوب آرتوینلی**
- استفاده از برنامه‌ریزی کتاب‌های درسی در مدارس انگلیسی



جی - ریدینگ (مجله انجمن معلم ویژه، بحران چشم‌انداز، چشم‌انداز بحران. راه حل چیست؟ در سال ۲۰۱۶ که دو شماره در سال منتشر می‌شود:

- بحران چشم‌انداز، چشم‌انداز بحران: یادداشت‌هایی برای یک رویکرد اجتماعی و اکولوژیک فابو پاراسکاندولو
- بحران چشم‌انداز، بحران هنجارها برای چشم‌انداز، برنامه‌ریزی چشم‌انداز بین عدم اطمینان و افکار دوم. چند مسئله پایه‌ای. **آنا ماریا کولایتی**

- چشم‌انداز «نهادی» در مقابل «روزمره» به‌عنوان مفاهیم متعارض در آراء و شیوه‌ها. واکنش‌ها و دیدگاه‌ها از یک مطالعه موردی در شمال شرقی ایتالیا. **بندتا کاستیگلیونی**

- کشاورزی و چشم‌انداز. از زمینه‌های کشت شده تا اراضی بایر، و بالعکس. **پائولو دانگلیو**

- شهر هوشمند: چشم‌اندازهای شهری در بحران کنونی. **سیلوا آرو**

- چشم‌انداز باز تولید شده ساردنی. نگاهی زیبایی‌شناسانه. **فدریکا پاو**

- چشم‌انداز شهری کالباری: عوام؟ **مارسلو تانکا**
- مهار رشد به‌عنوان یک پروژه سرزمینی - چشم‌انداز. **سرچی لاتوچ**

پی‌نوشت‌ها

1. [http://www.agta.asn.au/Resources/Geographical Education/geoged-v28-2015.php](http://www.agta.asn.au/Resources/Geographical%20Education/geoged-v28-2015.php)
2. <http://www.tandfonline.com/loi/rjog20>
3. <http://www.tandfonline.com/toc/cjgh20>
4. <http://rigeo.org/2016-volume/1>
5. <http://www.tandfonline.com/toc/rget20>
6. <http://www.tandfonline.com/toc/rgee20>
7. <http://www.j-reading.org/index.php/geography/issue/view/10>

مجله تحقیقات بین‌المللی در آموزش جغرافیا و محیط زیست

International Research in Geographical and Environmental Education, Volume 25, Issue 3, 2016

مطالب شماره ۳ از دوره بیست و پنجم^۶، **مجله تحقیقات بین‌المللی در آموزش جغرافیا و محیط زیست** در سال ۲۰۱۶ که چهار شماره در سال منتشر می‌شود.

- مفاهیم معلمان جغرافیا از کار با تفکر از طریق استراتژی‌های جغرافیا - نتایج یک مطالعه ترمیمی تجربی، استفان آپلیس

- عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان در مطالعات زیست‌محیطی، یک مطالعه تجربی از گروه‌های مختلف فارغ‌التحصیلان دوره متوسطه. **لوئیس تینگ اون چونگ و دیگران**

- دانش تغییر جهانی آب و هوا: دیدگاه دانشجویان ایرانی. **صادق صالحی و دیگران**

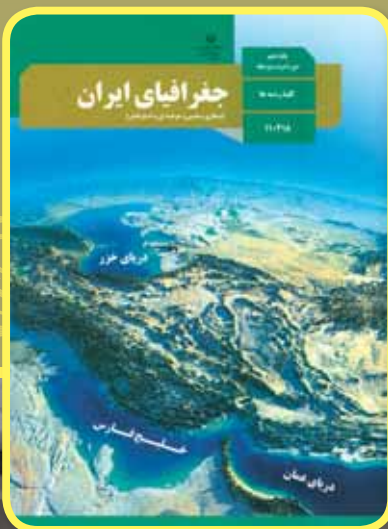
- گسترش توانایی دانش‌آموزان برای مفهوم‌سازی پویایی‌های تغییر مکان در آموزش جغرافیای محیط زیست. **مایک داناها**

- جغرافیای متوسطه و برنامه‌درسی استرالیا؛ جهات در اجرای مدرسه یک مطالعه مقایسه‌ای. **نیرانجان کاسینادر**

جی - ریدینگ - فصلنامه پژوهش و تعلیم در جغرافیا

J-Reading - Journal of Research and Didactics in Geography No 1 (2016)

مطالب شماره ۱ دوره پنجم (دهمین شماره متوالی)^۷، **مجله**



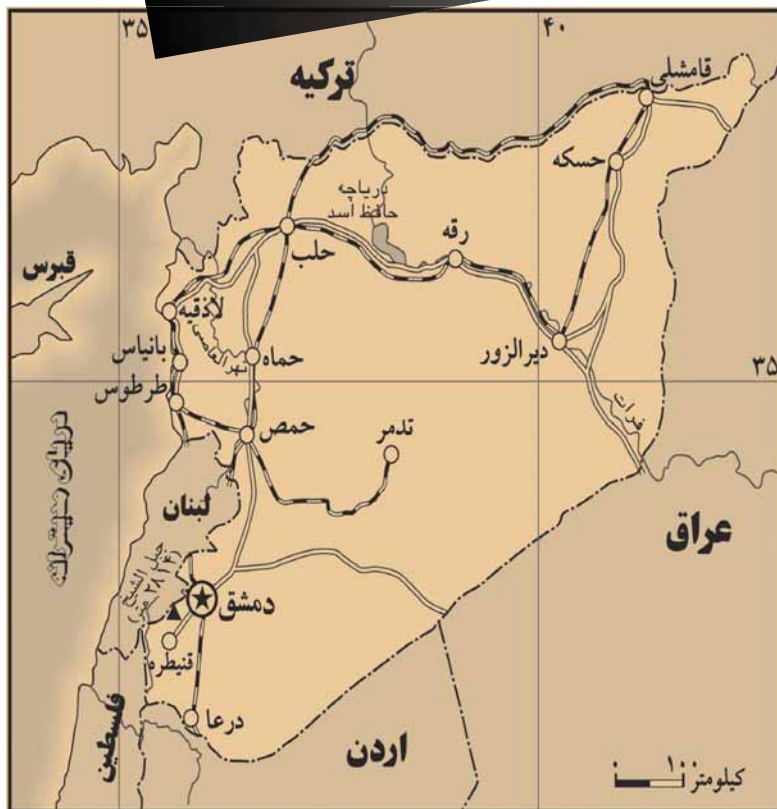
روز سه‌شنبه ۲۶ مرداد ماه سال ۱۳۹۵؛ مراسم رونمایی از کتاب جغرافیای ایران پایه دهم متوسطه در اتاق جلسات دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی برگزار شد.

در این جلسه ضمن تقدیر از همه اعضای شورای برنامه‌ریزی و مؤلفان این کتاب در مورد تولید کتاب راهنمای معلم این کتاب بر مبنای چهارچوب مورد نظر دفتر تأکید شد. همچنین به موضوع برگزاری دوره تأمین مدرس برای این کتاب در روزهای شنبه و یکشنبه ۶ و ۷ شهریور ۹۵ اشاره شد. حاضران در جلسه، نظرهای خود را ارائه نمودند و بحث مبسوطی دربارهٔ بارم‌بندی این کتاب به عمل آمد.

نشانی وبگاه گروه جغرافیا:

<http://Geography-dept.talif.sch.ir>

جمهوری عربی سوریه



نام رسمی:

جمهوری عربی سوریه

نام محلی:

سوریه، سوریا

اسامی دیگر:

شام (نام قدیمی)

نام بین‌المللی:

سیریا SYRIA

سوریه با مساحت ۱۸۵،۱۸۰ کیلومتر مربع (هشتاد و هشتمین کشور جهان) سرزمینی است در غرب آسیا و ساحل خاوری دریای مدیترانه که از شمال به ترکیه، از خاور و جنوب خاوری به عراق، از جنوب به اردن، از جنوب غربی به فلسطین و از غرب به لبنان و دریای مدیترانه محدود است.

اراضی غربی و مشرف به دریای آن از کوه‌های لبنان شرقی، علویین و جبل الدروز با ارتفاع حداکثر ۲۸۱۴ متر پوشیده شده و بقیه کشور را بیابان‌های

وسیع و صحرای سوریه یا بادیه‌الشام فرا گرفته است.

آب و هوا: اقلیم آن در نواحی غربی و جنوب غربی معتدل و مرطوب و نسبتاً پرباران و در سایر نواحی گرم و خشک است. رودخانه‌های فرات (۲۶۶۶ کیلومتر)، خابور، نهر العاصی و قویق که اکثراً از کوه‌های ترکیه سرچشمه گرفته‌اند آن را مشروب می‌سازند.

جمعیت: براساس آمار سال ۲۰۱۴، جمعیت سوریه ۲۱/۹۸۷/۰۰۰ نفر (پنج‌هزار و پانصد و پنجاه و پنج هزار نفر) است که ۵۷/۳ درصد آن ساکن شهرها و ۴۲/۷ درصد ساکن روستاها هستند. تراکم جمعیت نیز در این کشور ۱۱۹ نفر در هر کیلومتر مربع است.

توزیع سنی: طبق آمار سال ۲۰۰۹، ۳۶/۴ درصد افراد زیر ۱۵ سال، ۳۰/۷ درصد بین ۱۵ تا ۲۹ سال، ۱۸/۱ درصد بین ۳۰ تا ۴۴ سال، ۹/۴ درصد بین ۴۵ تا ۵۹ سال، ۴/۱ درصد بین ۶۰ تا ۷۴ سال، ۱/۱ درصد بین ۷۵ تا ۸۴ سال و ۰/۲ درصد نیز بیش از ۸۵ سال سن دارند. امید زندگی در هنگام تولد برای مردان ۷۱/۹ سال و برای زنان ۷۶/۷ سال (۲۰۰۹) بوده است.

تولد و مرگ و میر: براساس آمار سال ۲۰۱۰، میزان تولد ۳۴/۲ نفر در هر هزار نفر، میزان مرگ و میر ۳/۵ نفر در هر هزار نفر و میزان مرگ و میر کودکان نیز ۱۶/۷ نفر در هر هزار تولد بوده است (۲۰۰۹).

ترکیب نژادی: در سال ۲۰۰۰، حدود ۸۶/۲ درصد جمعیت کشور نژاد عرب، ۷/۳ درصد کرد، ۲/۷ درصد ارمنی و ۳/۸ درصد از بقیه نژادها بوده‌اند.

مذهب و زبان: براساس اطلاعات سال ۲۰۰۰، ۸۶ درصد مردم سوریه مسلمان (سنی ۷۴ درصد، علوی «شیعه» ۱۲ درصد)، ۸ درصد آن‌ها مسیحی و ۶ درصد بقیه از سایر ادیان بوده‌اند. زبان رایج و رسمی سوریه عربی است که با خط عربی نوشته می‌شود. زبان‌های کردی و ارمنی هم رایج است.

پایتخت: شهر دمشق با ۲۵۲۹۰۰۰ نفر جمعیت (۲۰۱۳) پایتخت کشور سوریه است و دیگر شهرهای مهم آن عبارتند از: حلب (۳۴۰۳۰۰۰ نفر)، حُمص (۱۵۳۳۰۰۰ نفر)، حمّاه (۱۱۱۶۰۰۰ نفر) و لاذقیه (۷۳۹۰۰۰ نفر).

نوع حکومت: جمهوری چند حزبی با یک مجلس قانونگذاری است. رئیس‌جمهور آن بشار اسد است که از سال ۲۰۰۰ تاکنون در قدرت است، و رئیس دولت، نخست‌وزیر، وائل نادرالحلقی از سال ۲۰۱۲ می‌باشد. قوه مقننه از یک مجلس خلق با ۲۵۰ عضو به مدت ۴ سال تشکیل شده است. کرسی‌های مجلس خلق (۲۰۱۲) بدین شرح بین گروه‌های سیاسی تقسیم شده است: جبهه ترقی‌خواه ملی ۱۶۸ کرسی، جبهه مردمی برای تغییر و آزادی ۵ کرسی و مستقل‌ها ۷۷ کرسی.

استقلال سوریه از فرانسه در روز ۱۷/۴/۱۹۴۶ اعلام شد و همین روز یعنی روز هفدهم آوریل «روز ملی» نامیده شده است. سوریه در سال ۱۹۴۵ به عضویت سازمان ملل متحد درآمد و علاوه بر آن در این سازمان‌ها نیز عضویت دارد: کنفرانس تجارت و توسعه ملل متحد (UNCTAD)، صندوق کودکان ملل متحد (UNICEF)، سازمان خوار و بار و کشاورزی ملل متحد (FAO)، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی (IAEA)، بانک بین‌المللی ترمیم و توسعه (بانک جهانی) (IBRD)، سازمان بین‌المللی هواپیمایی کشوری (ICAO)، انجمن بین‌المللی توسعه (IDA)، بنگاه مالی بین‌المللی (IFC)، سازمان بین‌المللی کار (ILO)، صندوق بین‌المللی پول (IMF)، سازمان بین‌المللی کشتیرانی (IMO)، اتحادیه بین‌المللی مخابرات راه دور (ITU)، سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی ملل متحد (UNESCO)، سازمان توسعه صنعتی ملل متحد (UNIDO)، اتحادیه جهانی پست (UPO)، سازمان جهانی بهداشت (WHO)، سازمان جهانی هواشناسی (WMO)، بانک توسعه اسلامی (IDB)، اتحادیه عرب، جنبش عدم تعهد و سازمان کنفرانس اسلامی.

کشاورزی و صنایع: محصولات عمده این کشور عبارتند از (۲۰۱۳): گندم، زیتون، چغندر قند، جو، گوجه فرنگی، سیب‌زمینی، پرتقال، پنبه دانه، سیب، انگور، بادام، گیلاس، نخود، پسته، انیسون، گشنیز و دانه رازیانه. مهم‌ترین محصولات صنعتی آن نیز (۲۰۰۷): منسوجات و پوشاک، فرآورده‌های غذایی، نوشیدنی، دخانیات، مصنوعات فلزی، سیمان، آجر و کاشی بوده است.

در سال ۲۰۱۱، سوریه ۳۰/۸ درصد اراضی کشاورزی، ۴۴/۶ درصد مرتع و چمنزار و ۲/۷ درصد جنگل داشته است. دام‌های زنده آن در سال (۲۰۱۳) شامل گوسفند، گاو و شتر بوده و میزان صید ماهی آن نیز معادل ۱۰۲۰۰ تن برآورده شده است. همچنین در این کشور حدود ۴۶۴۱۳ میلیون کیلووات ساعت

برق تولید و ۴۶۰۶۰ میلیون کیلووات ساعت برق مصرف شده است.

نیروی کار: طبق آمار سال ۲۰۰۸، تعداد نیروی کار سوریه ۵۴۴۲۳۹۹ نفر بوده که ۲۵/۵ درصد جمعیت را تشکیل می‌داده است. شاغلان بالای ۱۵ سال ۴۴/۴ درصد، زنان ۱۶/۳ درصد و ۱۷/۸ درصد افراد بیکار بوده‌اند (۲۰۱۳).
واحد پول: لیره سوریه (LS) معادل ۱۰۰ پیاستر، هر دلار آمریکا معادل ۱۵۳/۹۵ لیره سوریه معادل ۱۹۷ ریال است.

درآمد ناخالص ملی: در سال ۲۰۱۱، درآمد ناخالص ملی سوریه به ۵۶۲۵۵ میلیون دلار آمریکا بالغ شد و میزان سرانه آن حدود ۵۲۰۰ دلار آمریکا بود.

واردات: کشور سوریه در سال ۲۰۰۷، حدود ۱۴۶۵۵ میلیون دلار آمریکا کالا وارد کرده است که عمدتاً شامل: نفت تصفیه شده ۲۹/۵ درصد، آهن و فولاد ۱۰/۵ درصد، مواد غذایی ۱۰/۱ درصد، ماشین‌آلات و تجهیزات ۹/۵ درصد و وسایل نقلیه ۶/۶ درصد بوده است. این کالاها از کشورهای روسیه ۹/۸ درصد، چین ۸ درصد، ایتالیا ۶/۹ درصد، اوکراین ۵/۸ درصد و عربستان سعودی ۵/۷ درصد وارد شده‌اند.

صادرات: در سال ۲۰۰۷، این کشور حدود ۱۱۵۴۶ میلیون دلار آمریکا کالا شامل: نفت خام ۳۴/۵ درصد، مواد غذایی ۱۷/۳ درصد، پوشاک ۷/۹ درصد، منسوجات ۷ درصد و نفت تصفیه شده ۶/۵ درصد به کشورهای ایتالیا ۲۳/۷ درصد، فرانسه ۱۱/۵ درصد، عربستان سعودی ۱۰/۶ درصد، عراق ۵/۶ درصد و ترکیه ۵/۲ درصد صادر کرده است.

ارتش: در سال ۲۰۱۳، ارتش این کشور حدود ۱۷۸۰۰۰ نیرو در اختیار داشته که از این تعداد ۶۱/۸ درصد در نیروی زمینی، ۲/۸ درصد در نیروی دریایی و ۳۵/۴ درصد در نیروی هوایی مشغول خدمت بوده‌اند. هزینه سرانه ارتش حدود ۱۱۱ دلار آمریکا (۲۰۰۹) بوده است.

حمل و نقل: طول خطوط راه‌آهن در سال ۲۰۰۸، حدود ۲۸۳۳ کیلومتر و طول راه‌های اتومبیل‌رو حدود ۶۹۸۷۳ کیلومتر بوده است (۲۰۱۰). در سال ۲۰۱۲ تعداد ۸۰۱۲۲۴ دستگاه اتومبیل سواری و ۷۳۵۱۰۱ دستگاه اتوبوس و کامیون در این کشور



با مجله‌های رشد آشنا شوید

مجله‌های دانش‌آموزی

به صورت ماهانه و ده شماره در سال تحصیلی منتشر می‌شود:

- رشد کودک** برای دانش‌آموزان پیش‌دبستانی و پایه اول دوره آموزش ابتدایی
- رشد نوجوان** برای دانش‌آموزان پایه‌های دوم و سوم دوره آموزش ابتدایی
- رشد دانش‌آموز** برای دانش‌آموزان پایه‌های چهارم، پنجم و ششم دوره آموزش ابتدایی

مجله‌های دانش‌آموزی

به صورت ماهانه و هشت شماره در سال تحصیلی منتشر می‌شود:

- رشد نوجوان** برای دانش‌آموزان دوره آموزش متوسطه اول
- رشد جوان** برای دانش‌آموزان دوره آموزش متوسطه اول
- رشد جوان** برای دانش‌آموزان دوره آموزش متوسطه دوم
- رشد جوان** برای دانش‌آموزان دوره آموزش متوسطه دوم

مجله‌های بزرگسال عمومی

به صورت ماهانه و هشت شماره در سال تحصیلی منتشر می‌شود:

- رشد آموزش ابتدایی ♦ رشد تکنولوژی آموزشی
- رشد مدرسه فردا ♦ رشد معلم

مجله‌های بزرگسال تخصصی:

به صورت فصل‌نامه و سه شماره در سال تحصیلی منتشر می‌شود:

- رشد آموزش قرآن و معارف اسلامی ♦ رشد آموزش زبان و ادب فارسی
- رشد آموزش هنر ♦ رشد آموزش مشاور مدرسه ♦ رشد آموزش تربیت بدنی
- رشد آموزش علوم اجتماعی ♦ رشد آموزش تاریخ ♦ رشد آموزش جغرافیا
- رشد آموزش زبان‌های خارجی ♦ رشد آموزش ریاضی ♦ رشد آموزش فیزیک
- رشد آموزش شیمی ♦ رشد آموزش زیست‌شناسی ♦ رشد مدیریت مدرسه
- رشد آموزش فنی و حرفه‌ای و کار دانش ♦ رشد آموزش پیش‌دبستانی

مجله‌های رشد عمومی و تخصصی، برای معلمان، مدیران، مربیان، مشاوران و کارکنان اجرایی مدارس، دانش‌جویان دانشگاه فرهنگیان و کارشناسان گروه‌های آموزشی و... تهیه و منتشر می‌شود.

♦ نشانی: تهران، خیابان ایرانشهر شمالی، ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش، پلاک ۲۶۶.

♦ تلفن و نمابر: ۸۸۳۰۱۴۷۸ - ۲۱

♦ وبگاه: www.roshdmag.ir

عرض تسلیت

مطلع شدیم که والده مکرمه آقای دکتر سیاوش شایان سردبیر محترم مجله دارفانی را وداع گفته‌اند. هیئت تحریریه مجله ضمن عرض تسلیت به ایشان مراتب تأثر و تأسف خود را از این واقعه ابراز نموده و برای بازماندگان آن مرحومه آرزوی صبر جمیل و اجر جزیل دارد.



اقتصاد مقاومتی؛ اقدام و عمل

روشد آموزش

نحوه اشتراک:

پس از واریز مبلغ اشتراک به شماره حساب ۳۹۶۶۲۰۰۰ بانک تجارت، شعبه سهراب آزمایش کد ۳۹۵ در وجه شرکت افست، به دو روش زیر، مشترک مجله شوید:

۱. مراجعه به وبگاه مجلات رشد به نشانی: www.roshdmag.ir و تکمیل برگه اشتراک به همراه ثبت مشخصات فیش واریزی؛
۲. ارسال اصل فیش بانکی به همراه برگ تکمیل شده اشتراک با پست سفارشی یا از طریق دورنگار به شماره ۸۸۴۹۰۲۳۳۳ لطفاً کپی فیش را نزد خود نگه دارید.

♦ عنوان مجلات در خواستی:

- ♦ نام و نام خانوادگی:
- ♦ تاریخ تولد: ♦ میزان تحصیلات:
- ♦ تلفن:
- ♦ نشانی کامل پستی:
- استان: شهرستان:
- خیابان:
- پلاک: شماره پستی:
- شماره فیش بانکی:
- مبلغ پرداختی:

♦ اگر قبلاً مشترک مجله رشد بوده‌اید، شماره اشتراک خود را بنویسید:

امضا:

- ♦ نشانی: تهران، صندوق پستی امور مشترکین: ۱۱۱۵۵/۴۹۷۹
- ♦ تلفن بازگانی: ۰۲۱-۸۸۸۶۷۳۰۸
- ♦ Email: Eshterak@roshdmag.ir

- ♦ هزینه اشتراک سالانه مجلات عمومی رشد (هشت شماره): ۳۵۰/۰۰۰ ریال
- ♦ هزینه اشتراک سالانه مجلات تخصصی رشد (سه شماره): ۲۰۰/۰۰۰ ریال

مشغول به کار بوده‌اند. همچنین در سال ۲۰۱۱ تعداد ۴ فرودگاه بین‌المللی با پروازهای زمان‌بندی شده وجود داشته است.

ارتباطات: در سال ۲۰۰۶، تعداد ۳۷۵۰۰۰۰ گیرنده تلویزیونی (۱۹۴ دستگاه برای هر هزار نفر)، ۴۴۲۹۰۰۰ خط تلفن (۲۰۱۳) (۲۰۲) خط برای هر هزار نفر، ۱۲۲۵۷۰۰۰ خط تلفن همراه (۲۰۱۳) (۵۶۰ خط تلفن برای هر هزار نفر)، ۱۸۴۴۰۰۰ دستگاه رایانه شخصی (۲۰۰۷) (۹۰ رایانه برای هر هزار نفر) و ۴۴۶۹۰۰۰ اشتراک اینترنت (۲۰۰۹) (۲۰۴ اشتراک اینترنت برای هر هزار نفر) استفاده شده است.

بهداشت: طبق آمار سال ۲۰۰۸، تعداد پزشکان این کشور ۲۹۴۷۳ نفر (برای هر ۷۲۴ نفر یک پزشک) و ۳۰۶۱۷ تخت بیمارستانی (۲۰۱۰) (برای هر ۶۷۷ نفر یک تخت) وجود داشته است.

تغذیه: تعداد افراد دارای سوء تغذیه که کمتر از ۱۸۰۰ کالری انرژی مصرف می‌کنند (۲۰۰۶-۰۸) کمتر از ۵ درصد کل جمعیت کشور بوده است.

آموزش: نرخ باسوادی سوریه در سال ۲۰۱۲ حدود ۸۵/۱ درصد بوده است. جدول زیر خلاصه‌ای از نسبت‌های آموزشی دوره‌های تحصیلی (۲۰۰۷-۰۸) را در این کشور نشان می‌دهد:

نسبت دانش‌آموزان به معلم	تعداد دانش‌آموزان	تعداد معلمان	دوره تحصیلی
۱۷/۸	۲۵۵۲۸۷۴	۱۳۲۰۹۹	ابتدایی
۱۴/۵	۲۸۷۵۶۱۲	۱۸۰۷۰۳	متوسط
۳۴/۶	۵۷۱۴۰۱	۸۰۸۴	عالی